



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

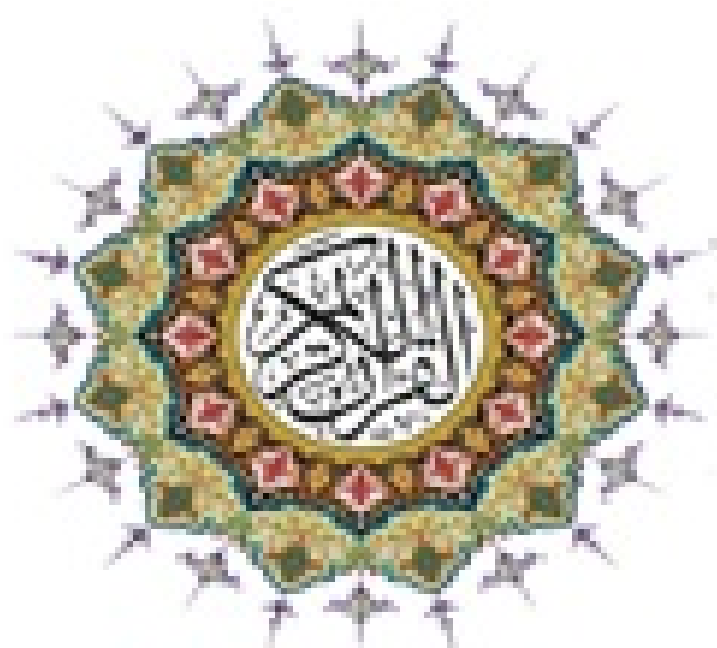
گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۵۶

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 56

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۵۴	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۵۶
۵۴	مشخصات کتاب
۵۴	۱- زمین
۵۴	۱- زمین
۵۴	۲- آثار آرامش زمین
۵۵	۳- آثار تحولات درونی زمین
۵۶	۴- آثار ثبات زمین
۵۶	۵- آثار حاکمیت بر زمین
۵۶	۶- آثار حیات زمین
۵۸	۷- آثار خلقت زمین
۵۸	۸- آثار ذکر خلقت زمین
۵۹	۹- آثار ذکر مراحل خلقت زمین
۶۰	۱۰- آثار گسترش زمین
۶۰	۱۱- آثار مطالعه زمین
۶۲	۱۲- آثار مطالعه مراحل خلقت زمین
۶۲	۱۳- آرامش در زمین
۶۲	۱۴- آرامش زمین
۶۴	۱۵- آرامش زمین از آیات خدا
۶۴	۱۶- آسایش در زمین
۶۴	۱۷- آغاز خلقت زمین
۶۶	۱۸- آفریده قبل از زمین
۶۶	۱۹- آفرینش زمین
۶۹	۲۰- آمادگی زمین

- ۷۰ ۲۱- آیات خدا در زمین
- ۷۱ ۲۲- ابداع زمین
- ۷۲ ۲۳- اتقان خلقت زمین
- ۷۲ ۲۴- اجتماع در زمین
- ۷۲ ۲۵- اجل زمین
- ۷۲ ۲۶- احاطه آسمان بر زمین
- ۷۴ ۲۷- احاطه زمین بر انسانها
- ۷۴ ۲۸- احیای زمین
- ۷۷ ۲۹- احیای زمین از آیات خدا
- ۷۸ ۳۰- احیای زمین موات
- ۷۸ ۳۱- اخبار زمین
- ۷۸ ۳۲- اخراج ذخایر زمین
- ۸۰ ۳۳- اراده زمین
- ۸۰ ۳۴- ارائه اخبار زمین
- ۸۰ ۳۵- ارزش زمین
- ۸۰ ۳۶- ارزش نعمتهای زمین
- ۸۱ ۳۷- ارزشمندی خلقت زمین
- ۸۲ ۳۸- استفاده از زمین
- ۸۴ ۳۹- استفاده از نعمتهای زمین
- ۸۴ ۴۰- استقرار آدم(ع) در زمین
- ۸۴ ۴۱- استقرار انسان ها در زمین
- ۸۶ ۴۲- استقرار زمین
- ۸۶ ۴۳- استقرار کوه ها در زمین
- ۸۶ ۴۴- افساد در زمین
- ۹۰ ۴۵- افشاگری زمین
- ۹۰ ۴۶- افشای اخبار زمین

- ۴۷- امانت عرضه شده به زمین - ۹۲
- ۴۸- امتناع زمین از تکلیف - ۹۲
- ۴۹- امتناع زمین از قبول امانت - ۹۳
- ۵۰- امکانات زمین - ۹۴
- ۵۱- انذار از فروروی در زمین - ۹۵
- ۵۲- انسان از زمین - ۹۶
- ۵۳- انسان در زمین - ۹۶
- ۵۴- انشقاق زمین - ۹۸
- ۵۵- انقیاد زمین - ۹۸
- ۵۶- اولین نقطه زمین - ۱۰۶
- ۵۷- اهل زمین - ۱۰۶
- ۵۸- اهمیت امانت عرضه شده بر زمین - ۱۰۸
- ۵۹- اهمیت تدبیر زمین - ۱۰۸
- ۶۰- اهمیت تعقل در تسطیح زمین - ۱۰۸
- ۶۱- اهمیت خلقت زمین - ۱۰۸
- ۶۲- اهمیت زمین - ۱۱۰
- ۶۳- اهمیت زمین گیری کافران - ۱۱۰
- ۶۴- بازگشت انسان به زمین - ۱۱۲
- ۶۵- بازگشت به زمین - ۱۱۲
- ۶۶- باغهای زمین - ۱۱۲
- ۶۷- بذریابی در زمین - ۱۱۳
- ۶۸- برکات زمین - ۱۱۴
- ۶۹- بستر بودن زمین - ۱۱۴
- ۷۰- بقای زمین - ۱۱۴
- ۷۱- بقای نسل انسان در زمین - ۱۱۶
- ۷۲- بی ارزشی زمین - ۱۱۶

- ۷۳- پراکندگی مواد درونی زمین ۱۱۶
- ۷۴- پرسش از خلقت زمین ۱۱۶
- ۷۵- پیدایش زمین ۱۱۸
- ۷۶- پیوستگی آسمان و زمین ۱۱۸
- ۷۷- تاریخ خلقت زمین ۱۱۸
- ۷۸- تاریخ زمین ۱۲۰
- ۷۹- تبدیل زمین ۱۲۵
- ۸۰- تبدیل زمین به بیابان ۱۲۶
- ۸۱- تحقیق در زمین ۱۲۶
- ۸۲- تخریب موجودات زمین ۱۲۶
- ۸۳- تخریب زمین ۱۲۸
- ۸۴- تخلیه زمین ۱۲۸
- ۸۵- تداوم حیات در زمین ۱۲۸
- ۸۶- تدبیر زمین ۱۲۹
- ۸۷- ترس زمین ۱۳۲
- ۸۸- تسبیح زمین ۱۳۳
- ۸۹- تسبیح موجودات زمین ۱۳۴
- ۹۰- تسخیر زمین ۱۳۴
- ۹۱- تسطیح زمین ۱۳۴
- ۹۲- تشبیه به احیای زمین ۱۳۶
- ۹۳- تشبیه به زمین مرده ۱۳۶
- ۹۴- تشبیه زمین ۱۳۸
- ۹۵- تشویق به مطالعه زمین ۱۳۸
- ۹۶- تعداد زمین ۱۳۹
- ۹۷- تغییر زمین ۱۴۰
- ۹۸- تفکر در ملکوت زمین ۱۴۰

- ۹۹- تفکر در موجودات زمین ۱۴۰
- ۱۰۰- تکامل زمین ۱۴۲
- ۱۰۱- تیمم بر زمین ۱۴۲
- ۱۰۲- ثبات زمین ۱۴۲
- ۱۰۳- جن در زمین ۱۴۴
- ۱۰۴- جوشش آب از زمین ۱۴۴
- ۱۰۵- چرخش زمین ۱۴۶
- ۱۰۶- حافظ نظم زمین ۱۴۶
- ۱۰۷- حاکم زمین ۱۴۶
- ۱۰۸- حاکمیت بر زمین ۱۵۲
- ۱۰۹- حدوث زمین ۱۵۳
- ۱۱۰- حرکت در زمین ۱۵۴
- ۱۱۱- حرکت زمین ۱۵۴
- ۱۱۲- حرمت افساد در زمین ۱۵۶
- ۱۱۳- حق بهره‌وری از زمین ۱۵۶
- ۱۱۴- حقانیت خلقت زمین ۱۵۶
- ۱۱۵- حمد خدا در زمین ۱۵۸
- ۱۱۶- حیات زمین ۱۵۹
- ۱۱۷- خالق زمین ۱۶۰
- ۱۱۸- خدا و آبادانی زمین ۱۷۲
- ۱۱۹- خدای زمین ۱۷۳
- ۱۲۰- خزاین زمین ۱۷۴
- ۱۲۱- خلافت در زمین ۱۷۴
- ۱۲۲- خلقت تدریجی زمین ۱۷۴
- ۱۲۳- خلقت زمین ۱۷۶
- ۱۲۴- درختان زمین ۱۸۸

- ۱۸۹ ----- ۱۲۵- درک نیازمندی زمین
- ۱۹۰ ----- ۱۲۶- دشمنی در زمین
- ۱۹۰ ----- ۱۲۷- ذخایر زمین
- ۱۹۰ ----- ۱۲۸- ذخیره سازی آب در زمین
- ۱۹۲ ----- ۱۲۹- ذکر خلقت زمین
- ۱۹۲ ----- ۱۳۰- ذوالقرنین در مغرب زمین
- ۱۹۲ ----- ۱۳۱- زمان گسترش زمین
- ۱۹۴ ----- ۱۳۲- زمین آخرت
- ۱۹۵ ----- ۱۳۳- زمین از آیات خدا
- ۱۹۶ ----- ۱۳۴- زمین با برکت
- ۱۹۶ ----- ۱۳۵- زمین بهشت
- ۱۹۶ ----- ۱۳۶- زمین بی برکت
- ۱۹۶ ----- ۱۳۷- زمین پاک
- ۱۹۸ ----- ۱۳۸- زمین در دوران لوط(ع)
- ۱۹۸ ----- ۱۳۹- زمین در قیامت
- ۲۱۰ ----- ۱۴۰- زمین کشاورزی
- ۲۱۰ ----- ۱۴۱- زمین مستعد
- ۲۱۰ ----- ۱۴۲- زمین موات
- ۲۱۲ ----- ۱۴۳- زمین نامستعد
- ۲۱۲ ----- ۱۴۴- زمین هنگام قیامت
- ۲۱۴ ----- ۱۴۵- زمین افساد در زمین
- ۲۱۴ ----- ۱۴۶- زمین تخلیه زمین
- ۲۱۴ ----- ۱۴۷- زندگی انسان ها در زمین
- ۲۱۴ ----- ۱۴۸- زندگی در زمین
- ۲۱۸ ----- ۱۴۹- زینت های زمین
- ۲۱۸ ----- ۱۵۰- زینتهای زمین

- ۱۵۱- ساختار زمین ۲۱۹
- ۱۵۲- سختی خلقت زمین ۲۲۰
- ۱۵۳- سختی زندگی آدم(ع) در زمین ۲۲۰
- ۱۵۴- سرسبزی زمین ۲۲۰
- ۱۵۵- سرعت انهدام زمین ۲۲۲
- ۱۵۶- سستی زمین در قیامت ۲۲۲
- ۱۵۷- سکونت انسان در زمین ۲۲۲
- ۱۵۸- سکونت در زمین ۲۲۳
- ۱۵۹- سوگند به زمین ۲۲۴
- ۱۶۰- سوگند به شکافتن زمین ۲۲۶
- ۱۶۱- سوگند به گستراننده زمین ۲۲۶
- ۱۶۲- سوگند به گسترش زمین ۲۲۶
- ۱۶۳- شخم زمین ۲۲۶
- ۱۶۴- شدت انهدام زمین ۲۲۸
- ۱۶۵- شرایط استفاده از امکانات زمین ۲۲۸
- ۱۶۶- شعور زمین ۲۲۸
- ۱۶۷- شکافتن زمین ۲۳۰
- ۱۶۸- شکل زمین ۲۳۲
- ۱۶۹- شگفتی تحولات زمین ۲۳۲
- ۱۷۰- شگفتی خلقت زمین ۲۳۴
- ۱۷۱- شگفتی شکافتن زمین ۲۳۴
- ۱۷۲- شیاطین در زمین ۲۳۴
- ۱۷۳- صعود موجودات زمینی ۲۳۵
- ۱۷۴- ظهور ذخایر زمین ۲۳۶
- ۱۷۵- عبادت زمین ۲۳۶
- ۱۷۶- عبرت از تدبیر زمین ۲۳۶

- ۱۷۷- عذاب با زمین ۲۳۶
- ۱۷۸- عرضه امانت به زمین ۲۳۷
- ۱۷۹- عرضه تکلیف به زمین ۲۳۸
- ۱۸۰- عظمت خلقت زمین ۲۳۸
- ۱۸۱- عظمت زمین ۲۴۰
- ۱۸۲- عظمت گسترش زمین ۲۴۱
- ۱۸۳- عنصر خلقت زمین ۲۴۲
- ۱۸۴- عوامل آرامش زمین ۲۴۲
- ۱۸۵- عوامل احیای زمین ۲۴۲
- ۱۸۶- عوامل انشقاق زمین ۲۴۴
- ۱۸۷- عوامل انهدام زمین ۲۴۵
- ۱۸۸- عوامل بقای زمین ۲۴۶
- ۱۸۹- عوامل ثبات زمین ۲۴۶
- ۱۹۰- عوامل حاصلخیزی زمین ۲۴۶
- ۱۹۱- عوامل حیات زمین ۲۴۸
- ۱۹۲- عوامل سرسبزی زمین ۲۵۰
- ۱۹۳- عوامل گسترش زمین ۲۵۰
- ۱۹۴- عوامل نرمی زمین ۲۵۱
- ۱۹۵- غیب زمین ۲۵۲
- ۱۹۶- فرجام اهل زمین ۲۵۵
- ۱۹۷- فرجام زمین ۲۵۵
- ۱۹۸- فرجام موجودات زمین ۲۵۶
- ۱۹۹- فرو رفتن در زمین ۲۵۸
- ۲۰۰- فروروی آنها در زمین ۲۵۸
- ۲۰۱- فروروی در زمین ۲۵۸
- ۲۰۲- فروروی قارون در زمین ۲۶۰

۲۶۲	۲۰۳- فروروی کافران در زمین
۲۶۲	۲۰۴- فروروی مکذبان خدا در زمین
۲۶۲	۲۰۵- فلسفه احیای زمین
۲۶۳	۲۰۶- فلسفه استقرار انسان در زمین
۲۶۴	۲۰۷- فلسفه تبدیل زمین
۲۶۴	۲۰۸- فلسفه خلقت زمین
۲۶۸	۲۰۹- فلسفه گسترش زمین
۲۶۸	۲۱۰- فنایپذیری اهل زمین
۲۶۹	۲۱۱- فواید زمین
۲۷۶	۲۱۲- فواید ناهمواریهای زمین
۲۷۷	۲۱۳- قانونمندی حیات در زمین
۲۷۸	۲۱۴- قانونمندی خلقت زمین
۲۷۸	۲۱۵- کاستن از زمین
۲۷۹	۲۱۶- کروییت زمین
۲۸۰	۲۱۷- کشتزارهای زمین
۲۸۰	۲۱۸- گرایش به آبادانی زمین
۲۸۰	۲۱۹- گردش انتقالی زمین
۲۸۲	۲۲۰- گردش زمین
۲۸۲	۲۲۱- گردش وضعی زمین
۲۸۳	۲۲۲- گسترش زمین
۲۸۶	۲۲۳- گواهی زمین
۲۸۸	۲۲۴- مالک خزاین زمین
۲۸۸	۲۲۵- مالک زمین
۲۹۸	۲۲۶- مالک غیب زمین
۲۹۸	۲۲۷- مالک کلید زمین
۲۹۸	۲۲۸- مالک موجودات زمین

۳۰۰	۲۲۹- مالک نیروهای زمین
۳۰۲	۲۳۰- مالکیت زمین
۳۰۲	۲۳۱- مدبر زمین
۳۰۴	۲۳۲- مدت حیات در زمین
۳۰۴	۲۳۳- مدت خلقت زمین
۳۰۶	۲۳۴- مراحل خلقت زمین
۳۰۸	۲۳۵- مراد از وارثان زمین
۳۰۸	۲۳۶- مربی زمین
۳۱۰	۲۳۷- مرکز تدبیر زمین
۳۱۰	۲۳۸- مرگ در زمین
۳۱۲	۲۳۹- مرگ زمین
۳۱۲	۲۴۰- مصونیت زمین
۳۱۴	۲۴۱- مطالعه خلقت زمین
۳۱۴	۲۴۲- مطالعه در خلقت زمین
۳۱۴	۲۴۳- مطالعه موجودات زمین
۳۱۴	۲۴۴- معجزه شکافتن زمین
۳۱۶	۲۴۵- مقهوریت زمین
۳۱۶	۲۴۶- ملاک حیات زمین
۳۱۶	۲۴۷- ملکوت زمین
۳۱۷	۲۴۸- منافع تسطیح زمین
۳۱۸	۲۴۹- منشأ آرامش زمین
۳۱۸	۲۵۰- منشأ آمادگی زمین
۳۱۸	۲۵۱- منشأ احیای زمین
۳۲۰	۲۵۲- منشأ استقرار زمین
۳۲۲	۲۵۳- منشأ بازگشت به زمین
۳۲۲	۲۵۴- منشأ برکت زمین

- ۲۲۲ ۲۵۵- منشأ بی حاصلی زمین
- ۳۲۲ ۲۵۶- منشأ تحولات زمین
- ۳۲۳ ۲۵۷- منشأ تدبیر زمین
- ۳۲۴ ۲۵۸- منشأ تسطیح زمین
- ۳۲۴ ۲۵۹- منشأ ثبات زمین
- ۳۲۵ ۲۶۰- منشأ حیات زمین
- ۳۲۶ ۲۶۱- منشأ خلقت زمین
- ۳۲۷ ۲۶۲- منشأ روشنایی زمین
- ۳۲۸ ۲۶۳- منشأ زندگی در زمین
- ۳۲۸ ۲۶۴- منشأ زیبایی زمین
- ۳۲۸ ۲۶۵- منشأ سرسبزی زمین
- ۳۳۰ ۲۶۶- منشأ سلطه انسان بر زمین
- ۳۳۰ ۲۶۷- منشأ شادابی زمین
- ۳۳۱ ۲۶۸- منشأ شخم زمین
- ۳۳۲ ۲۶۹- منشأ شکافتن زمین
- ۳۳۲ ۲۷۰- منشأ گسترش زمین
- ۳۳۴ ۲۷۱- منشأ نشاط زمین
- ۳۳۴ ۲۷۲- منشأ نظم زمین
- ۳۳۵ ۲۷۳- منشأ نور زمین
- ۳۳۶ ۲۷۴- موانع انهدام زمین
- ۳۳۶ ۲۷۵- موانع ثمردهی زمین
- ۳۳۶ ۲۷۶- موانع لرزش زمین
- ۳۳۸ ۲۷۷- موجبات فروری در زمین
- ۳۳۸ ۲۷۸- موجودات با شعور زمین
- ۳۴۰ ۲۷۹- موجودات زمین
- ۳۴۲ ۲۸۰- نشانه های حیات زمین

- ۲۸۱- نشانه های زیبایی زمین ----- ۳۴۴
- ۲۸۲- نطق زمین ----- ۳۴۴
- ۲۸۳- نظام زمین ----- ۳۴۴
- ۲۸۴- نعمت تسطیح زمین ----- ۳۴۵
- ۲۸۵- نعمت حرکت در زمین ----- ۳۴۶
- ۲۸۶- نعمت زمین ----- ۳۴۶
- ۲۸۷- نعمت گسترش زمین ----- ۳۴۶
- ۲۸۸- نعمت همواری زمین ----- ۳۴۶
- ۲۸۹- نعمتهای اهل زمین ----- ۳۴۸
- ۲۹۰- نفوذ آب در زمین ----- ۳۴۸
- ۲۹۱- نفوذ باران در زمین ----- ۳۴۸
- ۲۹۲- نقش احیای زمین ----- ۳۴۸
- ۲۹۳- نقش زمین ----- ۳۵۰
- ۲۹۴- نیازهای زمین ----- ۳۵۶
- ۲۹۵- وابستگی زمین ----- ۳۵۶
- ۲۹۶- وارث زمین ----- ۳۵۸
- ۲۹۷- وارثان زمین ----- ۳۵۸
- ۲۹۸- وحی به زمین ----- ۳۵۸
- ۲۹۹- وسعت زلزله زمین ----- ۳۵۸
- ۳۰۰- وسعت زمین ----- ۳۶۰
- ۳۰۱- وضوح وابستگی زمین ----- ۳۶۰
- ۳۰۲- ویژگی زمین ----- ۳۶۰
- ۳۰۳- ویژگیهای خلقت زمین ----- ۳۶۲
- ۳۰۴- ویژگیهای زمین ----- ۳۶۲
- ۳۰۵- هدفداری خلقت زمین ----- ۳۶۵
- ۳۰۶- هماهنگی تدبیر زمین ----- ۳۶۸

- ۳۶۹ ----- زن -۲
- ۳۶۹ ----- زن -۱
- ۳۶۹ ----- آثار اذیت زنان مؤمن -۲
- ۳۷۱ ----- آثار ازدیاد زنان -۳
- ۳۷۱ ----- آثار صدای طننازانه زن -۴
- ۳۷۱ ----- آثار عفت زنان -۵
- ۳۷۱ ----- آزادی زن -۶
- ۳۷۳ ----- آزادی زن در صدراسلام -۷
- ۳۷۳ ----- آشپزی زن -۸
- ۳۷۳ ----- آفرینش زن -۹
- ۳۷۴ ----- آموزش زنان انفاقگر -۱۰
- ۳۷۵ ----- آموزش زنان اهل تسلیم -۱۱
- ۳۷۵ ----- آموزش زنان خاشع -۱۲
- ۳۷۵ ----- آموزش زنان خاضع -۱۳
- ۳۷۶ ----- آموزش زنان ذاکر -۱۴
- ۳۷۷ ----- آموزش زنان روزه دار -۱۵
- ۳۷۷ ----- آموزش زنان صابر -۱۶
- ۳۷۷ ----- آموزش زنان صادق -۱۷
- ۳۷۷ ----- آموزش زنان عفیف -۱۸
- ۳۷۸ ----- آموزش زنان متذکر -۱۹
- ۳۷۹ ----- آموزش زنان مسلمان -۲۰
- ۳۷۹ ----- آموزش زنان مطیع -۲۱
- ۳۷۹ ----- اباحه غنیمت زنان کافر -۲۲
- ۳۸۱ ----- احترام زن -۲۳
- ۳۸۱ ----- احسان به زن -۲۴
- ۳۸۱ ----- احکام اجتماعی زن -۲۵

۳۸۱	۲۶- احکام زن
۳۸۳	۲۷- احکام زینت زن
۳۸۳	۲۸- اختیارات زن
۳۸۳	۲۹- ارث زن
۳۸۵	۳۰- ارث زن در جاهلیت
۳۸۵	۳۱- ارزش تفکر زن
۳۸۶	۳۲- ارزش زن
۳۸۷	۳۳- ارزش عفت زن
۳۸۷	۳۴- ارزش عمل زن
۳۸۷	۳۵- ارزش عمل زنان مؤمن
۳۸۸	۳۶- ازدواج با زن بابا
۳۸۹	۳۷- ازدواج با زن زناکار
۳۹۰	۳۸- ازدواج با زن مشرک
۳۹۱	۳۹- ازدواج با زن مؤمنه
۳۹۱	۴۰- ازدواج زن
۳۹۱	۴۱- ازدواج زن زناکار
۳۹۳	۴۲- استخوانهای پشت زنان
۳۹۳	۴۳- استخوانهای سینه زنان
۳۹۳	۴۴- استعداد زن
۳۹۴	۴۵- استعدادهای زن
۳۹۵	۴۶- استعدادهای معنوی زن
۳۹۵	۴۷- استغفار برای زن
۳۹۵	۴۸- استقلال زن
۳۹۶	۴۹- استقلال فکری زن
۳۹۷	۵۰- اضرار به زن
۳۹۷	۵۱- اولیای زن

- ۳۹۷ ۵۲- اهمیت حیای زن
- ۳۹۹ ۵۳- اهمیت عفت زن
- ۳۹۹ ۵۴- ایمان زن
- ۳۹۹ ۵۵- بی ارزشی زن در جاهلیت
- ۳۹۹ ۵۶- بی اعتنایی به زن در قوم لوط
- ۴۰۰ ۵۷- پاداش اخروی زن
- ۴۰۱ ۵۸- پاداش اخروی زنان صالح
- ۴۰۱ ۵۹- پاداش اخروی زنان مؤمن
- ۴۰۱ ۶۰- پاداش زنان انفاقگر
- ۴۰۱ ۶۱- پاداش زنان اهل تسلیم
- ۴۰۳ ۶۲- پاداش زنان خاشع
- ۴۰۳ ۶۳- پاداش زنان خاضع
- ۴۰۳ ۶۴- پاداش زنان ذاکر
- ۴۰۳ ۶۵- پاداش زنان روزه دار
- ۴۰۳ ۶۶- پاداش زنان صابر
- ۴۰۵ ۶۷- پاداش زنان صادق
- ۴۰۵ ۶۸- پاداش زنان صالح
- ۴۰۵ ۶۹- پاداش زنان عقیف
- ۴۰۵ ۷۰- پاداش زنان متذکر
- ۴۰۷ ۷۱- پاداش زنان مسلمان
- ۴۰۷ ۷۲- پاداش زنان مؤمن
- ۴۰۷ ۷۳- پاداش عمل زنان مؤمن
- ۴۰۸ ۷۴- پوشاک زن
- ۴۰۹ ۷۵- پوشش محل زینت زن
- ۴۱۱ ۷۶- تأمین نیاز زن
- ۴۱۱ ۷۷- تجاوز به حقوق زن

- ۴۱۲ ۷۸- تجمل گرایی زن
- ۴۱۳ ۷۹- تحقیر زنان کافر
- ۴۱۳ ۸۰- تساوی زن و مرد
- ۴۲۳ ۸۱- تکالیف زن
- ۴۲۳ ۸۲- تکامل زن
- ۴۲۳ ۸۳- تکلیف زن
- ۴۲۶ ۸۴- تمایلات زن
- ۴۲۷ ۸۵- تنبیه زن
- ۴۲۷ ۸۶- توبه زن
- ۴۲۸ ۸۷- جذابیت چشم زن
- ۴۲۹ ۸۸- جذابیت زن
- ۴۲۹ ۸۹- جنس زن
- ۴۲۹ ۹۰- جنیان زن
- ۴۳۱ ۹۱- حرمت اظهار زینت زن
- ۴۳۱ ۹۲- حقوق اجتماعی زن
- ۴۳۱ ۹۳- حقوق اقتصادی زن
- ۴۳۱ ۹۴- حقوق زن
- ۴۵۱ ۹۵- حقوق سیاسی زن
- ۴۵۱ ۹۶- حقوق مالی زن
- ۴۵۱ ۹۷- حقیقت زن
- ۴۵۳ ۹۸- حلیت زن موهوبه برای محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۵۳ ۹۹- خدا و زن
- ۴۵۴ ۱۰۰- خطر انحراف زنان مؤمن
- ۴۵۵ ۱۰۱- خطر گناه زنان مؤمن
- ۴۵۵ ۱۰۲- خلقت زن
- ۴۵۷ ۱۰۳- خوش اخلاقی زن

- ۴۵۷ ۱۰۴- خوشایندی از زن
- ۴۵۷ ۱۰۵- دعا برای زن
- ۴۵۷ ۱۰۶- دوستی با زن شوهردار
- ۴۵۸ ۱۰۷- روزه داری زن
- ۴۵۹ ۱۰۸- روزه زن باردار
- ۴۵۹ ۱۰۹- روزی اخروی زنان صالح
- ۴۵۹ ۱۱۰- روش برخورد با زنان کافر
- ۴۵۹ ۱۱۱- زمینه ادیت زنان
- ۴۶۱ ۱۱۲- زمینه استهزاگری زن
- ۴۶۱ ۱۱۳- زمینه اغواپذیری زن
- ۴۶۱ ۱۱۴- زمینه الگو بودن زنان
- ۴۶۱ ۱۱۵- زمینه انحراف زنان
- ۴۶۲ ۱۱۶- زمینه بی احترامی زنان مؤمن
- ۴۶۳ ۱۱۷- زمینه تکامل زن
- ۴۶۳ ۱۱۸- زمینه تکامل زنان
- ۴۶۳ ۱۱۹- زمینه تکبر زن
- ۴۶۳ ۱۲۰- زمینه حق ناپذیری زنان
- ۴۶۵ ۱۲۱- زمینه کمال زن
- ۴۶۵ ۱۲۲- زمینه مشکلات اجتماعی زنان
- ۴۶۵ ۱۲۳- زن بیوه
- ۴۶۹ ۱۲۴- زن در ادیان
- ۴۷۰ ۱۲۵- زن در جامعه
- ۴۷۱ ۱۲۶- زن در جاهلیت
- ۴۷۳ ۱۲۷- زن در دوران ابراهیم(ع)
- ۴۷۴ ۱۲۸- زن در صدر اسلام
- ۴۷۵ ۱۲۹- زن در قوم سبأ

- ۴۷۵ ۱۳۰- زن در مباحله
- ۴۷۵ ۱۳۱- زن دزد
- ۴۷۶ ۱۳۲- زن شایسته
- ۴۷۷ ۱۳۳- زن شایسته در دوران محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۷۷ ۱۳۴- زن مسکین
- ۴۷۸ ۱۳۵- زن مطلقه
- ۴۷۹ ۱۳۶- زن مظلوم
- ۴۷۹ ۱۳۷- زن و جهاد
- ۴۷۹ ۱۳۸- زن و خشونت
- ۴۷۹ ۱۳۹- زن و کارهای سخت
- ۴۸۱ ۱۴۰- زن و مجلس مردان
- ۴۸۱ ۱۴۱- زنا با زن شوهردار
- ۴۸۲ ۱۴۲- زنان جادوگر در صدراسلام
- ۴۸۳ ۱۴۳- زنان عفیف
- ۴۸۴ ۱۴۴- زنان مشرک
- ۴۸۵ ۱۴۵- زنان منافق
- ۴۸۵ ۱۴۶- زنان منافق در جهنم
- ۴۸۵ ۱۴۷- زنان منافق در صدر اسلام
- ۴۸۶ ۱۴۸- زنان منافق در قیامت
- ۴۸۷ ۱۴۹- زنان منافق صدراسلام
- ۴۸۷ ۱۵۰- زنان مؤمن در قیامت
- ۴۸۷ ۱۵۱- زندگی پاکیزه زن
- ۴۸۷ ۱۵۲- زندگی زن
- ۴۸۹ ۱۵۳- زیبایی چشم زن
- ۴۸۹ ۱۵۴- زیبایی زن
- ۴۹۱ ۱۵۵- زینت زن

- ۴۹۱ ۱۵۶- سهم ارث زن
- ۴۹۱ ۱۵۷- شخصیت زن
- ۴۹۳ ۱۵۸- شکنجه زنان مؤمن
- ۴۹۳ ۱۵۹- شوهردوستی زن
- ۴۹۳ ۱۶۰- صفات پسندیده زن
- ۴۹۵ ۱۶۱- صفات پسندیده زنان
- ۴۹۵ ۱۶۲- صفات جسمی زن
- ۴۹۵ ۱۶۳- صفات زنان شایسته
- ۴۹۷ ۱۶۴- صفات زنان صالح
- ۴۹۷ ۱۶۵- ظلم به زن
- ۴۹۷ ۱۶۶- عبادت زن
- ۴۹۹ ۱۶۷- عدالت در حقوق زن
- ۴۹۹ ۱۶۸- عذاب زنان منافق
- ۴۹۹ ۱۶۹- عظمت خلقت زن
- ۴۹۹ ۱۷۰- عفت زن
- ۵۰۱ ۱۷۱- علاقه به زن
- ۵۰۱ ۱۷۲- علائق زن
- ۵۰۲ ۱۷۳- عمل زن
- ۵۰۳ ۱۷۴- عمل صالح زن
- ۵۰۳ ۱۷۵- عنصر خلقت زن
- ۵۰۳ ۱۷۶- عواطف زن
- ۵۰۳ ۱۷۷- عوامل آسیب پذیری زن
- ۵۰۵ ۱۷۸- عوامل تکامل زن
- ۵۰۵ ۱۷۹- فرجام زنان مؤمن
- ۵۰۵ ۱۸۰- فضایل اخروی زنان صالح
- ۵۰۵ ۱۸۱- فضایل زن

۵۰۹	۱۸۲- فضایل زنان صالح
۵۰۹	۱۸۳- فضایل زنان مؤمن
۵۰۹	۱۸۴- قصاص زن
۵۰۹	۱۸۵- کمال زن
۵۱۲	۱۸۶- کمال زنان
۵۱۳	۱۸۷- کیفر زنان منافق
۵۱۳	۱۸۸- کیفیت راه رفتن زن
۵۱۳	۱۸۹- کیفیت لعان زن
۵۱۳	۱۹۰- گواهی زن
۵۱۵	۱۹۱- لطافت زن
۵۱۵	۱۹۲- لغزش زن
۵۱۵	۱۹۳- مال زن
۵۱۷	۱۹۴- مالکیت زن
۵۱۷	۱۹۵- مبدأ خلقت زن
۵۱۹	۱۹۶- مجادله زن
۵۱۹	۱۹۷- محدوده اختیارات زن
۵۲۰	۱۹۸- محدوده جلب رضایت زنان
۵۲۱	۱۹۹- محدوده مسؤلیت زن
۵۲۱	۲۰۰- مدیریت زن
۵۲۱	۲۰۱- مراحل خلقت زن
۵۲۱	۲۰۲- مربی زن
۵۲۳	۲۰۳- مسؤلیت زن
۵۲۶	۲۰۴- مسؤلیت زنان
۵۲۷	۲۰۵- مقام زن
۵۲۷	۲۰۶- مقامات زن
۵۲۷	۲۰۷- ملاک برتری زنان

۵۲۹	۲۰۸- منشأ عقیمی زن
۵۲۹	۲۰۹- موارد جواز اظهار زینت زن
۵۲۹	۲۱۰- موضعگیری زنان منافق
۵۳۱	۲۱۱- مهریه زن
۵۳۱	۲۱۲- نذر زن
۵۳۱	۲۱۳- نشوز زن
۵۳۱	۲۱۴- نطفه زن
۵۳۳	۲۱۵- نعمت زن
۵۳۳	۲۱۶- نعمتهای اخروی زنان مؤمن
۵۳۳	۲۱۷- نفقه زن
۵۳۳	۲۱۸- نقش اجتماعی زن
۵۳۴	۲۱۹- نقش زن
۵۳۵	۲۲۰- نقش نطفه زن
۵۳۵	۲۲۱- نورانیت اخروی زنان مؤمن
۵۳۷	۲۲۲- نیاز زن
۵۳۷	۲۲۳- نیکی به زن
۵۳۷	۲۲۴- وعده به زنان مؤمن
۵۳۷	۲۲۵- ولایت بر زن
۵۳۹	۲۲۶- ویژگیهای جسمی زن
۵۴۱	۲۲۷- زن و مرد
۵۴۱	۲۲۸- تساوی زن و مرد
۵۵۱	۳- زنا
۵۵۱	۱- آثار اجتماعی زنا
۵۵۱	۲- آثار اجتناب از زنا
۵۵۱	۳- آثار اشتها به زنا
۵۵۲	۴- آثار زشتی زنا

- ۵- آثار زنا ۵۵۳
- ۶- اجتناب از زنا ۵۵۳
- ۷- اجتناب از مقدمات زنا ۵۵۵
- ۸- احکام زنا ۵۵۵
- ۹- اکراه به زنا ۵۶۱
- ۱۰- بندگان خدا و زنا ۵۶۱
- ۱۱- پاداش اجتناب از زنا ۵۶۲
- ۱۲- پلیدی زنا ۵۶۳
- ۱۳- پلیدی زنا در ادیان آسمانی ۵۶۳
- ۱۴- تشریح حد زنا ۵۶۳
- ۱۵- توبه از زنا ۵۶۳
- ۱۶- تهمت زنا به مریم(س) ۵۶۵
- ۱۷- حد زنا ۵۶۷
- ۱۸- حد زنای محصنه ۵۶۷
- ۱۹- حرمت زنا ۵۶۷
- ۲۰- روش اثبات زنا ۵۶۹
- ۲۱- زشتی زنا ۵۶۹
- ۲۲- زشتی زنا در تاریخ ۵۶۹
- ۲۳- زمینه زنا ۵۷۱
- ۲۴- زنا با زن شوهردار ۵۷۱
- ۲۵- زنا پنهانی ۵۷۲
- ۲۶- زنا در جاهلیت ۵۷۳
- ۲۷- زنای محصنه ۵۷۳
- ۲۸- زیان اجتماعی زنا ۵۷۳
- ۲۹- زیان فردی زنا ۵۷۵
- ۳۰- سرزنش زنا ۵۷۵

۵۷۵	۳۱- شرایط گواهان حد زنا
۵۷۵	۳۲- صبر در اجتناب از زنا
۵۷۷	۳۳- ظلم زنا
۵۷۷	۳۴- عوامل سقوط حد زنا
۵۷۷	۳۵- فرجام شوم زنا
۵۷۸	۳۶- فطرت زشتی زنا
۵۷۹	۳۷- فلسفه حد زنا
۵۷۹	۳۸- فلسفه حرمت زنا
۵۷۹	۳۹- کسب با زنا
۵۷۹	۴۰- کیفر اخروی زنا
۵۸۱	۴۱- کیفر زنا
۵۸۳	۴۲- کیفر زنای باکره
۵۸۳	۴۳- کیفر زنای محصنه
۵۸۴	۴۴- کیفیت اثبات زنا
۵۸۵	۴۵- کیفیت اجرای حد زنا
۵۸۵	۴۶- کیفیت حد زنا
۵۸۶	۴۷- گناه زنا
۵۸۹	۴۸- گواهان بر زنا
۵۸۹	۴۹- گواهان حد زنا
۵۹۰	۵۰- گواهی بر زنا
۵۹۱	۵۱- موارد زنا
۵۹۱	۵۲- موانع زنا
۵۹۲	۵۳- موجبات حد زنا
۵۹۳	۵۴- ناپسندی زنا
۵۹۳	۵۵- نهی از زنا
۵۹۳	۵۶- واجبات حد زنا

- ۵۷- وجوب گواهی در حد زنا ۵۹۵
- ۵۸- آثار زنازادگی ۵۹۵
- ۵۹- زنازادگی ولید بن مغیره ۵۹۵
- ۶۰- سرزنش زنازادگی ۵۹۷
- ۶۱- زنازاده ۵۹۷
- ۶۲- الحاق زنازاده به شوهر در جاهلیت ۵۹۷
- ۶۳- حرمت اطاعت از زنازاده ها ۵۹۸
- ۶۴- دشمنی زنازاده ها ۵۹۹
- ۶۵- رد خواسته های زنازاده ها ۵۹۹
- ۶۶- ممنوعیت اطاعت از زنازاده ها ۵۹۹
- ۶۷- حرمت اطاعت از زنازاده ها ۵۹۹
- ۶۸- دشمنی زنازاده ها ۶۰۱
- ۶۹- رد خواسته های زنازاده ها ۶۰۱
- ۷۰- ممنوعیت اطاعت از زنازاده ها ۶۰۱
- ۷۱- حرمت اطاعت از زنازاده ها ۶۰۱
- ۷۲- دشمنی زنازاده ها ۶۰۲
- ۷۳- رد خواسته های زنازاده ها ۶۰۳
- ۷۴- ممنوعیت اطاعت از زنازاده ها ۶۰۳
- ۷۵- آمرزش زناکار ۶۰۳
- ۷۶- احکام زناکار ۶۰۳
- ۷۷- ادبیت به زناکار ۶۰۵
- ۷۸- ازدواج با زن زناکار ۶۰۵
- ۷۹- ازدواج با زناکار ۶۰۷
- ۸۰- ازدواج زن زناکار ۶۰۸
- ۸۱- ازدواج زناکار ۶۰۹
- ۸۲- ایمان زناکار ۶۱۰

- ۸۳- بی ارزشی زناکار ۶۱۱
- ۸۴- تعزیر زناکار ۶۱۱
- ۸۵- توبه زناکار ۶۱۲
- ۸۶- حبس زناکار ۶۱۳
- ۸۷- حد زناکار مسیحی ۶۱۵
- ۸۸- ذلت اخروی زناکار ۶۱۷
- ۸۹- ذلت زناکار مشرک ۶۱۷
- ۹۰- رجم زناکار ۶۱۷
- ۹۱- زناکار باکره ۶۱۹
- ۹۲- زناکار در قیامت ۶۱۹
- ۹۳- سنگسار زناکار محصنه ۶۱۹
- ۹۴- شرایط ازدواج با زناکار ۶۲۰
- ۹۵- عبرت از کیفر زناکار ۶۲۱
- ۹۶- عذاب اخروی زناکار ۶۲۱
- ۹۷- عذاب جسمانی زناکار ۶۲۱
- ۹۸- عذاب روحی زناکار ۶۲۱
- ۹۹- کیفر اخروی زناکار مشرک ۶۲۳
- ۱۰۰- کیفر زناکار ۶۲۳
- ۱۰۱- ممنوعیت ترحم بر زناکار ۶۲۵
- ۴- زنان ۶۲۶
- ۱- زنان ۶۲۶
- ۲- آثار اجتماعی ازدیاد زنان ۶۳۰
- ۳- آثار اذیت زنان مؤمن ۶۳۰
- ۴- آثار ازدیاد زنان ۶۳۲
- ۵- آثار ایمان زنان بنی اسرائیل ۶۳۲
- ۶- آثار بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۳۲

- ۶۳۲ ----- ۷- آثار عفت زنان
- ۶۳۴ ----- ۸- آثار مکر زنان اشراف مصر
- ۶۳۴ ----- ۹- آموزش زنان انفاقگر
- ۶۳۴ ----- ۱۰- آموزش زنان اهل تسلیم
- ۶۳۵ ----- ۱۱- آموزش زنان خاشع
- ۶۳۶ ----- ۱۲- آموزش زنان خاضع
- ۶۳۶ ----- ۱۳- آموزش زنان ذاکر
- ۶۳۶ ----- ۱۴- آموزش زنان روزه دار
- ۶۳۶ ----- ۱۵- آموزش زنان صابر
- ۶۳۸ ----- ۱۶- آموزش زنان صادق
- ۶۳۸ ----- ۱۷- آموزش زنان عفیف
- ۶۳۸ ----- ۱۸- آموزش زنان متذکر
- ۶۳۸ ----- ۱۹- آموزش زنان مسلمان
- ۶۴۰ ----- ۲۰- آموزش زنان مطیع
- ۶۴۰ ----- ۲۱- اباحه غنیمت زنان کافر
- ۶۴۰ ----- ۲۲- احترام زنان مؤمن
- ۶۴۰ ----- ۲۳- احکام زنان کافر
- ۶۴۱ ----- ۲۴- احکام زنان مهاجر
- ۶۴۲ ----- ۲۵- اذیت زنان گناهکار
- ۶۴۲ ----- ۲۶- اذیت زنان مؤمن
- ۶۴۴ ----- ۲۷- اذیت زنان مؤمن در مدینه
- ۶۴۴ ----- ۲۸- اذیتهای منافقان به زنان مؤمن
- ۶۴۴ ----- ۲۹- ارزش عمل زنان مؤمن
- ۶۴۴ ----- ۳۰- ازدواج با زنان پلید
- ۶۴۶ ----- ۳۱- ازدواج با زنان عفیف
- ۶۴۶ ----- ۳۲- ازدواج با زنان مهاجر

- ۳۳- استعمار زنان بنی اسرائیل ۶۴۸
- ۳۴- استحیای زنان بنی اسرائیل ۶۴۸
- ۳۵- استخوانهای پشت زنان ۶۵۲
- ۳۶- استخوانهای سینه زنان ۶۵۲
- ۳۷- استرداد زنان مهاجر ۶۵۳
- ۳۸- استقامت زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود ۶۵۴
- ۳۹- افساد زنان ۶۵۴
- ۴۰- اقرار زنان اشراف مصر ۶۵۴
- ۴۱- امتحان زنان مهاجر ۶۵۵
- ۴۲- انحرافات اخلاقی زنان در جاهلیت ۶۵۶
- ۴۳- انحرافات اعتقادی زنان در جاهلیت ۶۵۶
- ۴۴- بارداری زنان ۶۵۶
- ۴۵- بازجویی از زنان اشراف مصر ۶۵۷
- ۴۶- بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله) ۶۵۸
- ۴۷- بینش زنان اشراف مصر ۶۵۹
- ۴۸- پاداش اخروی زنان صالح ۶۶۰
- ۴۹- پاداش اخروی زنان مؤمن ۶۶۰
- ۵۰- پاداش زنان انفاقگر ۶۶۱
- ۵۱- پاداش زنان اهل تسلیم ۶۶۲
- ۵۲- پاداش زنان خاشع ۶۶۲
- ۵۳- پاداش زنان خاضع ۶۶۲
- ۵۴- پاداش زنان ذاکر ۶۶۲
- ۵۵- پاداش زنان روزه دار ۶۶۴
- ۵۶- پاداش زنان صابر ۶۶۴
- ۵۷- پاداش زنان صادق ۶۶۴
- ۵۸- پاداش زنان صالح ۶۶۴

- ۵۹- پاداش زنان عقیف ۶۶۴
- ۶۰- پاداش زنان متذکر ۶۶۶
- ۶۱- پاداش زنان مسلمان ۶۶۶
- ۶۲- پاداش زنان مؤمن ۶۶۶
- ۶۳- پاداش عمل زنان مؤمن ۶۶۸
- ۶۴- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر ۶۶۸
- ۶۵- پذیرایی از زنان اشراف مصر ۶۶۸
- ۶۶- تحقیق زنان کافر ۶۷۰
- ۶۷- تساوی زن و مرد ۶۷۰
- ۶۸- تعجب زنان اشراف مصر ۶۸۰
- ۶۹- تنزیه زنان عقیف ۶۸۰
- ۷۰- تهمت به زنان مؤمن ۶۸۱
- ۷۱- جبران مهریه زنان کافر ۶۸۲
- ۷۲- حجاب زنان مقارن بعثت ۶۸۲
- ۷۳- حجاب زنان مؤمن ۶۸۲
- ۷۴- حفظ حرمت زنان مؤمن ۶۸۴
- ۷۵- خطر انحراف زنان مؤمن ۶۸۴
- ۷۶- خطر گناه زنان مؤمن ۶۸۴
- ۷۷- خیانت زنان اشراف مصر ۶۸۴
- ۷۸- دست بردن زنان اشراف مصر ۶۸۶
- ۷۹- دعوت از زنان اشراف مصر ۶۸۶
- ۸۰- دعوت زلیخا از زنان مصر ۶۸۶
- ۸۱- دعوت‌های زنان اشراف مصر ۶۸۷
- ۸۲- دفع مکر زنان اشراف مصر ۶۸۸
- ۸۳- رد مهریه زنان مهاجر ۶۸۸
- ۸۴- رنج زنان بنی اسرائیل ۶۸۸

- ۶۸۹ ----- ۸۵- روزی اخروی زنان صالح
- ۶۹۰ ----- ۸۶- روش برخورد با زنان کافر
- ۶۹۰ ----- ۸۷- زایمان زنان
- ۶۹۰ ----- ۸۸- زلیخا و زنان اشراف مصر
- ۶۹۲ ----- ۸۹- زلیخا و سرزنشهای زنان مصر
- ۶۹۲ ----- ۹۰- زلیخا و گواهی زنان اشراف
- ۶۹۲ ----- ۹۱- زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر
- ۶۹۴ ----- ۹۲- زمینه اذیت زنان
- ۶۹۴ ----- ۹۳- زمینه الگو بودن زنان
- ۶۹۴ ----- ۹۴- زمینه انحراف زنان
- ۶۹۴ ----- ۹۵- زمینه بی احترامی زنان مؤمن
- ۶۹۴ ----- ۹۶- زمینه تکامل زنان
- ۶۹۶ ----- ۹۷- زمینه حق ناپذیری زنان
- ۶۹۶ ----- ۹۸- زمینه مشکلات اجتماعی زنان
- ۶۹۶ ----- ۹۹- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا
- ۶۹۶ ----- ۱۰۰- زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع)
- ۶۹۷ ----- ۱۰۱- فصرف عنه کیدهتن
- ۶۹۸ ----- ۱۰۲- زنان اشراف مصر و زلیخا
- ۶۹۸ ----- ۱۰۳- زنان اشراف مصر و یوسف(ع)
- ۷۰۲ ----- ۱۰۴- زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا
- ۷۰۲ ----- ۱۰۵- زنان اهل کتاب
- ۷۰۲ ----- ۱۰۶- زنان بهشت
- ۷۰۳ ----- ۱۰۷- زنان جادوگر در صدراسلام
- ۷۰۴ ----- ۱۰۸- زنان در حکومت فرعون
- ۷۰۴ ----- ۱۰۹- زنان عفیف
- ۷۰۶ ----- ۱۱۰- زنان مشرک

- ۱۱۱- زنان منافق ۷۰۶
- ۱۱۲- زنان منافق در جهنم ۷۰۶
- ۱۱۳- زنان منافق در صدر اسلام ۷۰۶
- ۱۱۴- زنان منافق در قیامت ۷۰۸
- ۱۱۵- زنان منافق صدراسلام ۷۰۸
- ۱۱۶- زنان مؤمن ۷۰۸
- ۱۱۷- زنان مؤمن در قیامت ۷۰۹
- ۱۱۸- زنان مؤمن مکه ۷۱۰
- ۱۱۹- زندگی با زنان پلید ۷۱۰
- ۱۲۰- زندگی با زنان عفیف ۷۱۰
- ۱۲۱- سخن پسندیده زنان عفیف ۷۱۲
- ۱۲۲- سخن ناپسند زنان پلید ۷۱۲
- ۱۲۳- سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود ۷۱۲
- ۱۲۴- شخصیت زنان پلید ۷۱۲
- ۱۲۵- شخصیت زنان عفیف ۷۱۴
- ۱۲۶- شخصیت زنان مؤمن ۷۱۶
- ۱۲۷- شرایط ازدواج با زنان مهاجر ۷۱۶
- ۱۲۸- شرایط اشتغال زنان ۷۱۶
- ۱۲۹- شکنجه زنان بنی اسرائیل ۷۱۸
- ۱۳۰- شکنجه زنان مؤمن ۷۱۸
- ۱۳۱- شهادت طلبی زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود ۷۱۸
- ۱۳۲- صفات پسندیده زنان ۷۱۹
- ۱۳۳- صفات زنان شایسته ۷۲۰
- ۱۳۴- صفات زنان صالح ۷۲۰
- ۱۳۵- ظلم به زنان مؤمن صدراسلام ۷۲۰
- ۱۳۶- عجز زنان اشراف مصر ۷۲۱

- ۱۳۷- عذاب زنان منافق ۷۲۲
- ۱۳۸- عزیز مصر و مکر زنان ۷۲۲
- ۱۳۹- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر ۷۲۲
- ۱۴۰- عشق زنان اشراف مصر به یوسف(ع) ۷۲۲
- ۱۴۱- فرجام زنان مؤمن ۷۲۴
- ۱۴۲- فرعونیان و زنان بنی اسرائیل ۷۲۴
- ۱۴۳- فضایل اخروی زنان صالح ۷۲۴
- ۱۴۴- فضایل زنان صالح ۷۲۴
- ۱۴۵- فضایل زنان عقیف ۷۲۶
- ۱۴۶- فضایل زنان مؤمن ۷۲۶
- ۱۴۷- فلسفه امان به زنان مهاجر ۷۲۶
- ۱۴۸- کامجویی زنان اشراف مصر ۷۲۶
- ۱۴۹- کمال زنان ۷۲۸
- ۱۵۰- کیفر اذیت زنان مؤمن ۷۲۸
- ۱۵۱- کیفر زنان منافق ۷۲۸
- ۱۵۲- گرایش به زنان پلید ۷۲۸
- ۱۵۳- گرایش به زنان عقیف ۷۳۰
- ۱۵۴- گرایشهای زنان پلید ۷۳۰
- ۱۵۵- گرایشهای زنان عقیف ۷۳۰
- ۱۵۶- گفتگوی زنان با محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۳۰
- ۱۵۷- گفتگوی زنان با همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۳۲
- ۱۵۸- گواهی زنان اشراف مصر ۷۳۲
- ۱۵۹- محدوده جلب رضایت زنان ۷۳۲
- ۱۶۰- مسؤولیت زنان ۷۳۳
- ۱۶۱- مفاد بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۳۴
- ۱۶۲- مکر زنان ۷۳۴

- ۱۶۳- مکر زنان اشراف مصر ۷۳۶
- ۱۶۴- ملاقات محمد(صلی الله علیه و آله) با زنان ۷۳۶
- ۱۶۵- ملاک برتری زنان ۷۳۷
- ۱۶۶- ممنوعیت استرداد زنان مهاجر ۷۳۸
- ۱۶۷- موضعگیری زنان منافق ۷۳۸
- ۱۶۸- مهریه زنان کافر ۷۳۸
- ۱۶۹- مهریه زنان مهاجر ۷۴۰
- ۱۷۰- مهمانی از زنان اشراف مصر ۷۴۰
- ۱۷۱- نجات از مکر زنان ۷۴۲
- ۱۷۲- نجات از مکر زنان اشراف مصر ۷۴۲
- ۱۷۳- نعمتهای اخروی زنان مؤمن ۷۴۲
- ۱۷۴- نقش اجتماعی زنان بنی اسرائیل ۷۴۲
- ۱۷۵- نماز جماعت زنان ۷۴۴
- ۱۷۶- نورانیت اخروی زنان مؤمن ۷۴۴
- ۱۷۷- نهی از استرداد زنان مهاجر ۷۴۴
- ۱۷۸- وعده به زنان مؤمن ۷۴۶
- ۱۷۹- هجرت زنان مؤمن ۷۴۶
- ۱۸۰- هوشیاری بر مکر زنان ۷۴۶
- ۱۸۱- یأس زنان اشراف مصر ۷۴۶
- ۱۸۲- یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر ۷۴۸
- ۵- زنبور عسل ۷۴۹
- ۱- آثار مطالعه زندگی زنبور عسل ۷۴۹
- ۲- استعداد زنبور عسل ۷۴۹
- ۳- استفاده از زنبور عسل ۷۴۹
- ۴- الهام به زنبور عسل ۷۴۹
- ۵- اتقیاد زنبور عسل ۷۵۱

- ۶- تغذیه زنبور عسل ۷۵۲
- ۷- روش زندگی زنبور عسل ۷۵۳
- ۸- زمان استراحت زنبور عسل ۷۵۳
- ۹- زنبور عسل در شب ۷۵۴
- ۱۰- شعور زنبور عسل ۷۵۵
- ۱۱- فواید زنبور عسل ۷۵۵
- ۱۲- متفکران و زندگی زنبور عسل ۷۵۵
- ۱۳- مکان زندگی زنبور عسل ۷۵۵
- ۱۴- منشأ تغذیه زنبور عسل ۷۵۷
- ۱۵- منشأ حرکت زنبور عسل ۷۵۷
- ۱۶- منشأ زندگی زنبور عسل ۷۵۷
- ۱۷- منشأ لانه سازی زنبور عسل ۷۵۸
- ۱۸- ویژگیهای زنبور عسل ۷۵۹
- ۶- زندان ۷۶۰
- ۱- ارزش نجات از زندان ۷۶۰
- ۲- تاریخ زندان ۷۶۰
- ۳- تهدید به زندان ۷۶۲
- ۴- درخواست زندان یوسف(ع) ۷۶۲
- ۵- زندان بودن جهنم ۷۶۲
- ۶- زندان در دوران فرعون ۷۶۲
- ۷- زندان در دوران یوسف(ع) ۷۶۴
- ۸- زندان در مصر باستان ۷۶۴
- ۹- سختیهای زندان فرعون ۷۶۴
- ۱۰- سنّ یوسف(ع) در زندان ۷۶۴
- ۱۱- فلسفه استمرار زندان یوسف(ع) ۷۶۶
- ۱۲- فلسفه زندان یوسف(ع) ۷۶۶

- ۱۳- مدت زندان یوسف(ع) ۷۶۶
- ۱۴- نجات یوسف(ع) از زندان ۷۶۸
- ۱۵- ویژگیهای زندان یوسف(ع) ۷۷۰
- ۱۶- یوسف(ع) پس از زندان ۷۷۰
- ۱۷- یوسف(ع) در زندان ۷۷۲
- ۱۸- زندانی ۷۷۴
- ۱۹- زندانی در دوران یوسف(ع) ۷۷۴
- ۲۰- زندانی در مصرباستان ۷۷۴
- ۲۱- زندانی کردن یوسف(ع) ۷۷۴
- ۲۲- فلسفه زندانی کردن یوسف(ع) ۷۷۶
- ۲۳- اهمیت نجات زندانیان ۷۷۶
- ۷- زندگی ۷۷۸
- ۱- آثار پوچی زندگی ۷۷۸
- ۲- آثار تکذیب زندگی اخروی ۷۷۸
- ۳- آثار ذکر زندگی اخروی ۷۷۸
- ۴- آثار زندگی ۷۷۹
- ۵- آثار زندگی با والدین ۷۷۹
- ۶- آثار زندگی در جامعه فاسد ۷۷۹
- ۷- آثار زندگی دنیوی ۷۸۰
- ۸- آثار عقیده به زندگی اخروی ۷۸۱
- ۹- آثار مشکلات زندگی ۷۸۱
- ۱۰- آثار مطالعه زندگی زنبورعسل ۷۸۳
- ۱۱- آداب زندگی ۷۸۳
- ۱۲- آفات زندگی انسان ها ۷۸۳
- ۱۳- احترام به آداب زندگی ۷۸۳
- ۱۴- اختیار همسران محمد(صلی الله علیه و آله) در زندگی ۷۸۵

- ۷۸۵ ----- ۱۵- ارزش امنیت در زندگی
- ۷۸۵ ----- ۱۶- ارزش زندگی اخروی
- ۷۸۷ ----- ۱۷- ارزش زندگی دنیوی
- ۷۸۸ ----- ۱۸- اصلاح زندگی صالحان
- ۷۸۹ ----- ۱۹- اصلاح زندگی مؤمنان
- ۷۸۹ ----- ۲۰- اعتدال در زندگی
- ۷۸۹ ----- ۲۱- اقرار به کوتاهی زندگی دنیوی
- ۷۸۹ ----- ۲۲- اهتمام به زندگی شخصی
- ۷۹۱ ----- ۲۳- اهمیت اجتناب از سختگیری در زندگی
- ۷۹۱ ----- ۲۴- اهمیت اعتدال در زندگی
- ۷۹۳ ----- ۲۵- اهمیت امنیت در زندگی
- ۷۹۳ ----- ۲۶- اهمیت برنامه ریزی در زندگی
- ۷۹۳ ----- ۲۷- اهمیت تأمین نیازهای زندگی
- ۷۹۳ ----- ۲۸- اهمیت تحولات زندگی
- ۷۹۵ ----- ۲۹- اهمیت تدبیر در زندگی
- ۷۹۵ ----- ۳۰- اهمیت ذکر زندگی اخروی
- ۷۹۵ ----- ۳۱- اهمیت زندگی اخروی
- ۷۹۶ ----- ۳۲- اهمیت زندگی دنیوی
- ۷۹۷ ----- ۳۳- اهمیت قانونمندی زندگی
- ۷۹۷ ----- ۳۴- اهمیت هدفداری در زندگی
- ۷۹۷ ----- ۳۵- ایمان در زندگی
- ۷۹۸ ----- ۳۶- بازگشت به زندگی
- ۷۹۹ ----- ۳۷- باطن زندگی دنیوی
- ۷۹۹ ----- ۳۸- برتری زندگی اخروی
- ۸۰۰ ----- ۳۹- برتری زندگی اخروی محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۰۱ ----- ۴۰- بهترین برنامه زندگی

- ۴۱- بهترین زندگی ۸۰۱
- ۴۲- بی ارزش زندگی دنیوی ۸۰۱
- ۴۳- بی ارزشی زندگی دنیوی ۸۰۳
- ۴۴- بی منطقی زندگی مکذبان وحی ۸۰۴
- ۴۵- پایداری زندگی اخروی ۸۰۵
- ۴۶- پرسش از مدت زندگی دنیوی ۸۰۵
- ۴۷- پوچی زندگی کافران ۸۰۵
- ۴۸- پوچی زندگی مشرکان ۸۰۷
- ۴۹- پوچی زندگی منکران انبیا ۸۰۷
- ۵۰- تاریخ زندگی اجتماعی ۸۰۷
- ۵۱- تبیین حقیقت زندگی اخروی ۸۰۷
- ۵۲- تبیین حقیقت زندگی دنیوی ۸۰۹
- ۵۳- تحولات زندگی اخروی ۸۰۹
- ۵۴- تحولات زندگی انسان ۸۰۹
- ۵۵- تحولات زندگی انسان ها ۸۰۹
- ۵۶- تحولات زندگی دنیوی ۸۱۰
- ۵۷- تداوم زندگی ۸۱۱
- ۵۸- تداوم زندگی قریش ۸۱۱
- ۵۹- تدبیر زندگی انسان ها ۸۱۲
- ۶۰- تشبیه زندگی دنیوی ۸۱۳
- ۶۱- تعداد زندگی انسان ۸۱۳
- ۶۲- تعقل در امکانات زندگی ۸۱۳
- ۶۳- تفاخر در زندگی دنیوی ۸۱۳
- ۶۴- تفاوت زندگی انسان ها ۸۱۵
- ۶۵- تقدیر زندگی ۸۱۵
- ۶۶- تکاثر در زندگی دنیوی ۸۱۵

- ۶۷- تلاش برای زندگی اخروی ۸۱۷
- ۶۸- توسعه زندگی ۸۱۷
- ۶۹- جاذبه های زندگی دنیوی ۸۱۷
- ۷۰- جاودانگی زندگی اخروی ۸۱۷
- ۷۱- جایگاه زندگی ۸۱۹
- ۷۲- جایگاه زندگی انسان ۸۲۱
- ۷۳- جذابیت زندگی ۸۲۱
- ۷۴- چهل به کوتاهی زندگی دنیوی ۸۲۱
- ۷۵- حرص به زندگی دنیوی ۸۲۱
- ۷۶- حرص مشرکان به زندگی ۸۲۲
- ۷۷- حرص یهود به زندگی ۸۲۳
- ۷۸- حقیقت زندگی ۸۲۴
- ۷۹- حقیقت زندگی دنیوی ۸۲۵
- ۸۰- حیات زندگی اخروی ۸۲۵
- ۸۱- خالق زندگی ۸۲۷
- ۸۲- خلقت زندگی دنیوی ۸۲۷
- ۸۳- درخواست زندگی پسندیده ۸۲۷
- ۸۴- درخواست زندگی جاودان ۸۲۷
- ۸۵- دلایل برتری زندگی اخروی ۸۲۹
- ۸۶- ذکر فناپذیری زندگی دنیوی ۸۲۹
- ۸۷- ذکر کوتاهی زندگی دنیوی ۸۲۹
- ۸۸- ذکر ناپایداری زندگی دنیوی ۸۳۰
- ۸۹- رضایت بخشی زندگی در بهشت ۸۳۱
- ۹۰- رفاه در زندگی ۸۳۱
- ۹۱- رفاه در زندگی دنیوی ۸۳۱
- ۹۲- روش زندگی ۸۳۲

- ۹۳- روش زندگی انبیا ۸۳۴
- ۹۴- روش زندگی بندگان خدا ۸۳۵
- ۹۵- روش زندگی پیروان ابراهیم(ع) ۸۳۵
- ۹۶- روش زندگی زنبور عسل ۸۳۶
- ۹۷- روش زندگی ظالمان ۸۳۷
- ۹۸- روش زندگی کافران ۸۳۷
- ۹۹- روش زندگی مرفهان ۸۳۷
- ۱۰۰- زمان زندگی برزخی ۸۳۷
- ۱۰۱- زمان زندگی دنیوی ۸۳۹
- ۱۰۲- زمینه پوچی زندگی ۸۳۹
- ۱۰۳- زمینه زندگی اخروی ۸۳۹
- ۱۰۴- زمینه زندگی پاکیزه ۸۴۱
- ۱۰۵- زمینه زندگی صحیح ۸۴۱
- ۱۰۶- زمینه علم به زندگی دنیوی ۸۴۱
- ۱۰۷- زمینه هدفداری زندگی ۸۴۳
- ۱۰۸- زندگی اجتماعی انسان ۸۴۳
- ۱۰۹- زندگی اجتماعی انسان ها ۸۴۳
- ۱۱۰- زندگی اجتماعی انسان های نخستین ۸۴۵
- ۱۱۱- زندگی اجتماعی بنی اسرائیل ۸۴۵
- ۱۱۲- زندگی اجتماعی جن ۸۴۵
- ۱۱۳- زندگی اخروی ۸۴۷
- ۱۱۴- زندگی اخروی ظالمان ۸۴۷
- ۱۱۵- زندگی اخروی مجرمان ۸۴۷
- ۱۱۶- زندگی اخروی مهتدین ۸۴۸
- ۱۱۷- زندگی ارزشمند ۸۴۹
- ۱۱۸- زندگی انسان ۸۵۰

- ۱۱۹- زندگی انسان ها ۸۵۱
- ۱۲۰- زندگی انسان ها در زمین ۸۵۱
- ۱۲۱- زندگی با ذلت ۸۵۱
- ۱۲۲- زندگی با زنان پلید ۸۵۱
- ۱۲۳- زندگی با زنان عفیف ۸۵۳
- ۱۲۴- زندگی با فاسقان ۸۵۳
- ۱۲۵- زندگی با مردان پلید ۸۵۳
- ۱۲۶- زندگی با مردان عفیف ۸۵۵
- ۱۲۷- زندگی با مشرکان ۸۵۵
- ۱۲۸- زندگی برزخی ۸۵۵
- ۱۲۹- زندگی برزخی شهیدان ۸۵۵
- ۱۳۰- زندگی بنی اسرائیل بعد از فرعون ۸۵۶
- ۱۳۱- زندگی بنی اسرائیل در دوران فرعون ۸۵۷
- ۱۳۲- زندگی بنی اسرائیل دوران موسی(ع) ۸۵۷
- ۱۳۳- زندگی بهشتیان ۸۵۷
- ۱۳۴- زندگی بی ارزش ۸۵۹
- ۱۳۵- زندگی پاکیزه زن ۸۵۹
- ۱۳۶- زندگی پاکیزه مرد ۸۵۹
- ۱۳۷- زندگی پس از مرگ ۸۶۰
- ۱۳۸- زندگی پسندیده اخروی ۸۶۱
- ۱۳۹- زندگی پسندیده اصحاب یمین ۸۶۱
- ۱۴۰- زندگی تلخ کافران ۸۶۱
- ۱۴۱- زندگی تلخ مشرکان ۸۶۲
- ۱۴۲- زندگی جمعی پرندگان ۸۶۳
- ۱۴۳- زندگی جمعی جنبندگان ۸۶۳
- ۱۴۴- زندگی جهنمیان ۸۶۳

- ۱۴۵- زندگی خانوادگی زکریا(ع) ۸۶۵
- ۱۴۶- زندگی دختران یتیم ۸۶۵
- ۱۴۷- زندگی در بهشت ۸۶۵
- ۱۴۸- زندگی در دار الکفر ۸۶۶
- ۱۴۹- زندگی در روز ۸۶۷
- ۱۵۰- زندگی در زمین ۸۶۷
- ۱۵۱- زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا ۸۷۱
- ۱۵۲- زندگی در سرزمین های کوهستانی ۸۷۱
- ۱۵۳- زندگی دنیوی ۸۷۱
- ۱۵۴- زندگی دنیوی اولیاء الله ۸۷۳
- ۱۵۵- زندگی دنیوی جهنمیان ۸۷۳
- ۱۵۶- زندگی دنیوی صالحان ۸۷۳
- ۱۵۷- زندگی دنیوی ظالمان ۸۷۳
- ۱۵۸- زندگی دنیوی محسنان ۸۷۵
- ۱۵۹- زندگی دنیوی مکذبان آخرت ۸۷۵
- ۱۶۰- زندگی دنیوی مؤمنان ۸۷۵
- ۱۶۱- زندگی دنیوی یهود ۸۷۷
- ۱۶۲- زندگی رنج آور ۸۷۷
- ۱۶۳- زندگی زن ۸۷۷
- ۱۶۴- زندگی سخت یهود ۸۷۷
- ۱۶۵- زندگی شخصی ۸۷۹
- ۱۶۶- زندگی شیرین مسلمانان ۸۷۹
- ۱۶۷- زندگی گناهکاران ۸۷۹
- ۱۶۸- زندگی مادی اخروی ۸۸۰
- ۱۶۹- زندگی محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۸۱
- ۱۷۰- زندگی مرد ۸۸۱

- ۱۷۱- زندگی مسالمت آمیز ۸۸۲
- ۱۷۲- زندگی مسالمت آمیز با اهل کتاب ۸۸۳
- ۱۷۳- زندگی مسالمت آمیز با جاهلان ۸۸۳
- ۱۷۴- زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان ۸۸۳
- ۱۷۵- زندگی مشرکان ۸۸۴
- ۱۷۶- زندگی موجودات ۸۸۵
- ۱۷۷- زندگی مؤمنان ۸۸۵
- ۱۷۸- زندگی ناپسند ۸۸۵
- ۱۷۹- زندگی و معاد ۸۸۷
- ۱۸۰- زندگی همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۸۷
- ۱۸۱- زیبایی زندگی کافران ۸۸۷
- ۱۸۲- زینت زندگی دنیوی ۸۸۸
- ۱۸۳- زینتهای زندگی دنیوی ۸۸۹
- ۱۸۴- سختی در زندگی دنیوی ۸۸۹
- ۱۸۵- سختی زندگی ۸۸۹
- ۱۸۶- سختی زندگی آدم(ع) در زمین ۸۹۰
- ۱۸۷- سختی زندگی جهنمیان ۸۹۱
- ۱۸۸- سختی زندگی مسرفان ۸۹۱
- ۱۸۹- سطح زندگی کافران مکه ۸۹۱
- ۱۹۰- سطح زندگی محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۹۳
- ۱۹۱- سطح زندگی مسلمانان صدراسلام ۸۹۳
- ۱۹۲- سطحی نگری به زندگی دنیوی ۸۹۳
- ۱۹۳- سهولت تصرف در زندگی انسان ها ۸۹۴
- ۱۹۴- سهولت زندگی در روز ۸۹۵
- ۱۹۵- شرایط زندگی اخروی ۸۹۵
- ۱۹۶- شرایط زندگی دنیوی ۸۹۵

- ۱۹۷- ظاهر زندگی دنیوی ۸۹۵
- ۱۹۸- عبرت از زندگی ابراهیم(ع) ۸۹۷
- ۱۹۹- عبرت از زندگی موجودات ۸۹۷
- ۲۰۰- عدالت در زندگی ۸۹۷
- ۲۰۱- عطر زندگی اخروی پیشگامان ۸۹۷
- ۲۰۲- عطر زندگی اخروی مقربان ۸۹۹
- ۲۰۳- علم به زندگی دنیوی ۸۹۹
- ۲۰۴- علم به کوتاهی زندگی دنیوی ۸۹۹
- ۲۰۵- عمل صالح در زندگی ۸۹۹
- ۲۰۶- عوامل آسانی زندگی ۹۰۱
- ۲۰۷- عوامل بهبود زندگی ۹۰۱
- ۲۰۸- عوامل پوچی زندگی ۹۰۱
- ۲۰۹- عوامل تسهیل زندگی ۹۰۳
- ۲۱۰- عوامل سختی زندگی ۹۰۳
- ۲۱۱- عوامل سلامت زندگی ۹۰۵
- ۲۱۲- عوامل قوام زندگی ۹۰۵
- ۲۱۳- عوامل محرومیت از زندگی ۹۰۵
- ۲۱۴- عوامل مؤثر در زندگی ۹۰۶
- ۲۱۵- عوامل مؤثر در زندگی اخروی ۹۰۹
- ۲۱۶- عوامل مؤثر در زندگی انسان ۹۰۹
- ۲۱۷- عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی ۹۱۱
- ۲۱۸- عوامل مؤثر در زندگی ۹۱۱
- ۲۱۹- عوامل هدفمندی زندگی ۹۱۱
- ۲۲۰- غفلت از فناپذیری زندگی دنیوی ۹۱۱
- ۲۲۱- فرجام زندگی دنیوی ۹۱۳
- ۲۲۲- فضیلت زندگی اخروی ۹۱۳

- ۲۲۳- فطرت زندگی اجتماعی ۹۱۳
- ۲۲۴- فلسفه زندگی ۹۱۳
- ۲۲۵- فلسفه زندگی کافران ۹۱۵
- ۲۲۶- فلسفه زندگی مکذبان قیامت ۹۱۵
- ۲۲۷- فلسفه فناپذیری زندگی دنیوی ۹۱۵
- ۲۲۸- فناپذیری زندگی دنیوی ۹۱۷
- ۲۲۹- کمی زندگی دنیوی ۹۱۷
- ۲۳۰- کوتاهی زندگی برزخی ۹۱۷
- ۲۳۱- کوتاهی زندگی دنیوی ۹۱۷
- ۲۳۲- کیفیت زندگی ۹۱۹
- ۲۳۳- لعب در زندگی دنیوی ۹۱۹
- ۲۳۴- لهویت زندگی دنیوی ۹۱۹
- ۲۳۵- متفکران و زندگی زبورعسل ۹۱۹
- ۲۳۶- مثل زندگی دنیوی ۹۲۱
- ۲۳۷- محدوده زندگی ۹۲۱
- ۲۳۸- محدوده زندگی انسان ۹۲۲
- ۲۳۹- محدودیت زندگی دنیوی ۹۲۳
- ۲۴۰- محرومان از لذت زندگی ۹۲۵
- ۲۴۱- محرومیت در زندگی دنیوی ۹۲۵
- ۲۴۲- مدت زندگی دنیوی بهشتیان ۹۲۵
- ۲۴۳- مدت زندگی دنیوی جهنمیان ۹۲۵
- ۲۴۴- مراد از اعتدال در زندگی ۹۲۷
- ۲۴۵- مراد از زندگی سخت ۹۲۷
- ۲۴۶- مشرکان و زندگی ۹۲۹
- ۲۴۷- مشرکان و زندگی دنیوی ۹۲۹
- ۲۴۸- مشکلات زندگی ۹۲۹

- ۲۴۹- مشکلات زندگی سست ایمانان ۹۲۹
- ۲۵۰- مشکلات زندگی منافقان ۹۳۱
- ۲۵۱- معرضان از زندگی دنیوی ۹۳۱
- ۲۵۲- مکان زندگی انسان ۹۳۱
- ۲۵۳- مکان زندگی برادران یوسف ۹۳۱
- ۲۵۴- مکان زندگی زنبور عسل ۹۳۳
- ۲۵۵- مکان زندگی شیطان ۹۳۳
- ۲۵۶- ملاک ارزش زندگی دنیوی ۹۳۳
- ۲۵۷- منشأ زندگی ۹۳۳
- ۲۵۸- منشأ زندگی در زمین ۹۳۶
- ۲۵۹- منشأ زندگی دنیوی ۹۳۷
- ۲۶۰- منشأ زندگی زنبور عسل ۹۳۷
- ۲۶۱- ناپایداری زندگی دنیوی ۹۳۷
- ۲۶۲- ناپایداری زندگی دنیوی هدایت ناپذیران ۹۴۱
- ۲۶۳- ناپسندی زندگی با کافران ۹۴۲
- ۲۶۴- ناپسندی زندگی دنیوی ۹۴۳
- ۲۶۵- نارضایتی زندگی دنیوی ۹۴۳
- ۲۶۶- ناملايمات در زندگی انسان ۹۴۳
- ۲۶۷- نجات از زندگی ذلت بار ۹۴۳
- ۲۶۸- نجات از زندگی سخت ۹۴۵
- ۲۶۹- نظم زندگی قریش ۹۴۵
- ۲۷۰- نعمت در زندگی دنیوی ۹۴۵
- ۲۷۱- نعمت زندگی ۹۴۵
- ۲۷۲- نعمت زندگی با خویشاوندان ۹۴۷
- ۲۷۳- نعمت زندگی با فرزندان ۹۴۷
- ۲۷۴- نعمتها در زندگی انسان ۹۴۷

- ۲۷۵- نقش زندگی اجتماعی ۹۴۹
- ۲۷۶- نقش زندگی دنیوی ۹۴۹
- ۲۷۷- نقش زندگی فردی ۹۵۰
- ۲۷۸- ویژگیهای زندگی اخروی ۹۵۱
- ۲۷۹- ویژگیهای زندگی اخروی پیشگامان ۹۵۱
- ۲۸۰- ویژگیهای زندگی اشراف فرعون ۹۵۲
- ۲۸۱- ویژگیهای زندگی بهشتیان ۹۵۳
- ۲۸۲- ویژگیهای زندگی در بهشت ۹۵۳
- ۲۸۳- ویژگیهای زندگی دنیوی ۹۵۴
- ۲۸۴- هدفداری زندگی انسان ها ۹۵۶
- ۲۸۵- هدفداری زندگی ۹۵۷
- ۲۸۶- هدفداری زندگی اخروی ۹۵۷
- ۲۸۷- هدفداری زندگی انسان ۹۵۷
- ۲۸۸- زندگان واقعی ۹۵۹
- ۸- زنده ۹۶۰
- ۱- اخراج زنده از مرده ۹۶۰
- ۲- اخراج مرده از زنده ۹۶۰
- ۳- پیدایش زنده از مرده ۹۶۰
- ۴- پیدایش مرده از زنده ۹۶۳
- ۵- تاریخ پیدایش موجودات زنده ۹۶۴
- ۶- جامعه زنده ۹۶۴
- ۷- حقیقت زنده بگوری ۹۶۴
- ۸- زنده بگوری دختر ۹۶۴
- ۹- زنده بگوری دختران ۹۶۶
- ۱۰- قوای ادراکی موجودات زنده ۹۶۶
- ۱۱- قیاس زنده به مرده ۹۶۶

- ۹۶۸ ----- ۱۲- موجودات زنده آسمان ها
- ۹۶۸ ----- ۱۳- مؤاخذه اخروی زنده بگوری دختران
- ۹۶۸ ----- ۱۴- مؤاخذه اخروی زنده بگوری فرزندان
- ۹۶۹ ----- ۱۵- ناپسندی زنده بگوری دختر
- ۹۷۰ ----- ۱۶- حقیقت زنده بگوری
- ۹۷۰ ----- ۱۷- زنده بگوری دختر
- ۹۷۰ ----- ۱۸- زنده بگوری دختران
- ۹۷۲ ----- ۱۹- مؤاخذه اخروی زنده بگوری دختران
- ۹۷۲ ----- ۲۰- مؤاخذه اخروی زنده بگوری فرزندان
- ۹۷۲ ----- ۲۱- ناپسندی زنده بگوری دختر
- ۹۷۳ ----- ۹- زوجیت
- ۹۷۳ ----- ۱- آثار زوجیت جانداران
- ۹۷۳ ----- ۲- الوهیت و زوجیت
- ۹۷۳ ----- ۳- اهمیت نظام زوجیت
- ۹۷۴ ----- ۴- حاکمیت نظام زوجیت
- ۹۷۴ ----- ۵- زوجیت از آیات خدا
- ۹۷۴ ----- ۶- زوجیت انسان
- ۹۷۴ ----- ۷- زوجیت انسان ها
- ۹۷۶ ----- ۸- زوجیت بز
- ۹۷۶ ----- ۹- زوجیت جانداران
- ۹۷۸ ----- ۱۰- زوجیت چهارپایان
- ۹۷۸ ----- ۱۱- زوجیت حیوانات
- ۹۷۸ ----- ۱۲- زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)
- ۹۷۹ ----- ۱۳- زوجیت در گیاهان
- ۹۸۰ ----- ۱۴- زوجیت درختان
- ۹۸۰ ----- ۱۵- زوجیت شتر

- ۹۸۰ ۱۶- زوجیت گاو
- ۹۸۰ ۱۷- زوجیت گوسفند
- ۹۸۲ ۱۸- زوجیت گیاهان
- ۹۸۴ ۱۹- زوجیت موجودات
- ۹۸۴ ۲۰- زوجیت میوه ها
- ۹۸۵ ۲۱- عبرت از زوجیت موجودات
- ۹۸۶ ۲۲- فواید زوجیت گیاهان
- ۹۸۶ ۲۳- منشأ زوجیت
- ۹۸۶ ۲۴- منشأ زوجیت آفرینش
- ۹۸۷ ۲۵- منشأ زوجیت انسان ها
- ۹۸۸ ۲۶- منشأ زوجیت جانداران
- ۹۸۸ ۲۷- منشأ زوجیت گیاهان
- ۹۸۹ ۲۸- منشأ زوجیت موجودات
- ۹۹۰ ۲۹- نعمت زوجیت انسانها
- ۹۹۰ ۳۰- نعمت زوجیت بز
- ۹۹۲ ۳۱- نعمت زوجیت چهارپایان
- ۹۹۲ ۳۲- نعمت زوجیت شتر
- ۹۹۲ ۳۳- نعمت زوجیت گاو
- ۹۹۲ ۳۴- نعمت زوجیت گوسفند
- ۹۹۴ ۳۵- نقش زوجیت انسان ها
- ۹۹۵ ۱۰- زهد
- ۹۹۵ ۱- آثار زهد
- ۹۹۵ ۲- آثار زهد بیجا
- ۹۹۵ ۳- ارزش زهد
- ۹۹۷ ۴- اهمیت زهد
- ۹۹۹ ۵- تشویق به زهد

- ۶- ذکر زهد ابراهیم(ع) ۹۹۹
- ۷- ذکر زهد اسحاق(ع) ۹۹۹
- ۸- ذکر زهد یعقوب(ع) ۱۰۰۱
- ۹- زمینه زهد ۱۰۰۱
- ۱۰- زهد ابوذر ۱۰۰۲
- ۱۱- زهد امام علی(ع) ۱۰۰۳
- ۱۲- زهد انبیا ۱۰۰۳
- ۱۳- زهد جادوگران فرعون ۱۰۰۳
- ۱۴- زهد حرام ۱۰۰۳
- ۱۵- زهد رهبران دینی ۱۰۰۵
- ۱۶- زهد سلمان ۱۰۰۷
- ۱۷- زهد سلیمان(ع) ۱۰۰۷
- ۱۸- زهد عثمان بن مظعون ۱۰۰۷
- ۱۹- زهد علمای بنی اسرائیل ۱۰۰۸
- ۲۰- زهد علمای دین ۱۰۰۹
- ۲۱- زهد علمای ربانی ۱۰۰۹
- ۲۲- زهد علمای یهود ۱۰۰۹
- ۲۳- زهد مبلغان ۱۰۰۹
- ۲۴- زهد مجاهدان ۱۰۱۱
- ۲۵- زهد مصلحان ۱۰۱۱
- ۲۶- زهد معقل بن مقرن ۱۰۱۱
- ۲۷- زهد منفی ۱۰۱۱
- ۲۸- زهد ناپسند ۱۰۱۳
- ۲۹- زهد یحیی(ع) ۱۰۱۳
- ۳۰- سرزنش زهد بیجا ۱۰۱۵
- ۳۱- گرایش به زهد ۱۰۱۵

- ۳۲- محدوده زهد ----- ۱۰۱۵
- ۳۳- ناپسندی زهد افراطی ----- ۱۰۱۷
- ۱۱- زیاده طلبی ----- ۱۰۱۸
- ۱- زیاده طلبی انسان ----- ۱۰۱۸
- ۲- زیاده طلبی جهنم ----- ۱۰۱۸
- ۳- زیاده طلبی دنیاطلبان ----- ۱۰۱۸
- ۴- زیاده طلبی مخالفان قرآن ----- ۱۰۲۰
- ۵- زیاده طلبی مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۱۰۲۰
- ۶- زیاده طلبی ولید بن مغیره ----- ۱۰۲۰
- ۷- منشأ زیاده طلبی ----- ۱۰۲۰
- ۱۲- زید بن حارثه ----- ۱۰۲۲
- ۱- آمیزش زید بن حارثه ----- ۱۰۲۲
- ۲- احسان به زید بن حارثه ----- ۱۰۲۲
- ۳- اسلام زید بن حارثه ----- ۱۰۲۲
- ۴- بردگی زید بن حارثه ----- ۱۰۲۳
- ۵- توصیه به زید بن حارثه ----- ۱۰۲۳
- ۶- زید بن حارثه و زینب بنت جحش ----- ۱۰۲۴
- ۷- طلاق همسر زید بن حارثه ----- ۱۰۲۵
- ۸- عتق زید بن حارثه ----- ۱۰۲۵
- ۹- فرزند خواندگی زید بن حارثه ----- ۱۰۲۵
- ۱۰- ناسازگاری همسر زید بن حارثه ----- ۱۰۲۵
- ۱۱- نعمتهای زید بن حارثه ----- ۱۰۲۷
- ۱۲- همسر زید بن حارثه ----- ۱۰۲۷
- درباره مرکز ----- ۱۰۲۹

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 56

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- زمین

1- زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 109 - 1

1 - مالکیت انحصاری خداوند، نسبت به آنچه در آسمان ها و زمین است .

و لله ما فی السموات و ما فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 129 - 1

1 - مالکیت آسمان ها و زمین (هستی) و حاکمیت بر آنها، در انحصار خداوند است .

و لله ما فی السموات و ما فی الارض

تقدیم «لله» بیانگر انحصار است.

2- آثار آرامش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 1

1 - آرامش زمین و آمادگی آن برای زندگی بشر، جلوه ای دیگر از تدبیر خداوند

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا

«قرار» مصدر به معنای اسم فاعل است؛ یعنی، «جعل الأرض قاره مستقره؛ زمین را آرام و برقرار ساخته است تا انسان بتواند در آن زندگی کند نه مضطرب و لرزان». گفتمی است که برخی از مفسران «قرار» را به معنای اسم مکان (یعنی قرارگاه) گرفته اند.

3- آثار تحولات درونی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 1 - 4

ص: 1

4- لرزش زمین در آستانه قیامت ، وابسته به عواملی زمینی و بازتاب تحولات درونی آن است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

مجهول بودن فعل «زلزلت»، بیانگر نقش عاملی در پیدایش زلزله است. اضافه شدن «زلزال» به ضمیری که به زمین برمی گردد، آن حوادث را به خود زمین مربوط می داند.

4- آثار ثبات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 9،14

9- گسترش نسل جنندگان بر پهنه زمین ، در پرتو آمادگی محیط زیستی آن است .

خلق ... و ألقى ... و بئ فيها من كل دابة

14 - ثبات و آرامش زمین ، آن را برای رویش گیاهان ، مساعد کرده است .

و ألقى في الأرض روصي أن تميمدبكم . . . فأنبتنا فيهما من كل زوج كريم

5- آثار حاکمیت بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 3

3- تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف «الذی له . . .» می تواند توجیه گر دو وصف قبلی باشد. تغییر عبارت - که موصول و صله جایگزین صفت مشابه شده است - مؤید برداشت بالا است.

6- آثار حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 7

7- زندگی بشر ، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) است .

و أنزلنا . . . لنحيي به بلدة ميتاً و نسقيه ممّا خلقنا أنعمًا و أناسيّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم «بلده ميتاً» و «أنعاماً» بر «أناسيّ» از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

ص: 2

7- آثار خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 5

5- عارض نكشتن كم ترين ضعف و خستگي بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم يعي بخلقهنّ

مفاد جمله «لم يعي بخلقهنّ» راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت والأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیت خویش توجه داده است؛ تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگردند.

8- آثار ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 1

1- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أولم يروا أن الله .. قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 14

14 - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتنكم لتكفرون بالذی خلق .. ذلك تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 4

4 - توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظيم . . . ألم نجعل الأرض مهدياً

9- آثار ذکر مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 3

3 - توجه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و

ص: 3

زمینه باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ . . . و الأرض بعد ذلك دحيها

آثار ذکر ویژگیهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 4

4 - توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظيم . . . ألم نجعل الأرض مهذاً

10- آثار گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 31 - 1

1 - خداوند ، با گسترده ساختن زمین ، آب های زمینی را بر سطح آن جاری ساخت .

أخرج منها ماءها

فعل «أخرج» بدل از «دحاها» است و به همین جهت بدون حرف عطف آمده است. این فعل آنچه را لازمه بسط زمین است بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشاق - 84 - 4 - 2

2 - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت ، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

وإذا الأرض مدّت . و ألقّت ما فيها و تخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه «القاء» و «تخلیه» خواهد بود. به قرینه آیات بعد - که درباره قیامت انسان ها است - می توان گفت: از عبارت «ألقّت ما فيها» بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

11- آثار مطالعه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- مطالعه در گستردگی سطح زمین و آرامش آن ، راهگشای انسان به تدبیر بهینه خدای جهان

و الأرض فرسناها فنعم المهدون

تعبیر «فنعم الماهدون»، انسان را به این حقیقت توجه می دهد که در تدبیر بهینه خداوند، بیندیشد و نمود این تدبیر عالی را در گستردگی سطح زمین و آرامش آن، مطالعه کند.

ص: 4

12- آثار مطالعه مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 6

6 - مطالعه در مراحل آفرینش زمین ، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قل أئنکم لتکفرون بالذی خلق الأرض فی یومین و تجعلون له أنداداً

13- آرامش در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 1

1 - قرار دادن زمین ، همانند گهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لکم الأرض مهذاً

«مهد» جایگاهی است که برای طفل آماده می کنند (گهواره)، در آیه شریفه، زمین به گهواره ای که طفل در آن می آرمد، تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 48 - 3، 1

1 - گستردگی زمین و آمادگی آن برای آسایش بشر ، به تدبیر و اراده خداوند

و الأرض فرشها

«فرش» (مصدر «فرشنا») و «مهد» (مصدر «ماهدون») در اصل به معنای پهن کردن و گستردن چیزی برای نشستن بر آن و یا خوابیدن است؛ یعنی، «و الأرض بسطناها و سطحناها لتستقروا علیها و تسکنوها فنعم الباسطون نحن».

3 - مطالعه در گستردگی سطح زمین و آرامش آن ، راهگشای انسان به تدبیر بهینه خدای جهان

و الأرض فرشها فنعم المهدون

تعبیر «فنعم الماهدون»، انسان را به این حقیقت توجه می دهد که در تدبیر بهینه خداوند، بیندیشد و نمود این تدبیر عالی را در گستردگی سطح زمین و آرامش آن، مطالعه کند.

14- آرامش زمین

6- آرامش زمین با وجود حرکت آن در فضا، جلوه ای از صنع متقن و بهینه خداوند

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذی اتقن کلّ شیء

در صورتی که عبارت «تمرّ...» اشاره به حرکت وضعی و انتقالی زمین داشته باشد، از ارتباط دو بخش آیه («تری الجبال...»)

با «صنع الله...») مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 1

1 - خداوند ، زمین را جایگاه مناسب و بستری آرام برای زندگانی بشر ، قرار داده است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

«مهدها» به هرگونه زیرانداز گفته می شود (مقایس اللغه). زیرانداز بودن زمین، کنایه از مناسب بودن آن برای استقرار و زندگی است.

15- آرامش زمین از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 2

2- آرامش سطح زمین و پیکر کوه ها ، با وجود حرکت های وضعی و انتقالی آنها ، آیتی از آیات الهی

ألم یروا أنّا جعلنا الّیل . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

آیه یاد شده مانند آیه 86، در مقام بیان نشانه های توحید است و «تمرّ» اشاره به حرکت های وضعی و انتقالی زمین دارد که امروز، از نظر دانش بشر امری پذیرفته شده و قطعی است. ذکر «جبال» نیز شاید از آن جهت باشد که کوه ها در نظر آدمیان، مظهر صلابت و ایستایی است و نیز حرکت کوه ها مستلزم حرکت زمین است.

16- آسایش در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 1

1 - قرار دادن زمین ، همانند گهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لکم الأرض مهدياً

«مهدها» جایگاهی است که برای طفل آماده می کنند (گهواره). در آیه شریفه، زمین به گهواره ای که طفل در آن می آرمد، تشبیه شده است.

17- آغاز خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

«جعل» در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده

ص: 6

مبتنی بر معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحیها

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلك»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

18- آفریده قبل از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 4

4- پیش از آفرینش آسمان ها و زمین ، هستی منحصر به آب بود .

و كان عرشه علی الماء

«عرش» به معنای تخت پادشاه می باشد و در آیه، کنایه از سیطره و حکومت است و جمله «وكان عرشه علی الماء» به دلیل وجود «کان» به این معناست که: خداوند، آسمانها و زمین را آفرید در حالی که پیش از آن، بر آنها سیطره و حکومت داشت. این معنا می رساند که آب، پیش از آسمانها و زمین تشکیل دهنده هستی بوده است.

19- آفرینش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 4، 2، 1

1 - خلقت آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر قدرت مطلق خداوند

و الله علی کل شیء قدير. ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار ل

جمله «ان فی ..» می تواند بیانگر دلیلی برای قدرت مطلق الهی (و الله علی کل شیء قدير) باشد که در آیه قبل مطرح شد. بنابراین مراد از «لایات»، نشانه های قدرت مطلق الهی خواهد بود.

2- آسمان ها و زمین ، آفریده هایی حادث و دارای نظم

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار

4- آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر یکتایی خدا در مالکیت و فرمانروایی بر هستی

و لله ملک السّموات . . انّ فی خلق السّموات ... لایات

جمله «انّ فی . . .» می تواند بیانگر دلیلی برای یکتایی خداوند در فرمانروایی و مالکیت باشد که در آیه قبل (ولله ملک السّموات ...) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 7

1 - آنان که همواره و در هر حال به یاد خدا بوده و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند ، دارای خرد ناب هستند .

لایات لاولی الالباب. الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون

فعل مضارع «یذکرون»، دلالت بر استمرار و دوام ذکر دارد و «قیام»، جمع قائم (ایستاده) و «قعود»، جمع قاعد (نشسته) و «جنوب»، جمع جنب (پهلوی)، کنایه از تمامی حالات آدمی است. چون غالباً آدمی از این سه حالت خارج نیست.

4 - ارزش اندیشیدن در آفرینش آسمان ها و زمین

الذین ... یتفکرون فی خلق السموات و الارض

5 - ارزش اندیشه در آفرینش آسمان ها و زمین ، در صورت توأم بودن آن با یاد خدا *

الذین یذکرون الله .. و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

جمله «یتفکرون» بدون تکرار «الذین»، عطف بر «یذکرون» شده تا دلالت کند به اینکه هر دو صفت (ذکر و تفکر) توأم، وصف «اولی الالباب» است؛ نه اینکه اولوا الالباب دو گروهند؛ عده ای ذاکر و عده ای دیگر متفکر.

6 - همواره به یاد خداوند بودن و اندیشیدن در آفرینش آسمان ها و زمین ، دو صفت برجسته خردمندان

لاولی الالباب. الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق

7 - ترغیب انسان ها به یاد همیشگی خدا و اندیشیدن در آفرینش آسمان ها و زمین

الذین یذکرون الله قیاماً .. و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

ستایش خداوند از دارندگان صفات یاد شده و توصیف آنان به خردمندی، برای تشویق به تحصیل چنین ویژگیهایی است.

9 - آفرینش آسمان ها و زمین ، امری با عظمت و میدانی گسترده برای تفکر مستمر

و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

10 - کیفیت آفرینش آسمان ها و زمین ، از منابع شناخت

و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

«خلق» به معنای آفریدن و ایجاد کردن است؛ ولی ظاهراً در آیه شریفه، مراد از آن چگونگی وجود آسمانها و زمین است.

14 - آنان که با اندیشیدن در خلقت آسمان ها و زمین به هدفداری جهان پی نبرند ، نه خردمندند و نه شناخت صحیحی از آفرینش دارند .

لایات لاولی الالباب. الذین ... ویتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت

18 - تفکر در آفرینش آسمان و زمین ، موجب درک توحید ربوبی (جهان بینی توحیدی) و اعتراف به آن

یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً

چون پس از تفکر، خداوند را با ربنا (پروردگار همه ما) یاد می کنند، معلوم می شود که آدمی با اندیشه در آفرینش، می تواند به ربوبیت خداوند نسبت به همگان (توحیدی ربوبی) دست یابد.

20- آمادگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 48 - 4

4 - مهیا گشتن سطح زمین برای زندگی ، پس از شکل گیری بنای آسمان (نظام کرات) *

و السماء بنینها .. و الارض فرشنها

ترتیب لفظی «و الارض ..» بر «و السماء...»، می تواند بیانگر ترتیب حقیقی و تقدم بنیان آسمان بر سامان زمین باشد.

ص: 8

21- آیات خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 105 - 1,4

1- آسمان ها و زمین ، حاوی آیات و نشانه هایی بسیار بر توحید و یکتایی خداوند است .

و کائین من ءایه فی السموت و الأرض

«کائین» کنایه از عدد است و دلالت بر کثرت دارد. این کلمه مبتدا و عبارت «فی السموت و الأرض» خبر آن است و «من آیه» تمییز آن می باشد. مقصود از «آیه» به قرینه «و ما یؤمن اکثرهم بالله» در آیه بعد، آیت و نشان بر توحید است.

4- آنان که با مشاهده نشانه های موجود در آسمان ها و زمین (هستی) به توحید و یکتایی خداوند پی نبرند ، سزاوار سرزنش و نکوهشند .

و کائین من ءایه فی السموت و الأرض یمرون علیها و هم عنها معرضون

لحن آیه شریفه گویای مذمت و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 8 - 1

1- مظاهر وجود و عظمت آفریدگار در آسمان و زمین ، مایه بصیرت و تذکر بندگان روی آورده به خداوند

أفلم یظنوا إلی السماء... و الأرض مددنها... تبصره و ذکری لکل عبد منیب

«منیب»، به معنای بازگشت کننده و روی آورنده به خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 20 - 1,2

1 - وجود نشانه های فراوان و مهم الهی در زمین برای اهل یقین

و فی الأرض ءایت للموقنین

جمع و نکره آمدن «آیات»، دلالت بر فراوانی و عظمت آن دارد.

2 - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

22- ابداع زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 2

2- خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» (از ماده «فطر») به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

ص: 9

23- اتقان خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

«حق» کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله «خلق السماوات»، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای «حق» تصریح کرده است.

24- اجتماع در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 25 - 1

1 - زمین ، جایگاه و بستر مناسب برای اجتماع انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاتاً

«کِفَات» اسم برای محلی است که در آن، چیزی نهاده و گردآوری شده است (قاموس المحيط). در این آیه - به قرینه آیه بعد (أحياء و أمواتاً) - مقصود محل اجتماع انسان ها است.

25- اجل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 6

6- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، دارای فرجام و پایانی معین و از پیش تعیین شده

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ و أجل مسمّی

26- احاطه آسمان بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 7 - 5

5 - « عن الحسين ابن خالد عن أبي الحسن الرضا (ع) قال قلت له أخبرني عن قول الله « و السماء ذات الحبک » فقال : هی محبوبه إلى الأرض و شبک بین أصابعه ، فقلت کیف تكون محبوبه إلى الأرض فقال . . . فبسط کفه اليسری ثم وضع الیمنی فقال : هذه أرض الدنيا و السماء الدنيا علیها فوقها قبه . . . » ;

حسین بن خالد از امام رضا(ع) از آیه «و السماء ذات الحبک» سؤال نمود، امام(ع) دست چپ خود را باز کرد و دست راست را مانند گنبد بر روی آن قرار داد و فرمود: این زمین دنیا است و آسمان دنیا همچون گنبد بر بالای آن قرار گرفته است [و

ص: 10

همین گونه تا هفت زمین و هفت آسمان]».

27- احاطه زمین بر انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 11

11 - در احاطه آسمان و زمین بر انسان ها ، از آیه های خداوند برای هر بنده اهل انابه ای است .

إن فی ذلک لآیه لکلّ عبد منیب

مشارالیه «ذلک» «ما بین ایدیهم و ما خلفهم من السماء و الأرض» است. گفتنی است که «إنابه» (مصدر «منیب») به معنای رجوع کننده است و «عبد منیب» کسی است که پیوسته رو به خدا دارد.

28- احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 10

10 - فرو فرستادن آب از آسمان و زنده کردن زمین به وسیله آن ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی . . ما أنزل اللّٰه من السماء من ماء فأحیا به الأرض ... لآیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 57 - 6

6 - خداوند با ابر های گسیل داده شده ، سرزمین های خشک و مرده را از آب باران سیراب می کند .

سقنه لبلد میت فانزلنا به الماء

ضمیر در «به» به سحاب بر می گردد و حرف «باء» در آن سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 65 - 7

7- نزول باران از آسمان و حیات یافتن زمین موات با آن ، از آیات خداوند

و الله أنزل من السماء ماء فأحيا به الأرض . . . إن في ذلك لآية

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - عنكبوت - 29 - 63 - 2

2 - مشركان ، به اين كه حيات بخش زمين مرده ، با آب باران ، خداوند است ، اعتقاد داشتند .

و لئن سألتهم من نزل .. فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - روم - 30 - 19 - 3

ص: 11

3 - حیات بخشی خداوند به مرده و زمین ، از دلایل لزوم تسبیح خداوند است .

فسبحن الله .. يخرج الحي من الميت ... ويحي الارض بعد موتها

«يخرج الحي» می تواند تعلیل برای «فسبحان الله» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 5

5 - رویش گیاهان و آباد شدن زمین ، پرتویی از رحمت خداوند بر آدمیان است .

فانظر إلى أثر رحمت الله كيف يحي الارض بعد موتها

مراد از «آثار»، می تواند هر چیزی باشد که بر اثر باران، به دست می آید که غالب آنها گیاهان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 9 - 8

8 - احیای زمین مرده و فاقد حیات و پدید آوردن موجودات زنده در این کره ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز رستاخیز

والله الذي أرسل الريح .. فأحيينا به الارض بعد موتها كذلك الشهور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 33 - 3

3 - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و آیه لهم الارض الميتة أحييناها وأخرجنا منها حبا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها - که کافران آن را انکار می کردند - آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 35 - 11

11 - احیای زمین با رویاندن نباتات و درختان میوه، به منظور تغذیه انسان ها از سوی خدا، شایسته شکر و سپاس گذاری است .

وَأَيُّ لِهَمِّ الْأَرْضِ الْمَيِّتَةِ أَحْيَيْنَهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا .. جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ ..

29- احیای زمین از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 33 - 1

1 - پدیده حیات و احیای زمین مرده، آیه و نشانه ای بزرگ از خداوند است .

وَأَيُّ لِهَمِّ الْأَرْضِ الْمَيِّتَةِ أَحْيَيْنَهَا .. حَبًّا

«حَبِّ» به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است. گفتنی است که نکره آمدن «آیه» برای تفخیم می باشد.

ص: 12

30- احیای زمین موات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 6

6 - حیات بخشی به زمین های موات و مرده ، نمودی از پدید آوردن جان داران از دل طبیعت مرده و بی جان است .

و ینخرج الحیّ من المیت . . . و ینحی الارض بعد موتها

«و ینحی الارض» می تواند به منزله ذکر خاص بعد از عام، و در نتیجه «و ینخرج المیت من الحیّ» نمودی از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 25 - 9

9 - احیای زمین موات با نزول باران ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجددانسان ها در قیامت است .

و من ءایته . . . و ینزل من السماء ماء فیحیی به الارض بعد موتها . . . ثم إذا دعاک

31- اخبار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 1,6

1 - زمین ، حافظ خبرهایی فراوان و دارای قابلیت بازگویی و ارائه آن

یومئذ تحدّث أخبارها

6 - « عن أبی هریره قال قرء رسول الله (صلی الله علیه و آله) هذه الآیه « یومئذ تحدّث أخبارها » قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله و رسوله أعلم ، قال : فانّ إخبارها أن تشهد علی کلّ عبد أو أمه بما عمل علی ظهرها ؛

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آیه «یومئذ تحدّث أخبارها» را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبردادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. «.

32- اخراج ذخایر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 2

2- زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دفینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

ص: 13

33- اراده زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 5

5 - زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالتا أتینا طائعين

از واژه «قالتا» استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که از جمله «أتینا طائعين» فهمیده می شود که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخوردارند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

34- ارائه اخبار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 1

1 - خداوند در قیامت ، زمین را به ارائه اطلاعات بایگانی شده در آن ، فرمان خواهد داد .

بأَن رَّبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

35- ارزش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 2

2- ارزش انسان ، برتر از آسمان و زمین و نعمت های موجود در آن

متَّعًا لَّكُمْ

36- ارزش نعمتهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 2

2- ارزش انسان ، برتر از آسمان و زمین و نعمت های موجود در آن

37- ارزشمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

ص: 14

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعبين . ما خلقنهما إلا بالحق

38- استفاده از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 5

5 - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 9

9 - گرایش طبیعی انسان به بهره برداری از زمین

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

بنی اسرائیل، از تنوع نداشتن غذا شکایت داشتند و در تقاضای خویش قید کردند که تنوع غذاها، از رویدنیهای زمین باشد. این نشان می دهد که آدمی به بهره برداری از زمین علاقه مند است و به آن گرایش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 6، 1

1 - خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین ، جایز و مورد توصیه خداوند است .

کلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

«أکل» (مصدر کلوا) به معنای خوردن است و در بسیاری از موارد به صورت «مجاز شامل» استعمال می شود و به معنای: مطلق تصرف و بهره برداری که شامل خوردن نیز می گردد، به کار می رود.

6 - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا . . .) ندارد .

یأیها الناس کلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 2

2- زمین و امکانات آن در خدمت بشر

و الأرض مددنها .. و أنبتنا فيها من كل شيء موزون . و جعلنا لكم فيها معيش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 3

3 - توجّه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینه باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ .. و الأرض بعد ذلك دحيها

ص: 15

39- استفاده از نعمتهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 7

7- فراهم آمدن زمینه های گوناگون و متنوع برای بهره برداری انسان در روی زمین ، پرتویی از ربوبیت خداوند

الذی . . . و سلک لکم فیها سبلاً

«سبل» جمع «سبیل» می باشد. محتمل است مراد از آن «راه» باشد و ممکن است به معنای طریقه هایی باشد که جهت امرار معاش و دیگر امور انسان بر روی زمین وجود دارد.

40- استقرار آدم (ع) در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 37 - 3

3- توبه آدم (ع) و دریافت کلمات از ناحیه خداوند ، پس از استقرارش در زمین بود . *

و لکم فی الأرض مستقر . . . فتلقى ءادم من ربه کلمت

برداشت فوق با عنایت به حرف «فاء» در «فتلقى . . .» - که برای ترتیب است - استفاده می شود.

41- استقرار انسان ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 15، 16، 21

15 - زمین محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها

و لکم فی الأرض مستقرّ و متع إلى حین

«إلی حین» (تا هنگامی) علاوه بر تعلقش به «متاع»، به «مستقر» نیز متعلق هست.

16 - مدت زمان استقرار و سکونت آدمیان در زمین ، نامعلوم برای آنان

و لکم فی الأرض مستقرّ و متع إلى حین

نکره آمدن کلمه «حین» رساننده این معناست که: مدت زمان سکونت انسانها در زمین، برای آنان نامعلوم خواهد ماند و بدان آگاهی نخواهند یافت.

21 - «عن الصادق (ع) . . . (فی قوله تعالی) «ولکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین» قال إلى یوم القیامه . . .» ;

از امام صادق (ع) درباره آیه «ولکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین» روایت شده که فرمود: (استقرار در زمین و بهره مندی از آن) تا روز قیامت خواهد بود . . .).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 165 - 1,5

1 - استقرار انسانهای هر عصر در زمین به جانشینی نسلهای گذشته، در اختیار خدا و به دست اوست.

ص: 16

و هو الذی جعلکم خلائف الأرض

«خلائف» جمع خلیفه (جانشین) است. اگر مخاطبان آیه انسانهای موجود در هر عصر باشند، مراد از جانشینی، جانشینی مردم هر عصر از مردم عصر پیشین خواهد بود. و اگر مخاطبان همه انسانها باشند، مقصود از جانشینی انسانها، جانشینی آنان از انسانهای منقرض شده ای است که پیش از بنی آدم بوده اند. این احتمال نیز گفته شده که منظور جانشینی انسان از خداست.

5- آزمون انسانها از جانب خدا هدف از مستقر ساختن آنان در زمین و برتری دادن برخی از ایشان بر برخی دیگر

هو الذی جعلکم خلائف الأرض و رفع بعضکم فوق بعض لیلوکم

به نظر می رسد «لیلوکم علاوه بر این که متعلق به «رفع» است، متعلق به «جعلکم» نیز باشد.

42- استقرار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 25 - 1

1 - تداوم بقا و ثبات آسمان و زمین ، از نشانه های خداوند است .

و من آیته أن تقوم السماء و الأرض بأمره

43- استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 4

4 - خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقى فی الأرض روسی

44- افساد در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 56 - 11، 3، 1

1 - حرمت فسادگری در زمین

و لا تقسدوا فی الأرض

3 - تخریب آبادانی های زمین و به هدر دادن امکانات طبیعی آن ، از مصادیق فسادگری در زمین

و لا تقسدا فی الأرض بعد إصلاحها

آیه بعد «و هو الذی . . .» که بیانگر جلوه ای از آبادانی زمین است می تواند قرینه ای باشد بر اینکه از مصادیق مورد نظر برای «لا تقسدا ...» تخریب آبادانیهای زمین و ... است.

11 - پرهیز از فسادگری در زمین سیره و روش محسنان و زمینه ساز دستیابی به رحمت الهی است .

و لا تقسدا فی الأرض . . . إن رحمت اللّٰه قریب من المحسنین

ص: 17

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 16، 17

16 - صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

«لا تعثوا» از «عثی یعنی عثوا» است، یعنی فساد نکنید.

17 - فسادانگیزی و فسادگری در زمین ، امری حرام و بسیار ناپسند

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

«لا تعثوا» خود به معنای «فساد نکنید» است. بنابراین «مفسدین» حال مؤکد خواهد بود و همان نهی را تأکید می کند. لذا جمله «لا تعثوا ...» دلالت بر شدت ناپسندی و حرمت فسادانگیزی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 25، 26

25 - کمفروشی و کم مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم ، حرام و از مصادیق فسادانگیزی در زمین است .

فأوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تفسدوا فی الأرض

26 - قوم شعیب بر خوردار از دلیلی روشن برای التزام به عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادگری در زمین بودند .

قد جاء تکم بینه من ربکم فأوفوا الکیل و المیزان ... و لاتفسدوا فی الأرض

تفریع جمله «أوفوا الکیل» بر جمله «قد جاء تکم بینه» بیانگر این است که بینه ارائه شده به قوم شعیب به گونه ای بوده است که باور به آن در پی دارنده رعایت عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادگری در زمین بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 8، 9

8 - آنان که در زمین فسادانگیز هستند ، فاسقند .

إلا الفسقین. الذین ... یفسدون فی الأرض

9 - قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که : عهد های الهی را نقض کنند ، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری پردازند .

و ما یضل به إلا الفسقین . الذین ... یفسدون فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 18،22

18 - فسادگری در زمین از محرمات مؤکد است .

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

کلمه «مفسدین» حال برای فاعل «لاتعتوا» است و از آن جا که «لاتعتوا» حاکی از حرمت فسادگری است، «مفسدین» حال مؤکده خواهد بود و دلالت بر تأکید آن تکلیف دارد.

22 - اباحه بهره گیری از نعمت های الهی تا آن جاست که به فساد در زمین نینجامد .

کلوا و اشربوا من رزق الله و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

نهی از فسادگری پس از توصیه به بهره گیری از خوراکیها و نوشیدنیها، به منزله قیدی است برای آن توصیه.

ص: 18

45- افشای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 4

4 - الزام زمین به افشای اخبار انسان ها در قیامت ، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور آنها است .

بأن ربك أوحى لها

تعبیر «ربك»، گرچه خطاب به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ ولی در این موارد مفاد آیه شریفه اختصاص به آن حضرت ندارد، بلکه خطاب به لحاظ جنبه های بشری او است.

46- افشای اخبار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 2,3,4

2 - زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دفینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

3 - زمین پس از تحولاتی در سه مرحله (« لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا » ، « اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت » و « اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود ») ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت... وأخرجت... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر «یومئذ» - در این احتمال - نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

4 - زمین گزارش های فراوانی را درباره انسان ها در خود ، بایگانی کرده ، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق «اخبارها» را بیان نکرده است؛ ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 4

4- الزام زمین به افشای اخبار انسان ها در قیامت ، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور آنها است .

بأن ربك أوحى لها

تعبیر «ربك»، گرچه خطاب به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ ولی در این موارد مفاد آیه شریفه اختصاص به آن حضرت ندارد، بلکه خطاب به لحاظ جنبه های بشری او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 5

ص: 19

5- زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 5

5- زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذره شراً یره

47- امانت عرضه شده به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 14

14 - « وفي الحديث : إنّ علیاً (ع) إذا حضر وقت الصلاة يتململ و يتزلزل و يتلون فقیل له : ما لك يا امیر المؤمنین ؟ فيقول جاء وقت الصلاة وقت أمانه عرضها الله على السماوات و الأرض فأبین أن یحملنها و أشفقن منها ؛

روایت شده که علی (ع) هنگامی که وقت نماز می رسید، ناآرام و لرزان و رنگ به رنگ می شد. پس به آن حضرت گفته شد: چه شده شما را ای امیر المؤمنین؟ فرمود: وقت نماز رسیده است! وقت امانتی که بر آسمان ها و زمین عرضه شد و آنها از حمل آن سربر تافتند و از آن هراسیدند».

48- امتناع زمین از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنا عرضنا الأمانة على السموات و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها

لام در «لیعذب» ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «لیعذب» قرینه است که مراد از «الأمانة» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

49- امتناع زمین از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 4,5

4- آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

ص: 20

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

5 - خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

50- امکانات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 12، 3، 5، 7، 1

1 - خداوند انسانها را برای بهره گیری از زمین و امکانات آن توانا ساخت.

و لقد مكنكم في الأرض

2 - توانایی انسانها بر بهره گیری از امکانات زمین نعمتی بایسته شکرگزاری است.

و لقد مكنكم في الأرض . . . قليلا ما تشكرون

3 - زمین در بردارنده تمام نیازمندیهای انسان برای ادامه حیات است.

و جعلنا لكم فيها معيش قليلا ما تشكرون

5 - حق بهره وری از زمین و امکانات آن برای همه انسانهاست، نه گروهی خاص.

و لقد مكنكم في الأرض و جعلنا لكم فيها معيش

7 - وجود وسائل معیشت در زمین، نعمتی بزرگ برای انسانها و بایسته سپاسگزاری است.

و لقد مكنكم في الأرض . . . قليلا ما تشكرون

12 - باور به خدادادی بودن امکانات زمین و اسباب معیشت، زمینه ساز ایمان به آیات الهی و پیروی از انبیاست.

و لقد مكنكم في الأرض و جعلنا لكم فيها معيش

چون بیان نعمتهای یاد شده و تذکر به خدادادی بودن آنها، پس از فرمان دادن به تبعیت از قرآن (اتبعوا . . .) و پیروی از رسولان الهی (فلنستلن الذين أرسل اليهم) ایراد شده، اشاره به این حقیقت دارد که انسانها در صورت توجه به نعمتها و باور به خدادادی بودن آنها، از انبیا پیروی کرده و به آیات خدا ایمان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 2

2- زمین و امکانات آن در خدمت بشر

و الأرض مددنها... و أنبتنا فيها من كل شيء موزون . و جعلنا لكم فيها معيش

51- انذار از فروری در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 1

1- خداوند ، توطئه گران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به فرو بردن در زمین ، تهدید کرد .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

مراد از «الذين مكروا» به قرینه آیات پیش - که درباره مشرکان و سنگ اندازیهای آنان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن بود - کسانی

ص: 21

اند که سد راه پیامبر(صلی الله علیه و آله) می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 7

7- تهدید شدن منکران معاد از سوی خداوند ، به فرو بردن در زمین

إن نشأ نخسف بهم الأرض

52- انسان از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 14

14- عناصر زمینی ، خمیرمایه خلقت انسان است .

هو أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 1

1 - ماده خلقت انسان ها ، فراهم آمده از زمین و عناصر آن

جعل لكم الأرض .. منها خلقنكم

مرجع ضمیر در «منها» «الأرض» در آیات قبل است.

53- انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 98 - 6

6 - آدمیان، در عین استقرار در زمین، ثبات نداشته و در آن به ودیعت هستند.

أنشأكم من نفس وحده فمستقر و مستودع

توصیف انسانها به «مستقر» و «مستودع» ظهور در آن دارد که هر کدام از آحاد انسان دارای این وصف هستند و بنابراین هر کدام هم

«مستقر» و هم «مستودع» می باشند. برداشت فوق بر این مبناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 7

7 - زمین، محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها و شیاطین است.

و لكم فى الأرض مستقر و متع إلى حين

قید «إلى حين» علاوه بر تقيید «متاع»، کلمه «مستقر» را نیز مقید می کند.

ص: 22

54- انشاق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 90 - 2

2- شکافته شدن آسمان ها ، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها ، امری بسزا ، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا

فعل «تکاد» - که بر «وقوع نزدیک» دلالت دارد - در معنای مجازی «سزاوار بودن» به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است؛ که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و زمینی باقی نگذارد و همه چیز را نابود کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 11

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 44 - 1

1 - قیامت ، روز شکافتن زمین و خروج سریع آدمیان از دل خاک

يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سَرَاعًا

مطلب بالا، بر این اساس است که «سراعاً» اشاره به خروج سریع داشته است.

55- انقیاد زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 44 - 1,4,5,9,11

1- خداوند ، در پی غرق شدن کافران قوم نوح ، به زمین فرمان داد تا آب های خود (آب های زیرزمینی) را فرو برد .

فَكَانَ مِنَ الْمَغْرِقِينَ. وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ

مراد از «ماءک» آبهایی است که تا پیش از طوفان در منابع زیرزمینی وجود داشت و به امر خداوند بر سطح زمین ظاهر شده بود. اضافه کلمه «ماء» به ضمیر «ک» گویای این معناست.

4- با فرمان الهی به آسمان و زمین، آب ها کاسته شد، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید.

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

5- زمین، آسمان و همه عوامل هستی، در اختیار خدا و گوش به فرمان او هستند.

یأرض ابلعی ماءک و یسماء أقلعی و غیض الماء

9- «عن أبي عبد الله (ع) . . . أمر الله الأرض أن تبلع مائها و هو قوله « و قيل يا أرض ابلعی مائک . . . » . . . فبلعت الأرض ماءها فأراد ماء السماء أن یدخل فی الأرض فامتنعت الأرض من قبولها و قالت : إنما أمرنی الله عز و جل أن أبلع مائی فبقى ماء السماء علی وجه الأرض و استوت السفینه علی جبل الجودی و هو بالموصل جبل عظیم، فبعث الله جبرئیل فساق الماء إلى البحار حول الدنيا . . . » ;

ص: 23

[در مورد طوفان نوح] از امام صادق(ع) روایت شده است که: خداوند به زمین فرمان داد تا آب خود را فرو برد و این سخن خداست که فرمود: «... یا أرض ابلعی مائک...» پس زمین آب خود را فرو برد. آبی که از آسمان آمده بود خواست در زمین فرودد، زمین از قبول آن امتناع کرد و گفت: خدای عزوجل مرا فرمان داده فقط آب خود را فرو ببرم، پس آب آسمان روی زمین باقی ماند و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و آن کوه بزرگی است در موصل. پس خداوند جبرئیل را برانگیخت و او آبها را به دریاهاى اطراف دنیا سوق داد...».

11- «عن أبی عبدالله (ع) . . . قال الله تعالى للأرض : « ابلعی ماءک » فبلعت ماءها من مسجد الکوفه کما بدأ الماء منه و تفرّق الجمع الذی کان مع نوح فی السفینه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خداوند [در طوفان نوح] به زمین گفت: «آب خود را فرو ببر». زمین آب خود را از مسجد کوفه فرو برد، همان گونه که از آن جا هم آغاز به بیرون آمدن کرده بود و گروهی که با نوح در کشتی بودند متفرق شدند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 3،4

3 - خداوند ، به آسمان و زمین فرمان داد تا - خواه یا ناخواه - در مسیر تعیین شده به حرکت در آیند و فرمان ببرند .

فقال لها و للأرض اتبیا طوعاً أو کرهاً

«طوع» به معنای رغبت و میل و «کره» به معنای بی میلی و عدم رغبت است.

4 - آسمان و زمین فرمانبر اراده الهی ، از سر میل و رغبت

قالتا أتینا طائعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 5 - 1،4

1 - زمین ، مطیع و گوش به فرمان خداوند است .

و أذنت لربّها

4 - زمین ، برای اطاعت از فرمان خداوند ، شایستگی و آمادگی لازم را دارد .

و حَقَّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 2

2- زمین ، دریافت کننده وحی و فرمان الهی و مطیع آن

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 98 - 11،15

11- به هنگام برپایی قیامت ، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد .

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّیْ جَعَلَهُ دُغَاءً

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، بازگو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن

ص: 24

است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصی رسیده باشد.

15- موحّدان معتقد به معاد ، هیچ گاه به دستاورد های فنی و آثار تمدن بشری ، مغرور نشده و فرجام جهان را ویرانی و انهدام می بینند .

هذا رحمه ربّي فاذا جاء وعد ربّي جعله دڭاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 25 - 10

10 - آسمان و زمین (هستی) ، قبل از برپایی قیامت ، فرو می ریزند .

تقوم السماء والأرض بأمره ثمّ .. إذا أنتم تخرجون

«ثمّ» برای تراخی است و آورده شدن آن بین دو جمله ای که یکی درباره ثبات عالم و دیگری احیای مردگان در قیامت است، نشان می دهد که باید حادثه ای پس از قوام و ثبات عالم رخ بدهد و آنگاه فرمان حیات صادر شود. آن حادثه، به تناسب مقام، می تواند فروپاشی عالم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 4 - 2

2- انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجّت الأرض رجّاً

به کارگیری «اذا»ی شرطیه - که در امور قطعی به کار می رود - بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 2

2- انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فكانت هباء منبّثاً

به کارگیری فعل ماضی «فكانت» در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - زمین و کوه‌ها در آستانه برپایی قیامت، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد.

و حملت الأرض و الجبال

3 - نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه‌ها، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می‌شود.

و حملت الأرض و الجبال فدکتا دگه و حده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه‌ها، واقعه قیامت رخ می‌دهد.

فإذا نفخ في الصور... و حملت الأرض... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه «واقعه» همانند واژه‌های «حاقه»، «قارعه»، «غاشیه» و... در قرآن - که بدون موصوف و یا به تقدیر

آن آمده است - عَلم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 9 - 2

2 - متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تَكون الجبال كالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 10 - 2

2 - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست . و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 3 - 2

2 - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 4 - 2

2 - دفن آخرین نسل انسان در زمین با به هم ریختن آسمان و ستارگان و زمین ، فاصله چندانی نخواهد داشت . *

و إذا القبور بعثرت

تعبیر «قبر» و زیر و رو شدن خاک آن، ممکن است حاکی از این باشد که هنگام پایان یافتن دنیا و آغاز آخرت، بقایای جسم برخی از

انسان ها در قبرها باقی خواهد ماند. کلمه «القبور» - به دلیل داشتن «ال» استغراق - همه قبرهای موجود در آن زمان را شامل می شود. در نتیجه باید گفت این آیه، درباره سایر انسان ها - که چیزی از جسمشان باقی نمانده باشد - سخنی نگفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 23 - 10

10 - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دگت الأرض .. یومئذ یتذکر الإنسان

«یومئذ»، بدل برای «إذا» در «إذا دگت الأرض ..» و جمله «یتذکر الإنسان» جزا برای آن است.

ص: 26

انهدام زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 21 - 2

2- زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

«دک»؛ یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر «دکاً دکاً» بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

56- اولین نقطه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 28

28 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « دحیت الأرض من مکة . . . و هی الأرض التي قال الله « إني جاعل فی الأرض خلیفه . . . » »؛

گسترش زمین از مکة آغاز شده و مکة همان زمینی است که خداوند فرموده: من می خواهم در زمین خلیفه قرار دهم . . .».

57- اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 10، 13، 18، 20، 8

8 - استغفار و آمرزش خواهی همیشگی فرشتگان ، برای زمینیان

و یتستغفرون لمن فی الأرض

10 - اهل زمین ، در طبیعت زمینی خود - بدون بهره گیری از وحی و شریعت الهی - مبتلا به لغزش و گمراهی اند .

كذلک یوحی . . . و یتستغفرون لمن فی الأرض

13 - استغفار ملائکه برای زمینیان ، مورد پذیرش خداوند است .

و یتستغفرون لمن فی الأرض ألا إن الله هو الغفور الرحیم

18 - استغفار فرشتگان برای آدمیان ، در پی مشاهده غفلت زمینیان از عظمت خداوندی

و هو العلیّ العظیم . . . و یستغفرون لمن فی الأرض

بنابراین که آیه درصدد بیان عظمت خداوند باشد و قهراً استغفار فرشتگان برای اهل زمین می تواند از این جهت باشد که مردم غافل از عظمت خداوند.

20 - استغفار فرشتگان برای زمینیان ، موجب بقای نظام هستی

تکاد السموت یتفطرن . . . و الملئکه . . . و یستغفرون لمن فی الأرض

چنانچه آیات در مقام توحید و نفی شرک باشد، از ارتباط فرازهای آیه می توان استفاده کرد که پیامد گناه شرک، چنان بزرگ و سنگین است که اگر استغفار ملائکه برای زمینیان نبود، نظام هستی فرو می پاشید.

ص: 27

58- اهمیت امانت عرضه شده بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 2

2 - امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان ها ، بس عظیم و سنگین است .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَح

تعبیر «أبين أن يحملنها وأشفقن منها» و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به «إنه كان ظلوماً جهولاً» حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

59- اهمیت تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 2

2 - انسان ها ، ناتوان از سلطه همه جانبه بر زمین و به کنترل در آوردن همه عوامل طبیعت

و ما أنتم بمعجزين في الأرض

به عجز در آوردن، ملازم با سلطه یافتن و کنترل داشتن بر شیء است.

60- اهمیت تعقل در تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 1

1 - مسطح شدن زمین ، شایان تحقیق و امعان نظر برای کشف علل و عوامل آن

وإلى الأرض كيف سطحت

61- اهمیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 3

3- خلقت آسمان ها و زمین ، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 81 - 6

6- آفریش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفریش مجدد انسان ها است .

أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران - علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت - می تواند ناشی از این

ص: 28

حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 3

3- آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 21

21- تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض . . . و صوّرکم ... فتبارک اللّٰه ربّ العلمین

جمله «فتبارک اللّٰه ربّ العالمین» دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

62- اهمیت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 7 - 3

3- آسمان ها و زمین و سراسر نظام هستی ، نمودار ربوبیت عالی و خدشه ناپذیر خداوند است .

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

63- اهمیت زمین گیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 4

4- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیرشدن دشمن

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

64- بازگشت انسان به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 25 - 3

3- انسانها پس از مرگ و مدفون شدن در زمین، دوباره زنده خواهند شد و از دل خاک به عرصه زمین بازخواهند گشت.

وفیها تموتون و منها تخرجون

اخراج از زمین (و منها تخرجون) می تواند به این معنا باشد که انسانها از درون زمین، که معمولاً در آن مدفون می شوند؛ پس از زنده شدن به سطح زمین بازگردانده می شوند؛ و می تواند به این معنا باشد که از کره زمین اخراج و به جایی دیگر منتقل خواهند شد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

65- بازگشت به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 2

2- بازگشت به اندرون زمین، سرنوشت همه انسان ها است .

وفیها نعیدکم

66- باغهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 3, 2

2- زمین جایگاه باغهایی از درختان انگور و دربردارنده کشتزارهاست .

وفی الأرض . . . جنات من أعنب و زرع

«جنه» (مفرد جنات) به معنای بوستان است که به اعتبار پوشش زمییش با درختان این نام بر آن اطلاق شده است و لذا کلمه درختان در برداشت آورده شد. «زرع» به معنای رویانیدن و نیز چیزی است که روییده شده باشد. در آیه شریفه معنای دوم مراد است.

3- زمین جایگاه درختان خرما؛ درختانی که به یک ریشه روییده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

وفی الأرض . . . نخیل صنوان و غیر صنوان

«نخیل» (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. «صنوان» (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان «صنو» می گویند.

67- بذریابی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 63 - 2

2 - نقش انسان تنها شخم زدن زمین و پاشیدن بذر در آن است ; و نه بیشتر از آن .

ص: 30

أفرءیتم ما تحرثون

در آیه شریفه، تنها «حرث» (عمل آماده کردن زمین و پاشیدن دانه ها در آن)، به انسان نسبت داده شده است.

68- برکات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 96 - 3

3- آسمان و زمین منبع انواع برکت ها و دربردارنده خیر های فراوان برای جوامع بشری است .

لفتحنا علیهم برکت من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 7

7- کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدر فیها أقوتها فی أرب

69- بستر بودن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 1

1 - زمین همانند بستری گسترده ، شایسته برای زندگانی انسانهاست .

جعل لکم الأرض فرشاً

کلمه «جعل» می تواند به معنای «صیر» (تبدیل کرد) باشد و می تواند به معنای «خلق» (آفرید) هم باشد. کلمه «فرشاً» به معنای بستر گسترده است و اطلاق آن بر زمین از باب تشبیه می باشد؛ یعنی: جعل الأرض کالفرش.

70- بقای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 25 - 1

1 - تداوم بقا و ثبات آسمان و زمین ، از نشانه های خداوند است .

و من ءآیته أن تقوم السماء و الأرض بأمره

ص: 31

71- بقای نسل انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 6

6 - هبوط آدم و حوا (ع) به زمین ، ملازم با ابقای تمامی نسل انسانی در آن است .

قال اهبطا . . . بعضکم لبعض عدو فإما یأتیکم

ضمیر جمع در «بعضکم» و «یأتیکم» گویای این نکته است که هنگام صدور فرمان هبوط، ادامه یافتن زندگی بشر در زمین، قطعی بوده است.

72- بی ارزشی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 7

7 - ناچیز بودن جهان هستی (آسمان ها و زمین) ، در برابر عظمت و قدرت خداوند

و الأرض جميعاً قبضته . . . و السموت مطویّـت بیمینه

«قبضه» - بر وزن فعله - دلالت بر «مرّه» می کند؛ یعنی، یک مشت. این تعبیر و نیز تعبیر پیچیده بودن آسمان ها در دست خدا، کنایه از ناچیز بودن آنها و نیز اشاره به عظمت خداوند است؛ زیرا به چیزی که کاملاً در اختیار کسی باشد، می گویند: در مشت او است.

73- پراکندگی مواد درونی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 2 - 3

3 - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل - به قرینه سیاق آیات - عطف مسبب بر سبب است.

74- پرسش از خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 10،12

10 - انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

الذی خلق السموت .. فسئل به خبیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که «فا» در «فسئل به خبیراً» جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد:

ص: 32

«إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً». گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر «به» خلق و استوا و «خبیراً» مفعول برای «فسئل» دانسته شد.

12 - لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحیّ الذی لایموت . . . الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

75- پیدایش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 34 - 4

4 - پیدایش آسمان، زمین، شب، روز، آب، گیاه و کوه، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامه الكبرى

«کبری» اسم تفضیل است و قیامت را - در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد - برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

76- پیوستگی آسمان و زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 1

1- جهان طبیعت (آسمان و زمین) در ابتدای خلقت، متراکم و به هم پیوسته بوده است.

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

«رتق» به معنای ضمّ و پیوستن است و «فتق» به معنای فصل و جدا شدن است. مقصود از رتق پیوستگی و با هم بودن آسمان و زمین در آغاز خلقت و مراد از «فتق» جدا شدن و دورگشتن آن دو از هم در دوره بعد است. گفتنی است که مقصود از رؤیت در «أولم یر» رؤیت قلبی و علمی است.

77- تاریخ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 24

24 - از امام باقر (ع) روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «ان الله جلّ ذكره و تقدست اسمائه خلق الأرض قبل السماء . . .»

خدای جل ذکره... زمین را قبل از آسمانها آفرید...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 2

2- آفرینش آسمان ها مقدم بر آفرینش زمین *

و من ءایته خلق السموت و الأرض

ص: 33

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 3

3 - زمین در ابتدای پیدایشش قابل سکونت و زندگانی انسان نبوده است .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

برداشت فوق بر این اساس است که: «جعل» به معنای «صیر» باشد؛ یعنی، خدا زمین را به گونه ای که قابل زندگانی باشد مبدل ساخت. این معنا حکایت از آن دارد که زمین در بدو پیدایش، چنین وضعیتی را دارا نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 28

28 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « دحیت الأرض من مکة . . . و هی الأرض التی قال الله « إنی جاعل فی الأرض خلیفه . . . » »

گسترش زمین از مکة آغاز شده و مکة همان زمینی است که خداوند فرموده: من می خواهم در زمین خلیفه قرار دهم . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 96 - 13

13 - جایگاه بنای کعبه ، اولین نقطه آفریده شده از زمین

انّ اول بیت وضع للناس

امام صادق (ع) : ... لما اراد الله تعالی ان یخلق الارض ... فجمعه فی موضع البیت ثم جعل جبلاً من زبد ثم دحی الارض من تحته وهو قول الله عزّ وجل : (ان اول بیت . . . » .

کافی، ج 4، ص 189، ح 7؛ نورالثقلین، ج 1، ص 365، ح 244 و 246.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 2

2- تغییر و تحول آسمان ها و زمین از شکل آغازین خود *

رفع السموت .. مدّ الأرض

ظاهر جمله «رفع السموت» این است که برافراشته شدن صفتی می باشد که عارض بر آسمانها شده است ; یعنی، در ابتدای خلقتشان برافراشته نبودند، خداوند آنها را برافراشته کرد و نیز «مدّ الأرض» در این معنا ظهور دارد که زمین در آغاز گسترده نبود، خداوند آن را گسترانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 2

2- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

و الأرض مددنها

ص: 34

«مَدَّ» در لغت به معنای «بسط» و «جَرَّ» است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 10 - 5

5- آب های زمین در گذشته از آسمان فرود آمده است .

هو الذی أنزل .. تسیمون . ینبت

«أنزل» به صورت ماضی تعبیر شده است؛ ولی «تسیمون» و «ینبت» به صورت مضارع بیان گردیده، در صورتی که اینها از نتایج باران است. از این رو می توان استفاده کرد که مقصود از «أنزل» در این جا، بارانهای معمولی که از ابرها فرو می ریزند نیست؛ بلکه اشاره به بارانهایی است که قبلاً بر زمین باریده است تا زمین سرد شده و آب در نقاط کم ارتفاع و نیز طبقات زمین ذخیره گشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 65 - 5

5- زمین ، پیش از برخورداری از آب ، فاقد حیات بود .

فأحیا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 3,5

3 - شرایط روی زمین ، در آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است . *

الذی جعل لكم الأرض مهذاً

ممکن است «جعل» به معنای «صیّر» باشد که حاوی معنای تحول و دگرگونی است. در این صورت باید گفت: زمین از آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است؛ ولی خداوند آن را متحوّل ساخته تا این که شرایط ویژه برای حیات بشر بر روی آن فراهم آمده است.

5 - پدیدار شدن شرایط حیات انسان بر روی زمین و امکانات مختلف برای او ، کاری هدف دار و برنامه ریزی شده

لكم الأرض .. سلک لكم

از تکرار «لكم» در آیه شریفه و از مضمون آیات بعد، این نکته استفاده می شود که آماده شدن زمین برای حیات انسان امری تصادفی نبوده، بلکه از قبل طراحی گردیده و برنامه ها، هدف دار اجرا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 2

2- جهان طبیعت ، دارای آسمان های متعدد

السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 2

2- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . *

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ص: 35

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 3

3 - زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

«جعل» در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 10 - 2

2 - زمین ، در ابتدای خلقت قابل سکونت نبود . *

خلق السموت .. الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر «جعل لکم» پس از بیان خلقت آسمان ها و زمین، اشاره به این نکته داشته باشد که زمین در ابتدا، غیر قابل سکونت بوده و سپس جایگاه مناسبی برای زندگی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 19 - 5

5 - گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

و اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا

«جعل» در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

والأرض بعد ذلك دحیها

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

79- تبدیل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 48 - 1،2،5

1- انتقام خداوند از ستمگران و عذاب کردن آنان در روزی است که این آسمان و زمین ، به آسمان و زمین دیگری تبدیل

ص: 36

شوند .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم . . . إن الله عزیز ذو انتقام . یوم تبدل الأری

برداشت فوق مبتنی بر این است که «یوم تبدل . . .» ظرف برای انتقام باشد.

2- دگرگونی اساسی آسمان و زمین و تبدیل نظام کنونی آنها به نظامی دیگر ، در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت و برزوا لله

5- تبدیل نظام کنونی جهان (آسمان و زمین) به نظامی متناسب با حیات جاودانه اخروی انسان در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

السموات) ممکن است پاسخ این سؤال باشد که: چگونه ممکن است انسان در آخرت حیات جاودانه ای داشته باشد و مواجه با مرگ نشود؟ قرآن پاسخ می دهد: نظام کنونی جهان متناسب با شرایط زندگی جاودانه دگرگون می شود و به نظامی کاملاً متفاوت تغییر می یابد.

80- تبدیل زمین به بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 8 - 4

4- زمین ، در نهایت ، به کویری بی حاصل و خالی از گیاه ، تبدیل خواهد شد .

و إنا لجعلون ما علیها صعیداً جرراً

81- تحقیق در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 137 - 11

11 - زمین و آثار گذشتگان ، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

82- تحیر موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - نگاه متحیرانه و بهت آمیز موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور در قیامت

ثم نفخ فيه أُخْرَى فإذا هم قيام ينظرون

ص: 37

83- تخریب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 56 - 3

3 - تخریب آبادانی های زمین و به هدر دادن امکانات طبیعی آن ، از مصادیق فسادگری در زمین

و لا تفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها

آیه بعد «و هو الذی . . .» که بیانگر جلوه ای از آبادانی زمین است می تواند قرینه ای باشد بر اینکه از مصادیق مورد نظر برای «لا تفسدوا ...» تخریب آبادانیهای زمین و ... است.

84- تخلیه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 4 - 1

1 - زمین در آستانه قیامت ، تمام آن چه را در دل خود جای داده ، بیرون افکنده ، به کلی تخلیه خواهد شد .

و ألقن ما فیها و تخلت

باب تفعل، بر تکلف دلالت دارد؛ بنابراین «تخلت»؛ یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 5 - 3

3 - گسترش و افزایش مساحت زمین در آستانه قیامت و خالی شدن درون آن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تکامل یافتن زمین است .

و أذنت لربها

85- تدایم حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 5 - 3

3 - شرایط حیات در کره زمین - حتی برای جانداران بیابانی - تا زمان پیدایش نشانه های قیامت ، همچنان باقی خواهد ماند .

وإذا الوحوش حشرت

86- تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 3 - 1

1 - تدبیر و حاکمیت مطلقه و یکسان خداوند بر آسمانها و زمین

ص: 38

و هو الله في السموت و في الأرض

اهل ادب گفته اند که در مانند آیه مورد بحث، «فی السماوات ..» نمی تواند متعلق به «الله» باشد، مگر اینکه معنی فعلی در آن منظور گردد و معنی مناسب در این مورد، به قرینه آیات قبل و بعد، مسأله تدبیر و نظارت خداوند بر تمامی موجودات است (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 11

11 - تدبیر امور آسمان ها و زمین در دست خداوند است .

الذی خلق السموت و الأرض . . . یدبر الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 1

1- خداوند ، پروردگار آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

ربّ السموت والأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 5 - 3

3 - امور زمین ، از آسمان تدبیر می شود .

یدبّر الأمر من السماء إلى الأرض

«من» ابتدایی و «إلی» انتهایی است. «من السماء» متضمن معنای «تنزیل» است؛ یعنی، امور از آسمان (عالم بالا) اداره می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 5 - 1

1 - جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و پدیده های میان آنها) ، تحت ربوبیت خدای یگانه است .

إنّ إلهکم لوحد . ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت والأرض .. كلّ یجرى لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 11

ص: 39

11 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 7،9،14

7 - آسمان ها و زمین ، تحت تدبیر و حکومت خداوند قرار دارند .

یتنزّل الأمر بینهنّ

9 - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّه الذی خلق سبع سموت . . . لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدير

14 - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذاباً شدیداً . . . جنّات تجرى من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها - پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 37 - 9

9 - تدبیر امور آسمان ها و زمین و موجودات بین آنها از سوی خداوند ، بر پایه رحمت و عطف است .

لا یملکون منه خطاباً

توصیف «ربّ» به «رحمان»، حاکی از نقش رحمت در تدبیر نظام هستی است.

87- ترس زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 4،5

4 - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

5- خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

88- تسبیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 1

1- آسمان های هفتگانه و زمین و ساکنان آنها ، همواره در حال تسبیح و تنزیه خداوندند .

تَسْبِيحٌ لِّهِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ

ص: 40

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 1 - 1

1 - همه موجودات جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، به تسبیح و تنزیه خداوند مشغول اند .

يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

«تسبیح»، به معنای تنزیه است.

89- تسبیح موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 9

9- تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، در حال تنزیه و تسبیح خدای یگانه اند .

يَسْبِحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

90- تسخیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 44 - 5

5- زمین ، آسمان و همه عوامل هستی ، در اختیار خدا و گوش به فرمان او هستند .

يَأْرِضُ الْبَلْعَى مَاءِ كَ وَيَسْمَاءُ أَقْلَعَى وَغِيضُ الْمَاءِ

91- تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 1

1- خداوند ، زمین را گسترده و هموار قرار داده است .

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَهَا

«مَدَّ» در لغت به معنای «بسط» و «جَرَّ» است و مقصود از آن در این آیه، گسترده و هموار کردن است.

2- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

«نسیّر» (از ماده سیر) یعنی «حرکت می دهیم» و «بارزه» به معنای «ظاهر و آشکار» است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

ص: 41

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 107 - 1

1 - روز قیامت ، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد .

لاتری فیها عوجًا و لأمتًا

«عوج» نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و «أمت» به معنای مکان مرتفع می باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می گردد (قاموس).
مفاد «لاتری...» آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 108 - 1

1 - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از «داعی» - که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد - کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

92- تشبیه به احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 9 - 7,9

7 - تشبیه تجدید حیات انسان ها در قیامت ، به احیای زمین و پدید آمدن حیات در آن

أرسل الريح فتثير سحابًا فسقنه إلى بلد مَيِّت فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك الن

9 - احیای انسان ها در قیامت همچون احیای زمین از راه یک سلسله عوامل و زمینه های حیات آفرین خواهد بود .

فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك النشور

برداشت یاد شده از تشبیه به کار رفته در آیه شریفه به دست می آید.

93- تشبیه به زمین مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. اعلموا أنّ الله يحيي الأرض بعد موتها

ص: 42

94- تشبیه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 1

1 - قرار دادن زمین ، همانند گهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لکم الأرض مهذاً

«مهد» جایگاهی است که برای طفل آماده می کنند (گهواره)، در آیه شریفه، زمین به گهواره ای که طفل در آن می آرمَد، تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 4

4 - شباهت و همانندی کره زمین با آسمان ها ، در ترکیبات ، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها

اللّٰه الذی خلق سبع سموت و من الأرض مثلهنّ

مفسران درباره وجه شبه در این آیه (تشبیه زمین به آسمان)، دو احتمال داده اند: 1- شباهت و همانندی از نظر ترکیبات، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها (احتمال برگزیده در برداشت بالا); 2- شباهت از نظر عدد؛ یعنی، کره زمین مانند آسمان هفت تا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 2

2 - زمین ، همچون گوی پرتاب شده در فضا است . *

دحیها

یکی از معانی «دحو»، بازی با پرتاب سنگ، گردو و . . . به سوی حفره ای است که از پیش به همین منظور حفر شده است. آن حفره را «أُدْحِیَّة» و سنگ را «مِدْحاه» می نامند (لسان العرب). بر این اساس جمله «دحاها»، حاکی از پرتاب شدن زمین در فضا است.

95- تشویق به مطالعه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 25 - 2

2 - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاتاً

96- تعداد زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 5

5 - جهان طبیعت ، دارای هفت زمین

ص: 43

خلق سبع سموت و من الأرض مثلهنّ

97- تغییر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 3 - 13 - 2

2- تغییر و تحول آسمان ها و زمین از شکل آغازین خود *

رفع السموت .. مدّ الأرض

ظاهر جمله «رفع السموت» این است که برافراشته شدن صفتی می باشد که عارض بر آسمانها شده است؛ یعنی، در ابتدای خلقتشان برافراشته نبودند، خداوند آنها را برافراشته کرد و نیز «مدّ الأرض» در این معنا ظهور دارد که زمین در آغاز گسترده نبود، خداوند آن را گسترانید.

98- تفکر در ملکوت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 14، 13

13 - دقت و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین و دیگر آفریده ها ، بهترین وسیله برای ایمان به خدای یگانه و روز قیامت

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «بعده» به استدلالی که از «أولم ینظروا» فهمیده می شود، برگردانده شود. بر این مبنا «باء» در «بأی» سببیه است. یعنی اگر جهان آفرینش از آن جهت که نیازمند آفریننده است نتواند آدمی را به خدای یگانه مؤمن کند، کدامین دلیل توان اثبات آن را دارد؟

14 - آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش) هدایت نشوند ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

99- تفکر در موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - اندیشه در پدیده های زمین ، عامل راه یابی انسان به توحید و جلوه های رحمت حق

الرحمن . . . و الأرض وضعها للأنام . فيها . . . و الحَبِّ ذوالعصف و الريحان

با توجه به این که این آیات با صفت رحمانیت خداوند آغاز گردیده و در هر بخش جلوه ای از رحمت حق به انسان یادآوری شده، می توان استفاده کرد که برشمردن این نمونه ها، برای این است که آدمی با تأمل در آنها، به توحید و رحمانیت خداوند پی ببرد.

ص: 44

100- تکامل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 24 - 10

10 - جهان طبیعت (آسمان ها، زمین و...) رو به رشد و کمال است.

قال ربّ السموت والأرض و ما بينهما

«ربّ» به معنای تربیت کردن است و «تربیت» ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از حرکت تکاملی و رو به رشد دارد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 5 - 10

10 - جهان (آسمان ها و زمین و...)، دارای روندی رو به رشد و کمال

ربّ السموت... وربّ المشرق

«ربّ» به معنای تربیت کردن است و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است، تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از روند رو به رشد و تکامل دارد.

101- تیمم بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 18

18 - تیمم بر هر چه به آن زمین گفته می شود، جایز است.

فتيمموا صعيداً طيباً

در برداشت فوق «صعيد» به معنای زمین گرفته شده است، چه از جنس خاک باشد یا سنگ و یا چیز دیگر، چنانچه برخی از اهل لغت گفته اند.

102- ثبات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

«قرار» می تواند مصدر «قَرَّ» (مرادف سَكَنَ و ثَبَّتَ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است؛ یعنی، «جعلها مستقرًا لكم». در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده

ص: 45

مبتنی بر معنای نخست است.

5- ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ .. اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 1

1 - خداوند، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هو الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا

103- جن در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 32 - 3

3- زمین، قرارگاه اصلی جن *

و من لا يجب داعي الله فليس بمعجز في الأرض

تصريح به «فی الأرض» می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 3

3 - جنیان، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که «أنام» به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

104- جوش آب از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 42 - 4،5،6،1

1 - توصیه خداوند به ایوب (ع) ، مبنی بر کوبیدن پای خود بر زمین برای جوشیدن آب از آن

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

«رکض» در اصل به معنای زدن با پا است و هرگاه به راکب نسبت داده شود، به معنای راندن مرکوب و هرگاه به رونده نسبت داده شود، به معنای گام نهادن بر زمین خواهد بود (مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه «هذا مغتسل...»، به دست می آید که مقصود پای کوبیدن بر زمین برای جوشیدن چشمه و آب سرد از آن است.

2 - جوشیدن آب سرد برای شستوشوی و نوشیدن ، بلافاصله پس از این بود که ایوب (ع) پای خود را بر زمین کوبید .

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

4 - آب خنک جوشیده از زمین ، وسیله شفای ایوب (ع) از بیماری ورنج

ص: 46

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

5- شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب(ع) است.

6- نقش آب سرد جوشیده از زمین، در سلامتی انسان و برطرف کردن برخی از بیماری های جسمی

هذا مغتسل بارد و شراب

105- چرخش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 26 - 18

18 - سرگردانی بنی اسرائیل در پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام سفر شبانه آنان و بازگرداندن شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمة عليهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: .. اذا كان العشاء و اخذوا فی الرحیل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال الله للارض دیری بهم فلا یزالوا کذلک ... فاذا اصبحوا اذا ابنتهم و منازلهم التی كانوا فیها بالامس

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 305، ح 74؛ نورالثقلین، ج 1، ص 608، ح 116.

106- حافظ نظم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 1

1 - تنها خداوند، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد.

إنَّ الله یمسک السموت و الارض أن تزولا و لئن زالتا إن أمسکهما من أحد من بعده

107- حاکم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 1

1 - سلطنت و حکومت بر آسمان ها و زمین (جهان هستی) تنها در اختیار خداوند است .

ألم تعلم أن الله له ملك السموت والأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك السماوات ..) دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 47

1 - تدبیر و حاکمیت مطلقه و یکسان خداوند بر آسمانها و زمین

و هو الله في السموت وفي الأرض

اهل ادب گفته اند که در مانند آیه مورد بحث، «فی السماوات ..» نمی تواند متعلق به «الله» باشد، مگر اینکه معنی فعلی در آن منظور گردد و معنی مناسب در این مورد، به قرینه آیات قبل و بعد، مسأله تدبیر و نظارت خداوند بر تمامی موجودات است (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 158 - 4

4 - فرمانروایی و حاکمیت بر آسمان ها و زمین در انحصار خداوند است .

الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 9

9 - یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین ، تنها قدرت قابل اتکا برای انسانها

إن الله له ملک السموت و الأرض .. و ما لکم من دون الله من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 8

8 - خدا ، فرمانروای آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت .. ثم استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 18

18 - حاکمیت و فرمان روایی بر آسمان ها و زمین ، در انحصار خداوند است .

و لا یشرک فی حکمه أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 42 - 1

1 - فرمان روایی آسمان ها و زمین ، تنها از آن خداوند است .

و لله ملك السموت والأرض

تقدیم خبر (لله) بر مبتدا (ملك السماوات ..)، مفید حصر و اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 3، 1

1 - فرمان روایی جهان (آسمان ها و زمین) تنها از آن خدا است .

تبارک .. الذى له ملك السموت والأرض

ص: 48

3- فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده . . الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 22 - 2

2- آسمان و زمین ، تحت قدرت قاهر خداوندی است .

و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و لا فی السماء

«ما أنتم بمعجزین» کنایه از این است که او، توان بیشتری دارد و شما، نمی توانید از قدرت او، فرار کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 10 - 1

1- فرمانروایی جهان هستی (آسمان ها ، زمین و موجودات میان آن دو) تنها در اختیار خداوند است .

أم لهم ملک السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 44 - 4

4- جهان آفرینش (آسمان ها ، زمین و . . .) تحت فرمانروایی خدا است .

له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 85 - 1

1- یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین و مجموعه هستی ، شایان ستایش و تمجید است .

و تبارک الذی له ملک السموت و الأرض

واژه «تبارک» که در مقام ستایش به کار می رود، از ماده «برکت» به معنای خیر فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 27 - 1

1 - خداوند ، یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

«ملک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

ص: 49

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 2 - 1

1 - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك) افاده حصر می کند و «ملك» به معنای سلطنت و فرمانروایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 5 - 1

1 - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

«ملك» به معنای سلطنت و فرمانروایی است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك..) افاده حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 7

7 - آسمان ها و زمین ، تحت تدبیر و حکومت خداوند قرار دارند .

يُنزِلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 1

1 - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

«مُلک» اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه «مُلک» به کار رود، مستلزم «مِلک» (مالکیت) نیز

خواهد بود. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 10

10 - حاکمیت بر زمین ، سرانجام از آن تقوایندگان است .

و العقبه للمتقين

«عاقبه» به معنای سرانجام است و «ال» در آن می تواند جانشین مضاف إليه باشد که به قرینه «إن الأرض لله يورثها . . .» آن مضاف إليه «ارث الأرض» است. یعنی: عاقبه ارث الأرض للمتقين.

109- حدود زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 50

5 - انعام - 6 - 1 - 4

4- آسمانها و زمین، مخلوقاتى حادث و بدیع هستند.

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

خالق، پدیدآورنده اى را گویند که بدون نمونه قبلى چیزی را ابداع و ایجاد نماید. (الخلق... ابداع الشىء على مثال لم يسبق اليه. لسان العرب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 2

2 - آسمان ها و زمین ، پدیده اى حادث و نه قدیم

يوم خلق السموت و الأرض

110- حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 6

6 - آفریش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنه علیم بذات الصدور... هو الذى جعل لكم الأرض ذلولاً... و كلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

111- حرکت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 105 - 5

5- زمین در حرکت است و انسان ها را بر آیات آسمانى عبور می دهد .

كأئن من ءايه فى السموت و الأرض يمرون عليها

چنان چه جمله «يمرون عليها» را به معنای حقیقی آن و نه معنای کنایى اش (مشاهده می کنند) حمل کنیم، حاکی از حرکت زمین

خواهد بود؛ زیرا مرور بر آیات آسمانی با این معنا سازگار می باشد که زمین حرکت کند و انسانها به واسطه حرکت آن بر آیات آسمانی عبور نمایند (برگرفته شده از تفسیرالمیزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 4

4 - کره زمین ، دارای حرکت و جنب و جوش است . *

الذی جعل لکم الأرض مهذاً

از وجوه تشبیه زمین به گهواره آن است که همان گونه که گهواره برای آرامش طفل حرکت داده می شود، زمین نیز دارای

ص: 51

حرکت است.

112- حرمت افساد در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 6

6 - فسادگری در زمین از محرمات الهی است .

و یفسدون فی الأرض

113- حق بهره‌وری از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 5

5 - حق بهره‌وری از زمین و امکانات آن برای همه انسانهاست، نه گروهی خاص.

و لقد مکنکم فی الأرض و جعلنا لکم فیها معیش

114- حقانیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 1

1- خداوند آسمان‌ها، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه «حق» جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 44 - 5 - 1

1 - خداوند، آسمان‌ها و زمین را، به حق، آفریده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

5- خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض . . . إنّ في ذلك لآيه للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 2، 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

ص: 52

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعبين . ما خلقنهما إلا بالحقّ

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . . . لعبين ... إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 22 - 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

«حق» به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 2

2- آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

115- حمد خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 1

1 - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

وله الحمد في السموت والأرض وعشيّاً وحين تظهرون

بنابراین که جمله «وله الحمد...» خبری باشد و «فی السماوات» متعلق به «الحمد» باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتمنی است که تقدیم «له» بر «الحمد» مفید حصر است و «ال» در «الحمد» برای جنس است.

116- حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 24 - 3

3 - باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

ص: 53

و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - يس - 36 - 33 - 4

4 - زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و آیه لهم الأرض الميتة أحيينها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 17

17 - حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 6

6 - زمین ، دارای مرگ و حیات

فأحيا به الأرض بعد موتها

117- خالق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 1

1 - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن في خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 1

1 - ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 2 - 1

1 - تنها خداوند پديد آورنده آسمانها و زمين و برقرار کننده نور و ظلمت، آفريدگار آدمى است.

الحمد لله الذى خلق ... هو الذى خلقكم من طين

معرفه بودن مسنداليه «هو» و مسند «الذى» مفيد حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 54

5 - انعام - 6 - 14 - 5، 1

1 - جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

5 - خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

«فطر» به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 1

1 - یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 79 - 3، 4

3 - پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلین .. . إنی و جهت و جهی للذی فطر السموت و الأرض

4 - خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 1، 2

1 - خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بدیع السموت و الأرض

«بدیع» یعنی خالق و مبدع. معنی بدیع بودن خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان

العرب).

2 - خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 1

1 - تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . . . ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و «ذلکم» در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 4

ص: 55

4 - خدا، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 1

1- خداوند، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 12

12- خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: «یا فاطر السموت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 7

7- خداوند، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 1

1- تنها خداوند، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی «الله» و «الذی خلق...»، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

8- مشرکان صدر اسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتى أمر الله .. سبحانه وتعالى عما يشركون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعالى

«تعالی عما یشرکون» مربوط به «بالحق» است و نه «خلق السماوات و ..» بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتى داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 4 - 4، 2، 1

1- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

ص: 56

تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت

«تنزیلاً» مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای «القرآن» - در آیات قبل - است.

2- خداوند، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است.

خلق الأرض والسموت العلی

«علی» (جمع «علیاً») اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

4- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته، برای تذکر و اندرز انسان ها است.

تذکره.. .. ممّن خلق الأرض والسموت العلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 3

3- خداوند، خالق جهان طبیعت (آسمان ها، زمین و انسان) است.

ربکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 1

1 - خداوند، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است.

الذی خلق السموت والأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 1

1 - خدا، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أمّن خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مشرکان، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه، باور داشتند .

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض وسخر الشمس والقمر ليقولنّ الله

2 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموت والأرض . . . ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 2

2 - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموت والأرض وما بينهما إلا بالحقّ

ص: 57

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 1

1 - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 1

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

الله الذى خلق السموت والأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 4

4 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 8، 7، 5، 1

1 - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أولیس الذى خلق السموت والأرض بقدر

5 - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أولیس الذى خلق السموت والأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در «أولیس . . .» استفهام انکاری و تعجیبی است.

7 - مشرکان و کافران در عصر بعثت - علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها - به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوليس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

8 - خداوندِ خالقِ آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیی العظم و هی رمیم . . . أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 27 - 1

1 - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 58

16 - زمر - 39 - 5 - 1

1 - خدا، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 5

5 - خداوند، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 10

10 - تنها آفریننده زمین، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتكفرون بالذى خلق الأرض .. ذلك ربّ العلمين «ذلك» به قرینه مقام خبر مقدم و «ر

«ذلك» به قرینه مقام خبر مقدم و «ربّ العالمين» مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 1

1 - خداند، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 1

1 - خداوند، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 1

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّٰه الذی خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 2

ص: 59

2 - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جعل لكم الأرض ذلولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلک» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین - به قرینه آیات بعد - آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متاعاً لكم ولأنعمكم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

118- خدا و آبادانی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 15

15- خداوند ، توان و استعداد آباد کردن زمین را به آدمیان عطا کرده و ایشان را به سوی آبادانی گرایش داده است .

واستعمرکم فیها

استعمره فیها، یعنی: «جعلہ یعمره؛ وی را آبادکننده آن قرار داد» (لسان العرب). بر این اساس «استعمرکم فیها» چنین معنا می شود: خداوند شما را این گونه قرار داده و آفریده است که زمین را آباد سازید؛ یعنی، توان آبادسازی زمین را به شما عطا کرده و نیاز به آن را در شما ایجاد کرده است تا همواره به سمت آبادسازی زمین در حرکت باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 84 - 4

4- اعتقاد مشرکان به تقسیم کارهای آسمان و زمین ، میان خدا و فرزندی که برای او تصویر کرده اند . *

قل إن كان للرحمن ولد . . . وهو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله

برداشت بالا بدان احتمال است که میان این آیه و آیه «إن كان للرحمان ولد» (آیه 81) بدین گونه ارتباط باشد که مشرکان

ص: 60

علاوه بر اعتقاد به فرزندداری خدا، بر این باور بوده اند که الوهیت آسمان و زمین میان او و فرزندش تقسیم شده است. گفتنی است که این آیات ردی بر هر دو دیدگاه است.

120- خزاین زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 9

9- آسمان ها و زمین ، خزائن و منابع رزق موجودات

يقولون لا تنفقوا .. و لله خزائن السموت و الأرض

121- خلافت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 165 - 1,2

1 - استقرار انسانهای هر عصر در زمین به جانشینی نسلهای گذشته، در اختیار خدا و به دست اوست.

و هو الذی جعلکم خلیف الأَرْض

«خلافت» جمع خلیفه (جانشین) است. اگر مخاطبان آیه انسانهای موجود در هر عصر باشند، مراد از جانشینی، جانشینی مردم هر عصر از مردم عصر پیشین خواهد بود. و اگر مخاطبان همه انسانها باشند، مقصود از جانشینی انسانها، جانشینی آنان از انسانهای منقرض شده ای است که پیش از بنی آدم بوده اند. این احتمال نیز گفته شده که منظور جانشینی انسان از خداست.

2 - آمدن هر نسلی به جای نسل پیشین، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانهاست.

و هورب کل شیء .. و هو الذی جعلکم خلیف الأَرْض

122- خلقت تدریجی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از «یوم» در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 14، 2

2- آفرینش آسمانها و زمین، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است.

ص: 61

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

مراد از «آیام» در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود، دوره‌ها و مرحله‌هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

14- «عن الرضا (ع) قال: إن الله تبارک و تعالی... خلق السموات و الأرض فی سته آیام... لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه... و أما قوله عزوجل: «لیبلوکم أیکم أحسن عملاً» فإنه خلقهم لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته، لا علی سبیل الإمتحان و التجربة لأنه لم یزل علیماً بکل شیء...»؛

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی... آسمانها و زمین را در شش روز آفرید... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده‌ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود... و اما قول خدای عزوجل «لیبلوکم أیکم أحسن عملاً»؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 4

4 - آفرینش آسمان‌ها و زمین، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت.

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

واژه «یوم» (مفرد «آیام») در معنای برهه‌ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می‌رود. بر این اساس «سته آیام» (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

123- خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 2

2 - آفرینش زمین به گونه‌ای مناسب برای زندگانی، پرتوی از ربوبیت خداوند است.

اعبدوا ربکم... الذی جعل لکم الأرض فرشاً

«الذی جعل...» صفت دوم برای «ربکم» در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی نشانه هایی بر توحید و حاکمی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن في خلق السموت والأرض ... لأيت

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از «آیات» در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 8، 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

ص: 62

«الذى خلق»، صفت «الله» و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم «الحمد لله» بر وصف «الذى خلق» است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

8 - پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد لله الذى خلق السموت . . . و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل «خلق» بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل «جعل» استفاده شده است. توجیه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 1،4

1 - خداوند، آفریدگار آسمانها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربكم الله الذى خلق السموت و الأرض فى ستة أيام

4 - خداوند پس از آفرینش آسمانها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش، به تدبیر امور آنها پرداخت .

ثم استوى على العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 16

16 - «عن محمد بن مسلم قال: قال لى أبو جعفر (ع): كان كل شىء ماءً و كان عرشه على الماء، فأمر الله عز ذكره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فخدمت فارتفعت من خمودها دخان فخلق الله عز وجل السموات من ذلك الدخان و خلق الله عز وجل الأرض من الرماد . . .»

محمد بن مسلم گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت؛ پس خدای عزّ ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست؛ آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید . . .»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 13

13 - آفرینش آسمانها و زمین (عالم آفرینش)، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذين كفروا برّبهم أعمالهم كرماد اشتدت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - ابراهيم - 14 - 32 - 2

2- آفرينش آسمان ها و زمين دليل و نشانه توحيد خداوند است .

الله الذي خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 19 - 2

2- کره زمين در بدو پيدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

ص: 63

«مدّ» در لغت به معنای «بسط» و «جرّ» است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 7، 4

4- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحق تعلى عمّا يشر

جمله «خلق السماوات و الأرض» به منزله تعلیل برای مضمون «لا إله إلا أنا» در آیه قبل است.

7- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتى أمر الله .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلى عمّا يشركون

جمله «خلق السماوات ..» می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 51 - 1

1- شیاطین ، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتهم خلق السموت و الأرض و لا خلق أنفسهم

«إشهاد» یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 8

8- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم یر الذین کفروا أنّ السموت .. أفلا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 7,8

7- آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و...) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض... الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» مبتدا و «الرحمان» خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

8- آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و...) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت... الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» صفت برای «الحیّ» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 22 - 1,5

ص: 64

1 - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم

5 - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم إن فی ذلک لآیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 2

2 - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إنّ اللّٰه یمسک السموت و الأرض . . . إن أمسکهما من أحد من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . . . کلّ یمجرى لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و . . . گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 20, 23, 16

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (اللّٰه)

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده . . . ذلکم اللّٰه

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

20 - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . . . له الملك

23 - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «لا إله إلا هو» - که پس از بحث از خلقت جهان آمده است - به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 2

ص: 65

2 - جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13

13 - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

الله الذی جعل لكم الأرض . . . وصورکم فأحسن صورکم ورزقکم من الطیبّ ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 3

3 - زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أنتمکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل ، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است ، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 7، 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش زمین به سامان دادن آسمان پرداخت .

ثمّ استوی إلى السماء

«إستواء» (مصدر «إستوی») آن گاه که با «إلی» متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. «ثمّ» (در «ثمّ استوی») می تواند برای ترتیب خارجی و یا ترتیب ذکری باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.

7 - شکل گیری نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت *

قالنا أتینا طائعین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «طوعاً» اشاره به حرکت طبیعی و «کرهاً» حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 11

11 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 2,3

2 - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» (از ماده «فطر») به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

3 - آسمان ها و زمین ، پیش از شکل یافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراکم بود .

ص: 66

«فطر» (مصدر «فاطر») به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 7، 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بتّ فیهما من دابّه

7 - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من ءایته

با توجه به معنای «من» - که برای تبعیض است - به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 5

5- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من اللّٰه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من اللّٰه العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 4

4- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّٰه الذی خلق .. و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یمی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت والأرض

به قرینه آیات پیشین - که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود - و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

6 - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 67

9- آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ اللّٰه علی کلّ شیء قدير

11 - آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا ... أنّ اللّٰه قد أحاط بکلّ شیء علمًا

14 - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّٰه لهم عذابًا شدیدًا .. جنّات تجری من تحتها الأنهر ... اللّٰه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها - پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 19 - 5

5- گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

و اللّٰه جعل لکم الأرض بساطًا

«جعل» در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

124- درختان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 27 - 2

2 - در صورت تبدیل شدن همه درختان زمین به قلم و مرکب شدن دریا های متعدد (بیش از هفت دریا) جهت کتابت کلمات الهی ، کلمات خداوند تمام نخواهد شد .

لو أنّما فی الأرض من شجرة أقلم و البحر یمدّه من بعده سبعة أبحر ما نفدت کلمت ال

«من» بیان برای «ما»ی موصول است و آوردن «شجره» با تایی وحدت به جای «شجر» برای این است که افاده استغراق کند به گونه ای که

یکایک درختان را در برگیرد. گفتنی است که «سبعه أبحر» دلالت بر کثرت می کند و «من بعده» به معنای «بعد از اتمام آن دریا» و یا غیر از آن است.

125- درک نیازمندی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 4

4- درک ماهیت تعلق و نیاز زمین و موجودات روی آن به خداوند ، تنها در توان اهل دانش و خرد است .

قل لمن الأرض و من فیها إن کنتم تعلمون

ص: 68

126- دشمنی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 7

7- زندگی انسان در زمین ، همواره قرین دشمنی و ستیز آدمیان با یکدیگر بوده است .

اهبطا منها جميعًا بعضكم لبعض عدو

در باره مراد از «بعضكم لبعض عدو» دو دیدگاه وجود دارد: 1- مراد دشمنی شیاطین با انسان ها است. در این نظر «اهبطا» خطاب به ابلیس و آدم خواهد بود. 2- مراد دشمنی انسان ها با یکدیگر است. مبنای این نظر، مخاطب بودن آدم(ع) و حوا است. در هر دو مبنای، خطاب به آدم و حوا(ع) و ابلیس به اعتبار ذریه آنان خواهد بود. در برداشت یاد شده، دومین دیدگاه پذیرفته شده است.

127- ذخایر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 8

8- منابع و ذخایر غذایی زمین ، برای تأمین نیاز های موجودات آن کافی است .

وقدر فيها أقوتها .. سواء للسانلین

«سواء» به معنای برابر و حال برای «أقوتها» است. «اللسانلین» (نیازمندان) از ریشه «سؤل» است؛ یعنی، خداوند ذخایر غذایی را به گونه ای اندازه گیری کرد که بی کم و زیاد نیاز موجودات را تأمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 31 - 4

4- زمین ، جایگاه ذخیره آب

ماءها

128- ذخیره سازی آب در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 18 - 5

5 - ذخیره شدن آب باران در منابع پراکنده زمین ، نمودی از توجه دقیق خدا به مصالح خلق و عدم غفلت او از احوال آنان

و ما کنا عن الخلق غفلین . . . فأسکنّـه فی الأرض

ص: 69

129- ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 5

5- شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره . . . أفلم یروا إلی ما بین یدیهم و ما خلفهم

استفهام در «أفلم» تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

130- ذوالقرنین در مغرب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 4, 6, 2, 1

1- ذوالقرنین ، با به کارگیری برخی از ابزارها و نیروهایش ، به سمت غرب سرزمین خویش پیش رفت .

فأتبع سببًا . حتی إذابلع مغرب الشمس

2- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حتى إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

«حمئه» یعنی دارای «حمأه» به «گل سیاه بدبو» گفته می شود. (کتاب العین)

4- پیشروی ذوالقرنین ، با رسیدن به ساحل دریایی گسترده ، متوقف شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه

بدان احتمال که نمای غروب خورشید در آب، نشانه گستردگی پهنه دریا باشد؛ یعنی، در چشم انداز آن، چیزی مشاهده نمی شد، لذا تصور آن بود که خورشید در چشمه جوشانی در دریا فرو می رود و خشکی دیگری در ورای آن نیست.

6- ذوالقرنین ، در آخرین نقطه خشکی ، در غرب سرزمین خویش ، با مردمی دارای تشکل و قومیت مواجه شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه و وجد عندها قومًا

131- زمان گسترش زمین

6 - زمان شکافته شدن آسمان و گسترش زمین و تخلیه درون آن، زمان حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

إذا السماء انشقت .. فملقىه

«إذا» در «إذا السماء انشقت» ظرف است و مظروف آن به قرینه «فملقىه» محذوف می باشد؛ بنابراین مراد چنین خواهد بود: «إذا السماء انشقت .. لاقى الإنسان ربه».

ص: 70

132- زمین آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 107 - 3,4

3- سرای آخرت همچون دنیا، دارای زمین و آسمان است .

مادامت السموت و الأرض

از آن جا که آسمانها و زمین موجود به هنگام برپایی قیامت در هم فرو می ریزد، معلوم می شود مراد از «السموات و الأرض» در این آیه و آیه بعد، آسمانها و زمین سرای آخرت می باشد. براین اساس «ال» در آن دو جانشین مضاف الیه است؛ یعنی: سماوات الآخره و أرضها.

4- سرای آخرت، دارای یک زمین است و آسمانهایی متعدد دارد .

مادامت السموت و الأرض

برداشت فوق، از جمع آوردن «سماوات» و مفرد آوردن «أرض» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 4,5

4- سرای آخرت همچون دنیا، دارای زمین و آسمان است .

مادامت السموت و الأرض

5- سرای آخرت، دارای یک زمین است و آسمانهایی متعدد دارد .

مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 48 - 4

4- وجود آسمان و زمین در آخرت، در عین تبدیل شدن نظم کنونی آنها در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - جهان آخرت ، متشکل از آسمان و زمین *

أن تنفذوا من أقطار السموت و الأرض

برداشت بالا با توجه به این است که آیه شریفه در مورد قیامت باشد.

133- زمین از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 44 - 6، 5

5 - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض . . . إن في ذلك لآيه للمؤمنين

ص: 71

6- برای درک آیه بودن آسمان ها و زمین ، داشتن ایمان و زمینه لازم شرط است .

خلق الله السموت و الأرض بالحق . . . لأيه للمؤمنين

تخصیص به ذکر مؤمنان از بین مردم برای بیان این که آسمان ها و زمین، آیه برای آنان است؛ از این جهت است که آنان، از آیه بهره می گیرند.

134- زمین با برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 96 - 10

10 - کعبه ، خانه ای مبارک (دارای خیر و برکت فراوان)

وضع للناس للذی بیگه مبارکاً

135- زمین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 14

14 - « عن أبی جعفر (ع) « الحمد لله الذی صدقنا وعده و أورثنا الأرض . . . » یعنی : أرض الجنة ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره «.. و أورثنا الأرض...» فرمود: مقصود زمین بهشت است».

136- زمین بی برکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 4

4 - گیاهان نهفته در سرزمین های نامستعد ، هر چند باران رحمت بر آن ببارد ، تهی از خیر و برکتند و بازدهیشان اندک است .

و الذی خبث لا یخرج إلا نکداً

«نکد» به معنای چیزی است که خیر در آن نباشد و بی خیر بودن گیاهان به این است که بازدهی آن اندک باشد.

137- زمین پاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 40،41

40 - تیمم باید بر زمین پاکیزه باشد .

فَتَيَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً

ص: 72

امام صادق در باره (صعیداً طیباً) در آیه فوق فرمود: (صعیداً) الموضع المرتفع و (الطیب) الموضع الذی ینحدر عنه الماء.

مرتفع بودن زمین و عبور آب از روی آن، که در حدیث آمده، کنایه از پاکیزه بودن زمین است؛ چون اگر زمین گود باشد، جایگاه کثافات می شود و آب در آن می ماند و لجن می گردد.

معانی الاخبار، ص 283؛ نورالثقلین، ج 1، ص 485، ح 275؛ بحار الانوار، ج 76، ص 347، ح 12.

41- زمین پاکیزه جایگزین آب، برای تحصیل طهارت، اگر چه فقدان آب به طول انجامد.

فتیمموا صعیداً طیباً

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: الصعید الطیب وضوء المسلم ولو الی عشر سنین

«وضوء»، به فتح «واو»، آبی است که با آن شستشو می نمایند.

الدر المنثور، ج 2، ص 552، ذیل آیه.

138- زمین در دوران لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 9

9- در دوران لوط (ع)، مناطق وسیعی از کره زمین، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت.

إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

139- زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 48 - 16، 14، 13

13- «عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر (ع) يقول: . . . لعلمکم ترون إنه إذا کان يوم القیامه . . . إن الله تبارک و تعالی لا یعبد فی بلاده و لا یخلق خلقاً یعبدونه . . . بلی و الله لیخلق خلقاً من غیر فحوله و لا إناث . . . و یخلق لهم أرضاً تحملهم و سماء تظلهم ألیس الله یقول: «یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السماوات» . . .»

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می فرمود: . . . شاید شما گمان کنید هنگامی که روز قیامت فرارسد ... خدای تبارک و تعالی در بلاد خود عبادت نمی شود و خلقی را که عبادت او ... کند، نمی آفریند؟ چنین نیست، به خدا سوگند! خدا خلقی را از غیر نر و ماده می آفریند و برای آنها زمینی که آنان را حمل کند و آسمانی که بر سر آنها سایه افکند، خلق می کند. آیا خدا نفرموده است: یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السماوات؟».

14- « عن علی بن الحسین (ع) قال : « تبدل الأرض غیر الأرض » یعنی بأرض لم تکتسب علیها الذنوب بارزه ، لیست علیها جبال و لانیات کما دحاها أول مره ؛

از امام علی بن الحسین(ع) در باره سخن خداوند «تبدل الأرض غیر الأرض» روایت شده است که فرمود: یعنی، به زمینی مبدل می شود که روی آن هیچ گناهی صورت نگرفته است. وسیع و باز است که روی آن کوه و گیاهی نیست، به آن سان که خداوند اولین بار این زمین را گسترده است».

16- « قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) فی قول الله : « یوم تبدل الأرض غیر الأرض » قال : أرض بیضاء كأنها فضه ، لم یسفک فیها

دم

ص: 73

حرام و لم يعمل فيها خطيئه ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند که می فرماید: «يوم تبدل الأرض غير الأرض» روایت شده است که فرمود :
[زمین تبدیل می شود] به زمینی سفید مانند نقره که در آن خونی به حرام نمی ریزد و کار خطایی صورت نمی گیرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 12، 4

4 - زمین ، در قیامت ، یکسره در قبضه قدرت خداوند است .

و الأرض جميعاً قبضته يوم القيمة

12 - « عن سليمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة » فقال يعني ملكه لا يملكها معه أحد . . . « و السماوات مطويات بيمينه » قال : اليمين اليد ، و اليد القدره و القوه يقول عز وجل و السماوات مطويات بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عما يشركون ;

سليمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزوجل که می فرماید: «و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة» سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالک زمین نیست. .. و درباره «و السماوات مطويات بيمينه» فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزوجل فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 1، 2، 4

1 - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

و أشرفت الأرض بنور ربّها

«إشراق» (مصدر «أشرفت») به معنای اضائه (روشن شدن) است.

2 - زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرفت الأرض بنور ربّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیز ناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

4- روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

وأشرق الأرض بنور ربها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 187 - 7

7- لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت والأرض

متعدی شدن «ثقلت» با حرف «فی»، و نه حرف «علی»، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 47 - 2,3

ص: 74

2- در آستانه بروز قیامت، کوه‌ها جابه‌جا شده و صفحه زمین مسطح می‌شود.

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

«نسیّر» (از ماده سیر) یعنی «حرکت می‌دهیم» و «بارزه» به معنای «ظاهر و آشکار» است. چون در قیامت، کوه‌ها، از جا کنده می‌شوند و ناهمواری‌های زمین از بین می‌رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

3- در آستانه قیامت و حشر آدمیان، سیستم جغرافیایی و زیستی زمین، تغییر می‌کند.

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه و حشرنهم

روشن است که به حرکت درآمدن کوه‌ها و هم سطح شدن پوسته زمین، شرایط جدیدی را در زمین ایجاد خواهد کرد و شرایط کنونی از بین خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 98 - 11

11- به هنگام برپایی قیامت، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد.

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، بازگو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصی رسیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 107 - 1

1 - روز قیامت، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد.

لاتری فیها عوجًا و لاأمتًا

«عوج» نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و «أمت» به معنای مکان مرتفع می‌باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می‌گردد (قاموس). مفاد «لاتری...» آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 108 - 1

1 - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از «داعی» - که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد - کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 103 - 7

7- « عن النبی (صلی الله علیه و آله) فی معنی « الفزع الأكبر » : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلا ینقی میت إلا نشر و لا حی إلا مات إلا ما شاء الله ثم ینشر من مات ویصفون جمیعاً و تنشق السماء و تهدد الأرض و تخرّ الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلا ینقی ذر روح إلا ینخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ;

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که در معنای «فزع اکبر» فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای

ص: 75

نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 10 - 1

1 - زمین همچون آسمان ، دست خوش تحولات عظیم در آستانه قیامت

یوم تمور السماء .. و تسیر الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 4 - 2

2 - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیر قابل تردید

إذا رجّت الأرض رجًا

به کارگیری «إذا»ی شرطیه - که در امور قطعی به کار می رود - بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 10 - 2

2 - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست . و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 3 - 2

2 - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 3 - 2

2 - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجّرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 3 - 1, 2

1 - زمین در آستانه برپایی قیامت ، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد .

و إذا الأرض مدّت

ص: 76

«مدّ» به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

2- انبساط زمین در آستانه قیامت، تحت تأثیر عامل خارجی است.

وإذا الأرض مدّت

مجهول بودن فعل «مدّت»، نشان تأثیر پذیری زمین از عامل انبساط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 4 - 2، 1

1- زمین در آستانه قیامت، تمام آن چه را در دل خود جای داده، بیرون افکنده، به کلی تخلیه خواهد شد.

وألقت ما فيها وتخلّت

باب تفعّل، بر تکلف دلالت دارد؛ بنابراین «تخلّت»؛ یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

2- انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است.

وإذا الأرض مدّت . وألقت ما فيها وتخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه «القاء» و «تخلیه» خواهد بود. به قرینه آیات بعد - که درباره قیامت انسان ها است - می توان گفت: از عبارت «ألقت ما فيها» بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 21 - 2

2- زمین، هنگام برپایی قیامت، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد.

كلاً إذا دكّت الأرض دكّاً دكّاً

«دکّ»؛ یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر «دکّاً دكّاً» بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 2 - 3

3 - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

وأخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل - به قرینه سیاق آیات - عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 3 - 1

1 - تحولات زمین هنگام برپایی قیامت ، برای انسان ها بی سابقه و شگفت آور است .

وقال الإنسن ما لها

استغراق - که از حرف «ال» در «الإنسان» استفاده می شود - استغراق عرفی است و اظهار شگفتی را به اکثریت قاطع انسان ها، نسبت می دهد.

ص: 77

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 2,4,5,6

2 - زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

4 - زمین گزارش های فراوانی را درباره انسان ها در خود ، بایگانی کرده ، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق «اخبارها» را بیان نکرده است؛ ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها است.

5 - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

6 - « عن أبي هريره قال قرء رسول الله (صلى الله عليه وآله) هذه الآية « يومئذ تحدّث أخبارها » قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فإنّ إخبارها أن تشهد على كلّ عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آیه «یومئذ تحدّث أخبارها» را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبر دادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 1

1 - خداوند در قیامت ، زمین را به ارائه اطلاعات بایگانی شده در آن ، فرمان خواهد داد .

بأن ربك أوحى لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 6 - 2

2 - زلزله زمین ، از مقدمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است .

إذا زلزلت الأرض . . . یومئذ یصدر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 5

5- زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 5

5- زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

ص: 78

و من يعمل مثقال ذره شراً يره

140- زمین کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 265 - 8

8 - زمین مرتفع ، دارای استعداد بیشتر برای ثمردهی است .

کمثل جنة بربوه اصابها وابل فاتت اكلها ضعفين

141- زمین مستعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 1

1 - گیاهان نهفته در سرزمین های مستعد ، بر اثر بارش باران ، به تمامی می روید و بازدهی آن فراوان است .

و البلد الطيب يخرج نباته باذن ربه

با توجه به مقابله دو فراز «یخرج نباته باذن ربه» و «والذی خبث . . .» معلوم می شود در جمله «یخرج نباته» ضد معنای «نکدا»، همانند «مبارکا»، لحاظ شده است.

142- زمین موات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 11

11 - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از «احیای ارض» (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 3

3- آب باران ، مناسب ترین آب برای کشاورزی و احیای زمین های مرده

و أنزلنا من السماء ماء طهورًا لنحیی به بلدة میناً

از این که خداوند از میان انواع آب ها، آب باران را عامل احیای زمین برشمرده و قید «طهور» (پاک و پاک کننده) را بر آن افزوده است، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

ص: 79

143- زمین نامستعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 4

4- گیاهان نهفته در سرزمین های نامستعد ، هر چند باران رحمت بر آن بیارد ، تهی از خیر و برکتند و بازدهیشان اندک است .

والذی خبث لایخرج إلا نکداً

«نکد» به معنای چیزی است که خیر در آن نباشد و بی خیر بودن گیاهان به این است که بازدهی آن اندک باشد.

144- زمین هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 1

1 - نظام زمین و جغرافیای آن در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی عمیقی خواهد شد .

ویس - لونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

پرسش مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باره سرنوشت کوه ها در قیامت، گواه آن است که برهم خوردن نظام فعلی جهان، به صورت ارتکازی و یا با استفاده از آیات دیگر در اذهان مردم، امری مسلّم فرض گردیده است؛ ولی عظمت کوه ها این سؤال را برای آنان پدید آورده که «سرنوشت آنها چگونه خواهد بود؟»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 106 - 2,3,4

2- جغرافیای زمین در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی های بزرگی خواهد شد .

الجبال ... ینسفها ... قاعاً صفصفاً

از بین رفتن پستی ها و بلندی ها، نشان از تحوّل عظیم در روی زمین در آستانه قیامت دارد.

3- سطح زمین در آستانه قیامت ، خالی از هرگونه گیاه و رویدنی خواهد بود .

فیذرها قاعاً صفصفاً

4- تبدیل کوه ها به زمینی مسطح و هموار در آستانه قیامت ، کار خداوند و به فرمان او است .

ینسفا ربی . . . فیذرها قاعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 9 - 2

2 - متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

ص: 80

145- زمینه فساد در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 12 - 3, 2

2 - تجاوز از حریم خویش و نقض حقوق دیگران ، زمینه ساز افزایش فساد در جوامع است .

الذین طغوا .. فأكثرُوا فيها الفساد

حرف «فاء» در «فأكثرُوا..»، افزایش فساد را بر طغیان (مذکور در آیه قبل) تفریع کرده است.

3 - فراوانی قدرت و امکانات مادی ، زمینه افزایش فساد در جوامع انسانی است .

إرم ذات العماد .. ذی الأوتاد ... فأكثرُوا فيها الفساد

146- زمینه تخلیه زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 4 - 2

2 - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت ، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

وإذا الأرض مدّت . وألقت ما فيها وتخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه «القاء» و «تخلیه» خواهد بود. به قرینه آیات بعد - که درباره قیامت انسان ها است - می توان گفت: از عبارت «ألقت ما فيها» بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

147- زندگی انسان ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 5

5 - پراکندگی انسان ها و سکنا گزیدن آنها در مناطق مختلف زمین ، از آیات الهی است .

و من ءایته .. ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

148- زندگی در زمین

3 - شرایط روی زمین ، در آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است . *

الذی جعل لکم الأرض مهذاً

ممکن است «جعل» به معنای «صیّر» باشد که حاوی معنای تحول و دگرگونی است. در این صورت باید گفت: زمین از آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است؛ ولی خداوند آن را متحوّل ساخته تا این که شرایط ویژه برای حیات بشر بر روی آن

فراهم آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 6

6 - نظام زمین و تناسب آن برای حیات و تغذیه انسان ها و دام های آنان ، حاوی نشانه های فراوانی بر ربوبیت الهی است .

جعل لكم الأرض ... كلوا ... فی ذلك لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 5, 3, 2

2 - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرآراً

3 - زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرآراً

«جعل» در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

5 - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّٰه ربّکم . . . اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرآراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 48 - 4

4 - مهیّا گشتن سطح زمین برای زندگی ، پس از شکل گیری بنای آسمان (نظام کرات) *

و السّماء بنینها . . . و الأرض فرشنها

ترتیب لفظی «و الأرض . . .» بر «و السّماء . . .»، می تواند بیانگر ترتیب حقیقی و تقدّم بنیان آسمان بر سامان زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كفَاتًا . أحياءً و أمواتًا

تنوین «أحياءً و أمواتًا»، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

3 - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض كفاتًا . أحياءً و أمواتًا

4 - « حمّاد بن عیسی عن ابي عبد الله (ع) أنه نظر إلى المقابر ، فقال : يا حمّاد هذه كفاتُ الأموات و نظر إلى البيوت فقال : هذه كفاتُ الأحياء ثم تلا [هذه الآية] « ألم نجعل الأرض كفاتًا . أحياءً و أمواتًا » ;

حمّاد بن عیسی از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض كفاتًا . أحياءً و أمواتًا».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلک دحیها

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 17

17 - زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

«متاع» به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

149- زینت های زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 8

8 - گیاهان ، زینت بخش زمینند .

فاختلط به نبات الأرض . . . حتی إذا أخذت الأرض زخرفها وازینت

150- زینتهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 7 - 1

1- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنا جعلنا ما علی الأرض زینة لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 1

1- زمین متشکل از قطعه ها و سرزمین های گوناگون چیده شده کنار یکدیگر

وفى الأرض قطع متجورت

«قطع» (جمع قطعه) به معنای اجزا و قسمتهاست. «تجاور» (مصدر متجاورات) به معنای در جوار و نزدیک یکدیگر بودن

ص: 83

است. توصیف سرزمینها به قطعه ها و بخشها می تواند به اعتبار اختلاف و تفاوت آنها باشد. بنابراین مراد از «قطع متجاورات» این است که: مناطق زمین علی رغم نزدیک بودن و متصل بودن به یکدیگر، مختلف و گوناگونند.

152- سختی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 1

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

153- سختی زندگی آدم (ع) در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 6

6 - خداوند ، زندگی آدم (ع) را در بیرون بهشت ، زندگی سخت و رنج آوری توصیف کرد و او را از ابتلای به آن برحذر داشت .

فلا یخرجنكما من الجنة فتشقی

«شقاوه» به معنای سختی و عسر است (قاموس). در آیات بعد، تلویحاً نمونه هایی از آن سختی ها، بازگو شده است.

154- سرسبزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 63 - 6

6 - نزول باران و نفوذ آن در دل خاک و سبز و خرم شدن زمین توسط آن ، آیتی از احاطه خدا بر ظاهر و باطن اشیا و نفوذ او در تار و پود پدید های هستی است .

الم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. إن الله لطیف

«لطیف» از (مصدر «لطفه») به معنای دقیق است و از مصدر «لطف» به معنای اهل رفق و مدارا می باشد. توصیف خداوند به «لطیف» بر پایه معنای اول، کنایه از آن است که خداوند در دل و جان اشیا نفوذ و حضور دارد؛ به گونه ای که کسی آن را احساس نمی کند. بنابراین

ذکر این صفت پس از بیان نزول باران - که به صورت نامحسوس در دل زمین نفوذ می کند - بیانگر این حقیقت است که باران، یکی از نشانه های لطیف بودن خداوند است. برداشت فوق بر پایه همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 11 - 6

ص: 84

6 - بهار طبیعت و سرسبزی زمین پس از مرگ و پژمردگی، دلیلی محسوس و روشن بر امکان معاد

فأشترنا به بلده میتاً کذلک تخرجون

155- سرعت انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 2

2 - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد.

فدگتا دگه وحده

«دگ» به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

156- سستی زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 21 - 2

2 - زمین، هنگام برپایی قیامت، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد.

کلاً إذا دگت الأرض دگاً دگاً

«دگ»؛ یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر «دگاً دگاً» بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

157- سکونت انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 8

8 - مدت زمان استقرار و سکونت آدمیان در زمین، نامعلوم برای آنان

ولکم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

نکره آمدن کلمه «حین» بیانگر این است که مدت زمان سکونت انسانها در زمین نامعلوم است و بدان آگاهی نخواهند یافت.

158- سکونت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 3

3 - زمین در ابتدای پیدایش قابل سکونت و زندگانی انسان نبوده است .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

ص: 85

برداشت فوق بر این اساس است که: «جعل» به معنای «صیر» باشد؛ یعنی، خدا زمین را به گونه ای که قابل زندگانی باشد مبدل ساخت. این معنا حکایت از آن دارد که زمین در بدو پیدایش، چنین وضعیتی را دارا نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 10 - 2

2 - زمین ، در ابتدای خلقت قابل سکونت نبود . *

خلق السموت . . . الذی جعل لکم الأرض مهذاً

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر «جعل لکم» پس از بیان خلقت آسمان ها و زمین، اشاره به این نکته داشته باشد که زمین در ابتدا، غیر قابل سکونت بوده و سپس جایگاه مناسبی برای زندگی شده است.

159- سوگند به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 13 - 2

2 - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . . . و الأرض ... إنه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 1

1 - سوگند خداوند به زمین

و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 3

3 - خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به « خورشید و نور آن » ، « ماه » ، « روز و شب » ، « آسمان و زمین » ، « روح » و « ذات خویش » ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . . . قد أفلح من زکیها

جمله «قد أفلح . . .» جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله «كذبت ثمود...» و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 4

4 - خداوند، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران، به «خورشید و نور آن»، «ماه»، «روز و شب»، «آسمان و زمین»، «نفس انسان» و «ذات خویش» سوگند یاد کرده است.

والشَّمْسِ . . . وقد خاب من دسّیها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب. . .»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

ص: 86

160- سوگند به شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 3

3 - سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

161- سوگند به گستراننده زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 5

5 - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه «ما» در «و ماطحها» موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. «طحو» (مصدر «طحها») مانند «دحو» است؛ یعنی،

گستراندن هر چیز. (مفردات)

162- سوگند به گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 3

3 - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

«ما» در «ماطحها» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی «ما» را موصول و کنایه از گستراننده زمین

(خداوند) دانسته اند؛ ولی مصدری بودن آن، با سیاق آیات - که سوگند به مخلوقات است - سازگارتر است.

163- شخم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - نقش انسان تنها شخم زدن زمین و پاشیدن بذر در آن است ; و نه بیشتر از آن .

أفرءیتم ما تَحْرَثُونَ

در آیه شریفه، تنها «حرث» (عمل آماده کردن زمین و پاشیدن دانه ها در آن)، به انسان نسبت داده شده است.

ص: 87

164- شدت انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 2

2- زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدگتا دگه وحده

«دک» به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

165- شرایط استفاده از امکانات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 3,4

3- پاکیزه و موافق طبع بودن و حلّیت ، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

در برداشت فوق «حلالاً» و «طیباً» حال برای «ما» گرفته شده است. کلمه «طیب» - چنانچه از موارد استعمال به دست می آید - معادل کلمه «خوب» در فارسی است و لذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

4- ضرورت انتخاب شیوه حلال و نیکو در بهره برداری از امکانات و فراورده های زمین

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً

در برداشت فوق کلمه «حلالاً» و «طیباً» صفت برای مفعول مطلق محذوف گرفته شده است؛ یعنی: کلوا .. أكلوا حلالاً طیباً. بر این مبنا، این دو قید دلالت بر چگونگی استفاده کردن دارند.

166- شعور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 6

6- آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 5

5 - زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالنا أتینا طائعين

ص: 88

از واژه «قالتا» استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که از جمله «أتینا طائعين» فهمیده می شود که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخوردارند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 5

5 - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 3

3 - زمین ، دارای نوعی شعور و مقهور ربوبیت خداوند

بأن ربّك أوحى لها

167- شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 8

8- شکافتن زمین و بیرون آمدن پدیده های زمینی از آن و نیز شکافتن آسمان و نزول پدیده های آسمانی از آن ، از نشانه های وجود خداوند

أفی الله شكّ فاطر السموت و الأرض

«فاطر» در لغت به معنای شکافتن است و احتمال دارد مراد از «فاطر السموات و الأرض» همان معنای لغوی آن باشد؛ یعنی، شکافتن آسمان و زمین برای بیرون آوردن پدیده های آسمانی و زمینی از آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 37 - 3

3- انسان ها ، ناتوان تر از آنند که با غرور و گردن فرازی ، بتوانند رخنه ای در زمین ایجاد کنند و یا قامت خود را به کوه ها برسانند .

و لاتمش فی الأرض مرّحاً إنک لن تخرق الأرض و لن تبغ الجبال طولاً

«لن» برای نفی ابدی است و دلالت بر تعجیز دارد و در این آیه، حکایت از آن دارد که: انسان، از شکافتن زمین با گامهای سرمستانه خود و عاجز و ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 3 - 2

2 - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجّرت

ص: 89

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 1

1 - زمین ، پدیده ای رخنه پذیر ، قابل شیار خوردن و در حال شکافته شدن

و الأرض ذات الصدع

«صدع»؛ یعنی، ایجاد شکاف در چیز مقاوم و سخت (قاموس)، وصف «ذات الصدع» وصف ثابتی است که دلالت دارد، زمین به طور مداوم در حال شکافته شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 2 - 3

3 - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل - به قرینه سیاق آیات - عطف مسبب بر سبب است.

168- شکل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 2

2- تغییر و تحول آسمان ها و زمین از شکل آغازین خود *

رفع السموت ... مدّ الأرض

ظاهر جمله «رفع السموت» این است که برافراشته شدن صفتی می باشد که عارض بر آسمانها شده است ؛ یعنی، در ابتدای خلقتشان برافراشته نبودند، خداوند آنها را برافراشته کرد و نیز «مدّ الأرض» در این معنا ظهور دارد که زمین در آغاز گسترده نبود، خداوند آن را گسترانید.

169- شگفتی تحولات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تحولات زمین هنگام برپایی قیامت ، برای انسان ها بی سابقه و شگفت آور است .

وقال الإنسن ما لها

استغراق - که از حرف «ال» در «الإنسان» استفاده می شود - استغراق عرفی است و اظهار شگفتی را به اکثریت قاطع انسان ها، نسبت می دهد.

ص: 90

170- شگفتی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 4

4- زمین آفریده ای شگفت است و پیدایش شیار و رخنه در آن ، بر شگفتی اش افزوده است .

و الأرض ذات الصدع

171- شگفتی شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 4

4- زمین آفریده ای شگفت است و پیدایش شیار و رخنه در آن ، بر شگفتی اش افزوده است .

و الأرض ذات الصدع

172- شیاطین در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 9

9- زمین محل سکونت و قرارگاه شیاطین

اهبطوا... و لکم فی الأرض مستقر

برداشت فوق بر این مبناست که خطابها در جمله «اهبطوا» و .. متوجه شیطان نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 24 - 7

7- زمین، محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها و شیاطین است.

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

قید «إلى حین» علاوه بر تقيید «متاع»، کلمه «مستقر» را نیز مقید می کند.

173- صعود موجودات زمینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 2 - 4

4- فرود آمدن موجوداتی از آسمان به سوی زمین و بالا رفتن موجوداتی از ناحیه زمین به سوی آسمان

و ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها

ص: 91

174- ظهور ذخایر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 2 - 2

2 - تمام ذخایر زمین ، در آستانه قیامت آشکار شده ، از اعماق آن بیرون خواهد ریخت .

و أخرجت الأرض أثقالها

175- عبادت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 3

3- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات در آنها ، همواره در حال عبادت خداوندند .

تسبیح له السموات السبع و الأرض و من فیهنّ

اصل در لغت تسبیح «المّرّ السریع فی عباده الله» است (مفردات راغب).

176- عبرت از تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 23 - 3

3- آسمان و زمین ، تحت ربوبیت الهی و تدبیر یگانه آن ، شایان تأمل و درس آموزی

فَوَرَّبَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

اهمیت ربوبیت الهی نسبت به آسمان و زمین، از آن جهت می باشد که مورد قسم قرار گرفته است.

177- عذاب با زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 45 - 6

6- زمین ، از جمله ابزار های عذاب الهی است .

أن يخسف الله بهم الأرض

178- عرضه امانت به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

ص: 92

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در «لِيعَذَّبُ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «لِيعَذَّبُ» قرینه است که مراد از «الأمانة» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

179- عرضه تکلیف به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند، تکالیف دین را، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن، سر باز زدند.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در «لِيعَذَّبُ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «لِيعَذَّبُ» قرینه است که مراد از «الأمانة» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

180- عظمت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 11

11- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

ألم تر أن الله خلق السموات والأرض بالحق إن يشأ يذهبكم ويأت بخلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 4

4- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است.

أولم يروا أن الله الذي خلق السموات والأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 3

3 - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 1

ص: 93

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 9

9- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ؛ علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت والأرض . . . بلی إنّه علی کلّ شیء قدير

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است؛ ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

181- عظمت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 82 - 2

2- عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن ربّ السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 4

4- ساختار عظیم و پیچیده آسمان ها و زمین و مظاهر هستی ، خود گواه وجود اهداف ارزشمند در امر آفرینش *

و ما خلقنا السموت . . . لعین

از این که خداوند، آسمان ها و زمین و سایر موجودات را به خصوص یاد کرده و به جای آن واژه جامعی چون «العالمین» را قرار نداده است نقش پیامدار هر یک را در نقی بازیچه بودن آفرینش می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 2

2 - زمین ، موجودی با عظمت

والأرض

182- عظمت گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 6 - 4

4 - گستراندن زمین ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

ص: 94

183- عنصر خلقت زمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 7 - 5

5- آب ماده اصلى براى آفرينش آسمان ها و زمين *

خلق السموت و الأرض فى سته أيام و كان عرشه على الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله «خلق السموات . . .» و «كان عرشه على الماء» است؛ يعنى، بيان اين معنا كه: پيش از آفرينش آسمانها و زمين، هستى منحصر به آب بود و خداوند بر آنها حاكميت داشت، مى تواند به اين نكته اشاره داشته باشد كه خداوند، آن آبهاى پيشين يا قسمتى از آنها را به آسمان و زمين تبديل كرد.

184- عوامل آرامش زمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 15 - 1

1- خداوند، كوه ها را ثابت و استوار در زمين قرار داده است تا آن را چونان بسترى آرام براى انسان مهيا سازد .

و ألقى فى الأرض روسى أن تميدبكم

«رواسى» (جمع راسيه) از ماده «رسو» بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن كوههاست كه به خاطر وصف غالبشان به اين نام، نام گذارى شده اند و «اللقاء» وقتى با «فى» همراه باشد به معنای قرار دادن است.

185- عوامل احياى زمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 65 - 5

5- زمين، پيش از برخورداری از آب، فاقد حیات بود .

فأحيا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3- آب باران ، مناسب ترین آب برای کشاورزی و احیای زمین های مرده

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنَحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا

از این که خداوند از میان انواع آب ها، آب باران را عامل احیای زمین برشمرده و قید «طهور» (پاک و پاک کننده) را بر آن افزوده است، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

6- پاکی و زلال بودن آب ، تأثیرگذار در احیای زمین (رویش گیاهان و نباتات)

ص: 95

ماء طهورًا لنحیی به بلده میتًا

برداشت فوق، از قید «طهورًا» برای «ماء» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 3,7,8

3 - باران ، دارای نقشی اساسی در حیات و آبادانی زمین است

فانظر إلی آثار رحمت اللّٰه کیف یحی الأرض بعد موتها

مراد از «آثار رحمت اللّٰه» در آیه، به قرینه «یحی الأرض» و نیز آیه چهل و هشت، باران است.

7 - زمین ، بدون بارش باران و رویش گیاهان ، مرده و موات است .

یحی الأرض بعد موتها

8 - احیای مجدد زمین مرده با باران ، نشانه ای گویا بر توان مندی خداوند در بازآفرینی انسان ها ، در قیامت است .

یحی الأرض بعد موتها إنّ ذلک لمحی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 17 - 5,10

5 - نقش باران ، در تبدیل شدن زمین های خشک و مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم

أنّ اللّٰه یحی الأرض بعد موتها

10 - « عن عبدالرحمن بن الحجاج عن أبي ابراهيم (ع) فی قول اللّٰه عزّوجلّ « یحیی الأرض بعد موتها » قال : لیس یحییها بالمطر و لکن

یبعث اللّٰه رجالاً فیحیون العدل فتحیی الأرض لإحیاء العدل . . . » ;

عبدالرحمان بن حجاج از امام کاظم (ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ «یحیی الأرض بعد موتها» روایت نموده است: این احیای زمین به

بارش باران نیست؛ بلکه خداوند مردانی را مبعوث می کند که عدالت را در زمین احیا کنند. پس زمین به احیای عدالت احیا می شود...».

186- عوامل انشقاق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- جهان طبیعت ، دارای آسمان های متعدد

السموت

187- عوامل انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 15

15 - آسمان ها و زمین در معرض فروپاشی در برابر عظمت الهی

و هو العلیّ العظیم . تکاد السموت ینفطرن

ص: 96

برداشت یاد شده بر این پایه است که آیه شریفه، مرتبط با ذیل آیه قبل (و هو العلیّ العظیم) بوده و درصدد ارائه عظمت خدا باشد.

188- عوامل بقای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 2

2- نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا، همانند مرحله آغازین خود، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است.

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

189- عوامل ثبات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 9

9- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی، از آیات الهی است.

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رُوسِيَّ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 5,6

5- زمین، بدون وجود کوه ها، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رُوسِيَّ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

6- کوه ها، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر، نقش دارند.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رُوسِيَّ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

«مید» در لغت، «اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ» را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که «آن تمید»، «آن لاتمید» و یا «کراهیه تمید بکم» است.

190- عوامل حاصلخیزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بارش آب های آسمانی بر زمین ، به مرور زمان ، آن را نرم و حاصل خیز می کند .

صَبِينَا الْمَاءَ . . . ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

حرف «ثُمَّ»، دلالت بر مرور زمان دارد. عطف این آیه بر آیه قبل، اشاره دارد که بارش باران در نرم شدن و شکافته شدن زمین، تأثیر به سزایی دارد.

ص: 97

191- عوامل حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 12

12 - باران ، منشأ حیات در زمین و موجب پیدایش جنبنندگان در آن است .

فأحيا به الأرض بعد موتها وبث فيها من كل دابة

«بث» به معنای پراکنده ساختن است و مراد از آن در آیه شریفه ایجاد انواع جنبنندگان و ازدیاد آنها با توالد و تناسل و پراکنده ساختنشان در زمین است. «بث فیها» می تواند عطف بر «أحیا ...» باشد که در این صورت متفرع بر «أنزل من السماء من ماء» خواهد بود و گویای این است که: منشأ به وجود آمدن حیوانات آبهای فرود آمده از آسمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 2

2 - زمین ، بدون نزول باران ، مرده و فاقد حیات نباتی خواهد بود .

لنحیی به بلده میتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 63 - 6,7

6 - زمین ، بدون داشتن گیاه و نباتات ، مرده است .

نَزَّلَ .. ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها

7 - از جمله فوائد آب ، حیات بخشی به زمین است .

نَزَّلَ .. ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 9 - 5

5 - زمین ، بدون آب مرده است .

فسقنه إلى بلد مَيّت فأحيينا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 3

3 - حیات و سرسبزی پهنة زمین ، در گرو نزول باران به اراده الهی

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 8, 7, 5

5 - باران ، مایه حیات زمین

ص: 98

و ما أنزل الله من السماء . . . فأحيا به الأرض

7- نقش سازنده حرکت باد ها در شرایط زیستی زمین ، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصريف الريح آيت لقوم يعقلون

8- اهمیت نور ، تاریکی ، آب و هوا در حیات زمین

و اختلف الیل و النهار و ما أنزل الله . . . و تصريف الريح

192- عوامل سرسبزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 63 - 2

2- باران ، عامل سرسبزی زمین ، رویش حبوبات و مایه گردش چرخه حیات

أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 17 - 5

5- نقش باران ، در تبدیل شدن زمین های خشک و مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم

أن الله يحي الأرض بعد موتها

193- عوامل گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 3 - 2,3

2- انبساط زمین در آستانه قیامت ، تحت تأثیر عامل خارجی است .

و إذا الأرض مدّت

مجهول بودن فعل «مدّت»، نشان تأثیر پذیری زمین از عامل انبساط است.

3- زمین ، دارای اجزای متراکم و قابل انبساط و سطح آن قابل توسعه است .

194- عوامل نرمی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 26 - 2

2- بارش آب های آسمانی بر زمین ، به مرور زمان ، آن را نرم و حاصل خیز می کند .

صببنا الماء .. ثم شققنا الأرض شققاً

حرف «ثم»، دلالت بر مرور زمان دارد. عطف این آیه بر آیه قبل، اشاره دارد که بارش باران در نرم شدن و شکافته شدن

زمین، تأثیر به سزایی دارد.

195- غیب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 3،7،8

3- فرشتگان در پی با خبر شدن از نام های حقایق هستی ، دانستند که آسمان ها و زمین دارای غیب و نهان است .

فلما أنبأهم .. قال ألم أقل لكم إني أعلم غيب السموت و الأرض

7- آسمان ها و زمین (هستی) ، دارای غیب و نهانی که حتی بر فرشتگان هم مخفی بود .

إني أعلم ما لا تعلمون .. ألم أقل لكم إني أعلم غيب السموت و الأرض

8- خداوند ، آگاه به غیب و نهان آسمان ها و زمین (هستی)

إني أعلم غيب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 123 - 1

1- آسمان ها و زمین ، دارای غیبی و رای آنچه احساس و مشاهده می شود .

و لله غيب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 77 - 1،2،6

1- امور غیبی و پنهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار خداست .

و لله غيب السموت و الأرض

2- وجود رخدادهایی نهانی در آسمان ها و زمین ، غیر قابل کشف برای آدمیان

و لله غيب السموت و الأرض

غیب دانستن برخی از امور و رخدادهای موجود در آسمانها، دلیل آن است که آنها از قلمرو دانش بشر بیرون است.

6- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است .

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 4

4- آسمان ها و زمین ، حاوی حقایقی نهفته و اسراری نهان از غیر خدا

له غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 1

ص: 100

1 - تنها خداوند یکتا ، آگاه به غیب آسمان ها و زمین

قل لا یعلم من فی السموت و الأرض الغیب إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 75 - 1

1 - آسمان و زمین (جهان آفریش) ، دارای اسراری بس مخفی که تنها برای خداوند آشکار است .

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلا فی کتب مبین

«غائبه» به هر امر بسیار مخفی گفته می شود؛ زیرا «تاء» در آن برای مبالغه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 38 - 1،2

1 - خداوند ، به حقایق پنهانی آسمان ها و زمین آگاه است .

إن الله علم غیب السموت و الأرض

2 - وجود حقایق پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إن الله علم غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 18 - 7،1

1 - خداوند ، آگاه به اسرار نهفته (غیب) آسمان ها و زمین

إن الله یعلم غیب السموت و الأرض

7 - آسمان ها و زمین ، علاوه بر ابعاد مادی و مشهود ، دارای زوایایی پنهان و اسراری نامکشوف بر آدمیان

یعلم ما فی السموت و ما فی الأرض ... یعلم غیب السموت و الأرض

در آیات پیشین سخن از علم خدا به مطلق موجودات هستی بود؛ ولی در این آیه بر زوایای پنهان و نامکشوف آن تأکید شده است. جمع دو آیه، بیانگر معنای بالا است.

196- فرجام اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 26 - 1

1 - مرگ و فنا، فرجام حتمی و نهایی همه زمینیان

كلّ من علیها فان

197- فرجام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 8 - 4

ص: 101

4- زمین ، در نهایت ، به کویری بی حاصل و خالی از گیاه ، تبدیل خواهد شد .

و إِنَّا لَجْعَلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرْزًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 98 - 5

5- ربوبیت الهی ، آمیخته به رحمت او است .

رحمه من ربِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 6

6- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، دارای فرجام و پایانی معین و از پیش تعیین شده

ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ و أجل مسمّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 4 - 2

2 - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إِذَا رَجَّتْ الْأَرْضُ رَجًّا

به کارگیری «اذا»ی شرطیه - که در امور قطعی به کار می رود - بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 2

2 - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

به کارگیری فعل ماضی «فكانت» در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

10 - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد .

ثم نفخ فيه أخرى فإذا هم قيام ينظرون

«نظر» (مصدر «ينظرون») هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

199- فرو رفتن در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 16

16 - عن أبي جعفر (ع) في قوله: «.. عذابا من فوقكم» هو الدخان و الصيحة «او من تحت ارجلكم» و هو الخسف «او يلبسكم شيعا» و هو اختلاف في الدين و طعن بعضكم على بعض «و يذيق بعضكم بأس بعض» و هو ان يقتل بعضكم بعضا و كل هذا في أهل القبلة ...

از امام باقر (ع) روایت شده است: مراد از «عذابا من فوقکم»، دود و صیحه آسمانی و مراد از «أو من تحت ارجلكم»، فرو رفتن در زمین و مراد از «يلبسكم شيعا»، اختلاف در دین و بدگویی بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر می باشد، و مراد از «و يذيق بعضكم بأس بعض» این است که گروهی از شما گروه دیگر را بکشند و تمام اینها مربوط به اهل قبله است ...

200- فروری آبها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 41 - 1

1- مرد مؤمن به ثروت مند مغرور در مورد امکان به زمین فرو رفتن آب های جاری در باغ و کشت زار او و خشکیدن آن با عذاب الهی هشدار داد .

أو يصبح ماؤها غورًا

«غور» مصدر و در معنای «غائر» (فرو رنده) به کار رفته است، استعمال مصدر به معنای اسم فاعل در لغت عرب از شیوه های مبالغه است.

201- فروری در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 16

16- « عن أبي عبدالله (ع) سئل عن قول الله : « أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض » قال : هم أعداء الله و هم يمسخون و يقدفون و يسيخون في الأرض ;

از امام صادق (ع) در باره سخن خداوند «أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض» سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمود: آنان دشمنان خداوندند. آنان مسخ شده و هدف قرار می گیرند و در زمین فرو می روند».

3- با امکان فرورفتن انسان در دل خاک و یا گرفتار طوفان های شن شدن ، احساس امنیت دائمی کردن بیجاست .

فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم .. أفأمنتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم

«خسف» مصدر فعل «یخسف» در لغت به معنای فرو بردن و «البرّ» به معنای بیابان و خشکی در مقابل «بحر» (دریا) است.

4- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و

گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسن كفورًا. أفأمنتهم أن يخسف بكم ... أو يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 40 - 11، 10، 8

8 - برخی از مکذبان انبیا (قارون) ، در کام زمین فرورفتند و نابود گردیدند .

وقرون ... فكلًا أخذنا بذنبه ... و منهم من خسفنا به الأرض

10 - رخداد های ناگوار طبیعی ، مانند طوفان شن و صدا های مهیب و فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، ممکن است عذاب الهی باشند .

فكلًا أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا عليه حاصبًا و منهم من أخذته الصيحة و منهم من

11 - نابود کردن قوم عاد و ثمود با طوفان و صدای مهیب و نیز هلاکت قارون و فرعون و هامان با فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، نشانه پیشی داشتن قضای الهی بر هر قدرتی است .

وقرون و فرعون و هم-ن... و ما كانوا سبقتين . فكلًا أخذنا بذنبه فمنهم

202- فروری قارون در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 11، 9، 8، 7، 6، 5، 1

1 - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

5 - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما كان له من فئة ينصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه «فرورفتن قارون» هنگام شب رخ داد؛ یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی در کام زمین فرورفت. جمله «ما كان له من فئة...» بیانگر این معنا است.

6 - تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرورفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه

7 - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فئه . . . من دون الله

«من دون الله» استثنا از «من فئه» است؛ یعنی، در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

8 - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرورفتن در زمین

و ما كان من المنتصرين

مقصود این است که قارون در لحظه فرورفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

9 - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين

11 - « عن النبي (صلى الله عليه و آله) : . . . إن قارون أول من اختال فحسب الله به و بداره الأرض ؛

از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: .. قارون اولین کسی بود که تکبر ورزید؛ پس خدا او و خانه اش را در زمین فرو برد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 16

16 - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ویکائنه لایفلح الکفرون

203- فروری کافران در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 16 - 2

2 - امکان نزول عذاب الهی ، با لرزش زمین و فرورفتن کافران در درون آن

أن یخسف بکم الأرض فإذا هی تمور

«مور» (مصدر «تمور») به معنای تحرک سریع است.

204- فروری مکذبان خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 8

8 - فرو کشیده شدن منکران معاد در زمین ، بسته به خواست و مشیت خداوند است .

إن نشأ نخسف بهم الأرض

205- فلسفه احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 33 - 9

9 - فلسفه احیای زمین و رویاندن دانه ها از جانب خداوند ، بهره مندی انسان ها و تأمین زندگی آنان است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحمینها و أخرجنا منها حبًا فممنه یأکلون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، پس از طرح مسأله احیای زمین و رویاندن دانه ها از آن، تنها مسأله تغذیه انسان ها را یادآور شده است. یادآوری این مسأله می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

206- فلسفه استقرار انسان در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 105

7 - یونس - 10 - 14 - 2

2- هدف از استقرار جوامع انسانی در زمین ، آزمون آنان از سوی خداوند

ثم جعلنکم خلف فی الأرض من بعدهم لننظر کیف تعملون

207- فلسفه تبدیل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 51 - 1

1- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

یوم تبدل الأرض غیر الأرض . . . و برزوا لله . . . لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که «لیجزی» متعلق به «برزوا» در آیه 48 باشد.

208- فلسفه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 56 - 2

2- خداوند زمین را بدون فساد آفرید و آن را برای زندگانی انسان ها جایگاهی شایسته قرار داد .

بعد إصلاحها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 7 - 9

9- پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها (انسان های کامل) از هدف های آفرینش آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض . . . لیبلوکم ائیکم أحسن عملاً

«لیبلوکم» متعلق به «خلق السموات . . .» است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- رحمن - 55 - 10 - 1

1 - زمین ، سامان یافته از سوی خدای رحمان ، در جهت منافع انسان

و الأرض وضعها للأنام

واژه «أنام» در یکی از این معانی استعمال شده است: انسان یا جن و انس و یا همه موجودات روی زمین. در برداشت یاد شده معنای اول انتخاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 12

12 - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لتعلموا أنّ اللّٰه على كلّ شيء قدير وأنّ اللّٰه قد

ص: 106

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که «لام» در جمله «لتعلموا..» تعلیل برای عبارت «خلق سبع سماوات» است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 6

6 - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ .. هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا... وَكَلُوا مِنْ رِزْقِهِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 3

3 - آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور ، به منظور میسر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است .

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بَسَاطًا . لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سَبِيلًا فِجَاجًا

برداشت یاد شده، از لام «لتسلکوا» - که برای غایت و یا تعلیل است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 3,4

3 - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا

4 - « حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَ نَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ : هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [هَذِهِ الْآيَةُ] « أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا » ;

حمادبن عیسی از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حماد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- آفرینش زمین، نعمتی الهی برای انسان‌ها و در جهت منافع حیاتی آنان است.

ألم نجعل الأرض مهدياً

«مَهْدٍ» و «مِهَادٍ»، به معنای مکانی است که مَهْد و مِهْيَا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله «ألم نجعل...»، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه‌ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

ص: 107

209- فلسفه گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 19 - 3

3- گستردگی و پهناوری زمین ، برای انسان و در جهت مصالح و منافع او است .

والله جعل لكم الأرض بساطاً

مطلب یاد شده، از تعبیر «لکم» (برای شما) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 3

3- آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور ، به منظور میسر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است .

والله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

برداشت یاد شده، از لام «لتسلکوا» - که برای غایت و یا تعلیل است - استفاده می شود.

210- فناپذیری اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 26 - 1

1 - مرگ و فنا ، فرجام حتمی و نهایی همه زمینیان

کلّ من علیها فان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 2

2- فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ذو الجلال و الإکرام

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است؛ اما این آیه چنین وابستگی را از ذات

پروردگار نفی می کند.

211- فواید زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 1,2

1 - زمین همانند بستری گسترده ، شایسته برای زندگانی انسانهاست .

جعل لكم الأرض فرشاً

کلمه «جعل» می تواند به معنای «صیر» (تبدیل کرد) باشد و می تواند به معنای «خلق» (آفرید) هم باشد. کلمه «فرشاً» به معنای بستر گسترده است و اطلاق آن بر زمین از باب تشبیه می باشد؛ یعنی: جعل الأرض كالفرش.

2 - آفرینش زمین به گونه ای مناسب برای زندگانی ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

ص: 108

اعبدوا ربكم .. الذي جعل لكم الأرض فرشاً

«الذي جعل ..» صفت دوم برای «ربکم» در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 17

17 - زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لكم في الأرض مستقر و متع إلى حين

«متاع» به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 3

3 - خداوند برآورنده ثمرات و محصولات از زمین ، برای بهره گیری انسان از آن نعمتهاست .

و مما اخرجنا لكم من الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 7, 3

3 - زمین در بردارنده تمام نیازمندیهای انسان برای ادامه حیات است.

و جعلنا لكم فيها معيش قليلا ما تشكرون

7 - وجود وسائل معیشت در زمین، نعمتی بزرگ برای انسانها و بایسته سپاسگزاری است.

و لقد مكنكم في الأرض .. قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 9

9 - زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسانها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لكم في الأرض مستقر و متع إلى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 2

2 - آسمان و زمین ، دو منبع روزی برای انسانها

قل من یرزقکم من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 5، 2

2 - زمین و امکانات آن در خدمت بشر

و الأرض مددنها .. و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون . و جعلنا لکم فیها معیش

5 - زمین ، مرکز تأمین امکانات و وسایل معیشت انسان

و الأرض مددنها .. و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین

ص: 109

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 4

4- آسمان و زمین ، در تأمین روزی انسان نقش دارند .

ما لا یملک لهم رزقاً من السموت و الأرض شیئاً

از اینکه خداوند فرمود: معبودها قادر به روزی رسانی به انسان از آسمان و زمین نیستند، استفاده می شود که زمینه روزی رسانی در آسمانها همچون زمین، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 1

1 - ماده خلقت انسان ها ، فراهم آمده از زمین و عناصر آن

جعل لكم الأرض . . . منها خلقنکم

مرجع ضمیر در «منها» «الأرض» در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 35 - 8

8 - زمین ، منبع تغذیه انسان ها

و آیه لهم الأرض المیتة أحيینها . . . فمنه یأکلون ... و فجرنا فیها من العیون .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 3

3 - آسمان و زمین ، گنجینه های خیرات و روزی موجودات

له مقالید السموت و الأرض یبسط الرزق

از کلمه «مقالید» (کلیدها) و نیز جمله «یبسط الرزق»، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - دانه های حبوبات نهفته در پوسته ها ، نمونه ای مهم از منافع زمین برای آدمیان

و الأرض وضعها للأنام فيها . . . و الحبّ ذوالعصف

«ال» در «الحبّ»، برای جنس است و افاده عموم می کند. بنابراین «الحبّ» مساوی با مطلق حبوبات است و «عصف» بر پوسته حبوبات - که دانه ها در آن رشد می کند - اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 6, 5, 4, 2, 1

1 - خداوند ، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هو الذی جعل لكم الأرض ذلولاً

2 - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

ص: 110

جعل لكم الأرض ذلولاً

4- زمین ، بستر و منبعی مناسب برای تغذیه و تأمین نیازمندی های بشر

و كلوا من رزقه

5- وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

هو الذی جعل لكم الأرض ذلولاً .. و كلوا من رزقه

6- آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنّه علیم بذات الصدور .. هو الذی جعل لكم الأرض ذلولاً ... و كلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 24 - 4

4- انسان ، موجودی زمینی و زمین بستر مناسب و طبیعی برای تکثیر نسل او

ذراکم فی الأرض

مطلب یاد شده، از قید «فی الأرض» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 1,2

1- زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

کفائاً . أحياء و أمواتاً

تنوین «أحياء و أمواتاً»، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

2- گنجایش زمین ، برای تأمین نیاز های بشر در حال حیات و مرگ *

أحياء و أمواتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 1

1 - خداوند ، زمین را جایگاه مناسب و بستری آرام برای زندگانی بشر ، قرار داده است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

«مهاده» به هرگونه زیرانداز گفته می شود (مقایس اللغه). زیرانداز بودن زمین، کنایه از مناسب بودن آن برای استقرار و زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 1

1 - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعاً لكم ولأنعمكم

ص: 111

«متاعاً» مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب); ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است; یعنی، «تمتعاً لکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 26 - 4

4 - زمین ، از منابع غذایی انسان

طعامه . . . ثم شققنا الأرض شققاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 1

1 - خداوند ، باران و زمین مساعد را وسیله فراهم آمدن میوه مصرفی انسان و علوفه حیوانات قرار داده است .

صبینا الماء . . . شققنا الأرض ... و فکھه و آباً

«آب»؛ یعنی، علوفه چرندگان، چه برای آنها چیده شود و چه خود به چرا مشغول شوند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 2

2 - آمادگی زمین ، برای رویش گیاهان و پیدایش چشمه ساران

و الأرض ذات الصدع

چنانچه «ذات الرجع» در آیه قبل به باران نظر داشته باشد; «ذات الصدع» در این آیه به نتایج باران در زمین اشاره خواهد داشت.

212- فواید ناهمواریهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 6

6- پستی و بلندی های زمین ، دارای منافع حیاتی و در خدمت بشر

و ألقى في الأرض روصي أن تميمبكم و أنهرًا و سبلاً لعلكم تهتدون

213- قانونمندی حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 5

5 - پدیدار شدن شرایط حیات انسان بر روی زمین و امکانات مختلف برای او، کاری هدف دار و برنامه ریزی شده

لکم الأرض . . . سلک لکم

از تکرار «لکم» در آیه شریفه و از مضمون آیات بعد، این نکته استفاده می شود که آماده شدن زمین برای حیات انسان امری تصادفی نبوده، بلکه از قبل طراحی گردیده و برنامه ها، هدف دار اجرا شده است.

ص: 112

214- قانونمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 16 - 1

1- آفرینش آسمان و زمین و موجودات فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ؛ بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعبین

«لعب» به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. «للاعبین» نیز حال برای ضمیر «خلقنا» است؛ یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بینهما لعبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 2

2- زمین ، آفریده ای هدف دار است .

ألم نجعل الأرض مهذاً

سخن از آفرینش زمین و ویژگی های آن - پس از تهدید منکران معاد - گویای آن است که توجه به آفرینش زمین، برای رفع شبهه از معاد کافی است؛ زیرا نمی شود برای این زمین غایت و هدفی مورد نظر نباشد.

215- کاستن از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 41 - 12

12- «عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله: «أولم يروا أنّا نأتى الأرض نقصها»] : نقص ها بذهاب علمائها و فقهایها و خیار اهلها ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: [مراد از «نقصها» در سخن خدا: «أولم يروا أنّا نأتى الأرض نقصها . . .» این است که]: با رفتن

علما، فقہا و خوبان اہل زمین، از زمین می کاهیم».

216- کرویٹ زمین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - حج - 22 - 27 - 13

ص: 113

13 - اشاره قرآن به کروی بودن زمین و گرد بودن سطح آن

يَاتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

217- کشتزارهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 2

2- زمین جایگاه باغهایی از درختان انگور و دربردارنده کشتزارهاست .

و فِي الْأَرْضِ ... جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٍ

«جَنَّة» (مفرد جنات) به معنای بوستان است که به اعتبار پوشش زمینش با درختان این نام بر آن اطلاق شده است و لذا کلمه درختان در برداشت آورده شد. «زرع» به معنای رویانیدن و نیز چیزی است که روییده شده باشد. در آیه شریفه معنای دوم مراد است.

218- گرایش به آبادانی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 15

15- خداوند ، توان و استعداد آباد کردن زمین را به آدمیان عطا کرده و ایشان را به سوی آبادانی گرایش داده است .

وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

استعمره فیه، یعنی: «جعله یعمره؛ وی را آبادکننده آن قرار داد» (لسان العرب). بر این اساس «استعمرکم فیها» چنین معنا می شود: خداوند شما را این گونه قرار داده و آفریده است که زمین را آباد سازید؛ یعنی، توان آبادسازی زمین را به شما عطا کرده و نیاز به آن را در شما ایجاد کرده است تا همواره به سمت آبادسازی زمین در حرکت باشید.

219- گردش انتقالی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 2

2- آرامش سطح زمین و پیکر کوه ها ، با وجود حرکت های وضعی و انتقالی آنها ، آیتی از آیات الهی

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ ... وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ

آیه یاد شده مانند آیه 86، در مقام بیان نشانه های توحید است و «تمرُّ» اشاره به حرکت های وضعی و انتقالی زمین دارد که امروز، از نظر دانش بشر امری پذیرفته شده و قطعی است. ذکر «جبال» نیز شاید از آن جهت باشد که کوه ها در نظر آدمیان، مظهر صلابت و ایستایی است و نیز حرکت کوه ها مستلزم حرکت زمین است.

ص: 114

220- گردش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 6

6 - آرامش زمین با وجود حرکت آن در فضا، جلوه ای از صنع متقن و بهینه خداوند

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذی اتقن کلّ شیء

در صورتی که عبارت «تمرّ..» اشاره به حرکت وضعی و انتقالی زمین داشته باشد، از ارتباط دو بخش آیه («تری الجبال...») با «صنع الله...») مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 3

3 - خداوند، به آسمان و زمین فرمان داد تا - خواه یا ناخواه - در مسیر تعیین شده به حرکت در آیند و فرمان ببرند .

فقال لها و للأرض اتتیا طوعاً أو کرهًا

«طوع» به معنای رغبت و میل و «کره» به معنای بی میلی و عدم رغبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 10 - 1

1 - خداوند زمین را - علی رغم حرکت پیوسته آن - گاهواره ای آرام برای انسان قرار داده است .

الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً

به کارگیری عنوان «گاهواره» اشاره به حرکت زمین دارد.

221- گردش وضعی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 2

2 - آرامش سطح زمین و پیکر کوه ها، با وجود حرکت های وضعی و انتقالی آنها، آیتی از آیات الهی

ألم يروا أننا جعلنا الليل . . . و ترى الجبال تحسبها جامده و هي تمرّ مرّ السحاب

آیه یاد شده مانند آیه 86، در مقام بیان نشانه های توحید است و «تمرُّ» اشاره به حرکت های وضعی و انتقالی زمین دارد که امروز، از نظر دانش بشر امری پذیرفته شده و قطعی است. ذکر «جبال» نیز شاید از آن جهت باشد که کوه ها در نظر آدمیان، مظهر صلابت و ایستایی است و نیز حرکت کوه ها مستلزم حرکت زمین است.

222- گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 28

28 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « دحیت الأرض من مکة . . . و هی الأرض التي قال الله « إني جاعل فی الأرض خلیفه .
» . . . » ;

ص: 115

گسترش زمین از مکه آغاز شده و مکه همان زمینی است که خداوند فرموده: من می خواهم در زمین خلیفه قرار دهم . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 6

6- زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 9، 2، 1

1- خداوند ، زمین را گسترده و هموار قرار داده است .

و الأرض مددنها

«مدّ» در لغت به معنای «بسط» و «جرّ» است و مقصود از آن در این آیه، گسترده و هموار کردن است.

2- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

و الأرض مددنها

«مدّ» در لغت به معنای «بسط» و «جرّ» است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

9- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 48 - 3

3 - مطالعه در گستردگی سطح زمین و آرامش آن ، راهگشای انسان به تدبیر بهینه خدای جهان

و الأرض فرشناها فنعم المهدون

تعبیر «فنعم الماهدون»، انسان را به این حقیقت توجه می دهد که در تدبیر بهینه خداوند، بیندیشد و نمود این تدبیر عالی را در گستردگی

سطح زمین و آرامش آن، مطالعه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 19 - 5، 2، 1

1 - خداوند، زمین را گسترده و پهناور قرار داد.

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

«بساط» (مانند «فراش» به معنای «مفروش») به معنای «مبسوط» (گسترده و پهناور) است.

2 - زمین گسترده و پهناور، جلوه قدرت و عظمت خداوند

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

5 - گستردگی و پهناوری کنونی زمین، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است.

و الله جعل لكم الأرض بساطاً

«جعل» در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات

ص: 116

راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 3 - 5, 4, 1

1 - زمین در آستانه برپایی قیامت، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد.

و إذا الأرض مدّت

«مدّ» به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

4 - مرحله شکافته شدن آسمان - در مراحل مقدماتی قیامت - مقدم بر مرحله انبساط زمین و مؤثر در آن خواهد بود. *

إذا السماء انشقت . . . و إذا الأرض مدّت

تقدیم «إذا السماء. . .» بر «إذا الأرض. . .»، ممکن است ناظر به تقدم زمانی آن باشد. ذکر این دو رخداد در کنار یکدیگر، می تواند نشانگر ارتباط آن دو باشد.

5 - «عن جابر عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال: تمدّ الأرض يوم القيامة مدّ الأديم، ثم لا يكون لابن آدم منها إلا موضع قدميه؛

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت شده که فرموده: زمین روز قیامت، مانند پوست دباغی شده پهن و گسترده می شود؛ در عین حال بر اثر کثرت جمعیت از این زمین پهناور، برای هر کدام از فرزندان آدم جز جای دو قدم نمی ماند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 5 - 3

3 - گسترش و افزایش مساحت زمین در آستانه قیامت و خالی شدن درون آن، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تکامل یافتن زمین است.

و أذنت لربّها

223 - گواهی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 6, 5

5 - زمین در قیامت، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است.

6 - « عن أبي هريره قال قرء رسول الله (صلى الله عليه وآله) هذه الآية « يومئذ تحدث أخبارها » قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فإن إخبارها أن تشهد على كل عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهريره روايت شده كه رسول خدا(صلى الله عليه وآله) آيه «يومئذ تحدث أخبارها» را قرائت كرد و فرمود: آيا مي دانيد خبردادن زمين چيست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمين گواهي دادن آن است بر هر مرد و زني به آنچه بر روي آن انجام داده است. ».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - زلزله - 99 - 7 - 5

5 - زمين ، مشخصات كردار هاي ريز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قيامت آن را گزارش خواهد كرد .

ص: 117

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذره خیرًا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 5

5- زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من یرعمل مثقال ذره شرًّا یره

224- مالک خزاین زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 10

10 - خداوند ، مالک حقیقی منابع رزق آسمان ها و زمین است .

ولله خزائن السموات والأرض

225- مالک زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 284 - 1

1 - تنها خداوند مالک تمام موجودات آسمان ها و زمین است .

لله ما فی السموات و ما فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 21

21 - مالکیت اصلی و نهایی آسمان ها و زمین (تمام هستی) ، از آن خداوند است .

ولله میراث السموات و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 189 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموات و الارض

«مُلک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 126 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست (تمامی هستی)

ص: 118

و لله ما فى السموت و ما فى الأرض

«ما فى السموات و ما فى الارض»، كناية از تمامی هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 1

1 - خداوند ، مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین است .

و لله ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 16

16 - سلطنت و مالکیت مطلق خداوند بر آسمان ها ، زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الأرض و ما بينهما

تقدیم «لله» دلالت بر حصر دارد. یعنی تنها او مالک آسمانها و ... است. لذا از این معنا به مالکیت مطلق تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 18 - 18

18 - تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الارض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 40 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک آسمان ها و زمین (تمام هستی) و حاکم بر آنها

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

آسمانها و زمین کتایه از تمامی هستی است. و ملک به معنای حاکمیت و در دست داشتن زمام امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها ، زمین و هر آنچه در آنهاست .

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن

7 - مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت . . . و ما فيهن و هو على كل شىء قدير

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 24، 25

24 - زمین و رویدنیهایش از آن خداست .

ص: 119

فدروها تأكل في أرض الله

اضافه كلمه «أرض» به «الله» می تواند به این معنا باشد که زمین از آن خداست. و نیز می تواند به معنای زمین خدا، در مقابل زمینی که مالک شخصی دارد، باشد. بنابر احتمال دوم معنای «فدروها ...» چنین می شود: ناقه را آزاد بگذارید. آن ناقه در زمین خدا می چرد و به زمینهای شخصی شما تعرضی نمی کند.

25 - مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأكل في أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تقریر جم---له «ذروها ...» به وسیله فاء بر جمله «هذه ناقه الله» نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 128 - 3,5,7,15

3 - زمین از آن خداست و اختیار آن به دست اوست .

إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

5 - موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال موسى لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

7 - اذعان به مالکیت خدا بر زمین و نفوذ مشیت او ، زمینه ساز مقاومت در برابر دشمنان دین است .

استعينوا بالله واصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء

15 - مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقواییشان ، از تعالیم موسی (ع) به قوم خویش

قال موسى .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 1

1 - آسمان ها و زمین موجوداتی مملوک ، وابسته به هستی بخش و نیازمند آفریدگار

أولم ينظروا في ملكوت السموت والأرض

«ملکوت» مصدر است و به نایب فاعلش (السموات و الأرض) اضافه شده است. یعنی «ملکوت» در آیه شریفه مصدر مجهول می باشد. بنابراین «ملکوت السموات»، یعنی مملوک بودن آسمانها. گفتنی است مراد از مملوکیت در اینجا مملوکیت حقیقی و تکوینی، یعنی وابستگی وجودی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

إن الله له ملك السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 120

8 - هود - 11 - 64 - 7

7- زمین و رویدنی های آن ، ملک خداوند است .

فذرورها تأكل في أرض الله

برداشت فوق، از اضافه «أرض» به «الله» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 1

1- خداوند ، مالک و مدبر آسمان ها و زمین است .

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 1

1 - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فيها إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 85 - 1

1 - اعتراف به مالکیت خدا بر زمین و موجودات روی آن ، امری ناگزیر برای هر انسان اهل دانش و خرد

قل لمن الأرض ... إن كنتم تعلمون . سيقولون لله قل أفلاتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 56 - 8

8 - زمین ، از آن خدا است و بندگان خدا ، می توانند در هر نقطه مناسبی مسکن بگیرند .

إن أرضي وسعه فأیّی فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 3

3 - تمامی آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، از آن خدا است .

الحمد لله الذي له ما في السموت و ما في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 1

1 - خداوند ، مالک و مدبر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 10 - 12

ص: 121

12 - زمین ، از آن خدا و در مالکیت او است .

أرض الله وسعه

مقصود از «أرض الله» کره زمین است. این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 12

12 - « عن سليمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة » فقال يعني ملكه لا يملكها معه أحد . . . » (و السماوات مطويات بيمينه) قال : اليمين اليد ، و اليد القدره و القوه يقول عز وجل و السماوات مطويات بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عما يشركون ؛

سليمان بن مهران گوید: از امام صادق (ع) از سخن خداوند عزوجل که می فرماید: « و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة » سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالک زمین نیست. .. و درباره « و السماوات مطويات بيمينه » فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزوجل فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 2

2 - کفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فإنّ الإنسن كفور . لله ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 1

1 - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

«ملک» به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 31 - 1

1 - گستره آفرینش (آسمان ها ، زمین و . . .) ، تحت مالکیت مطلقه الهی

و لله ما فی السموت و ما فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 5 - 2

2 - خداوند ، مالک و مدبّر زمین است .

لربّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 1

ص: 122

1 - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض

«مُلک» اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه «مُلک» به کار رود، مستلزم «مِلک» (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

226- مالک غیب زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 2

2- تنها خداوند مالک غیب آسمان ها و زمین است .

و لله غیب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 5

5- حقایق نهانی آسمان ها و زمین ، در انحصار مالکیت خداوند است .

له غیب السموت و الأرض

تقدیم «له» دلالت بر حصر می کند و حرف «لام» در آن، برای تملیک است.

227- مالک کلید زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 1

1 - کلید های آسمان و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له مقالید السموت و الأرض

تقدیم «له» «خبر» بر «مقالید» (مبتدا) مفید حصر است.

228- مالک موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 6

6 - همه موجودات آسمان ها و زمین از آن خداوند است .

بل له ما فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 132 - 1

ص: 123

1 - خداوند ، یگانه مالک تمامی موجودات آسمان ها و زمین (تمام هستی)

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 2 - 2

2- تمامی موجودات آسمان ها و زمین فقط از آن خداوند است .

الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 1

1 - خداوند یگانه مالک آسمان ها و زمین است .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

تقدیم «له» بر حصر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 3

3 - تمامی موجودات زمین و آسمان ، مملوک خداوند هستی اند .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

229- مالک نیروهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 13

13 - نیروها و قوای آسمان ها و زمین ، تنها از آن خداوند و در اختیار او است .

و لله جنود السموت و الأرض

«لام» در «لله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که قوای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف او است.

1 - نیروها و قوای آسمان ها و زمین ، ملک خداوند و در خدمت تحقق اراده او

و لله جنود السموت و الأرض

«لام» در «لله» مفید اختصاص و ملکیت است و می رساند که نیروهای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف اویند؛ چه این که اطلاق «جند» بر قوای هستی ممکن است، به همین جهت صورت گرفته باشد؛ زیرا در این واژه، هدف داری و قرار داشتن تحت فرماندهی واحد نهفته است.

ص: 124

230- مالکیت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 13

13 - تمام زمین از آن خداوند است .

الم تكن ارض الله واسعه

231- مدبر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 1

1- خداوند ، مالک و مدبر آسمان ها و زمین است .

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 24 - 2

2- پروردگار جهان ، همان مربی و مدبر آسمان ها و زمین و موجودات میان آنها است .

قال فرعون و ما رب العلمین . قال رب السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 66 - 1

1 - خداوند ، مالک و مدبر جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

رب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 23 - 3

3 - آسمان و زمین ، تحت ربوبیت الهی و تدبیر یگانه آن ، شایان تأمل و درس آموزی

اهمیت ربوبیت الهی نسبت به آسمان و زمین، از آن جهت می باشد که مورد قسم قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 37 - 1

1 - خداوند ، مالک و مدبّر آسمان ها و زمین و تمام موجودات بین آنها است .

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 5 - 2

ص: 125

2 - خداوند ، مالک و مدبّر زمین است .

لرّتها

232- مدت حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 2 - 2

2- استمرار زندگی انسان در زمین ، تا آخرین لحظات عمر جهان طبیعت

یوم ترونها

«یوم ترونها» متعلق به «تذهل کلّ مرضعه» می باشد. در مرجع ضمیر «ها» در «ترونها» دو احتمال است: 1- اگر مراد از «الساعه» در آیه قبل لحظه حضور مردم در عرصه محشر باشد، مراد از «زلزله» اضطراب مردم خواهد بود. در این صورت آیه مورد بحث (یوم ترونها تذهل...)، برای بیان کیفیت و درجه هراس و اضطراب مردم در روز قیامت می باشد و ضمیر «ها» نیز به «الساعه» بازمی گردد. 2- اگر مراد از «الساعه» لحظه فروپاشی نظام طبیعت باشد، مقصود از «زلزل» لرزش شدیدی خواهد بود که بیکره عالم طبیعت (زمین) را فرا خواهد گرفت. در این صورت آیه مورد بحث، بیانگر حال مردم در لحظه وقوع آن زلزله می باشد و ضمیر «ها» در «ترونها» به «زلزله» بازمی گردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

233- مدت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 6

6 - آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از «ایام» در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای

متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق ... فی سته ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 126

4 - خداوند ، آفریننده زمین در دو روز

خلق الأرض فی یومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 4،3

3 - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

4 - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

واژه «یوم» (مفرد «ایام») در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس «سته ایام» (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

234- مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از «یوم» در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 7

7 - آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی سته آیام

کلمه «یوم» به معنای مقداری از زمان به کار می رود - کوتاه باشد یا بلند - بنابراین می توان گفت: «سته آیام» به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 4

4 - آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته آیام

کلمه «یوم»، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: «سته آیام» به معنای شش دوره و مرحله است.

ص: 127

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 5

5 - خدا، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . *

بالذی خلق الأرض فی یومین

لفظ «یوم» می تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 14

14 - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. . ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 1

1 - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی سته آیام

مراد از «یوم» در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

235- مراد از وارثان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 105 - 14

14- « عن أبی جعفر (ع) قال : قوله عزّوجلّ : « أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون » هم أصحاب المهدی [فی] آخرالزمان ؛

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ: «أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون» روایت شده که فرمود: آنان یاوران حضرت مهدی(عج) در آخرالزمان می باشند.».

236- مربی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 4

4- آسمان ها و زمین ، تحت ربوبیت خداست .

ما أنزل هؤلاء إلا ربّ السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 14 - 13

ص: 128

13- تدبیر امور آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، به دست خداوند است .

ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 1

1- جهان هستی (آسمان ها ، زمین و انسان ها) ، تحت ربوبیت خداوند است .

بل ربّکم ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 7 - 1

1- فرستنده قرآن و رسولان ، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. إِنَّا كُنَّا مُرْسَلِينَ ... رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 36 - 4

4- خداوند ، یگانه پروردگار آسمان ها و زمین و تمامی جهانیان

ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمین

237- مرکز تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 5 - 2

2- عرش ، مرکز تدبیر و کنترل آسمان ها و زمین و تحت سیطره خداوند است .

خلق الأرض و السموت العلی . الرحمن علی العرش استوی

238- مرگ در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كفَاتًا . أحياءً و أمواتًا

تنوین «أحياءً و أمواتًا»، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

3 - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض كفاتًا . أحياءً و أمواتًا

4 - « حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَنَظَرَ إِلَى السَّبُوتِ فَقَالَ : هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [هَذِهِ الْآيَةُ] « أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أحياءً و أمواتًا » ;

ص: 129

حمّادبن عیسی از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفّاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفّاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض کفّاتاً . أحياء و أمواتاً».

239- مرگ زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 24 - 5

5- زمین بدون آب ، مرده و موات است .

و ينزّل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 33 - 4

4- زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و آيه لهم الأرض الميتة أحيينها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثيه - 45 - 5 - 6

6- زمین ، دارای مرگ و حیات

فأحيا به الأرض بعد موتها

240- مصونیت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 13، 9، 4

4- توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ألم تر أنّ الله سخرّ.. أن تقع على الأرض

9- مصونیت زمین از تصادم کرات و اجرام آسمانی با آن ، به اراده خداوند

و يمسك السماء أن تقع على الأرض

13 - رام بودن طبيعت برای انسان، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن، جلوه های رأفت و رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أنّ الله سخر... إنّ الله بالناس لرءوف رحيم

ص: 130

241- مطالعه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 25 - 2

2- تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاتاً

242- مطالعه در خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 2

2- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أولم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

243- مطالعه موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 3

3- مشرکان ، به خاطر ژرف نگرستن درباره موجودات آسمان ها و زمین ، مورد سرزنش خداوندند .

ألم تروا أن الله سنّٰ لکم ما فی السموت و ما فی الأرض

احتمال دارد مخاطب «ألم تروا» مشرکانی باشد که در این سوره و قبل از پرداختن به قصه لقمان (فأرونی ماذا خلق.. ..) از آنها سخن گفته شده است. در این صورت، استفهام «ألم...» توبیخی است.

244- معجزه شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 1

1- نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءاً سیرت به الجبال أو قَطَّعت به الأرض أو کَلَّم به الموتی

«تسییر» (مصدر سیرت) به معنای حرکت دادن است و «تقطیع» (مصدر قَطَّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت «بل لله الأمر» و نیز «أن لو یشاء الله لهدی الناس» گویای این است که جواب شرط «لو أن...» جمله ای نظیر «لم یهدوا إن لم یشأ الله» است.

ص: 131

245- مقهوریت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 3

3 - زمین ، دارای نوعی شعور و مقهور ربوبیت خداوند

بأن ربك أوحى لها

246- ملاک حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 11

11 - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از «احیای ارض» (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

247- ملکوت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 3,4

3 - ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

إني أرىك وقومك في ضلل مبين. و كذلك نرى إبراهيم

جمله «و كذلك نرى» احتمالا در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

4 - ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایاندن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و كذلك نرى إبراهيم ملکوت السموت و الأرض و لیکون من الموقنین

جمله «و لیکون ..» عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

248- منافع تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 3

3 - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافعی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه

ص: 132

سودمند بودن آنها به حال آنان است.

249- منشأ آرامش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 10 - 1

1 - خداوند زمین را - علی رغم حرکت پیوسته آن - گاهواره ای آرام برای انسان قرار داده است .

الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً

به کارگیری عنوان «گاهواره» اشاره به حرکت زمین دارد.

250- منشأ آمادگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 1

1- گستردگی زمین و آمادگی آن برای زندگی انسان ، به تدبیر و اراده الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 2

2 - آمادگی زمین ، برای زندگی آدمیان ، به تدبیر و قرار داد الهی است ؛ نه امری اتفاقی .

و الأرض وضعها للأنام

251- منشأ احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 65 - 3

3- خداوند ، احیاگر زمین های موات به وسیله آب باران

و الله أنزل من السماء ماء فأحیا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 16، 10، 6

6 - خداوند ، زمین را حیات می بخشد و بر احیای مردگان ، توانا است .

كيف يحيى الأرض بعد موتها إنّ ذلك لمحى الموتى

10 - رویش گیاهان و حیات یافتن زمین ، با باران ، به دست خداوند است .

كيف يحيى الأرض

ص: 133

16 - قدرت مطلق خداوند ، منشأ ریزش باران ، و احیای زمین به وسیله آن است .

فتري الودق يخرج من خلله .. يحيى الأرض بعد موتها ... وهو على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 14، 8، 7

7 - آن کس که حیات دهنده زمین است ، حیات دهنده مردگان نیز خواهد بود .

إنّ الذی أحيها لمحي الموتی

8 - قدرت خداوند در حیات بخشیدن به زمین ، نشانگر قدرت او در حیات بخشیدن به مردگان است .

إنّ الذی أحيها لمحي الموتی

14 - احیای زمین خشکیده و افسرده به وسیله خداوند ، دلیل آشکار بر امکان رستاخیز مردگان و وقوع معاد است .

إنّ الذی أحيها .. على كلّ شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 6

6- اراده الهی ، حاکم بر نزول باران و رویش زندگی در سرزمین های مرده

ونزلنا من السماء .. و أحيينا به بلدة ميتاً

انتساب فعل «نزلنا» و «أحيينا» به خداوند و عوامل تحت فرمان او، تأکیدی بر حاکمیت اراده او بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 17 - 4

4 - تبدیل زمین های مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم ، نمود اراده و قدرت خداوند

أنّ الله يحيى الأرض بعد موتها

252- منشأ استقرار زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- قوام و ثبات آسمان ها و زمین ، به فرمان خداوند است .

أن تقوم السماء والأرض بأمره

4- ثبات و استقرار آسمان و زمین ، به فرمان و قدرت خداوند و بدون اسباب و علل ظاهری است .

و من آياته أن تقوم السماء والأرض بأمره

این که خداوند، برپایی و استقرار و ثبات آسمان و زمین را بدون اسناد به علتی ظاهری، به امر و فرمان خود معرفی می کند، حاکی است که آسمان و زمین، بدون علت ظاهری برپا هستند.

ص: 134

253- منشأ بازگشت به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 6

6 - آفرینش انسان از زمین و بازگشت دوباره او به آن و نیز رستاخیز و معاد او ، به اراده و خواست خداوند است .

خلقنکم ... نعیدکم ... نخرجکم

254- منشأ برکت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 4

4 - برکت و حاصلخیزی زمین ها به دست خدا و در اختیار اوست .

مشرق الأرض و مغربها التي برکنا فيها

255- منشأ بی حاصلی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 40 - 10

10- سرسبزی یا بی حاصلی زمین ، به خواست خدا و اراده او است .

فعلسی ربی أن ... یرسل علیها حساباً

256- منشأ تحولات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 26 - 3

3 - شخم زدن زمین و ایجاد شیار در دل خاک و آماده سازی آن برای کشت و ایجاد هرگونه دگرگونی در سطح زمین ، در حقیقت مستند به خداوند است .

ثم شققنا الأرض شققاً

فعل «شققنا» اطلاق دارد و زیر و رو کردن خاک زمین را - به هر شکلی باشد - مستند به خداوند می کند; هر چند به دست انسان یا دیگر عوامل طبیعت انجام پذیرد.

257- منشأ تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 5

ص: 135

5- سامان زمین و نظام آسمان ، تحت ربوبیت یگانه خداوند

الرحمن . . . و السماء رفعها ... و الأرض وضعها

آیه شریفه، همراه با همه پیام هایی که دارد، ممکن است ردّی بر این نظریه مشرکان باشد که قائل به وجود مدبرهایی غیر از خدا در آسمان و زمین هستند.

258- منشأ تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 106 - 4

4- تبدیل کوه ها به زمینی مسطح و هموار در آستانه قیامت ، کار خداوند و به فرمان او است .

ینسفها ربّی . . . فیدرها قاعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 1,2

1 - مسطح شدن زمین ، شایان تحقیق و امعان نظر برای کشف علل و عوامل آن

وإلی الأرض کیف سطحت

2- هموار بودن زمین ، نشانه ای آشکار بر قدرت خداوند و دلیل امکان معاد

وإلی الأرض کیف سطحت

259- منشأ ثبات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 3

3- سطح زمین ، بدون وجود کوه ها فاقد ثبات و استقرار *

وألّقینا فیها روسی

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح روین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات و استواری است.

260- منشأ حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 13

13 - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحيا به الأرض . . . و بث فيها من كل دابة

ص: 136

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 63 - 3

3 - خداوند ، نازل کننده آب از آسمان ، و حیات بخش زمین مرده ، با باران است .

من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 1

1 - حیات و خرمی زمین پژمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من آياته أنك ترى الأرض خاشعة فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

«خشوع» (مصدر «خاشعه») در اصل به معنای تضعیف و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردهگی می باشد. «اهتزاز» (مصدر «اهتزت») به معنای تحرک و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. «ربو» (مصدر «ربت») به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 11 - 4

4 - خرمی و حیات زمین ، وابسته به نزول باران است .

نزل من السماء ماء بقدر فأنشرونا به بلده ميتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 5 - 2

2 - ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن ، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل الله من السماء . . . آیت

261- منشأ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آفریش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت والأرض

262- منشأ روشنایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 4، 1

1 - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

ص: 137

و أشرق الأرض بنور ربها

«إشراق» (مصدر «أشرق») به معنای اضائه (روشن شدن) است.

4- روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرق الأرض بنور ربها

263- منشأ زندگی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 5

5- آمادگی کره خاکی به اراده خداوند برای زندگی انسان ها دلیل شایستگی یگانه او برای پرستش

جعل الأرض قرازا و جعل خللها أنهرا .. أعله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 10 - 4

4- قدرت و دانایی آفریدگار هستی ، پشتوانه پیدایش شرایط زیست در کره زمین

العزیز العليم . الذي جعل لكم الأرض مهذا و جعل لكم فيها سبلا لعلكم تهتدون

264- منشأ زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 33

33- گیاهان ، مایه زیبایی و خرمی زمین

من کل زوج بهیج

«بهیجه و بهاچه» به معنای حسن و خرمی است. بنابراین «بهیج»؛ یعنی، نیکو و خرم.

265- منشأ سرسبزی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 4

4 - سرسبزی زمین و رشد نباتات مرهون ریزش باران است.

أنزل من السماء ماء .. فأخرجنا منه خضرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 40 - 10

10 - سرسبزی یا بی حاصلی زمین ، به خواست خدا و اراده او است .

ص: 138

فَعَسَى رَبِّي أَنْ... يَرْسِلَ عَلَيْهَا حَسْبَانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 11 - 4

4 - خَرْمِي وَ حَيَاتِ زَمِينٍ ، وَابَسْتَهُ بِه نَزُولِ بَارَانِ اسْت .

نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِه بَلَدَهُ مَيِّتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حَدِيد - 57 - 17 - 4

4 - تَبْدِيلِ زَمِينِ هَايِ مُرَدَّه بِه زَمِينِ هَايِ زَنْدَه ، سَرَسَبِزِ وَ خَرْمِ ، نَمُودِ ارَادَه وَ قَدْرَتِ خَدَاوَنْدِ

أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

266- منشأ سلطه انسان بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نَمَل - 27 - 62 - 5

5 - تَسْلُطِ انْصَانِ بَرِ زَمِينِ وَ بَهْرَه گِيرِي گَسْتَرْدَه وَی از نَعْمَتِ هَايِ آن ، تَدْبِيرِي الهِي وَ نِشَانِ دَهَنْدَه الطَّافِ خَدَاوَنْدِ دَرِ حَقِّ وَی

وَ يَجْعَلْكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ

اسناد «جعل» به خداوند، برای یادآوری این واقعیت است که اگر شما بر گرده زمین سوارید و از آن سود می جوئید، امری اتفاقی نیست؛ بلکه در آن رموز و مناسبات زیادی به کار رفته که همه وابسته به تدبیر خداوند است و بر این اساس است که قادر به تصرف در زمین و تسلط بر آن هستید. تعبیر «خلفاء الأرض» اشاره به همین تصرف و تسلط دارد.

267- منشأ شادابی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حَج - 22 - 5 - 33

33 - گیاهان ، مایه زیبایی و خرمی زمین

مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

«بهجه و بهاجه» به معنای حسن و خرمی است. بنابراین «بهیج»؛ یعنی، نیکو و خرم.

268- منشأ شخم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 26 - 3

3 - شخم زدن زمین و ایجاد شیار در دل خاک و آماده سازی آن برای کشت و ایجاد هرگونه دگرگونی در سطح زمین ، در

ص: 139

حقیقت مستند به خداوند است .

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

فعل «شققنا» اطلاق دارد و زیر و رو کردن خاک زمین را - به هر شکلی باشد - مستند به خداوند می کند؛ هر چند به دست انسان یا دیگر عوامل طبیعت انجام پذیرد.

269- منشأ شکافتن زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 26 - 1

1 - شکافتن زمین هنگام رویدن گیاه ، کار خداوند و تحوّل شگفت انگیز است .

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

به قرینه آیات بعد، مراد از «شققنا الأرض» شکافتن زمین هنگام رویدن گیاه است. تأکیدی که کلمه «شققاً» بر آن دلالت دارد، در این موارد بیانگر شگفت بودن است.

270- منشأ گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 1

1- خداوند ، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذی مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

«مدّ» به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. «رواسی» (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 1

1- گسترده‌گی زمین و آمادگی آن برای زندگی انسان ، به تدبیر و اراده الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - گستردگی زمین و آمادگی آن برای آسایش بشر، به تدبیر و اراده خداوند

و الأرض فرشها

«فرش» (مصدر «فرشنا») و «مهد» (مصدر «ماهدون») در اصل به معنای پهن کردن و گستردن چیزی برای نشستن بر آن و یا خوابیدن است؛ یعنی، «و الأرض بسطناها و سطحناها لتستقروا علیها و تسکنوها فنعم الباسطون نحن».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 1

ص: 140

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلک» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین - به قرینه آیات بعد - آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 31 - 1

1 - خداوند ، با گسترده ساختن زمین ، آب های زمینی را بر سطح آن جاری ساخت .

أخرج منها ماءها

فعل «أخرج» بدل از «دحاها» است و به همین جهت بدون حرف عطف آمده است. این فعل آنچه را لازمه بسط زمین است بیان می کند.

271- منشأ نشاط زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 1

1 - حیات و خرمی زمین پزمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من آياته أنك تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

«خشوع» (مصدر «خاشعه») در اصل به معنای تصرع و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. «اهتزاز» (مصدر «اهتزت») به معنای تحرك و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. «ربو» (مصدر «ربت») به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

272- منشأ نظم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 2

2 - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إنّ الله يمسك السموت والأرض .. . إن أمسكهما من أحد من بعده

273- منشأ نور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 35 - 1

1 - خداوند ، نور آسمان ها و زمین است .

ص: 141

274- موانع انهدام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 1

1 - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

275- موانع ثمردهی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 41 - 4

4 - گناه و معصیت انسان ها ، زمین ها و دریا ها را از بازدهی و سودبخشی ساقط می کند .

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

276- موانع لرزش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 3، 2

2- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

«مید» در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که «آن تمیدبکم» در اصل «لأن لا تمیدبکم» یا «کراهیه أن تمیدبکم» بوده است؛ یعنی، کوهها را در زمین قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

3- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

«رسا» به معنای «ثَبَّت» و «رَسَّخ» است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند، «رواسی» گفته می شود. «مید» (مصدر «تمید») به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

ص: 142

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 5,6

5- زمین، بدون وجود کوه‌ها، در معرض لرزش‌های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

6- کوه‌ها، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می‌کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر، نقش دارند.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

«مید» در لغت، «اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ» را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت‌های خداوند است و لرزش، نمی‌تواند نعمت باشد، معلوم می‌شود که «آن تمید»، «آن لاتمید» و یا «کراهیه تمید بکم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 7 - 1

1- کوه‌ها مانند میخ‌های مستحکم، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای آن را به هم پیوند داده است.

وَالجبال أوتادًا

«أوتاد» (جمع «وتد»); یعنی، میخ‌ها. تشبیه کوه‌ها به «میخ»، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه‌ها است؛ زیرا بدون وجود کوه‌ها، حرکت لایه‌های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله‌های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می‌زد.

277- موجبات فروری در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 45 - 11

11- برخی از گناهان، کیفر فرورفتن در زمین را در پی دارد.

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

278- موجودات با شعور زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آسمان ها و زمین ، دربردارنده موجوداتی زنده ، شعورمند و با احساس

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض

«من» برای موجودات دارای شعور به کار می رود. آمدن این کلمه و نیز مسأله مردن و ایستادن و نگاه کردن موجودات آسمانی و زمینی در صحنه قیامت (اذا هم قیام ینظرون)، گویای برداشت یاد شده است.

3- مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض . . . ثم نفخ فیهِ أُخْرٰی فَاِذَا هُمْ ق

ص: 143

279- موجودات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 12

12 - آسمان ها و زمین ، آفریده هایی حادث

فی خلق السموات و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 101 - 2

2 - پدیده های گوناگون در آسمان ها و زمین ، آیات و نشانه های توحید و ربوبیت مطلق خدا بر جهان هستی است .

قل انظروا ماذا فی السموت و الأرض و ما تغنی الآیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 8

8- شکافتن زمین و بیرون آمدن پدیده های زمینی از آن و نیز شکافتن آسمان و نزول پدیده های آسمانی از آن ، از نشانه های وجود خداوند

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

«فاطر» در لغت به معنای شکافتن است و احتمال دارد مراد از «فاطر السموات و الأرض» همان معنای لغوی آن باشد؛ یعنی، شکافتن آسمان و زمین برای بیرون آوردن پدیده های آسمانی و زمینی از آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 6

6- کره زمین ، دارای موجودات با شعور - از نوع غیر انسان - که روزی آنها به دست خداوند است .

و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین

لفظ «من موصول» نوعاً بر موجوداتی اطلاق می شود که دارای شعور و ادراک باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 93 - 2

2- قائلان به فرزندگزینی خداوند ، فرزند خوانده او را از بین موجودات شعورمند آسمان ها و زمین می دانستند .

من فی السموت والأرض

کلمه «من» موصولی است که برای عاقلان به کار می رود. به کار بردن آن، ممکن است ناظر به پندار فرزندخواندگی فرشتگان، عیسی و عزیر(ع) برای خدا باشد در نتیجه تعبیر «موجودات آسمان ها» کنایه از ملائکه و «موجودات زمین» کنایه از عیسی و عزیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 52 - 7

7 - آسمان ها ، مانند زمین ، دارای موجوداتی است .

یعلم ما فی السموت

ص: 144

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 5

5 - آسمان ها ، چونان زمین ، دربردارنده موجوداتی قابل توجه اند .

لله ما فى السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 68 - 5

5 - برخی از موجودات آسمان ها و زمین ، از مرگ ناشی از نفخ صور ایمن خواهند بود .

ونفخ فى الصور فصعق من فى السموت و من فى الأرض إلا من شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 16 - 4

4 - آگاهی خداوند ، به تمامی موجودات آسمان ها و زمین

والله يعلم ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 24 - 4

4 - انسان ، موجودی زمینی و زمین بستر مناسب و طبیعی برای تکثیر نسل او

ذراکم فى الأرض

مطلب یاد شده، از قید «فى الأرض» استفاده می شود.

280- نشانه های حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 33 - 5

5 - رویش دانه ها ، جلوه روشن حیات در زمین است .

وَأَيُّهَا لِهَمُّ الْأَرْضِ الْمَيِّتَةِ أَحْيَيْنَهَا وَأَخْرِجْنَا مِنْهَا حَبًّا

برداشت یاد شده از آن جا است که رویش دانه ها، به عنوان نخستین نمونه حیات در زمین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 11

11 - پیدایش و رویش گیاهان ، مظهري از حیات زمین است .

اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا

ص: 145

281- نشانه های زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 12 - 2

2 - گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فیها ... و الريحان

واژه «ریحان»، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحيط).

282- نطق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 5

5 - زمین و آسمان (جهان هستی) ، دارای نوعی شعور ، اراده و نطق

قالتا أتینا طائعين

از واژه «قالتا» استفاده می شود که آسمان و زمین دارای نوعی نطق اند؛ چنان که از جمله «أتینا طائعين» فهمیده می شود که آن دو، از نوعی اراده و خواست نیز برخوردارند و از مجموع اراده و نطق نوعی شعور و ادراک استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 5

5 - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

تحدّث

283- نظام زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 97 - 14

14 - گزینش کعبه از میان تمامی نقاط زمین برای انجام مناسک حج ، نشان آگاهی خداوند به نظام آسمان ها و زمین *

جعل الله الكعبه .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما فى السموت و ما فى الارض

ارتباط عمیق بین جعل کعبه و خصوصیات آن با آگاهی خداوند بر آسمانها و زمین این احتمال را در ذهن ترسیم می کند که آیه ناظر به ویژگیهای منطقه ای و جغرافیایی کعبه باشد.

284- نعمت تسطیح زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 6

6 - وجود راه ها و امکان سیر و انتقال ، بر اثر همواربودن زمین ، از موهبت های الهی برای انسان و پرتویی از ربوبیت خداوند

ص: 146

الذی . . . سلک لکم فیها سبلاً

285- نعمت حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 3

3 - حرکت انسان ها ، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جعل لکم الأرض ذلولاً فامشوا فی مناكبها

مقصود از «مناكب» (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

286- نعمت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 5

5 - آفرینش زمین ، نعمتی الهی برای انسان ها و در جهت منافع حیاتی آنان است .

ألم نجعل الأرض مهدياً

«مَهْدٍ» و «مِهَادٍ»، به معنای مکانی است که مَهْد و مِهْيَا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله «ألم نجعل...»، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

287- نعمت گسترش زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 19 - 4

4 - گستردگی و پهناوری زمین برای بهره‌وری ، از نعمت های الهی برای بشر

و الله جعل لکم الأرض بساطاً

288- نعمت همواری زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- گستراندن و هموار ساختن زمین ، از نعمت های خداوند به انسان ها و در راستای تربیت و رشد آنان است .

الذی جعل لکم الأرض مهدياً

در برداشت بالا سه نکته ملحوظ است: 1- لام در «لکم» نعمت بودن را می فهماند. 2- «الذی» چه خبر باشد برای ضمیر

ص: 147

محدوفی که به «رَبِّ» در آیه قبل برمی گردد و چه صفت برای آن، بیانگر وصفی از اوصاف ربوبی خداوند است که در راستای تدبیر امور انسان ها است. 3- «مهداً» مصدر و به معنای مهوده است؛ یعنی، مهیا و مسطح.

289- نعمتهای اهل زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 28 - 1

1 - مرگ در زندگی دنیا، نعمتی برای زمینیان است .

كَلَّ مِنْ عَلَيْهَا فَاَنْ .. فَبَأَىْءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

اطلاق «ءالآء» بر فنای موجودات ذی شعور زمین، از آن جا که آن فنای مطلق نیست و مرحله ای است در سیر تکاملی خلق، بیانگر مطلب بالا است.

290- نفوذ آب در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 5

5 - وجود لایه های نفوذپذیر آب در بستر زمین

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ فِي الْأَرْضِ

291- نفوذ باران در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 2

2 - خداوند ، باران را به صورت چشمه سار ها در دل زمین راه داده و روان ساخته است .

أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ فِي الْأَرْضِ

«سلوک» (مصدر «سلک») به معنای داخل کردن و نفوذ دادن شیء است.

292- نقش احیای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احیای زمین خشکیده و افسرده به وسیله خداوند ، دلیل آشکار بر امکان رستاخیز مردگان و وقوع معاد است .

إِنَّ الذی أَحیَاهَا .. علی کلّ شیءٍ قَدیر

ص: 148

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 6

6- زمین و بخش های متفاوت آن و درختان و کشتزارها ، از نشانه های خدا و یکتایی او در تدبیر هستی

إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 20 - 1

1- خداوند ، انواع وسایل معیشت و زندگی آدمیان را ، در زمین قرار داده است .

و الأرض مددنها .. و جعلنا لکم فیها معیش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 2

2- آسمان ها و زمین و موجودات مستقر در آنها ، خود گویاترین دلیل بر کمال آفریدگار و تنزیه او از شریک و هرگونه نقص و کاستی است

تسبیح له السموت السبع و الأرض و من فیهنّ

«تسبیح» در لغت به معنای «تنزیه» است (مفردات راغب) و «تنزیه»؛ یعنی، دور دانستن خداوند از چیزهایی که بر او سزاوار نیست (مجمع البحرین). گفتنی است، تنزیه به دو صورت ممکن است: تنزیه به زبان گفتار و تنزیه به زبان حال. برداشت فوق مبتنی بر صورت دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 5

5- زمین و سایر مظاهر طبیعت ، مجرای اراده خداوند

أفأنتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- زمین ، محل رخداد قیامت و حشر انسان ها *

فیذرها قاعاً صَفْصَفًا . لا تری فیها عوجًا و لا أمتًا

مسطح شدن زمین ممکن است جهت آماده سازی آن برای برانگیختن مردم باشد. بنابراین قیامت و صحنه رعب انگیز آن، بر روی همین زمین اتفاق خواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 8

8- زمین ، ضیافتگاه الهی برای انسان ها

ص: 149

وَقُلْ رَبِّ أَنْزَلْنِي مَنزَلًا مَبَارَكًا

عبارت «منزلاً مبارکاً» کنایه از سرزمینی پر خیر و برکت است. به کارگیری «منزل» برای سرزمین ها، مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 12

12 - آسمان ها و زمین و موجودات عالم ، از منابع شناخت اند .

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا .. مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 2

2 - قرار داشتن نظام آسمان ها و زمین در خدمت منافع انسان ، به اراده و تدبیر خدا است .

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 5

5 - آسمان ها و زمین و موجودات آنها ، نشانه و آیه خداوندند .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جمله «الذی خلق السماوات و ..» وصف خداوند است. بدیهی است که صفت هر چیزی معرّف آن است و از این رو، می توان استفاده کرد که وجود زمین و آسمان ها و پدیده های موجود در آنها، دلیل وجود خدایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 2

2 - وجود آسمان و زمین در مقابل دیدگان انسان ها ، نشانه قدرت الهی است .

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- روزی انسان ها ، از طریق آسمان ها و زمین تأمین می شود .

قل من یرزقکم من السموت و الأرض

4- خداوند ، روزی دهنده انسان ها از طریق منابع آسمانی و زمینی

قل من یرزقکم من السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 3 - 7

7- آسمان و زمین ، از منابع ارتزاق انسان ها و تأثیر گذارد در حیات آنان

یرزقکم من السماء و الأرض

ص: 150

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 1

1- آگاهی خداوند ، از کاستی هایی که زمین ، پس از مرگ در جسم آدمیان ایجاد می کند .

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 9

9 - آسمان ها و زمین ، خزائن و منابع رزق موجودات

يقولون لا تنفقوا .. و لله خزائن السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 3

3 - آسمان ها و زمین ، نشانه قدرت خداوند و آیت یکتایی او است .

الله الذي خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 2

2 - انسان ، از عناصر زمینی آفریده شده است .

و الله أنبتكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 25 - 1

1 - زمین ، جایگاه و بستر مناسب برای اجتماع انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاتاً

«كِفَات» اسم برای محلی است که در آن، چیزی نهاده و گردآوری شده است (قاموس المحيط). در این آیه - به قرینه آیه بعد (أحياء و

أمواتاً) - مقصود محل اجتماع انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 4

4 - باران و زمین مناسب ، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است .

صبینا الماء . . . ثم شققنا . . . وزیتوناً ونخلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 4،3،1

1 - زمین ، حافظ خیرهایی فراوان و دارای قابلیت بازگویی و ارائه آن

یومئذ تحدّث أخبارها

ص: 151

3 - زمین پس از تحولاتی در سه مرحله (« لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا » ، « اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت » و « اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود ») ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت . . . و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر «یومئذ» - در این احتمال - نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

4 - زمین گزارش های فراوانی را درباره انسان ها در خود ، بایگانی کرده ، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق «اخبارها» را بیان نکرده است؛ ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 5

5 - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها . . . فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 5

5 - زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذره شراً یره

294- نیازهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 24 - 9

9 - نیاز آسمان ها و زمین و همه موجودات میان آن دو به ربّی و مدبّر

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

295- وابستگی زمین

1 - آسمان ها و زمین موجوداتی مملوک ، وابسته به هستی بخش و نیازمند آفریدگار

أولم ينظروا في ملكوت السموات والأرض

«ملکوت» مصدر است و به نایب فاعلش (السموات و الأرض) اضافه شده است. یعنی «ملکوت» در آیه شریفه مصدر مجهول می باشد. بنابراین «ملکوت السموات»، یعنی مملوک بودن آسمانها. گفتنی است مراد از مملوکیت در اینجا مملوکیت حقیقی

ص: 152

و تکوینی، یعنی وابستگی وجودی، است.

296- وارث زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 40 - 1

1- خداوند، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است.

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

297- وارثان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 105 - 1,8

1- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: 1- الف و لام «الزبور» برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد؛ چنان که در آیه 163، سوره «نساء» آمده است (و آتینا داوود زبوراً)؛ 2- مقصود از «الذکر» تورات باشد؛ چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیاء، آیه 48)؛ 3- «من بعد الذکر» متعلق به «کتبنا» باشد.

8- وراثت زمین برای صالحان، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد كتبنا .. أن الأرض یرثها عبادی الصالحون

298- وحی به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 5 - 2

2- زمین، دریافت کننده وحی و فرمان الهی و مطیع آن

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا

299- وسعت زلزله زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 1 - 3

3 - لرزش گسترده زمین ، از مقدمات برپایی قیامت

إذا زلزلت الأرض زلزالها

ص: 153

به قرینه جمله «یومئذ یصدر الناس أشتاتاً» (در آیات بعد)، زلزله زمین در آستانه قیامت خواهد بود.

300- وسعت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 9

9- وسعت بهشت ، به اندازه وسعت همه آسمان ها و زمین است .

و جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

واژه «عرض» در آیه شریفه معادل «سعه» است - نه مقابل طول - و «ال» در «السما» جنسیه می باشد. بنابراین «السما»؛ یعنی، همه آسمان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 2

2- گنجایش زمین ، برای تأمین نیاز های بشر در حال حیات و مرگ *

أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتًا

301- وضوح وابستگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 3

3- وابستگی آفرینش زمین به خداوند ، روشن و غیر قابل انکار است .

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهْدًا

استفهام در «ألم نجعل» برای تقریر و حاکی از مسلم بودن مابعد خود است.

302- ویژگی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 25 - 1,2

1 - زمین عرصه حیات و مرگ آدمیان

قال فیها تحیون و فیها تموتون

2- زمین، عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

قال فیها تحیون و فیها تموتون و منها تخرجون

تکرار کلمه «قال» (قال اهبطوا .. قال فیها تحیون) می تواند اشاره به تغییر مخاطب در دو جمله «اهبطوا ...» و «فیها تحیون» داشته باشد. در آیه قبل انسانها و نیز شیطان مورد خطاب بودند و در این آیه تنها انسانها مخاطب هستند. و شیاطین مورد خطاب نیستند. بنابراین می توان گفت زمین عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

ص: 154

303- ویژگیهای خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 2, 1

1 - خداوند، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

«قرار» می تواند مصدر «قَرَّ» (مرادف سَكَنَ و ثَبَّتَ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است؛ یعنی، «جعلها مستقرًا لكم». در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

2 - خداوند، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 1

1 - خداوند، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 2

2 - خداوند، زمین را به گونه ای آفرید که انسان بتواند در آن راه های وسیع برای خود بسازد.

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سَبِيلًا فِجَاجًا

برخی از مفسران، بر آنند که چون فعل «سلک» با «من» متعدی شده است، متضمن معنای اتخاذ است؛ یعنی، «لَتَتَّخِذُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْهَا سَبِيلًا...».

304- ویژگیهای زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- زمین متشکل از قطعه ها و سرزمین های گوناگون چیده شده کنار یکدیگر

وفي الأرض قطع متجورت

«قطع» (جمع قطعه) به معنای اجزا و قسمتهاست. «تجاور» (مصدر متجاورات) به معنای در جوار و نزدیک یکدیگر بودن است. توصیف سرزمینها به قطعه ها و بخشها می تواند به اعتبار اختلاف و تفاوت آنها باشد. بنابراین مراد از «قطع متجاورات» این است که: مناطق زمین علی رغم نزدیک بودن و متصل بودن به یکدیگر، مختلف و گوناگونند.

ص: 155

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 5

5 - وجود لایه های نفوذپذیر آب در بستر زمین

أنزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 3 - 3

3 - زمین ، دارای اجزای متراکم و قابل انبساط و سطح آن قابل توسعه است .

وإذا الأرض مدّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 2، 1

1 - زمین ، پدیده ای رخنه پذیر ، قابل شیار خوردن و در حال شکافته شدن

والأرض ذات الصدع

«صدع»؛ یعنی، ایجاد شکاف در چیز مقاوم و سخت (قاموس)، وصف «ذات الصدع» وصف ثابتی است که دلالت دارد، زمین به طور مداوم در حال شکافته شدن است.

2 - آمادگی زمین ، برای رویش گیاهان و پیدایش چشمه ساران

والأرض ذات الصدع

چنانچه «ذات الرجوع» در آیه قبل به باران نظر داشته باشد؛ «ذات الصدع» در این آیه به نتایج باران در زمین اشاره خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 5 - 3

3 - کره زمین ، عرصه برپایی قیامت

يوم . . . و تكون الجبال

305- هدفداری خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

«حق» کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله «خلق السماوات»، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای «حق» تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 156

1- خداوند، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ

«حق» در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 3

3 - آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق الله السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

«باء» در «بالحقّ» برای «ملاسه» است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 2

2- وجود معاد و حیات اخروی، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء ليقولون . . . و ما خلقنا السموت ... لعبين

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین، آفرینشی بحق، بایسته، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما لعبين . ما خلقنهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 22 - 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

«حق» به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 4

4 - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السماء رفعها و .. و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 157

2- آفرینش جهان (آسمان ها، زمین و...)، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است.

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

306- هماهنگی تدبیر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 82 - 2

2 - عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است.

سبحن ربّ السموت و الأرض

ص: 158

2- زن

1- زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 1

1 - تقسیم شدن انسان ها به هنگام شکل گیری در رحم به دو صنف مرد و زن ، از نشانه های قدرت خداوند است .

فجعل منه الزوجين الذكر والأنثی

2- آثار اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 1,2,4,6,7

1 - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته المنافقون ... لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا قليلاً. ملعونين

«ملعونين» حال برای ضمير فاعلی «لا يجاورون» است.

2 - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیماردلان ، موجب سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ينته ... و الذين في قلوبهم مرض ... لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا

4 - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ينته المنافقون ... أينما تقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً

«تقف» (مصدر «تقفوا») به معنای «مهارت در درک و انجام دادن کار» است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای «به دست آوردن و دستیاری» استعمال شده است.

6 - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ينته ... و الذين في قلوبهم مرض ... ملعونين أينما تقفوا أخذوا وقتلوا

7 - ادامه دهندگان به فساد در جامعه ، با آزار و اذیت زنان مؤمن ، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند .

لئن لم ينته المنافقون و... لنغرينك بهم ... ملعونين أينما تقفوا أخذوا وقتلوا

«أین» مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

ص: 159

3- آثار ازدیاد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

4- آثار صدای طنّازانه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 4

4 - صدای نرم و طنّازانه زنان ، موجب طمع قلب های بیمار در آنان است .

فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

5- آثار عفت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5 - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

التي أحصنت فرجها

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

6- آزادی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 234 - 11، 8

8 - پس از عده وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهن بالمعروف

11 - پس از عده وفات ، زن در انتخاب شوهری شایسته آزاد است .

فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهنّ

مراد از «فیمافعلن» ، به قرینه جمله «یتربصن» که ممنوعیت ازدواج در زمان عده است ، انتخاب شوهر خواهد بود.

ص: 160

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 8

8 - زن از دیدگاه ادیان الهی دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

7- آزادی زن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 1 - 58 - 4

4 - آزادی زنان برای ملاقات با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نیز گفتگو و در میان گذاشتن مشکلات خویش با آن حضرت

قد سمع الله قول التي تجادلک فی زوجها

8- آسبزی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 4

4 - نقش زنان در آماده ساختن و طبخ غذا، در عصر ابراهیم (ع) *

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

از این که ابراهیم(ع) برای تهیه غذای میهمانان به همسرش مراجعه کرده، استفاده می شود که همسر آن حضرت آماده سازی غذا را برعهده داشته است.

9- آفرینش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 17

17 - زنان و مردان، آفریده شده از یکدیگر

من ذکر او انثی بعضکم من بعض

در برداشت فوق، «من»، نشویه گرفته شده است.

10- آموزش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 19

19 - مردان و زنان صدقه پرداز، مورد مغفرت خداوندند .

ص: 161

و المتصدقين و المتصدقات .. أعد الله لهم مغفرة

11- آموزش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 3

1 - مردان و زنانی که در برابر خداوند ، سر تسلیم فرود می آورند ، از آموزش خداوند برخوردارند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أعد الله لهم مغفرة

بنابراین که «مسلمین» از ریشه لغوی آن (سلم) و به همان معنای لغوی اش باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

3 - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آموزش و غفران الهی اند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أعد الله لهم مغفرة

بنابراین احتمال که مراد از «المسلمین» معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

12- آموزش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 16

16 - مردان و زنان فروتن ، از آموزش خداوند ، برخوردار خواهند بود .

و الخشعيين و الخشعت .. أعد الله لهم مغفرة

13- آموزش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 9

9 - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آموزش خداوند برخوردارند .

و القنيتين و القنتت .. أعد الله لهم مغفرة و أجرًا عظيمًا

«قانت» از مصدر «قنوت» است. «قنوت» در لغت، به معنای «اطاعت خاضعانه» است (مفردات راغب).

14- آموزش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 27

27 - مردان و زنانی که زیاد به یاد خداوندند، از آموزش او، بهره مند خواهند بود.

ص: 162

و الذکرین اللہ کثیرًا و الذکرت أعدّ اللہ لهنّ مغفره

15- آموزش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 21

21 - مردان و زنان روزه گیر ، مشمول آموزش خداوندند .

و الصّٰمّين و الصّٰمّات .. أعدّ اللّٰه لهنّ مغفره

16- آموزش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 14

14 - خداوند ، مردان و زنان شکييا را از آموزش خود ، برخوردار می کند .

و الصّٰبرين و الصّٰبرات .. أعدّ اللّٰه لهنّ مغفره

17- آموزش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 11

11 - مردان و زنان صداقت پیشه ، از آموزش خداوند برخوردارند .

و الصّٰدقین و الصّٰدقات .. أعدّ اللّٰه لهنّ مغفره

18- آموزش زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 24

24 - مردان و زنان با عفت و پاکدامن ، مشمول آموزش خداوندند .

و الحافظين فروجهنّ و الحافظات .. أعدّ اللّٰه لهنّ مغفره

19- آموزش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 163

29 - مردان و زنانی که به فراوانی خداوند را برای دیگران یادآوری می کنند از آمرزش خداوند بهره مند خواهند بود .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّٰه لهم مغفره

«ذکر» (مصدر «ذاکر») به دو معنا آمده است: یکی، به خاطر سپردن، و دیگری، بر زبان آوردن (مفردات راغب). احتمال دارد که مراد از ذکر زبانی، یادآوری برای دیگران باشد.

20- آمرزش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 5، 3

3 - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آمرزش و غفران الهی اند .

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره

بنابراین احتمال که مراد از «المسلمین» معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

5 - مردان و زنان مؤمن ، مشمول آمرزش خداوندند .

إنّ .. و المؤمنین و المؤمنت ... أعدّ اللّٰه لهم مغفره

21- آمرزش زنان مطیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 9

9 - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آمرزش خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت .. أعدّ اللّٰه لهم مغفره و أجرًا عظیمًا

«قانت» از مصدر «قنوت» است. «قنوت» در لغت، به معنای «اطاعت خاضعانه» است (مفردات راغب).

22- اباحه غنیمت زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - به غنیمت گرفتن زنان کافر، در شرایطی خاص، مباح است.

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. مَا مَلَكَت يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ

مراد از «ملک یمین» کنیزانی بوده اند که از دشمن به اسارت در می آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

ص: 164

23- احترام زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 16

16- زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت . . آن تطوهم

از این که خداوند، «مؤمنات» را در کنار «مؤمنون» یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

24- احسان به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 9

9- رها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او ، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد .

او تسریح باحسان

کلمه «احسان» گویای معنایی است فراتر از «معروف»؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

25- احکام اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 3

3- جواز حضور زنان در جلسه مردان و پذیرایی از ایشان

وامرأته قائمه فضحکت فبشرنها

برخی برآنند که مراد از «قائمه» قیام برای پذیرایی از مهمانان است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است که به قرینه آیه بعد، نمی توان گفت جواز حضور زنان به طور مطلق - چه جوان باشند و چه کهنسال - از آیه استنباط می شود اگرچه نفی آن نیز از آیه استفاده نمی گردد.

26- احکام زن

39 - معافیت زنان از جهاد ، پرداخت نفقه و خونب های قتل خطایی اقوامشان ، دلیل نصف بودن سهم ارث آنها

للذکر مثل حظ الانثیین

امام صادق (ع) درباره علت نصف بودن سهم ارث زن فرمود: انّ المرأه لیس علیها جهاد و لا نفقه و لا معقله و انما ذلک علی الرجال . . .

کافی، ج 7، ص 85، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 451، ح 96.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 6

6 - وعده خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن، درباره احکام زنان یتیم

قل الله يفتيكم فيهنّ و ما يتلى عليكم في الكتب في یتمی النساء

در برداشت فوق، «مایتلی»، بر ضمیر «فیهن» عطف شده است و اضافه «یتمی» به «النساء»، اضافه صفت به موصوف است، یعنی زنانی که یتیم هستند.

27- احکام زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 3

3 - آرایش و خودآرایی زنان - حتی سالخوردگان نا امید از زناشویی - در برابر نامحرمان ممنوع است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . . غیر متبرّجت بزینة

28- اختیارات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 8

8 - زن می تواند بخشی از مهریه خویش را به همسرش ببخشد .

فان طبن لكم عن شیء منه نفساً

29- ارث زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 7 - 6

6 - تفاوت سهم مردان و زنان از میراث میت

للرّجال نصيب . . . وللنساء نصيب

تکرار کلمه «نصیب» برای هر یک از مردان و زنان، می تواند اشاره به تفاوت آنان در نصیب و سهمشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 30

30 - نظر خواهی و استفتای مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره مقدار ارث زنان

ص: 166

امام باقر(ع) در مورد «و یستفتونک فی النساء» در آیه فوق فرمود: فان نبی اللہ(صلی اللہ علیہ و آلہ) سئل عن النساء ما لهن من المیراث؟.

...

تفسیر قمی، ج 1، ص 154؛ نورالثقلین، ج 1، ص 556، ح 594.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 176 - 15

15 - ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو یرثها .. فلهما الثلثان مما ترک

30- ارث زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 29

29 - محرومیت زنان یتیم، از حق ارث خویش، در عصر جاهلیت

لا تؤتوهن ما کتب لهن

امام باقر(ع) در مورد «ما کتب لهن» در آیه فوق فرمود: ای من المیراث.

مجمع البیان، ج 1، ص 181؛ نورالثقلین، ج 1، ص 557، ح 595.

31- ارزش تفکر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 4

4 - ارجمندی تفکر، عقیده و شخصیت زن، در نگرش اسلام

يأيتها النبي إذا جاءك المؤمنت يبايعنك . . فبايعهنّ

32- ارزش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 223 - 1

1 - زن ، کشتزار بذر انسان است .

نساؤکم حرث لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 167

13 - نمل - 27 - 33 - 7

7 - جایگاه ارجمند و والای زن در جامعه سبا ، علی رغم حقارت وی در طول تاریخ

و الأمر إلیک فانظری ماذا تأمرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 4

4 - ارجمندی تفکر ، عقیده و شخصیت زن ، در نگرش اسلام

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ . . . فَبَايِعِهِنَّ

33- ارزش عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 30

30 - عفت و پاکدامنی برای زنان ، صفتی بس ارزشمند و پسندیده

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا

34- ارزش عمل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 9

9 - برابری ارزش کارها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

35- ارزش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 22

22 - ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

والمؤمنون والمؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

36- ازدواج با زن بابا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - اعراف - 7 - 33 - 19, 18

ص: 168

18 - عن أبي الحسن (ع): .. قول الله تبارك و تعالی: «قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی بغیر الحق ...» اما قوله: «و ما بطن» یعنی ما نکح من الآباء فإن الناس كانوا قبل أن یبعث النبى (صلی الله علیه و آله) إذا كان للرجل زوجة و مات عنها تزوجها إینه من بعده إذا لم تكن أمه فحرم الله ذلك و اما «الإثم» فإنها الخمره بعینها ... و اما قوله: «البغی» فهو الزنا سرًا ...

از امام کاظم (ع) درباره «ما بطن» در آیه «قل إنما حرم ربی الفواحش ...» روایت شده است: یعنی ازدواج با همسر پدر؛ زیرا قبل از بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شخصی که از دنیا می رفت اگر همسری از او باقی می ماند، پسر متوفی او را اگر مادرش نبود به همسری برمی گزید خداوند، این ازدواج را تحریم فرمود. اما «اث-م» ه---مان شراب است ... و اما «بغی» همان زناى پنهانی است ...

19 - سئل علی بن الحسین (ع) عن الفواحش ما ظهر منها و ما بطن قال: ما ظهر نکاح إمرأه الأب و ما بطن الزنا.

از امام سجاد (ع) درباره فواحش ظاهری و باطنی سؤال شد فرمود: فاحشه ظاهری، ازدواج با همسر پدر و فاحشه باطنی زناست.

37- ازدواج با زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 4, 5, 1

1 - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک، حرام است .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

جمله «الزانی لا ینکح ...» به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلك علی المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

3 - مردان زناکار، شایستگی ازدواج جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

برداشت یاد شده، مبتنی براین احتمال است که مقصود از «الزانی لا ینکح ...»، «لما یلیق به أن ینکح» باشد؛ یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

4 - حرمت ازدواج زنان زناکار، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک

5 - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک

38- ازدواج با زن مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 3، 1

1 - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک ، حرام است .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

جمله «الزانی لا ینکح . . .» به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلک علی المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

3 - مردان زناکار ، شایستگی ازدواج جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

ص: 169

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه

برداشت یاد شده، مبتنی براین احتمال است که مقصود از «الزانی لاینکح . . .»، «لما یلیق به أن ینکح» باشد؛ یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

39- ازدواج با زن مؤمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 7

7 - زنان مؤمن، برای ازدواج شایسته تر از دیگران اند .

إذا نکحتم المؤمنت

ذکر «المؤمنات» به خاطر جریان غالب و حاکمی بوده که در صدر اسلام وجود داشته است و به معنای این نیست که تنها، زنان مؤمن مشمول حکم آیه اند. در عین حال، ذکر «المؤمنات» خالی از این لطف نیست که شایسته است مردان مؤمن، با زنان مؤمن ازدواج کنند.

40- ازدواج زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 16

16 - اهتمام اسلام، به ازدواج زنان و سامان بخشیدن به زندگی دختران یتیم

التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

«ما کتب لهن»، شامل حق ازدواج هم می شود. در عین حال، به نکاح نیز مستقلاً اشاره شده که بیانگر اهمیت ویژه آن است.

41- ازدواج زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 4,5,6

4 - حرمت ازدواج زنان زناکار، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک

5 - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

6- زنان زناکار، شایستگی ازدواج جز با مردان زناکار و یا مشرک را ندارند.

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

ص: 170

42- استخوانهای پشت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 2، 1

1 - محل پیدایش نطفه مرد (منی) ، بین تیره پشت و استخوان های قفسه سینه قرار دارد .

یخرج من بین الصلب و الترائب

«صلب»؛ استخوانی است که از قسمت بالای پشت، نزدیک گردن شروع شده و تا دنبالچه (که جای آن در انسان در جایگاه دم در حیوانات است) ادامه یافته است(قاموس). «تربه» (مفرد «ترائب»); یعنی، بالاترین استخوان قفسه سینه که زیر چانه قرار گرفته است (نهایه ابن اثیر). تمام اهل لغت آن را جای گردن بند از قفسه سینه می دانند (لسان العرب). برخی آن را به تمام استخوان های قفسه سینه و گروهی به چهار استخوان از سمت راست و چهار استخوان از سمت چپ اطلاق می کنند (قاموس). خروج نطفه از آن محل، ممکن است به اعتبار تغذیه کیسه منی از آن جا باشد.

2 - بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از «ماء دافق» در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

43- استخوانهای سینه زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 2

2 - بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از «ماء دافق» در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

44- استعداد زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 12

12 - توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

45- استعداد های زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 8

8 - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

ص: 171

یوم تری المؤمنین و المؤمنت .. بشریکم الیوم جنّـت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

46- استعدادهای معنوی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 5

5- زنان نیز همچون مردان، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

47- استغفار برای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 18

18 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ اللّٰه

48- استقلال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 22

22- زن از دیدگاه ادیان الهی، دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

فأسر بأهلک بقطع من الیل .. إلا امرأتک إنه مصیبها ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 6

6- زنان، مستقل از مردان، دارای مسؤولیت اند و به آنان نیز مانند مردان، امانت الهی عرضه شده است .

إنّا عرضنا الأمانه .. لیعدّب اللّٰه المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

49- استقلال فکری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 32 - 11

11 - زن ، استقلال رأی دارد و خود مسؤول اعمال اش در پیش گاه خداوند است .

ص: 172

إلا امرأته كانت من الغبرين

50- اضرار به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 7,9

7 - رجوع مرد در ایام عدّه ، نباید به قصد اضرار به زن باشد .

الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان

9 - رها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او ، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد .

او تسریح باحسان

کلمه «احسان» گویای معنایی است فراتر از «معروف»؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

51- اولیای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 16

16 - سرپرست زن ، ممنوع از گرفتن مهریه وی ، برای خویش

و اتوا النساء صدقاتهنّ

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذا خطاب للاولیاء لانّ الرجل منهم کان اذا زوج ایّمه اخذ صدقاتها دونها فنهاهم الله عن ذلك.

تفسیر تبیان، ج 3، ص 110؛ مجمع البیان، ج 3، ص 12.

52- اهمیت حیای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 25 - 3

3 - حیا ، از برجسته ترین کمالات برای زن در پیش الهی

فجاءته إحدیهما تمشی علی استحياء

اختصاص به ذکر یافتن «حیا» برای دختر شعیب در این مقام، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 173

53- اهمیت عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 3

3- عفت و پاک دامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) - که در این آیات نام او در ردیف پیامبران قرار گرفته - صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

54- ایمان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 3

3 - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنت الغفلت المؤمنت

55- بی ارزشی زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 5

5- زنان و دختران در دوران جاهلیت ، بی ارزش بوده و مایه ننگ و عار به شمار می آمدند .

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

56- بی اعتنایی به زن در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 165 - 4

4- بی توجهی مردان قوم لوط به جنس مخالف (زنان)

قید «من العالمین» می‌تواند مربوط به «ذکران» باشد؛ یعنی، از میان انسان‌ها- که اگر تعداد زنانشان از مردان بیشتر نباشد کمتر نیست - شما تنها با جنس مذکر درمی‌آمیزید؟

57- پاداش اخروی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 174

3 - تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

58- پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 5

5 - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا . . . یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران - که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد - گویای حقیقت یاد شده است.

59- پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 8

8 - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير

60- پاداش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 20

20 - مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدّقین و المتصدّقت . . . أعدّ الله لهم . . . أجرًا عظیمًا

61- پاداش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 2

2 - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

ص: 175

62- پاداش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 17

17 - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعين و الخشعت . . . أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

63- پاداش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 10

10 - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت . . . أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

64- پاداش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 28

28 - مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین الله کثیرًا و الذکرت أعدّ الله لهم . . . أجرًا عظيمًا

65- پاداش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 22

22 - مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰمّین و الصّٰئمت . . . أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

66- پاداش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 15

ص: 176

15 - مردان و زنان شکيبا ، از پاداشي با عظمت برخوردارند .

و الصبرين و الصبرت . . . أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

67- پاداش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 35 - 12

12 - مردان و زنان صداقت پيشه ، از پاداش عظيم خداوند برخوردارند .

و الصدقين و الصدقت . . . أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

68- پاداش زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 40 - 3

3 - زنان و مردان مؤمن نيك كردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

69- پاداش زنان عفيف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 35 - 25

25 - مردان و زنان عفيف ، از پاداش عظيم خداوند برخوردارند .

و الحفظين فروجهن و الحفظت . . . أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

70- پاداش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 35 - 30

30 - مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

وَالذَّكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَالذِّكْرُتُ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ . . . أَجْرًا عَظِيمًا

ص: 177

71- پاداش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 4

4 - مردان و زنان مسلمان ، از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

72- پاداش زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 6

6 - مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إِنَّ .. وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 3

3 - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 5

5 - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّـت

قرار گرفتن وصف «المؤمنات» در کنار «المؤمنین»، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

73- پاداش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

22 - ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

والمؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

74- پوشاک زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 31

ص: 178

31 - بالاپوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن، روسری و پایین پوش) برای زن، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود.

فکفرته... او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: ... و اما کسوتهم... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 337، ح 167؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 496، ح 12.

پوشش زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 12، 9

9 - زنان مؤمن، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند؛ جز آنچه که خود به خود آشکار است (مثل سرمه، انگشتر، حنا و...).

و قل للمؤمنت... و لایبدين زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از «زینتهنّ» (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: 1- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. 2- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در «إلاّ ما ظهر منها»، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

12 - پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار است (مانند انگشتر، سرمه، حنا و...) بر زنان، واجب نیست.

و لا یبدين زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

75- پوشش محل زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 39، 9

9 - زنان مؤمن، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند؛ جز آنچه که خود به خود آشکار است (

مثل سرمه، انگشتر، حنا و...).

وقل للمؤمنت... ولا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظہر منها

درباره مقصود از «زینتهنّ» (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: 1- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. 2- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در «إلاّ ما ظہر منها»، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

39 - « عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی « و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ » قال : نعم و مادون الخمار من الزینة و ما دون السوارین ;

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا ذراعین زن از (آرنج تا مچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده

ص: 179

است: «و لا یبدین زینتھنّ إلاّ لبعولتھنّ»؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سروگردن] زیر پوشش مقنعه و [از میچ دست] زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است».

76- تأمین نیاز زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 13

13 - گستردگی فضل خداوند و حکمت او ، مقتضی رفع نیاز های زن و شوهر پس از طلاق

وإن یتفرقا یغن اللّٰه کلا من سعته و کان اللّٰه وسعاً حکیماً

77- تجاوز به حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 38

38 - هشدار خداوند به مردان ستمکار و متجاوز به حقوق همسران خویش

فلا تبغوا علیهنّ سبیلاً انّ اللّٰه کان علیاً کبیراً

جمله «انّ اللّٰه ..» در مقام تهدید شوهران ستمکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 10

10 - تجاوز به حقوق زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التّٰی لا تؤتونهنّ ما کتب لهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 81 - 7

7 - لواط ، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است .

شهوة من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون

78- تجمل گرایی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 2، 1

1- زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أَوْ مِنْ يَنْشُؤْنَ فِي الْحَلِيهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرِ مَبِينِ

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

ص: 180

2- شیفتگی به تجمل و زینت ، علاقه طبیعی زنان

أَوْ مِنْ يَنْشَوْنَ فِي الْحَلِيهِ

تعبیر «ینشوا فی الحلیه» که به معنای پرورش یافتن در زینت است، اشاره به علاقه طبیعی و وابستگی زنان به آرایش و زیور دارد.

79- تحقیر زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 4 - 7

7- جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

80- تساوی زن و مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 124 - 3,4

3- زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنة

4- ایمان و عمل صالح ، معیار ارزش انسانهاست ؛ نه جنسیت ایشان .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 3

3- همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 22

22 - ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 3

3 - تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

ص: 181

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 3

3- زن و مرد ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها - اعم از مرد و زن - مخاطب «أنفسکم» قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 2

2- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 4

4- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 4

4 - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یارد لعان

والخمسه أن لعنت الله علیه .. والخمسه أن غضب الله علیها إن کان من الصدقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 5

5- زنان نیز همچون مردان ، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 3

2 - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

از قید «من أنفسکم» استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

3 - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أن خلقكم من تراب . . . خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 7

ص: 182

7- جنسیت زن و مرد، در برخورداری از آمرزش و پاداش الهی، دخالتی ندارد.

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 6

6- زنان، مستقل از مردان، دارای مسؤلیت اند و به آنان نیز مانند مردان، امانت الهی عرضه شده است.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ .. لِيَعْدِبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 4

4- همانندی و یکسانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا وازوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن «ازواج» (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 153 - 2

2- فرزند پسر و دختر برابرند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند.

أصطفى البنات على البنين

همزه در «أصطفى» برای استفهام انکاری است و انکار برگزیدن دختر به جای پسر، انکار اصل برتری پسر بر دختر و دختر بر پسر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 4

4- زنان چونان مردان، بی هیچ امتیاز و تبعیضی، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند.

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 8,9

8 - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

9 - برابری ارزش کارها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 6

6 - همسانی مرد و زن در حقیقت انسانیت

ص: 183

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

ذکر «من أنفسکم» بیانگر آن است که زن و مرد از یک حقیقت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 7،9

7 - دختر و پسر ، هر دو هدیه الهی به انسان ها

یهب لمن یشاء إناثًا و یهب لمن یشاء الذکور

9 - تمایز میان دختر و پسر ، مخالف اندیشه دینی است .

یهب لمن یشاء إناثًا و یهب لمن یشاء الذکور

تقدیم «إناثًا» بر «الذکور» علاوه بر رعایت فاصله و سجع، می تواند به منظور نفی اندیشه جاهلیت در مورد دختران باشد (که پسران را بر دختران ترجیح می دادند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 12

12- ایمان ، ملاک ارزش و ارجمندی انسان ، بی هیچ تفاوت میان مردان و زنان

و استغفر . . . و للمؤمنین و المؤمنات

قرار گرفتن «مؤمنات» در کنار «مؤمنین» و یاد کردن از آن دو با وصف ایمان، می رساند که تمام ارزش و ارجمندی آنان، بر محور ایمان است و در این راستا هر دو مشمول دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 5

5 - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهرهوری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات

قرار گرفتن وصف «المؤمنات» در کنار «المؤمنین»، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 4

4 - تساوی مردان و زنان ، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و يعذب المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 16

16 - زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. أن تطوهم

از این که خداوند، «مؤمنات» را در کنار «مؤمنون» یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 184

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 7

7 - ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

لایسخر قوم من قوم . . . و لا نساء من نساء

واژه «قوم»، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن «و لا نساء»، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 8

8 - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّـت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 13 - 6

6 - تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 14

14 - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 3

3- تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان .. ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر والأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 9

9 - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت .. فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 185

14 - احزاب - 33 - 58 - 4

4- زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات .. فقد احتملوا بهتاً

81- تکالیف زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 68 - 3

3- تساوی زن و مرد در برابر تکالیف الهی

وعد الله المنافقين و المنفقات .. نار جهنم خلدین فیها

82- تکامل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 12

12- زن ، موجودی توان مند بر عروج به درجات بالای معنویت و ملاقات و گفتگو با فرشتگان

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً

83- تکلیف زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 16

16 - زن و مرد هر دو شایسته بر عهده گرفتن تکلیف های الهی و مسؤول در پیشگاه خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 26، 23، 15، 9، 6، 3، 1

1 - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از نظر دوختن و خیره شدن به مردان نامحرم

وقل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ

3- زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از چشم دوختن به عورت و شرمگاه دیگران

وقل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ

6- زنان مؤمن ، وظیفه دار اجتناب از آلودگی به زنا و فحشا هستند .

وقل للمؤمنت . . . و يحفظن فروجهنّ

9- زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ; جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و . . .) .

ص: 186

وقل للمؤمنت . . . ولا يبدين زينتهن إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از «زينتهن» (زينت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: 1- مقصود محل زينت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زينت آلات به تنهایی معنی ندارد. 2- مراد خود زينت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زيورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتمنی است مقصود از استثنا در «إلا ما ظهر منها»، زيورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

15 - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و ليضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

«خمار» نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و «جیب» به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را پوشاند (مصباح المنیر).

23 - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زينت های خویش و مواضع آنها از خدمت کاران نیازمند به زن و راغب به زناشویی و نیز از کودکان آگاه و با خبر از مسائل جنسی

و لا يبدين زينتهنّ إلا . . . أو التبعين غير أولی الإربه من الرجال أو الطفل الذی

26 - زنان مؤمن ، موظف اند به هنگام راه رفتن ، به گونه ای گام بردارند که زيت هایشان (چون خلخال) بر نامحرمان آشکار نشود .

و لا يضربن بأرجلهنّ ليعلم ما يخفين من زينتهنّ

28 - زنان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از هر گونه رفتار تحریک آمیز و جلب کننده توجه نامحرمان به سوی خویش

و لا يضربن بأرجلهنّ ليعلم ما يخفين من زينتهنّ

لام در «ليعلم» برای تعلیل و بیان علت حرمت پای کوبیدن بر زمین است و در چنین مواردی، تعلیل موجب تعمیم حکم می شود. از این رو می توان استفاده کرد که هر آنچه موجب آشکار شدن زينت زنان شود، همین حکم را دارد و حرام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 4

4 - شایسته است که زنان ، خود را از معرض نگاه نامحرمان ، دور نگاه داشته و از خودآرایی ، به منظور در معرض نمایش گذاشتن زیبایی هایشان ، خودداری کنند .

و قرن فی بیوتکنّ و لاتبرجن تبرج الجهلیّه الأولى

84- تمایلات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 10

10 - زن و مرد ، به هم تمایل و گرایش دارند .

أزواجًا لتسكنوا إليها

متعدی شدن فعل «لتسكنوا» با «إلی» با این که حق این بود که «لتسكنوا عندها» گفته شود برای تضمین معنای تمایل است.

ص: 187

85- تنبیه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 41، 35، 30، 27، 26

26 - زدن ، آخرین اقدام برای جلوگیری از نشوز زن

والتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

27 - بروز علائم نشوز زن ، مجوز تدابیر لازم (ترک همخوابگی ، زدن و . . .) برای جلوگیری از آن

والتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

چون موضوع حکم را خوفِ نشوز (تخافون) قرار داده است و نه تحقق نشوز. و خوف نشوز، همان بروز علائم آن است.

30 - لزوم مراعات ترتیب در کاربرد موعظه ، ترک همخوابگی و تنبیه بدنی در مورد زنان ناشزه

والتی تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ و اهجروهنّ فی المضاجع و اضربوهنّ

35 - امید به اصلاح نشوز زن ، شرط ترک همخوابگی و تنبیه بدنی او *

والتی تخافون نشوزهنّ . . . فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سبیلاً

چون جمله «فان اطعنکم» بر جمله های گذشته تفریع شده، بیانگر این است که هدف از روشهای پیشنهاد شده، وادار کردن زن به اطاعت است، نه اینکه تنبیه موضوعیت داشته باشد.

41 - لزوم پرهیز از به کارگیری شدت در تنبیه بدنی زن ، جهت جلوگیری از ناسازگاری وی

والتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره آیه فوق فرمود: . . . و اضربوهنّ ضرباً غیر مبرّح.

تفسیر طبری، جزء 5، ص 67، 68؛ الدر المنثور، ج 2، ص 522.

86- توبه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - تسلیم در برابر خداوند، ایمان به او، فرمانبری از او، توبه، عبادت و روزه داری، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزواجًا خیرًا منکرًا مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبت سئحت

«قنوت» (مصدر «قانتات») به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). «سیاحت» (ماده «سائحات») به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان «سائح» می گویند (برگرفته از لسان العرب).

87- جذابیت چشم زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 4

4 - زیبایی و جذابیت چشم، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

ص: 188

88- جذابیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 2

2- زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

کاتهنّ الياقوت و المرجان

89- جنس زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 1 - 8

8- زن و مرد ، از یک جنس هستند .

و خلق منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 8

8- آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

90- جنیان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 1 - 7

7- جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای «نفر» (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد؛ زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی

از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 6 - 8

8 - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

ص: 189

91- حرمت اظهار زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 10,27

10 - حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان ، جز آنچه که نخود به خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و ...) .

لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

27 - هر گونه حرکت و رفتاری که موجب آگاهی نامحرمان از زینت های زنان مؤمن شود ، بر آنان حرام است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

92- حقوق اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 5

5- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

یا ایها النبیّ إذا جاءک المؤمنت یتابعنک . . . فبایعهنّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است ، مطلب بالا استفاده می شود.

93- حقوق اقتصادی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 24

24 - اهتمام اسلام به رعایت حقوق اقتصادی زنان

إذا ۛاتیموهن اجورهن

94- حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 226 - 13

13 - دفاع اسلام از حقوق زنان

للذين يؤلون من نسائهم تربص اربعة اشهر فان فاءو فان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 228 - 14,17,21

ص: 190

14 - رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مطلقه اش باشد، بی اثر و فاقد اعتبار است.

و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در آیه مشروط به اصلاح است؛ بنابر مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقانیت و اعتبار آن سلب می شود.

17 - دفاع اسلام از حقوق زنان

و بعولتهن احق بردهن ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بی اعتباری رجوع مرد بدون قصد اصلاح زندگی و نیز شناسایی حقوق زنان همانند حقوق مردان، خاصه با در نظر گرفتن محیط جاهلی، نشانگر دفاع اسلام از حقوق زنان است.

21 - تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مطلقه، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقید کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مطلقه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 24، 14، 12، 9، 7، 6، 4، 2

2 - نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجه به شأن نزول: کان الرجل فی الجاهلیّه اذا طلق امرأته ثم راجعها قبل ان تقضی عِدّتها... و إن طلقها الف مرّه... فذکرت ذلک لرسول اللّٰه (صلی الله علیه و آله) فنزلت: «الطلاق مرّتان...». (مجمع البیان، ذیل آیه).

4 - لزوم تعهد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از «معروف» (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلقه ای است که شوهرش به او رجوع کرده بود؛ ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

6 - رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد.

7- رجوع مرد در ایام عده، نباید به قصد اضرار به زن باشد.

الطلاق مَرَّتَانِ فَاَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٍ بِاِحْسَانٍ

9- رها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد.

اَوْ تَسْرِيحٍ بِاِحْسَانٍ

کلمه «احسان» گویای معنایی است فراتر از «معروف»؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

12- هنگام طلاق، حرام است مالی را که شوهر به زن داده (مهریه و...) بازپس گیرد.

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا اٰتَيْتُمُوْهُنَّ شَيْئًا

14- چشمپوشی زن از مال خود (مهریه) و گرفتن طلاق، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است.

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا اٰتَيْتُمُوْهُنَّ شَيْئًا اِلَّا اَنْ يَخَافَا اَلَّا يَقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ

24- حمایت و دفاع اسلام از حقوق زنان

الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان و لا یحل لکم . . . فاولئک هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 231 - 2

2 - لزوم رعایت موازین شناخته شده شرعی و عرفی در طلاق و یا ادامه زندگی از سوی مردان

فامسکوهنّ بمعروف او سرحوهن بمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 232 - 5

5 - شوهر ، حقّ جلوگیری از ازدواج زن مطلقه خویش را پس از انقضای عده ندارد .

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضوهنّ

بنابراینکه «فلا تعضوهنّ» خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از «ازواجهن» نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 - 9،12

9 - تأمین مخارج متعارف زنان مُطلقه در زمان شیردهی به نوزاد ، بر عهده پدر است .

و علی المولود له زرقهنّ

بنابراینکه مراد از «والدات» به قرینه آیات قبل و بعد، زنان مطلقه باشند.

12 - میزان متعارف نفقه و مخارج واجب بر شوهران ، باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد .

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها

به نظر می رسد جمله «لا تُکَلَّفُ . . .» تبیین کلمه «معروف» باشد؛ یعنی نباید حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 234 - 8،9،10،11

8 - پس از عده وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

9 - عدم لزوم نظارت بر زنان شوهر مُرده ، پس از انقضای عده وفات شوهر

فلا جناح علیکم فیما فعلنّ

10 - جلوگیری از حقوق متعارف زنان شوهر مُرده - مانند ازدواج - پس از انقضای عده وفات ، جایز نیست .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

11 - پس از عده وفات ، زن در انتخاب شوهری شایسته آزاد است .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ

مراد از «فیما فعلن» ، به قرینه جمله «یتربّصن» که ممنوعیت ازدواج در زمان عده است ، انتخاب شوهر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 192

6 - لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران، به زنان مُطلَّقه ای که برای آنان مهریه تعیین نشده است.

و متَّعوهنَّ ... متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در «متَّعوهنَّ»، به طایفه دوّم از زنان مُطلَّقه برگردد؛ یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

7 - لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان، طلاق داده شوند.

ان طَلَّتم النساء ... و متَّعوهنَّ ... بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در «متَّعوهنَّ»، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

14 - پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلَّقه، حَقّی ثابت بر عهده نیکوکاران

حقّاً علی المحسنین

15 - پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلَّقه، نشانه احسان و نیکوکاری مرد

حقّاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجوب پرداخت نصف مهریه تعیین شده به زن مُطلَّقه از سوی شوهر، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طَلَّتموهنَّ من قبل ان تمسوهنَّ و قد فرضتم لهنَّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسران برآنند که جمله «ان تمسوهنَّ»، کنایه از آمیزش جنسی است؛ نه مُجرّد لمس.

3 - سقوط وظیفه شوهران از پرداخت مهر به همسرانی که قبل از آمیزش طلاق داده می شوند، در صورت عفو و گذشت زنان از آن

و ان طَلَّتموهنَّ من قبل ... إلا ان یعفون

4 - عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولیّ زن از حقّ وی

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلّقه است، ظاهر این است که «الّا»، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که «الذی . . .» حمل بر ولیّ زن شود؛ نه شوهر.

7 - چشمپوشی زن، شوهر و ولیّ زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است.

و ان تعفوا اقرب للتعوی

در صورتی که خطاب «ان تعفوا» به کلیّه افراد - اعم از زن و مرد و ولیّ - باشد.

10 - استحباب پرداخت تمامی مهریه معین شده به زنی که قبل از آمیزش طلاق داده شود.

و ان طلّتموهنّ . . . و ان تعفوا اقرب للتعوی

11 - ولیّ زن مُطلّقه می تواند از حقّ وی (نصف مهر)، صرفنظر کند.

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از «الذی . . .» ولیّ زن است؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 240 - 3,4,6,7,8

ص: 193

3 - لزوم وصیت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیهً لازواجهم متاعاً الی الحول

4 - حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره‌گیری از اموال او به مدت یکسال، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است.

وصیهً لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه «غیر اخراج» در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

6 - باقی ماندن زن در خانه شوهر، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه «غیر اخراج» علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). (یعنی آنگاه زن شوهر مرده می‌تواند از مال شوهر بهره‌گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد).

7 - جواز خروج زن از خانه شوهر وفات یافته، پیش از اتمام سال

غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم

8 - جواز هرگونه اقدام مشروع و شایسته (ازدواج) از سوی زنان شوهر مرده پس از خروج از خانه وی

فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهنّ من معروف

برخی برآنند که مراد از «من معروف» ازدواج است؛ بر این اساس، جامعه ایمانی و یا ورثه میّت می‌توانند از ازدواج زن به مدت یکسال بر فرض سکونت در منزل شوهر متوفی، ممانعت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 241 - 6، 7، 2، 1

1 - لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطلّقه

و للمطلّقات متاع بالمعروف

2 - شؤون اجتماعی زن و مرد، تعیین‌کننده مقدار و خصوصیات متاعی که باید به زن مُطلّقه پرداخت شود. *

متاع بالمعروف

به نظر می‌رسد بدون در نظر داشتن شؤون اجتماعی زن و مرد، نمی‌توان مقدار و یا خصوصیات کالای معروف و شایسته را تعیین کرد.

4- پرداخت کالای مناسب و شایسته به زنان مُطلَّقه، وظیفه تقوایندگان و نشانه تقواست.

و للمطلَّقات .. حقاً علی المتَّین

6- تقوایندگان، رعایت کنندگان حقوق زنان مُطلَّقه در میان افراد جامعه

حقاً علی المتَّین

با توجه به اینکه اصل حکم مربوط به تمام افراد است؛ ولی حکم را بر متَّین بار نموده است.

7- ارزش والای توجه به مسائل حقوقی زنان مُطلَّقه

حقاً علی المحسنین .. و ان تعفوا اقرب للتقوی ... حقاً علی المتَّین

از مجموع آیات درباره زنان مُطلَّقه، خاصه اینکه با الفاظ گوناگونی از قبیل «حقاً علی المتَّین»، «حقاً علی المحسنین»، «و ان تعفوا اقرب للتقوی» و .. بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 195 - 18، 15

ص: 194

15 - ناروایی تبعیض بین مرد و زن ، در اجرت کاری یکسان *

اِنَّی لا اَضِیْعُ عَمَلِ عَامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکْرِ اَوْ اُنْثٰی بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ

18 - یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

اِنَّی لا اَضِیْعُ عَمَلِ عَامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکْرِ اَوْ اُنْثٰی بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 15، 9، 6، 4، 3، 2، 1

1 - وجوب پرداخت مهریه زنان

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

کلمه «صدقات» جمع «صدقه»، به معنای مهریه است.

2 - زنان ، مالک مهریه خویش هستند .

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

3 - استقلال مالی زن در نظام خانواده

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

4 - لزوم پرداخت مهریه به خود زنان ، نه به فردی دیگر

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

از اینکه فرمود: «و اتوا النّساء صدقاتهنّ» و نفرمود: «اتوا صدقات النّساء»، معلوم می شود که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر یا برادر و ... ، بر خلاف آنچه در جاهلیت مرسوم بوده است.

6 - مهریه ، دینی است برای زنان بر عهده مردان

و اتوا النّساء صدقاتهنّ نحلّه

«نحلّه» بنا بر گفته برخی از مفسران به معنای فریضه است که در برداشت فوق از آن تعبیر به دین شده است؛ زیرا فریضه مالی در حقیقت دین است.

9 - حرمت تصرف شوهران در مهریه زنان ، بدون جلب رضایت کامل آنان

واتوا النساء .. فان طبن لكم عن شيء منه نفساً فكلوه

از مفهوم جمله «فان طبن لكم ..» (اگر رضایت داشتند از مهریه بخورید و در آن تصرف کنید)، حرمت تصرف بدون رضایت به دست می آید.

15 - شوهر ، مجاز به استفاده از دارایی زن ، در صورت رضایت خاطر وی

فان طبن لكم عن شيء منه

امام صادق یا امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی بذلک اموالهنّ التی فی ایدیهنّ مما ملکن.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 219، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 441، ح 46.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 18، 8، 6، 5، 4، 3

3 - لزوم طلاق همسر در صورتی که وی از زندگی کردن با شوهر خویش ناخشنود است و شوهر نیز هیچ نیازی به زندگی کردن با وی ندارد . *

لا یحلّ لكم ان ترثوا النساء کرهاً

ص: 195

2 - «کرهاً» به معنای «کارهات»، حال برای «النساء» باشد. گفتنی است که «ان ترثوا» می رساند که هدف شوهر از زندگی با زن ارث بردن از اوست. یعنی نیاز دیگری به وی ندارد.

4 - به ارث بردن زنان، حرام و امری ناخوشایند است. *

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهاً

در برداشت فوق «النساء» به معنای زنان، نه همسران، و «کرهاً»، مفعول مطلق برای فعلی مقدر گرفته شده است؛ مثل «اکروهه کرها». یعنی چنین کاری (به ارث بردن زنان) را ناپسند بشمارید.

5 - حرمت به ارث بردن زنان، به دلیل کراهت آنان

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهاً

بنابر اینکه «کرهاً» به معنای «کارهات» و حال برای «النساء» باشد. یعنی زنان را به ارث نبرید در حالی که آنان از این کار کراهت دارند. لازم به ذکر است که بر این مبنا، «کرهاً» قید توضیحی غالبی است. یعنی زنان غالباً از این کار کراهت دارند.

6 - حرمت منع کردن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از آنان *

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهاً

این برداشت بر این اساس است که مراد از «النساء»، مطلق زنان باشد. (مانند دختر و خواهر و ...) نه همسران. و مقصود از «ان ترثوا» به ارث بردن اموال ایشان باشد. بنابراین معنای آیه، حرمت بازداشتن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از اموال ایشان است. زیرا در صورت ازدواج، اکثر اموال زن با مرگ او، به فرزندان و شوهرش منتقل می شود.

8 - حرمت سختگیری مرد بر همسر خویش به انگیزه پس گیری حتی بخشی از مهریه

ولا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما اتيتموهنّ

«لا تعضلوهنّ» از «عضل» به معنای سختگیری است. مراد از «ما اتيتموهنّ»، مهریه ای است که مردان به همسران خویش می دهند.

18 - حرمت نگهداشتن و آزار رساندن به همسری که برای ادامه زندگی مورد نیاز مرد نیست، به منظور گرفتن بخشی از اموال وی.

ولا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما اتيتموهنّ

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: انّه الزّوج امره اللّهُ بتخليه سبيلها اذا لم يكن له فيها حاجة و ان لا يمسكها اضراً بها حتى تقتدى ببعض ما لها.

مجمع البيان، ج 3، ص 40؛ نورالثقلین، ج 1، ص 459، ح 139.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 20 - 5

5 - کراهت مرد از همسر خویش و علاقه به ازدواجی دیگر، مجوّز پس گیری حتی اندکی از مهریه به هنگام طلاق نمی شود.

فان کرهتموهنّ... و ان اردتم استبدال... فلا تأخذوا منه شیئاً

جمله «ان اردتم» پس از جمله «فان کرهتموهنّ»، اشاره به این دارد که هر چند دلیل «استبدال» ناخوشایندی از همسر موجود و علاقه به ازدواجی دیگر باشد، این امر، مجوّز پس گیری مهریه نمی تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 11، 2، 1

1 - بازپس گیری مهریه زنان، دور از انسانیت و خلاف انصاف است.

ص: 196

و کیف تأخذونه و قد افضى بعضکم الی بعض

در آیه قبل، بازپس گیری مهریه، ظلم و گناه شمرده شد و این آیه با طرح سؤال، وجدان انسانی را به قضاوت بر می انگیزاند.

2- حرمت بازپس گیری حتی اندکی از مهریه زنان، پس از آمیزش

و کیف تأخذونه و قد افضى بعضکم الی بعض

بنابر اینکه «و قد افضى»، کنایه از آمیزش باشد.

11- مهریه، حقی برای زن در قبال آمیزش و پیمان زناشویی

و کیف تأخذونه و قد افضى

جمله «و قد افضى»، که کنایه از آمیزش است، و جمله «اخذن منکم»، که دلالت بر عقد زناشویی می کند، بیانگر این است که زن در قبال آن دو، مالک مهریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 15

15 - حمایت اسلام از حقوق اقتصادی زنان

ان تبتغوا باموالکم .. فاتوهنَّ اجورهنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 13، 9

9- حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن

13 - زن و مرد، دارای حق کسب و کار

للرجال نصیب .. وللنساء نصیب مما اکتسبن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 20، 25، 34

بما حفظ الله

مراد از «ما»، حقوق زنان است که خداوند با جعل قوانین، مانند الزام به تأمین زندگی و .. آن را حفظ کرده است.

25 - همخوابگی ، از حقوق زنان بر همسران خویش

و اهجر وهنّ فی المضاجع

گویا لزوم همخوابگی با همسران را بر عهده شوهران فرض کرده است و در حال نشوز، ترک آن را مجاز شمرده است. جمله «فلا تبغوا ...»، پس از فرض اطاعت زنان، لزوم همخوابگی را تأیید می کند.

34 - مرد ، هیچ حقی در آزار دادن همسر صالح و مطیع خویش ندارد .

و اضربوهنّ فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سییلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 2,5,8,9,12,14,15,21,23,24

2 - حقوق زن ، مورد بحث و گفتگوی مسلمانان صدر اسلام

ص: 197

و يستفتونک فی النساء قل اللہ یفتیکم فیہنّ

از سؤال مکرر، که فعل مضارع دلالت بر آن دارد و صیغه جمع، که دلالت بر تعدد سؤال کنندگان دارد، می توان فهمید که حقوق زنان مورد بحث و گفتگوی مسلمانان بوده است.

5- وعده خداوند به مردم، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل اللہ یفتیکم فیہنّ

8- اهمیت حقوق زن در اسلام و اهتمام خداوند نسبت به آن

و يستفتونک فی النساء قل اللہ یفتیکم فیہنّ . . . ما کتب لهن

تصریح به تبیین احکامی درباره زنان از سوی خداوند، دلالت بر اهمیت آن دارد.

9- زن، دارای حقوقی ویژه در اسلام

ما کتب لهن

12- مذمت ازدواج با دختران یتیم، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

14- نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه «رغبت» به معنای اعراض باشد، جمله «و ترغبون . . .» در حقیقت بیان مصداقی است از جمله «لا تؤتونهن ما کتب لهن».

15- لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتمی النساء . . . و ان تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه «و ان تقوموا . . .»، عطف به «فیهن» است؛ یعنی «لله یفتیکم ان تقوموا...» بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

21- خداوند، خواستار احیای حقوق زنان، یتیمان و مستضعفان

قل الله يفتيكم فيهنّ .. و إن تقوموا لليتمى بالقسط

23 - رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

«من خیر» می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

24 - اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن .. و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 20, 6, 5

5 - جواز صرف نظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله «و احضرت الانفس الشح» حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

6 - اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

20 - جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

ص: 198

وإن امراه خافت من بعلها نشوزاً أو اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجبه فيريد طلاقها فتقول له: امسكني و لاتطلقني و ادع لك ما على ظهرک و اعطيك من مالي و احللک من يومي و ليأتي فقد طاب ذلك له كله .

کافی، ج 6، ص 145، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 558، ح 600.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 129 - 18، 5

5 - بلا تکلیف رها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی)، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

18 - حرمت بلا تکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای «کالمعلقه» در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التي هي لا ذات زوج ولا ایم.

تفسیر تبیان، ج 3، ص 349؛ نورالثقلین، ج 1، ص 559، ح 603.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 176 - 15

15 - ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو يرثها .. فلهما الثلثان مما ترک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 22، 20، 23

20 - حلیت ازدواج با زنان، در صورت پرداخت مهریه آنان

اليوم احل . . . و المحصنت من الذين اتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتتموهن اجورهن

22 - مهریه از آن خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست .

ءاتتموهن اجورهن

23 - لزوم مراعات حقوق زنان اهل کتاب

و المحصنت من الذين اتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتتموهن اجورهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 13

13 - ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانہ در قوانین مربوط به زن و مرد

وقالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذكورنا و محرم علی أزوجنا . . . سیجزیہم و صفہم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 13

ص: 199

13- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

ألا ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 1

1 - زن متهم به زنا، پس از تحقق لعان از سوی شوهرش، متقابلاً حق لعان دارد.

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات بالله

95- حقوق سیاسی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 5

5- زن، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی، اجتماعی و دینی

يأيتها النبي إذا جاءك المؤمنت يباعنك . . فبايعهنّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

96- حقوق مالی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 8

8 - زنان با عقد ازدواج، حق مالی به عهده شوهر پیدا می کنند، و لو با آنان آمیزشی صورت نگیرد.

إذا نکحتم المؤمنت ثم طلقتموهنّ من قبل أن تمسوهنّ . . فممتعهنّ

97- حقیقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 3

3- زن و مرد، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها - اعم از مرد و زن - مخاطب «أنفسكم» قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 1

1 - زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

ص: 200

أَوْ مِنْ يَنْشِئُوا فِي الْحَلِيهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرِ مَبِينٍ

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

98- حلیت زن موهوبه برای محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 19,20,21,22,23

19 - هبه کردن زنان مؤمن ، خودشان را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مباح و جایز است .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَامْرَأَهُ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ

20 - در صورتی که زنی مؤمن ، خود را ، بدون صداق بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هبه می کرد ، او برای آن حضرت حلال و مباح بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. وَامْرَأَهُ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ

21 - هبه کردن زنی ، خود را برای همسری پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، حکمی ویژه آن حضرت است و هیچ مؤمنی ، مشمول آن نمی شود .

وَامْرَأَهُ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ .. خَالِصَهُ لَكَ مِنْ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ

22 - مباح و حلال شدن زنی که خود را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هبه کرده ، در صورتی است که آن حضرت ، او را بپذیرد .

وَامْرَأَهُ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا

23 - تنها زنان مؤمن می توانند خود را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هبه کنند .

وَامْرَأَهُ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا

99- خدا و زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 2

2- مشرکان بر این باور بودند که خداوند ، به دختر و جنس زن ، بیش از پسر و جنس مرد ، علاقه داشته و ارزش می نهد .

أَفَأَصْفَكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا

از اینکه مشرکان گفته اند: «خداوند برای خود دخترانی از جنس ملائکه انتخاب کرد» می تواند به این معنا اشاره داشته باشد که آنان، می پنداشتند خداوند، به خاطر تمایل و علاقه به جنس زن، چنین گزینشی کرده است.

100- خطر انحراف زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4- زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا) استفاده می شود.

ص: 201

101- خطر گناه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4- زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

102- خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 2

2- زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أَن خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

از قید «من أنفسکم» استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 4

4- زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 8

8- آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 6

6 - همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

وأنه خلق الزوجين الذكر والأنثى . من نطفه إذا تمنى

ص: 202

103- خوش اخلاقی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 3

3 - نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

104- خوشایندی از زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 11

11 - رفتار جنسی خارج از اعتدال ، مثل طمعورزی در زنان نامحرم ، نوعی بیماری است .

فلاتخصعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

105- دعا برای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 18

18 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ الله

106- دوستی با زن شوهردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 13

13- حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لک قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا ، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّآفرین باشد.

107- روزه داری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 6

6 - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه ، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزواجًا خیرًا منکنّ مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبت سئحت

ص: 203

«قنوت» (مصدر «قانتات») به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). «سیاحت» (ماده «سائحات») به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان «سائح» می گویند (برگرفته از لسان العرب).

108- روزه زن باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 26

26 - «عن أبي عبد الله (ع) في قوله: «و على الذين يطيقونه فدية طعام مسكين» قال: المرأة تخاف على ولدها...»؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: «کسانی که طاقت روزه گرفتن ندارند به عنوان کفاره، طعامی به تهیدست بدهند» روایت شده است: مراد زنی است که بر بچه خود [جنین یا کودک شیرخوار خود] می ترسد...».

109- روزی اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 4

4- زنان و مردان مؤمن نیک کردار، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صلحًا... فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب

110- روش برخورد با زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 4 - 7

7- جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

111- زمینه اذیت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور . . . إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

ص: 204

112- زمینه استهزای زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 8

8 - زنان بیش از مردان ، در معرض ابتلا به خودبینی و استهزای دیگران *

و لا نساء من نساء

برداشت بالا بدان احتمال است که مجزا آمدن «و لا نساء..» در قبال «قوم من قوم»، از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

113- زمینه اغواپذیری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 14

14 - زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلا یخرجنکما

114- زمینه الگو بودن زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 14

14 - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قله کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

115- زمینه انحراف زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 14

14 - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط . . . قیل ادخلا النار مع الذلین

116- زمینه بی احترامی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 17

17- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت . . . فتصییکم منهم معرّه

ص: 205

117- زمینه تکامل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 10

10 - عفت و پاکدامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که عفت و پاکدامنی مریم(س)، موجب شد که او رشد کرده و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار باشد و روح بلند مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

118- زمینه تکامل زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 14

14 - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگوشدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

119- زمینه تکبر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 8

8 - زنان بیش از مردان ، در معرض ابتلا به خودبینی و استهزای دیگران *

ولا نساء من نساء

برداشت بالا بدان احتمال است که مجزا آمدن «ولا نساء..» در قبال «قوم من قوم»، از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

120- زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 14

14 - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امراًت نوح و امراًت لوط . . قیل ادخلاً النار مع الدخلیین

ص: 206

121- زمینه کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 8

8 - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّـت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

122- زمینه مشکلات اجتماعی زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور . . . إذ أنجکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

123- زن بیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 232 - 19، 11، 9، 8، 5، 4، 1

1 - هیچکس - حتی خویشاوندان و اولیا - ، حق جلوگیری از ازدواج زن با شوهر سابق یا دیگری را پس از انقضای عده ندارد .

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ

«فبلغن اجلهنّ» در این آیه به معنای پایان مدّت عده است؛ به قرینه «ان ینکحن». چون پس از انقضای عده، زن می تواند ازدواج کند؛ نه قبل از آن.

4 - زنان مطلقه پس از انقضای عده ، احتیاج به اذن ولیّ در ازدواج ندارند .

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ

بعید به نظر می رسد علی رغم پذیرش ولایت ولیّ، وی را از مداخله در امر ازدواج نهی کند؛ بنابراین حرمت جلوگیری از ازدواج مطلقه، حاکی از عدم ولایت ولیّ بر ازدواج اوست.

5- شوهر، حق جلوگیری از ازدواج زن مُطلَّقه خویش را پس از انقضای عِدّه ندارد .

و اذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

بنابراینکه «فلا تعضلوهن» خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از «ازواجهن» نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

8- جلوگیری از ازدواج مجدد زنان مُطلَّقه، از سُنّت های جاهلیت

و اذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

9- مؤمنان به خدا و قیامت از ازدواج زن مُطلَّقه، ممانعت نمی کنند .

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . . . ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّٰه و الیوم الآخر

11- جلوگیری نکردن از ازدواج زنان مُطلَّقه، موجبِ رشد و طهارت فزونتر برای جامعه

ص: 207

و اذا طَلَّقْتُم النِّسَاءَ .. فلا تعضلوهنَّ ... ذلکم ازکی لکم و اطهر

19 - لزوم رفع موانع ازدواج زنان بی شوهر

فلا تعضلوهنَّ ان ینکحن . . . ذلکم ازکی لکم و اطهر

حکمت ممنوعیت جلوگیری از ازدواج زنان مُطلَّقه که رشد و طهارت جامعه است این اقتضا را دارد که اگر موانعی نیز بر سر این راه باشد، برطرف گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 234 - 14، 11، 10، 9، 8، 2

2 - ازدواج مجدد زنان شوهر مُرده ، مشروط به گذشتن عده وفات (چهار ماه و ده شبانه روز)

و الذین یتوفون منکم . . . یتربصن بانفسهنَّ اربعه اشهر و عشرأ

8 - پس از عده وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهنَّ فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف

9 - عدم لزوم نظارت بر زنان شوهر مُرده ، پس از انقضای عده وفات شوهر

فلا جناح علیکم فیما فعلن

10 - جلوگیری از حقوق متعارف زنان شوهر مُرده - مانند ازدواج - پس از انقضای عده وفات ، جایز نیست .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف

11 - پس از عده وفات ، زن در انتخاب شوهری شایسته آزاد است .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن

مراد از «فیما فعلن»، به قرینه جمله «یتربصن» که ممنوعیت ازدواج در زمان عده است، انتخاب شوهر خواهد بود.

14 - خداوند بر کردار زنان در زمان عده وفات و پس از آن ، و عمل مسلمین در نظارت بر حفظ حدود الهی آگاه است .

و الذین یتوفون . . . و اللّٰه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - بی صبری مردان در اظهار تمایل به ازدواج با زنان بی شوهر

علم الله انکم ستذکرونهنّ

7 - حرمت وعده و قرار پنهانی با زنانی که در حال عده هستند .

و لکن لا تواعدوهنّ سرّاً

8 - جواز گفتگوی مردان با زنان در عده ، به گونه ای متعارف و شایسته (دور از گستاخی و فریب)

لا تواعدوهنّ سرّاً الاّ ان تقولوا قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 240 - 4,5,6,7,8,9

4 - حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدّت یکسال ، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است .

وصیةً لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه «غیر اخراج» در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

5- زنان شوهر مرده نباید تا مدّت یکسال در غیر از خانه شوهر سکونت گزینند . *

متاعاً الی الحول غیر اخراج

برخی برآنند که کلمه «غیر اخراج»، بیان وظیفه زنان است؛ بنابراینکه فاعل «اخراج»، ازواج باشد؛ یعنی زنان نباید خود را از خانه شوهر خارج سازند. قابل ذکر است که مراد از ترک اخراج و یا خروج، سکونت گزیدن است، نه محبوس شدن در منزل.

6- باقی ماندن زن در خانه شوهر، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه «غیر اخراج» علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). (یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

7- جواز خروج زن از خانه شوهر وفات یافته، پیش از اتمام سال

غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم

8- جواز هر گونه اقدام مشروع و شایسته (ازدواج) از سوی زنان شوهر مرده پس از خروج از خانه وی

فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهنّ من معروف

برخی برآنند که مراد از «من معروف» ازدواج است؛ بر این اساس، جامعه ایمانی و یا ورثه میّت می توانند از ازدواج زن به مدّت یکسال بر فرض سکونت در منزل شوهر متوفّی، ممانعت کنند.

9- جامعه اسلامی مسؤول نظارت بر رفتار زنان بیوه و بی سرپرست

فان خرجن فلا جناح علیکم . . . من معروف

اگر چه آیه درباره زنان شوهر مُرده است؛ ولی بنابراینکه خطاب به جامعه ایمانی باشد، نه خصوص اولیاء، معلوم می شود که تنها زن شوهر مرده مراد نیست؛ چون از نظر اجتماعی تفاوتی بین زن شوهر مرده و غیر او نخواهد بود؛ بلکه ملاک لزوم نظارت، بی سرپرست بودن زن است.

124- زن در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 8

8- زن از دیدگاه ادیان الهی دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

إلا امرأته كانت من الغبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 22

22- زن از دیدگاه ادیان الهی ، دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

فأسر بأهلك بقطع من أيل . . . إلا امرأتك إنه مصيبتها ما أصابهم

125- زن در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 5

ص: 209

5- تفاوت صلاحیت زن و مرد در عصر تولد مریم ، برای احراز مشاغل و مسؤولیت های اجتماعی

رَبِّ اَتَى وَضَعْتَهَا اُنْثَى . . . و لیس الذکر کالأنثی

بنابراینکه «لیس الذکر کالأنثی»، کلام مادر مریم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 61 - 15

15 - جواز حضور زنان همراه مردان ، در مسائل مهم اجتماعی

و نساءنا و نساءکم

126- زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 228 - 22

22 - جامعه جاهلی عصر بعثت ، هیچ حقی را برای زنان معتبر نمی شمرد .

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

با توجه به اینکه حقوق مردان بر زنان (علیهنّ) را مُسَلَّم گرفته و در صدد اثبات حقوق زنان بر مردان (لهنّ) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 19 - 7

7- به ارث بردن زنان ، از سنن جاهلی

لا یحلّ لکم ان ترثوا النساء کرهاً

با توجه به شأن نزول در مجمع البیان، ذیل آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 139 - 1،5

1 - مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می

شمردند.

وقالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از «ازواج» به قرینه تقابل آن با «ذکور» مطلق «زن» است نه خصوص همسران

5- مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند.*

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 5

ص: 210

5- زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 3

3- زن ، موجودی بی مقدار در دیدگاه عرب جاهلی

و إذا بشر أحدهم . . . و هو كظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 1

1- زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أو من ينشؤا فی الحلیه و هو فی الخصام غیر مبین

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 39 - 3

3- اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لکم البنون

از این که خداوند، مشرکان را مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است؛ استفاده می شود که آنان، از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

127- زن در دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 4

4- نقش زنان در آماده ساختن و طبخ غذا ، در عصر ابراهیم (ع) *

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

از این که ابراهیم(ع) برای تهیه غذای میهمانان به همسرش مراجعه کرده، استفاده می شود که همسر آن حضرت آماده سازی غذا را برعهده داشته است.

128- زن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 10، 3، 2، 1

1 - پرسش و استفتای مکرر مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد مسائلی مربوط به زنان

و یستفتونک فی النساء

ص: 211

فعل مضارع «یستفتونک»، دلالت بر استمرار پرسش دارد.

2- حقوق زن، مورد بحث و گفتگوی مسلمانان صدر اسلام

و یستفتونک فی النساء قل الله یفتیکم فیهنّ

از سؤال مکرر، که فعل مضارع دلالت بر آن دارد و صیغه جمع، که دلالت بر تعدد سؤال کنندگان دارد، می توان فهمید که حقوق زنان مورد بحث و گفتگوی مسلمانان بوده است.

3- تشریح احکامی در مورد زنان، زمینه مطرح شدن سؤلهایی از سوی مسلمانان صدر اسلام در مورد آنان *

و یستفتونک فی النساء... و ما یتلی علیکم فی الکتب فی یتمی النساء

10- تجاوز به حقوق زنان یتیم، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن

129- زن در قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 7

7- جایگاه ارجمند و والای زن در جامعه سبا، علی رغم حقارت وی در طول تاریخ

و الأمر إلیک فانظری ماذا تأمرین

130- زن در مباحله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 61 - 9

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور دعوت نصارا به مباحله، با شرکت دادن زنان و فرزندان طرفین در آن

فمن حاجک... فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم

131- زن دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 38 - 2

2 - برابری زنان و مردان در حد سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ايديهما

132- زن شايسته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 212

2 - عقیم نبودن، از ویژگی های زن شایسته و کامل

نساؤکم حرث لکم

از خصوصیات مهم زن، قابلیت بارور شدن او برای بقای نسل است؛ بنابراین چنانچه زن نازا باشد، از این ویژگی مهم عاری است و طبعاً چنین زنی از جهت طبیعی کامل نخواهد بود.

133- زن شایسته در دوران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 3, 2

2 - جایگزینی همسرانی شایسته تر برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در صورت عزم آن حضرت به طلاق زنان خطاکار خویش

عسی ربّه إن طلقک أنّ یبدله أزوجًا خیرًا منکّن

3 - وجود زنانی شایسته تر از همسران خطاکار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برای همسری آن حضرت

آن یبدله أزوجًا خیرًا منکّن

تهدید به جایگزینی زنان بهتر، نشان دهنده وجود چنین اشخاصی در جامعه آن زمان است.

134- زن مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 89 - 30

30 - لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفرتّه... او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: ... و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 4

4 - خداوند فراهم کننده زمینه ازدواج مجدد زن و مرد، پس از طلاق

وإن يفرقا يغن الله كلا من سعته

از مصادیق مورد نظر برای «یغن الله»، فراهم آوردن ازدواج مجدد است. چون ازدواج از مهمترین مسائلی است که زن و

ص: 213

شوهر پس از جدایی به آن نیازمند هستند.

136- زن مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 5

5 - مردان ، زنان و کودکان مانده در ستم ، از مصادیق مستضعفان

و المستضعفين من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه ال

137- زن و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 83 - 16

16 - معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و . . .) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفين

مراد از «خالفين» می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

138- زن و خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 3

3 - زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو في الخصام غير مبين

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

139- زن و کارهای سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هوفى الخصام غير مبين

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

ص: 214

140- زن و مجلس مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 3

3- جواز حضور زنان در جلسه مردان و پذیرایی از ایشان

وامرأته قائمه فضحكت فبشرنها

برخی برآنند که مراد از «قائمه» قیام برای پذیرایی از مهمانان است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است که به قرینه آیه بعد، نمی توان گفت جواز حضور زنان به طور مطلق - چه جوان باشند و چه کهنسال - از آیه استنباط می شود اگرچه نفی آن نیز از آیه استفاده نمی گردد.

141- زنا با زن شوهردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 13

13- حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لك قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّآفرین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 9

9- نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 5

5- حرمت روابط جنسی با زنان شوهردار

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

142- زنان جادوگر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 4 - 1

1 - زنانی ، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن ترشحات دهان بر گره ها ، مردم را جادو می کردند .

النّفّ - ثت فی العقد

ص: 215

فعل «نَفَثَ»، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و «نَفَثَ» شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صباح). حرف «ال» در «النَّفَّات»، گرچه برای تعریف جنس است؛ ولی در مقایسه با «غاسق» و «حاسد» - که نکره آورده شده است - ممکن است به معروف بودن کسانی که «نَفَّاتَه» (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

143- زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 5 - 11، 12، 15، 25

11 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن و مؤمن

اليوم احل لكم .. و المحصنت من المؤمنت

احصان (مصدر محصنه) به معنای عقیف بودن، آزاده بودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است. در آیه مورد بحث تنها معنای اول و دوم می تواند مراد باشد و برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

12 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب

اليوم احل لكم .. و المحصنت من الذين اوتوا الكتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از «محصنات»، زنان پاکدامن باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هن العفائف.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 296، ح 39؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 449، ح 13.

15 - حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان، امتنان خداوند بر مسلمانان

اليوم احل لكم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از «لام انتفاع» در «لکم»، امتنان استفاده می شود.

25 - پاکدامنی و عفت مردان، از شرایط حلیت ازدواج آنان با زنان عقیف و پاکدامن

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

«اخدان» جمع «خدن» به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از رفاقتهای جنسی نامشروع است و «مسفحین» از «سفاح» به معنای زناست. گفتنی است برداشت فوق بر این مبناست که «محصنین» حال برای «کم» در «لکم» و عامل آن «احل» باشد.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 5

5 - قداست و پاکدامنی حضرت مریم (ع)

و بکفرهم و قولهم علی مریم بہتناً عظیماً

144- زنان مشرک

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 4

ص: 216

4- مردان و زنان مشرک، در قبال امانت الهی، به وظیفه خود عمل نمی کنند.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ وَالْحَقَّ كَذَّبُوا

145- زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 3

3- مردان و زنان منافق، در قبال امانت الهی، به وظیفه خود عمل نمی کنند.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى الْمُتَنَفِّقِينَ وَالْمُتَنَفِّقِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ وَالْحَقَّ كَذَّبُوا

146- زنان منافق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 1

1 - خلود در آتش دوزخ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنافقين والكفار نار جهنم خالدين فيها

147- زنان منافق در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 1, 2

1 - وجود زنان منافق، در میان منافقان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

المنفقون والمنفقت

2 - همگونی زنان و مردان منافق صدر اسلام، در مواضع ضد اسلامی و برخورد با مسلمانان

المنفقون والمنفقت بعضهم من بعض يأمرن بالمنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 5

5- وجود زنان منافق در میان منافقان عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله)

وعد الله المنافقين و المنفقت

148- زنان منافق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 217

7- زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . . . و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

149- زنان منافق صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- وجود نیرومند جریان نفاق ، در میان زنان و مردان مسلمان ، در عصر نزول قرآن و بعثت پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله)

یوم یقول المنفقون و المنفقت . . انظرونا نقتبس من نورکم

تصریح قرآن به نام مردان و زنان منافق، نشان دهنده وجود آنان در میان مسلمانان صدراسلام است. تعبیر «ألم نكن معکم» در آیه بعد، بیانگر نفوذ آنان در میان صفوف مسلمین به صورت یک جریان گسترده است.

150- زنان مؤمن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . بشریکم الیوم جنّت

151- زندگی پاکیزه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

152- زندگی زن

5 - پیدایش همزیستی مسالمت آمیز میان زن و مرد ، پس از ازدواج و برانگیخته شدن عواطف ظریف دوستانه میان آنان ، از آیات الهی است .

خلق لكم من انفسكم أزواجًا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودة و رحمه

ص: 218

برداشت بالا بنابراین است که عبارت «و جعل بینکم . . .» ارائه کلام سابق باشد. در این صورت «و جعل بینکم...» در صدد بیان این مهم است که زن و مرد ناآشنا، چگونه پس از ازدواج، الفت و انس و زندگی محبت آمیزی پیدا می کنند.

153- زیبایی چشم زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 48 - 6

6 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 5

5 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 4

4 - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

154- زیبایی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 2

2 - زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

کاتھنّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 3

3 - نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیدہ و کمالات زن

فیہنّ خیرت حسان

ص: 219

155- زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 13

13 - زینت کردن برای زنان، کاری مشروع و جایز است .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

156- سهم ارث زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 38،39

38 - دو برابری سهم ارث مردان نسبت به زنان به دلیل آن است که مهریه و خرج زنان بر عهده مردان است .

للذکر مثل حظّ الانثیین

امام رضا (ع) درباره علت نصف بودن سهم ارث زنان نسبت به مردان فرمود: .. لانّ المرأه اذا تزوّجت اخذت و الرجل یعطى ... لانّ الانثی من عیال الذکر ان احتاجت ... و علیه نفقتها.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 98، ح 1، ب 33؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 348، ح 2.

39 - معافیت زنان از جهاد، پرداخت نفقه و خونب های قتل خطایی اقوامشان، دلیل نصف بودن سهم ارث آنها

للذکر مثل حظّ الانثیین

امام صادق (ع) درباره علت نصف بودن سهم ارث زن فرمود: انّ المرأه لیس علیها جهاد و لا نفقه و لا معقله و انما ذلک علی الرجال ..

کافی، ج 7، ص 85، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 451، ح 96.

157- شخصیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

اِنَّی لا اصبیح عمل عامل منکم من ذکر او انثی

16 - همه انسان ها ، چه زن و چه مرد ، دارای حقیقت و ماهیتی واحد

من ذکر او انثی بعضکم من بعض

تذکر این نکته که شما انسانها چه زن و چه مرد از یکدیگر هستید، بیان یکسانی و عدم برتری جنسی نسبت به جنس دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 13

ص: 220

13- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

ألا ساء ما يحكمون

158- شکنجه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 9

9- گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است.

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت . . . فلهم عذاب جهنم

159- شوهر دوستی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 6

6 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 5

5 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

160- صفات پسندیده زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 221

5- علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

161- صفات پسندیده زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5 - عفت و پاکدامنی، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

162- صفات جسمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 3

3- زن، اساساً برای کارهای دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است.

و هوفى الخصام غير مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت ممانشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

163- صفات زنان شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 6

6 - تسلیم در برابر خداوند، ایمان به او، فرمانبری از او، توبه، عبادت و روزه داری، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزوجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَتٌ مُؤْمِنَةٌ قَتَّتْ تَبَّتْ عِبَادَتُ سُبْحَتِ

«قنوت» (مصدر «قانتات») به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). «سیاحت» (ماده «سائحات») به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان «سائح» می گویند (برگرفته از لسان العرب).

ص: 222

164- صفات زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 8

8 - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیراً منکنّ . . . سئحت

مقصود از «سائحات» می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

165- ظلم به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 39

39 - توجه به علو و عظمت خداوند ، زمینه پرهیز مردان از ستم بر همسران خویش

فلا تبغوا . . انّ الله کان علیاً کبیراً

ظلم به زنان مؤمن صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 11

11 - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

166- عبادت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 6

6 - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه ، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزوجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَتٌ مُؤْمِنَةٌ قَتَّتْ تَبَّتْ عِبَادَتُ سُبْحَتِ

«قنوت» (مصدر «قانتات») به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). «سیاحت» (ماده «سائحات») به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان «سائح» می گویند (برگرفته از لسان العرب).

ص: 223

167- عدالت در حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 28

28 - تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

168- عذاب زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 1

1 - عذاب و کیفر الهی ، متوجّه مردان و زنان منافق و مشرک

و یعدّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

169- عظمت خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 4

4 - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر «و ما خلق» - چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت - بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

170- عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 14

14 - طهارت و پاکدامنی ، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 21

21 - پاکدامنی زن ، معیاری در انتخاب وی برای همسری

فانکحوهنّ . . . محصنات غیر مسافحات ولا متخذات ائدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 224

3 - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنت الغفلت المؤمنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 6

6 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

171- علاقه به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 2

2- مشرکان بر این باور بودند که خداوند ، به دختر و جنس زن ، بیش از پسر و جنس مرد ، علاقه داشته و ارزش می نهد .

أفأصفکم ربکم بالبنین و اتخذ من الملائکه إناثاً

از اینکه مشرکان گفته اند: «خداوند برای خود دخترانی از جنس ملائکه انتخاب کرد» می تواند به این معنا اشاره داشته باشد که آنان، می پنداشتند خداوند، به خاطر تمایل و علاقه به جنس زن، چنین گزینشی کرده است.

172- علایق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 2

2 - شیفتگی به تجمل و زینت ، علاقه طبیعی زنان

أو من ینشؤا فی الحلیه

تعبیر «ینشؤا فی الحلیه» که به معنای پرورش یافتن در زینت است، اشاره به علاقه طبیعی و وابستگی زنان به آرایش و زیور دارد.

173- عمل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 14, 15, 18

14 - در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

انّی لا اصبیح عمل عامل منکم من ذکر او انثی

ص: 225

15 - ناروایی تبعیض بین مرد و زن ، در اجرت کاری یکسان *

اِنَّی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

18 - یکسانی زن و مرد در ماهیت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

اِنَّی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

174- عمل صالح زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 124 - 3

3 - زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنة

175- عنصر خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 3

3 - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أَن خَلَقْكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

176- عواطف زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 33

33 - استفاده از عواطف زن ، زمینه ای مناسب برای اصلاح رفتار های ناهنجار وی

و اهجر وهنّ فی المضاجع

ترک همخوابگی ، یک مسأله عاطفی است که در مورد اصلاح زنان سفارش شده است.

177- عوامل آسیب پذیری زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 4

4 - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

ص: 226

در آیه قبل (وإذا بشر أحدهم..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

178- عوامل تکامل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 8

8 - عفت و پاک دامنی، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا

برداشت یاد شده به خاطر این است که عفت و پاک دامنی مریم(س) موجب شد که او رشد پیدا کند و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار گشته و روح بلند حضرت مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

179- فرجام زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 1

1 - حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

180- فضایل اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 5

5 - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است.

و من عمل صلحًا .. یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران - که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد - گویای حقیقت یاد شده است.

181- فضایل زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 18،19

18 - برتری مردان بر همسران خویش

ص: 227

و للرجال علیهنّ درجه

19 - مردان ، دارای امتیاز حقوقی بر همسران خویش هستند . *

و للرجال علیهنّ درجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 5

5 - زنان و مردان ، دارای برتریهایی بر یکدیگر *

بما فضلّ الله بعضهم علی بعض

برخی بر آنند که مراد از «هم» در «بعضهم» همه انسانها، اعم از زن و مرد، می باشد، نه خصوص مردان؛ و گر نه می فرمود: «بما فضلهم الله علیهن».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 25 - 3

3 - حیا ، از برجسته ترین کمالات برای زن در پیش الهی

فجاءته إحدیهما تمشی علی استحياء

اختصاص به ذکر یافتن «حیا» برای دختر شعیب در این مقام، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 7

7 - ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

لا یسخر قوم من قوم . . . ولا نساء من نساء

واژه «قوم»، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن «ولا نساء»، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 3

3 - نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 36 - 2

2 - دوشیزگی ، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فجعلنهنّ أبکارًا

ص: 228

182- فضایل زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 4

4 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « فيهن خيرات حسان » قال : هنّ صوالح المؤمنات العارفات . . . » ;

از حلبی روایت شده که گفت: درباره قول خدای عزوجل «.. خیرات حسان» از امام صادق(ع) سؤال کردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنیا] هستند».

183- فضایل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 4

4 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « فيهن خيرات حسان » قال : هنّ صوالح المؤمنات العارفات . . . » ;

از حلبی روایت شده که گفت: درباره قول خدای عزوجل «.. خیرات حسان» از امام صادق(ع) سؤال کردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنیا] هستند».

184- قصاص زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 6,7

6 - زن در مقابل کشتن زن قصاص می شود .

و الأنتى بالأنثى

7 - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

كتب عليكم القصاص فى القتلى الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنتى بالأنثى

185- کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 12

12 - توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 3

ص: 229

3- عفت و پاک دامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتي أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) - که در این آیات نام او در ردیف پیامبران قرار گرفته - صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 8

8 - چشم پاکی و دوشیزگی ، از کمالات زن است .

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم ولاجانّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «قاصرات الطرف» اشاره به چشم پاکی زنان و «لم یطمثهنّ...» اشاره به دوشیزگی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 2

2- زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

کأنهنّ الیاقوت والمرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 3

3- نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 4

4- زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 36 - 2

2 - دوشیزگی ، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا

186- کمال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

ص: 230

5 - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

187- کیفر زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 3

3 - همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

188- کیفیت راه رفتن زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 26

26 - زنان مؤمن ، موظف اند به هنگام راه رفتن ، به گونه ای گام بردارند که زیت هایشان (چون خلخال) بر نامحرمان آشکار نشود .

و لا یضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

189- کیفیت لعان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 2

2 - « لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد » ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

والخمسه أنّ غضب الله علیها إنّ کان من الصدقین

190- گواهی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 23،26

23 - تقدّم و اولویّت مردان نسبت به زنان ، در تحمّل شهادت

فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

ص: 231

26 - جایگزینی دو زن به جای یک مرد در شهادت، به منظور تذکر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن دیگری است.

فرجل و امراتان .. ان تضلّ احدیهما فتذکر احدیهما الاخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 16

16 - « محمد بن ابی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لاتجوز شهاده النساء فی الطلاق . . . »

محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا (ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی - بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد - یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...».

191- لطافت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 4

4 - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشر أحدهم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

192- لغزش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 25

25 - احتمال بیشتر لغزش و فراموشی زنان نسبت به مردان

ان تضلّ احدیهما فتذکر احدیهما الاخری

جمله «ان تضلّ» در مقام تعلیل برای جایگزینی دو زن به جای یک مرد است.

193- مال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 15

15 - شوهر ، مجاز به استفاده از دارایی زن ، در صورت رضایت خاطر وی

فان طبن لکم عن شیء منه

ص: 232

امام صادق یا امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی بذلک اموالهنّ التی فی ایدیهنّ مما ملکن.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 219، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 441، ح 46.

194- مالکیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 2,3

2 - زنان، مالک مهریه خویش هستند.

و اتوا النساء صدقاتهنّ

3 - استقلال مالی زن در نظام خانواده

و اتوا النساء صدقاتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 9,13

9 - حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن

13 - زن و مرد، دارای حق کسب و کار

للرجال نصیب .. و للنساء نصیب مما اکتسبن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 176 - 15

15 - ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو یرثها .. فلها الثلثان مما ترک

195- مبدأ خلقت زن

3- تساوی زن و مرد، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان . . . ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فجعل منه الزوجین الذکر والأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 1,3,4

1- زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أو من ينشؤا في الحليه و هو في الخصام غير مبين

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

3- زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو في الخصام غير مبين

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

4- لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو في الخصام غير مبين

در آیه قبل (و إذا بشر أحدهم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

197- محدوده اختیارات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 34 - 42

42 - ممنوعیت واگذاری همه امور زن به خودش توسط همسر

الرّجال قوامون علی النساء

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که به زنش بگوید «امرک بیدک» فرمود: ائی یکون هذا و الله يقول «الرّجال قوامون علی النساء» لیس هذا بشیء. مقصود از «امور زن» در برداشت فوق، اختیاراتی است که مرد در زندگی مشترک نسبت به همسرش دارد.

تهذیب شیخ طوسی، ج 8، ص 88، ح 221، ب 3؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 367، ح 1.

198- محدوده جلب رضایت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 1 - 7

7 - جلب رضایت زنان، نباید منجر به محرومیت همسران از مباحات و حلال های الهی شود.

لِمَ تَحْرَمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ

ص: 234

199- محدوده مسؤولیت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 11

11 - ضرورت اجتناب از واگذاشتن کار های سخت بیرون خانه به زنان و دختران ، در صورت امکان استخدام مردی شایسته و امین

قالت إحدیهما یأبت استتجره .. القویّ الأمين

200- مدیریت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 1

1 - لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

وإن امرأه خافت من بعلها .. فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه «خافت»، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

201- مراحل خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 2,3

2 - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرینش انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی . ثم کان علقه فخلق فسوی . فجعل منه الذکر و الأُنثی

3 - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسن .. ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

202- مربی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- هر یک از نعمت های زمین ، جلوه ای از ربوبیت انکارناپذیر الهی به « جن و انس » و « مرد و زن »

فبأیّ آلاء ربّکما تکذّبان

به کار گرفتن وصف «ربّ»، اشاره به مطلب بالا دارد و تشبیه آمدن «کما» و «تکذّبان»، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

ص: 235

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 16

16 - زن و مرد هر دو شایسته بر عهده گرفتن تکلیف های الهی و مسؤول در پیشگاه خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 16, 17, 18, 19, 21, 36

16 - لزوم اطاعت زنان از شوهر خویش و حفظ حقوق آنان

فالصّالحات قانتات حافظات للغيب

17 - لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً «فالصّالحات ..» نتیجه ای است مترتب بر جمله «الرجال ... بما انفقوا». بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

18 - سلامت خانواده در گرو مدیریت مرد ، تأمین زندگی از سوی او ، و اطاعت و حفظ حقوق شوهر از سوی زن است .

الرجال قوامون على النساء . . . و بما انفقوا ... فالصّالحات قانتات حافظات للغيب

چون در ذیل آیه و آیات بعد به مسأله اختلافات خانوادگی پرداخته است، معلوم می شود که توصیه ها و قوانین مطرح شده برای جلوگیری از اختلافات و به خطر افتادن سلامت خانواده است.

19 - اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوامون . . . و بما انفقوا ... فالصّالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

مراد از «بما حفظ الله»، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و «باء» مقابله در «بما حفظ» می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

21 - مسؤولیت زن در حفظ حقوق شوهر و اطاعت از او ، در چهارچوب قوانین الهی است . *

بر این مبنا که مراد از «ما حفظ الله» قوانین الهی و «باء» در «بما حفظ الله» برای مصاحبت باشد، معنای آیه چنین می شود: زنان باید با رعایت قوانین الهی، از شوهران خویش اطاعت و حقوق آنان را حفظ کنند.

36- زن در صورت اطاعت نکردن از شوهر خویش، ناشزه است.

والتی تخافون نشوزهنّ... فان اطعنكم فلا تبغوا علیهنّ سیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 3، 1

1 - لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده، در صورت ناسازگاری شوهر و وظیفه ای بر عهده زنان

وإن امراه خافت من بعلها... فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه «خافت»، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

ص: 236

3- لزوم کوشش زن و شوهر در حفظ کانون خانواده

وإن امرأه خافت .. فلا جناح عليهما أن يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 19 - 6

6- زن و مرد، هر دو، مکلف و مسؤول در پیشگاه خداوند هستند.

و لا تقربا هذه الشجره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 83 - 8

8- زن از دیدگاه ادیان الهی دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 81 - 22

22- زن از دیدگاه ادیان الهی ، دارای هویت مستقل فکری و عقیدتی و مسؤول در برابر اعمال خویش است .

فأسر بأهلك بقطع من الیل .. إلا امرأتک إنه مصیبا ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14- عنکبوت - 29 - 32 - 11

11- زن ، استقلال رأی دارد و خود مسؤول اعمال اش در پیش گاه خداوند است .

إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14- احزاب - 33 - 32 - 9

9- باید زنان ، در سخن و نیز صدا ، عفت داشته باشند .

فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 73 - 6

6- زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسؤوليت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إنا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

204- مسؤوليت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 237

8 - امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف اجتماعی همگانی و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

205- مقام زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 14

14 - طهارت و پاکدامنی، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

طهرک و اصطفیک

206- مقامات زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 12

12- زن، موجودی توان مند بر عروج به درجات بالای معنویت و ملاقات و گفتگو با فرشتگان

فأرسلنا إلیها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً

207- ملاک برتری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 11، 8

8 - هجرت در راه خداوند، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیراً منکنّ . . . سئحت

مقصود از «سائحات» می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

11 - دوشیزگی در مقایسه با ارزش های والای زنان (همچون اسلام، ایمان، فرمانبری، توبه و روزه داری زنان) دارای نقش درجه دوم در

یادآوری دو وصف «دوشیزگی» و «بیوه بودن زنان»، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد؛ زیرا مفاد آیه شریفه این است که زنان بهتری با چنین اوصافی، جایگزین شما خواهند شد؛ چه بیوه باشند و چه دوشیزه.

208- منشأ عقیمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 50 - 2

2 - عقیم بودن مرد یا زن، تابع مشیت و قوانین خدا در آفرینش است.

وإن تصبهم سيئه بما قدمت أيدهم .. و يجعل من يشاء عقيماً

209- موارد جواز اظهار زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 20، 19، 18

18 - زنان مؤمن، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره، انگو گردنبند و...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر، پدر، پدر شوهر و پسران خود هستند.

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو ابنائهنّ

19 - زنان مؤمن، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر، برادران، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند.

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. و ءابناء بعولتهنّ أو اخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

20 - بر زنان مؤمن، پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن)، بر دیگر زنان مؤمن و بردگان خود لازم نیست.

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. أو نسائهنّ أو ما ملکت یمنهنّ

24 - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند، بر زنان مؤمن واجب نیست.

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. أو التبیین غیر اُولی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه «إربه» بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین «غیر اُولی الإربه»؛ یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

210- موضعگیری زنان منافق

4 - مواضع و عملکرد سیاسی ، اجتماعی و دینی زنان منافق ، دارای اهمیتی همانند مواضع و عملکرد مردان منافق

المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض یا مرون بالمنکر

مطرح شدن زنان منافق، در کنار مردان منافق و هم سطح شمرده شدن با آنان، بیانگر برداشت فوق است.

ص: 239

211- مهریه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 20,22

20 - حلیت ازدواج با زنان ، در صورت پرداخت مهریه آنان

اليوم احل . . . والمحصنت من الذين اتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتیتموهن اجورهن

22 - مهریه از آن خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست .

ءاتیتموهن اجورهن

212- نذر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 23

23 - زنی که شوهر ندارد ، در نذرکردن آزاد است .

فقولی إتی نذرت

213- نشوز زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 35

35 - امید به اصلاح نشوز زن ، شرط ترک همخوابگی و تنبیه بدنی او *

و الّتی تخافون نشوزهنّ . . . فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سبیلاً

چون جمله «فان اطعنکم» بر جمله های گذشته تفریع شده، بیانگر این است که هدف از روشهای پیشنهاد شده، وادار کردن زن به اطاعت است، نه اینکه تنبیه موضوعیت داشته باشد.

214- نطفه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « أمشاج نبتليه » قال : ماء الرجل و ماء المرأة اختلطا جميعاً ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا «أمشاج نبتليه» روایت شده که فرمود: نطفه مرد و زن با هم مخلوط شده [و انسان آفریده شده] است».

ص: 240

215- نعمت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 5

5 - خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

216- نعمتهای اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 8

8 - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

217- نفقه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 10

10 - مخارج زنان بر عهده همسرانشان است .

و بما انفقوا من اموالهم

218- نقش اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 9

9 - زنان ، همچون مردان ، دارای نقش در سلامت معنوی یا بیماری اخلاقی جامعه

و لا نساء من نساء

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که برای حفظ برادری اجتماعی و حاکمیت رحمت بر کل جامعه، زنان و مردان سهمی

همسان دارند. پس همچنان که مردان باید از استهزا بپرهیزند، زنان نیز مکلف اند.

219- نقش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 3

3 - زن و شوهر ، لباس عفاف یکدیگرند و هر کدام مایه پرهیز دیگری از گناهان جنسی است .

ص: 241

هن لباس لکم و انتم لباس لهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 8

8 - حسن حل و فصل مسایل خانوادگی ، توسط خود زن و شوهر

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

در آیه فوق، صلح به خود خانواده واگذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه «بینهما»، بیانگر این مسأله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 4

4 - نقش زنان در آماده ساختن و طبخ غذا، در عصر ابراهیم (ع) *

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

از این که ابراهیم(ع) برای تهیه غذای میهمانان به همسرش مراجعه کرده، استفاده می شود که همسر آن حضرت آماده سازی غذا را برعهده داشته است.

220- نقش نطفه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 4

4 - مبدأ پیدایش انسان ، آمیزه ای از نطفه مرد و زن است . *

من نطفه أمشاج

به گفته برخی از مفسران، مقصود از «أمشاج»، ممکن است اختلاط نطفه مرد و زن باشد.

221- نورانیت اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 6، 2

2 - حضور مردان و زنان مؤمن ، با چهره هایی تابان در عرصه قیامت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

6 - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد «تری» هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

ص: 242

222- نیاز زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 3

3 - وعده خداوند به رفع نیاز مرد و زن ، در صورت وقوع طلاق از روی ناچاری

وإن يتفرقا يغن الله كلا من سعته

223- نیکی به زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 28

28 - تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

224- وعده به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 7

7 - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه «تری»، خطاب به خصوص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد.

225- ولایت بر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 4,5,7,11

4 - عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر ، در صورت گذشتن ولیّ زن از حقّ وی

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلقه است، ظاهر این است که «الّا»، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که «الذی . . .» حمل بر ولیّ زن شود؛ نه شوهر.

5- اختیار ازدواج زن - در صورتی که شرعاً دارای ولیّ باشد - با ولیّ اوست .

الذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه «الذی»، ولیّ زن باشد و این ولیّ، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

7- چشمپوشی زن، شوهر و ولیّ زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است .

و ان تعفوا اقرب للتعوی

در صورتی که خطاب «ان تعفوا» به کلیّه افراد - اعم از زن و مرد و ولیّ - باشد.

ص: 243

11 - ولیّ زن مطلقه می تواند از حقّ وی (نصف مَهر) ، صرفنظر کند .

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از «الذی . . . » ولیّ زن است ؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 11، 19، 6، 2، 1

1 - مدیریت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوامون علی النساء

در برداشت فوق، کلمه «الرجال» و «النساء»، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

2 - شوهران ، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء

به قرینه «بما انفقوا»، مراد از «الرجال» شوهران و «النساء» همسران آنان خواهد بود ؛ زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان بر عهده مردان نیست.

6 - برتری مردان بر زنان ، فلسفه تشریح حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرّجال قوامون علی النساء بما فضّل الله بعضهم علی بعض

11 - تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان ، فلسفه تشریح حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرّجال قوامون علی النساء . . . و بما انفقوا من اموالهم

19 - اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوامون . . . و بما انفقوا... فالصّالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ اللّ

مراد از «بما حفظ الله»، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و «باء» مقابله در «بما حفظ» می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

4 - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (وإذا بشر أحدهم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد؛ یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

ص: 244

227- زن و مرد

{زن و مرد}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 14 - 17

17 - بالاترین لذت های مردم در دنیا و آخرت ، لذت بردن از زنان است .

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ .. ذلك متاع الحيوه الدنیا و اللّٰه عنده حس

امام صادق (ع): ما تلذذ في الدنيا و الاخره بلذّه اكثر لهم من لذه النساء و هو قول اللّٰه عز و جل: زَيْنَ لِلنَّاسِ . . .

کافی، ج 5، ص 321، ح 10؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 164، ح 10.

228- تساوی زن و مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 124 - 3,4

3 - زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

4 - ایمان و عمل صالح ، معیار ارزش انسانهاست ؛ نه جنسیت ایشان .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 3

3 - همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 22

22 - ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 3

3 - تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 3

3- زن و مرد ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

ص: 245

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها - اعم از مرد و زن - مخاطب «انفسکم» قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 2

2- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 4

4- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 4

4 - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یارد لعان

والخمسه أن لعنت الله علیه . . . والخمسه أن غضب الله علیها إن كان من الصدقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 5

5 - زنان نیز همچون مردان ، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحینا إلی أم موسی أن أرضعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 3، 2

2- زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

از قید «من أنفسکم» استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

3- زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 7

7- جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آمرزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

ص: 246

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 6

6 - زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسؤلیت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ .. لِيَعَذَّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 4

4 - همانندی و یکسانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن «ازواج» (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 153 - 2

2 - فرزند پسر و دختر برابرند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند .

أصطفى البنات على البنين

همزه در «أصطفى» برای استفهام انکاری است و انکار برگزیدن دختر به جای پسر، انکار اصل برتری پسر بر دختر و دختر بر پسر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 4

4 - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقكم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

9 - برابری ارزش کار ها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 6

6 - همسانی مرد و زن در حقیقت انسانیت

جعل لكم من أنفسكم أزواجاً

ذکر «من أنفسکم» بیانگر آن است که زن و مرد از یک حقیقت هستند.

ص: 247

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 7,9

7 - دختر و پسر ، هر دو هدیه الهی به انسان ها

یهب لمن یشاء إناثاً و یهب لمن یشاء الذکور

9 - تمایز میان دختر و پسر ، مخالف اندیشه دینی است .

یهب لمن یشاء إناثاً و یهب لمن یشاء الذکور

تقدیم «إناثاً» بر «الذکور» علاوه بر رعایت فاصله و سجع، می تواند به منظور نفی اندیشه جاهلیت در مورد دختران باشد (که پسران را بر دختران ترجیح می دادند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 12

12- ایمان ، ملاک ارزش و ارجمندی انسان ، بی هیچ تفاوت میان مردان و زنان

و استغفر . . . و للمؤمنین و المؤمنات

قرار گرفتن «مؤمنات» در کنار «مؤمنین» و یاد کردن از آن دو با وصف ایمان، می رساند که تمام ارزش و ارجمندی آنان، بر محور ایمان است و در این راستا هر دو مشمول دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 5

5 - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات

قرار گرفتن وصف «المؤمنات» در کنار «المؤمنین»، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 4

4- تساوی مردان و زنان ، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و یعدّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 16

16- زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت . . آن تطوهم

از این که خداوند، «مؤمنات» را در کنار «مؤمنون» یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 7

7- ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

ص: 248

لایسخر قوم من قوم . . . ولا نساء من نساء

واژه «قوم»، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن «و لا نساء»، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 8

8 - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّـت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 13 - 6

6 - تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 14

14 - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 3

3 - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسن . . . ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فجعل منه الزوجین الذکر والأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 9

9 - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت . . . فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 58 - 4

4 - زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الذین يؤذون المؤمنین و المؤمنت . . . فقد احتملوا بهتناً

ص: 249

3- زنا

1- آثار اجتماعی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 10 - 7

7 - جامعه های گرفتار بی بند و باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله «و لولا فضل الله عليكم...» به تقدیر «و لولا فضل الله عليكم... لاختل نظام حیاتکم و لهلکتکم» باشد؛ یعنی، «اگر فضل و رحمت خدا نبود... نظام زندگی شما - با وجود همه فساد و بی بند و باری - از هم می پاشید و شما نابود می شدید».

2- آثار اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 4

4 - صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذين إذا أنفقوا لم يسرفوا... و لا یزنون... و الذين لا یشهدون الزور... أول-

3- آثار اشتهار به زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 2,5

2 - حرمت ازدواج مردان معروف به زنا ، جز با زنان مشهور به زنا و یا زنان مشرک

الزانی لا ینکح إلا زانیه أو مشرکه

بسیاری از مفسران بر آنند که «الزانی» حالت وصفی دارد و به کسی «زانی» گفته می شود که عمل زنا را مکرراً انجام داده و به آن معروف شده باشد و شخصی که یک بار مرتکب زنا شده باشد، واژه «الزانی» (زناکار) بر آن شخص اطلاق نمی شود.

5 - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

ص: 250

و الزانية لا ينكحها إلا زان أو مشرك

4- آثار زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 9

9- زشتی و قباحت زنا و بیراهه بودن آن در ارضای طبیعی غریزه جنسی ، ملاک حرمت آن است .

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سبیلاً

جمله «إنه کان فاحشه و ساء سبیلاً» به منزله تعلیل برای نهی است و می تواند مفید معنای یاد شده باشد.

5- آثار زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 9

9- ارتکاب زن به فحشای آشکار (زنا و . . .) ، مجوز سختگیری شوهرش برای پس گیری برخی از مهریه او به هنگام طلاق

و لا تعضلوهنّ . . . الا ان یأتین بفاحشه مبینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 3

3- آلودگی به فحشا و زنا ، نشان خباثت (بدسرشتی و بد کرداری) انسان است .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

6- اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 6

6- مردان مؤمن ، وظیفه دار پرهیز از آلودگی به فحشا و زنا

قل للمؤمنین . . . یحفظوا فروجهم

مقصود از جمله «و یحفظوا فروجهن» (مردان شرمگاه خود را حفظ کنند) - به قرینه آیات قبل که درباره حکم فحشا و قذف بود - می تواند خودداری از ارتکاب فحشا و زنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 6

6 - زنان مؤمن ، وظیفه دار اجتناب از آلودگی به زنا و فحشا هستند .

و قل للمؤمنت . . . و یحفظن فروجهنّ

ص: 251

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 8

8 - پرهیز از دزدی، زنا و فرزندکشی (سقط جنین و...)، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لایسرقن و لایزنین و لایقتلن أولدهنّ

7- اجتناب از مقدمات زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 2

2- پرهیز از هرگونه زمینه ای که موجب کشیده شدن انسان به زنا شود، لازم و واجب است.

و لاتقربوا الزنی

اینکه خداوند، به جای «لاتزنوا» (زنا نکنید) فرمود: «لاتقربوا الزنی» (به زنا نزدیک نشوید)، می تواند برای توجه دادن به این نکته باشد که نه تنها عمل زنا ممنوع است؛ بلکه باید از عملی که در نهایت منجر به ارتکاب آن می شود و از زمینه های گرایش به فحشاست، نیز پرهیز کرد.

8- احکام زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 -

1,3,4,6,7,9,11,12,19

1 - کیفر زن در صورت ارتکاب زنا، حبس ابد است.

والتی یأتین الفاحشه من نساءکم .. فامسکوهنّ فی البیوت

«الفاحشه» به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

3 - زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد، به حبس ابد محکوم می شود.

والتی یأتین الفاحشه من نساءکم

چنانچه «كُم» خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از «نساء» زنان مسلمان خواهد بود.

4- لزوم شهادت چهار مرد مسلمان برای اثبات فحشای زنان (زنا و مساحقه)

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَهُ مِنْكُمْ

مؤث آوردن کلمه «اربعه» دلالت می کند که معدود آن، رجال (مردان) هستند؛ و «منکم» دلالت بر مسلمان بودن آن مردان دارد.

6- کیفر فحشا (زنا، مساحقه)، مشروط به انجام آن از روی اختیار است.

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ

7- حبس ابد، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد.

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ .. فَاْمَسْكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِيَهُنَّ الْمَوْتُ

چنانچه مراد از «كُم»، مردان مسلمان باشند؛ ظاهراً مقصود از «نساء» همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور،

شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

9- لزوم دعوت کردن از چهار مرد مسلمان، برای تحمّل شهادت به هنگام اطلاع از وقوع فحشا (زنا و همجنس بازی) *

والتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

جمله «فاستشهدوا»، می تواند به معنای دعوت برای تحمّل شهادت باشد.

11- کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است.

والتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم فان شهدوا

چون مخاطبان «منکم» مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

12- حاکم نمی تواند به استناد علم خویش زن زناکار و همجنس باز را کیفر دهد. *

والتی یأتین الفاحشه .. فان شهدوا

مفهوم جمله «فان شهدوا» این است که در صورت نبودن چهار شاهد، کیفری (حبس ابد) نخواهد بود؛ هر چند حاکم به آن علم پیدا کند؛ زیرا غالباً حاکم با شهادت دو یا سه نفر شاهد عادل هم علم پیدا می کند.

19- صد تازیانه و یک سال تبعید، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او یجعل الله لهنّ سبیلاً

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: قد جعل الله لهن السبیل البکر بالبکر جلد مأه و تغریب عام و الثیب بالثیب جلد مأه و الرجم.

مجمع البیان، ج 3، ص 34؛ نورالثقلین، ج 1، ص 456، ح 122.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 16 - 6، 4

4- کیفر فحشا (لواط و زنا)، مشروط به انجام آن از روی اختیار است.

و الذان یأتینها منکم فاذوهما

6- زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط) ، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله «فان تابا . . .» عطف بر جمله ای محذوف باشد ؛ یعنی «فاذوهما ان لم يتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 13

13- حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لک قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا ، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّافین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 5

5- حرمت روابط جنسی با زنان شوهردار

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

ص: 253

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 2, 1

1- زنا، ممنوع و حرام است .

و لا تقربوا الزنی

2- پرهیز از هرگونه زمینه ای که موجب کشیده شدن انسان به زنا شود، لازم و واجب است .

و لا تقربوا الزنی

اینکه خداوند، به جای «لاتزنوا» (زنا نکنید) فرمود: «لا تقربوا الزنی» (به زنا نزدیک نشوید)، می تواند برای توجه دادن به این نکته باشد که نه تنها عمل زنا ممنوع است؛ بلکه باید از عملی که در نهایت منجر به ارتکاب آن می شود و از زمینه های گرایش به فحشاست، نیز پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 13, 12, 4, 3, 2, 1

1- صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی ، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

«جلد» (مصدر «اجلدوا») گاهی به معنای «زدن با تازیانه چرمی» و گاهی به معنای «بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن» می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

2- صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر کدام از زن و مرد زناکار ، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

3- برهنه بودن زن و مرد زناکار به هنگام زدن تازیانه ، واجب است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

4- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

12- لزوم اجرای حد زنا ، در ملاء عام و اماکنی که مشاهده آن برای مردم بلامانع است .

الزانية و الزانى فاجلدوا. .. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنين

واژه «شهود» و «شهادت» به معنای حضور همراه با مشاهده است (مفردات راغب) و لازمه حضور و مشاهده، آگاهی می باشد. گفتنی است که «لزوم» در برداشت فوق، از فعل امر «لشهد» استفاده گردیده است.

13- وجوب کفایى حضور جمعى از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانية و الزانى فاجلدوا. .. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنين

کفایى بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه «طائفه» - که به معنای گروه است - استفاده می شود؛ زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: «و ليشهد عذابهما المؤمنون».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 10

10 - « عن أبى جعفر (ع) . . . و أنزل بالمدينه « الزانى لا ینکح إلاّ زانية أو مشرکه الزانية لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین » فلم یسم الله الزانى مؤمناً و لا الزانية مؤمنه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که این آیه در مدینه نازل شده است: «الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان

ص: 254

أو مشرك و حرّم ذالك على المؤمنین». پس خدا مرد زناکار و زن زناکار را مؤمن ننامیده است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 5

5- اثبات زنا، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است.

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر «قذف»، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

9- اکراه به زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 22,39

22 - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی، حرام است.

ولا تکرهوا فیتیکم علی البغاء إن أردن تحصنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

نهی از واداشتن کنیزان به فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

39 - «عن علی ابن ابی طالب (ع) فی قوله: «ولا تکرهوا فیتیاتکم علی البغاء» قال: کان أهل الجاهلیه بیغین إمائهم فنهوا عن ذلک فی الإسلام»

حضرت علی بن ابی طالب (ع) درباره سخن خدا «ولا تکرهوا فیتیاتکم علی البغاء» فرمود: اهل جاهلیت کنیزان خود را به زنا وادار می کردند. سپس در اسلام از این کار نهی شدند».

10- بندگان خدا و زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 68 - 7

7 - بندگان خالص خدا، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آیند.

ولایزنون

11- پاداش اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 2

2- فروتنی، شب زنده داری، حلم، ترس از قیامت، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق، دعا، دوری از اسراف، تنگ گیری، شرک، زنا، آدم کشی و سخن باطل، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور... أولئک یجزون الغرفه

ص: 255

12- پلیدی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 9

9- نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا ، از گناهان بسیار زشت و پلید است .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

13- پلیدی زنا در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 7

7- زنا ، عملی نامشروع و منفور در تمام ادیان الهی است .

ولم أك بغياً

14- تشریح حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 10 - 1

1- تحریم آکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) و تشریح « لعان » ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. والذین یرمون المحصنت ... فاجلدوهم ... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه - که در مقام امتنان است - پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

15- توبه از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 10

10 - « عن أبی جعفر (ع) . . . و أنزل بالمدينة « الزانی لاینکح إلاّ-زانیه أو مشرکه الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی

المؤمنين» فلم يسم الله الزاني مؤمناً ولا الزانيه مؤمنه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که این آیه در مدینه نازل شده است: «الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین». پس خدا مرد زناکار و زن زناکار را مؤمن نامیده است».

ص: 256

16- تهمت زنا به مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 2

2- مریم (س) از متهم شدن به زنا، در پی دریافت بشارت به عیسی (ع) نگران بود.

اُتی یکون... و لم اک بغیاً

با این که «لم یمسسنی بشر» برای نفی اسباب عادی حامله شدن کافی بود، ولی جمله «و لم اک بغیاً» نیز از مریم (س) صادر گردید. برخی آن را قرینه بر این قرار داده اند که «لم یمسسنی...» تنها به نکاح مشروع نظر دارد و «لم اک بغیاً» نوع نامشروع آن را نفی می کند؛ و محتمل است مراد از «لم یمسسنی...» مطلق هم بستری باشد و اضافه شدن «لم اک بغیاً» به این خاطر است که مریم (س) دریافت که در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با این سخن، اظهار کرد که تحمل آن اتهام، بر من سنگین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 3,6

3- مردم با دیدن مریم (س) همراه کودک خویش، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند.

فأنت به قومها تحمله قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

«فریاً» صفت مشبیه به معانی «سنگین و بزرگ» و «شگفت» و «کار بی سابقه» آمده و از ریشه «فری» به معنای قطع گرفته شده است؛ به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مراد کسانی که این سخن را به مریم (س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

6- «عن ابي جعفر (ع) قال: لما قالت العواتق... لمریم (ع): «لقد جئت شیئاً فریاً» أنطق الله تعالی عیسی (ع) عند ذلك ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نرس به مریم گفتند: «لقد جئت شیئاً فریاً» خداوند در آن هنگام زبان عیسی (ع) را به سخن گفتن گشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 6

6- مردم بیت المقدس، مریم (س) را به زنا متهم کردند.

و ما کانت اُمک بغیاً

«بغی»، یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم گرچه مریم (س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله «و ما کانت...» (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 1،7

1- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد.

و ما کانت أمک بغیاً . فأشارت إلیه

ص: 257

7- مریم (س) از سوی افرادی متعدد به زنا متهم شده بود .

قالوا یمریم . . . قالوا کیف نکلم

17- حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 4، 1

1- صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی ، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

«جلد» (مصدر «اجلدوا») گاهی به معنای «زدن با تازیانه چرمی» و گاهی به معنای «بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن» می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

4- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

18- حد زناى محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 43 - 12

12 - سنگسار کردن ، مجازات زناى محصنه در تورات

و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زناى محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و از «ابن صوریاء»، که داناترین مردم به تورات بود، بر وجود این حکم در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

19- حرمت زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 1

1- زنا ، ممنوع و حرام است .

1- تحریم اُکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) و تشریح « لعان » ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانية و الزانى فاجلدوا.. والذین یرمون المحصنت... فاجلدوهم... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه - که در مقام امتنان است - پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

20- روش اثبات زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 5

5- اثبات زنا، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است.

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر «قذف»، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

21- زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 19

19 - سئل علی بن الحسین (ع) عن الفواحش ما ظهر منها و ما بطن قال: ما ظهر نکاح إمرأه الأب و ما بطن الزنا.

از امام سجاد (ع) درباره فواحش ظاهری و باطنی سؤال شد فرمود: فاحشه ظاهری، ازدواج با همسر پدر و فاحشه باطنی زناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 4

4- زنا، عملی بس زشت و پلید و راهی بس ناشایست در ارضای غریزه جنسی

ینه کان فحشه و ساء سییلاً

«فاحشه» به سخن و رفتاری می گویند که زشتی آن بسیار است (مفردات راغب).

22- زشتی زنا در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- زشتی و پلیدی زنا، امری نهفته در وجدان همه انسان های طول تاریخ

إنه كان فحشه و ساء سبيلاً

جمله اسمیه «إنه كان فاحشه و ساء سبيلاً» دلالت بر ثبوت و استمرار دارد و در ضمن تعلیلی است برای نهی «لا تقربوا الزنی». افزودن این تعلیل، برای برانگیختن مردم و مخاطبان جهت عمل به «لا تقربوا» است. چنین امری هم، وقتی

ص: 259

تأثیربخش خواهد بود که خود مردم بدی آن را بفهمند و اطلاق تعلیل، بد بودن آن را در نزد مردم می رساند.

23- زمینه زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 68 - 9

9- شرک، زمینه ساز آدم کشی، زنا و روابط ناسالم جنسی در جامعه

و الذین لا یدعون مع الله إلهًا... و لا یزنون

عطف جمله «لا یقتلون... و لا یزنون» بر جمله قبل - بدون تکرار اسم موصول (الذین) - نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان گناه آدم کشی و زنا با شرک است و طرح مسأله شرک در آغاز آیه شریفه، حاکی از آن است که شرک مبدأ پیدایش و زمینه ساز آدم کشی و زنا در جامعه است.

24- زنا با زن شوهردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 13

13- حرمت رفاقت و آمیزش جنسی با زنان شوهردار

قالت هیت لک قال معاذ الله

استعاذه و پناه آوردن به خدا، در موردی است که متعلق آن، گناه و امری شرّافین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 9

9- نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 5

5- حرمت روابط جنسی با زنان شوهردار

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

25- زنا پنهانی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 18

18 - عن أبي الحسن (ع): ... قول الله تبارك و تعالی: «قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی بغير

ص: 260

الحق ... » اما قوله: «و ما بطن» یعنی ما نکح من الآباء فإن الناس كانوا قبل أن يبعث النبي (صلى الله عليه وآله) إذا كان للرجل زوجة و مات عنها تزوجها ابنه من بعده إذا لم تكن أمه فحرم الله ذلك و اما «الإثم» فإنها الخمره بعينها ... و اما قوله: «البغى» فهو الزنا سرّاً

از امام كاظم(ع) درباره «ما بطن» در آیه «قل إنما حرم ربي الفواحش .. .» روایت شده است: یعنی ازدواج با همسر پدر؛ زیرا قبل از بعثت رسول خدا(صلى الله عليه وآله) شخصی که از دنیا می رفت اگر همسری از او باقی می ماند، پسر متوفی او را اگر مادرش نبود به همسری برمی گزید خداوند، این ازدواج را تحریم فرمود. اما «اث--م» ه---مان شراب است ... و اما «بغی» همان زناى پنهانی است
....

26- زنا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 5

5- زنا، عملی شایع و رایج در میان اعراب جاهلی [پیش از اسلام]

و لا تقربوا الزنى إنه كان فحشه و ساء سبيلاً

27- زناى محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 7

7 - حبس ابد، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد.

و التى يأتين الفاحشه من نسائكم .. فامسكوهنَّ فى البيوت حتى يتوفيهنَّ الموت

چنانچه مراد از «كُفْم»، مردان مسلمان باشند؛ ظاهراً مقصود از «نساء» همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

28- زیان اجتماعی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 7

7- عمل ناشایست زنا، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبيلاً

از جمله «راههای بد» راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین «ساء سبیلاً» می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

ص: 261

29- زیان فردی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 7

7- عمل ناشایست زنا، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبیلاً

از جمله «راههای بد» راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین «ساء سبیلاً» می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

30- سرزنش زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 5

5 - زنا و مساحقه، عملی بسیار زشت

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

فاحشه در لغت به معنی عمل بسیار زشت است و در آیه فوق از زنا و مساحقه به فاحشه تعبیر شده است.

31- شرایط گواهان حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 14

14- تنها مسلمانان دارای حق حضور و گواهی بر اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

از این که خداوند حضور مؤمنان را لازم دانسته است (من المؤمنین) نه عموم مردم را (من الناس)، به دست می آید که گواهان و حاضران صحنه اجرای حدود، باید از مسلمانان باشند نه از غیر آنان.

32- صبر در اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- فروتنی، شب زنده داری، حلم، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق، دوری از اسراف، تنگ گیری، شرک، زنا، آدم کشی و سخن باطل، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. والذين لا يشهدون الزور ... أول-

ص: 262

33- ظلم زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 29

29- ارتکاب زنا و شکستن حریم عفاف ، ستم کاری است .

قال معاذ الله .. إنه لا يفلح الظلمون

مفاد «معاذ الله» این است که ارتکاب فحشا گناه است و مفهوم «إنه ربی . . .» این است که ارتکاب گناه و فحشا، ناسپاسی در برابر خدا و قدرناشناسی اوست. از آن رو که «إنه لا یفلح الظالمون» تعلیل برای این مفاهیم است، معلوم می شود ارتکاب فحشا و نیز ناسپاسی خدا با ارتکاب گناه، از مصداقهای ظلم می باشد.

34- عوامل سقوط حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 2

2- زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات باللَّه إَّنه لمن الكذیبین

الف ولام «العذاب» ذکری و اشاره به «مأته جلد» است که در آیه دوم آمده بود.

35- فرجام شوم زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 7

7- عمل ناشایست زنا ، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبیلاً

از جمله «راههای بد» راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین «ساء سبیلاً» می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

36- فطرت زشتی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 6

6- زشتی و پلیدی زنا، امری نهفته در وجدان همه انسان های طول تاریخ

إنه كان فحشه و ساء سبيلاً

جمله اسمیه «إنه كان فاحشه و ساء سبيلاً» دلالت بر ثبوت و استمرار دارد و در ضمن تعلیلی است برای نهی «لا تقربوا الزنی». افزودن این تعلیل، برای برانگیختن مردم و مخاطبان جهت عمل به «لا تقربوا» است. چنین امری هم، وقتی

ص: 263

تأثیربخش خواهد بود که خود مردم بدی آن را بفهمند و اطلاق تعلیل، بد بودن آن را در نزد مردم می رساند.

37- فلسفه حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 15

15- پیشگیری از ارتکاب فحشا و عبرت آموزی ، فلسفه تشریح کیفر زنا و اجرای آن در ملاء عام

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین

برداشت یاد شده، به خاطر این است که مشاهده کیفر زنا، بی تردید باعث عبرت گیری و موجب پیشگیری از ارتکاب به آن خواهد شد.

38- فلسفه حرمت زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 9

9- زشتی و قباحت زنا و بیراهه بودن آن در ارضای طبیعی غریزه جنسی ، ملاک حرمت آن است .

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سبیلاً

جمله «إنه کان فاحشه و ساء سبیلاً» به منزله تعلیل برای نهی است و می تواند مفید معنای یاد شده باشد.

39- کسب با زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 23

23 - سود و درآمد به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشی ، حرام است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصناً لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده از انتزاع از مورد آیه (کنیزان) به دست می آید؛ زیرا از ظاهر آیه شریفه چنین به دست می آید که مورد آن خصوصیتی ندارد.

40- کیفر اخروی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 68 - 10

10 - مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع اللّٰه اِلٰهًا . . . و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق اثمًا

ص: 264

«ذلک» اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و «اثام» به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 4،7

4 - گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيامة

7 - گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیہ مهاناً

41- کیفر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 6،7،11،14،15،17،18

6 - کیفر فحشا (زنا ، مساحقه) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّتی یأتین الفاحشه من نساءکم

7 - حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

و الّتی یأتین الفاحشه من نساءکم .. فامسکوهنّ فی البیوت حتّی یتوفیهنّ الموت

چنانچه مراد از «کم»، مردان مسلمان باشند؛ ظاهراً مقصود از «نساء» همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

11 - کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

و الّتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم فان شهدوا

چون مخاطبان «منکم» مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

14 - نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

والتی یأتین الفاحشه .. فامسکوهنّ ... او يجعل الله لهنّ سبيلاً

15 - وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حتی یتوفیهنّ الموت او يجعل الله لهنّ سبيلاً

جمله «او يجعل الله ..» ، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد ؛ و لام در «لهنّ» ، مشعر به این است که آن کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

17 - حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان ، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

والتی یأتین الفاحشه من نساءکم .. فامسکوهنّ فی البيوت حتی یتوفیهنّ الموت او یج

امام صادق (ع) درباره «سبیل» در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 60؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 353، ح 2.

18 - حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی ، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسکوهنّ فی البيوت

ص: 265

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه . .. كانت المرأه ... ادخلت بيتاً ولم تحدث ولم تكلم ولم تجالس و اوتيت فيه بطعامها و شرابها حتى تموت

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 61؛ نورالثقلین، ج 1، ص 456، ح 124.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 4

3 - تفاوتِ کیفر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

و التي يأتين الفاحشه من نساءكم .. فامسكوهن في البيوت ... و الذان يأتينها

با توجه به برداشت قبل و توضیح آن.

4 - کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان يأتينها منكم فاذهما

42- کیفر زناى باکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 19

19 - صد تازیانه و یک سال تبعید ، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم ، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او يجعل الله لهن سبيلا

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: قد جعل الله لهن السبيل البكر بالبكر جلد مأه و تغريب عام و الثيب بالثيب جلد مأه و الرجم.

مجمع البيان، ج 3، ص 34؛ نورالثقلین، ج 1، ص 456، ح 122.

43- کیفر زناى محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تفاوتِ كیفَر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهن فی البيوت ... و الذان یأتیانها

با توجه به برداشت قبل و توضیح آن.

44- کیفیت اثبات زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 6

ص: 266

6- شوهر اگر در ادعای زنا همسرش، مدعی مشاهده نباشد؛ ولی چهار شاهد مرد ارائه کند، زنا همسرش ثابت می شود.

والذین یرمون أزوجهم ولم یکن لهم شهداء إلا أنفسم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 4

4- با سوگند پنجم شوهر، زنا همسر ثابت گشته و حد زنا بر او جاری می شود.

والخمسه أن لعنت الله علیه إن کان من الکذبین

با سوگند پنجم شوهر - که در آن پذیرای لعنت خدا می شود - دو چیز به اثبات می رسد: 1- زنا همسر و در نتیجه محکومیت او به حد زنا. 2- صدق و راستگویی شوهر و در نتیجه سقوط حد قذف از وی.

45- کیفیت اجرای حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 12

12- لزوم اجرای حد زنا، در ملأ عام و اماکنی که مشاهده آن برای مردم بلامانع است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

واژه «شهود» و «شهادت» به معنای حضور همراه با مشاهده است (مفردات راغب) و لازمه حضور و مشاهده، آگاهی می باشد. گفتنی است که «لزوم» در برداشت فوق، از فعل امر «لیشهد» استفاده گردیده است.

46- کیفیت حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 3

2- صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر کدام از زن و مرد زناکار، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ و حد منهما مائه جلده

3- برهنه بودن زن و مرد زناکار به هنگام زدن تازیانه، واجب است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ و حد منهما مائه جلده

47- گناه زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 137 - 10

10 - ارتکاب گناهانی همچون شرابخواری ، زنا و نپرداختن زکات ، با اعتقاد به گناه بودن آنها ، کفر است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ص: 267

ابو بصیر از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت «ان الذین ءامنوا ثم كفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً» امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 281، ح 288؛ نورالثقلین، ج 1، ص 563، ح 623.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 9

9- نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا، از گناهان بسیار زشت و پلید است.

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 12

12- «عن أبی جعفر (ع) فی قوله: «و لا تقربوا الزنا إنه کان فاحشه» یقول: معصیه و مقتاً فإن الله یمقته و ینغضه قال: «و ساء سییلاً» و هو أشد الناس عذاباً و الزنا من أكبر الكبائر؛

از امام باقر (ع) در باره یخن خدا «و لا تقربوا الزنا إنه کان فاحشه» روایت شده است که فرمود: خدا می گوید: [زنا] گناه و نفرت انگیز است؛ زیرا به شدت مورد تنفر و غضب الهی است [و درباره] «و ساء سییلاً» فرمود: و زناکار عذابش از همه شدیدتر است و زنا از بزرگ ترین گناهان کبیره است.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 68 - 8

8 - گناه شرک، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است.

و الذین لا یدعون مع الله إلهاً... و لا یزنون

ترتیب ذکر جمله های «و الذین لا یدعون...» «لا یقتلون...» و «لا یزنون» می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 9

9- شرک، آدم کشی و زنا، از گناهان بزرگ و خطیر

يضعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 37 - 8

8- ارتکاب فحشا (زنا و لواط)، از بدترین گناهان کبیره است.

الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

ذکر «الفواحش» پس از ذکر «کبائر الإثم» - با این که «کبائر الإثم» شامل فواحش نیز می شود - نشانگر شدت زشتی و قبیح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر «فاحشه» از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از

ص: 268

مصادیق مورد نظر «الفواحش» زنا و لواط می باشد.

48- گواهان بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 10، 11، 9، 4

4 - لزوم شهادت چهار مرد مسلمان برای اثبات فحشای زنان (زنا و مساحقه)

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

مؤث آوردن کلمه «اربعه» دلالت می کند که معدود آن، رجال (مردان) هستند؛ و «منکم» دلالت بر مسلمان بودن آن مردان دارد.

9 - لزوم دعوت کردن از چهار مرد مسلمان، برای تحمّل شهادت به هنگام اطلاع از وقوع فحشا (زنا و همجنس بازی) *

و الّتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

جمله «فاستشهدوا»، می تواند به معنای دعوت برای تحمّل شهادت باشد.

10 - شاهد فحشای زنان، می تواند از ادای شهادت استتکاف کند.

و الّتی یأتین الفاحشه .. فان شهدوا

جمله «فان شهدوا»، ظهور در این معنا دارد که شاهد، در ادای شهادت و یا استتکاف از آن مختار است و شرعاً الزامی برای ادای شهادت ندارد.

11 - کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است.

و الّتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم فان شهدوا

چون مخاطبان «منکم» مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

49- گواهان حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 16

16 - «عن أمير المؤمنين (ع) في قول الله عزّوجلّ: «ولا تأخذکم بهما رأفه فی دین الله» قال فی إقامة الحدود و فی قوله تعالی: «وليشهد

عذابهما طائفه من المؤمنین قال الطائفه واحد . . . ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند - عزّوجل - «و لا تأخذکم بهما رأفه فی دین الله» فرمود: در مورد اجرای حدود [رأفت نشان ندهید] و درباره سخن خدای - تعالی - «ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین» فرمود: طایفه یک نفر است (یعنی، یک نفر را هم شامل می شود).

50- گواهی بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 269

4- پذیرش نسبت زنا به زنان پاکدامن در گرو ارائه چهار شاهد مرد از سوی شخص نسبت دهنده است .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

«شهداء» جمع «شاهد» است و «شاهد» مفرد مذکر می باشد. بنابراین «أربعة شهداء» به معنای چهار مرد ناظر می باشد. گفتنی است ذکر «أربعة» با تالی تأنیث نیز شاهد بر مطلب فوق است؛ زیرا اعداد از سه تا ده در زبان عرب، در مذکر با تالی تأنیث و در مؤنث بدون «تاء» به کار می رود.

5- اثبات زنا، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر «قذف»، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

51- موارد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 22 - 9

9 - ازدواج با همسر پدر، زناست . *

ولا تنکحوا ما نکح اباؤکم .. انه کان فاحشه

با توجه به اینکه «فاحشه» در موارد بسیاری در قرآن، کنایه از زناست.

52- موانع زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 8

8 - ازدواج، از راه های پیشگیری از فحشا، زنا و روابط ناسالم جنسی

وأنکحوا الأیمی منکم و الصلحین من عبادکم و إیمانکم

برداشت یاد شده از ارتباط این آیه با آیات قبل - که درباره پرهیز از چشم چرانی و فحشا و تشویق به عفاف بود - استفاده می شود؛ چرا که

بهترین روش برای پیشگیری از ارتکاب به گناه و فساد جنسی ازدواج است.

53- موجبات حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 4

4- با سوگند پنجم شوهر ، زنای همسر ثابت گشته و حد زنا بر او جاری می شود .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

با سوگند پنجم شوهر - که در آن پذیرای لعنت خدا می شود - دو چیز به اثبات می رسد: 1- زنای همسر و در نتیجه

ص: 270

محکومیت او به حد زنا. 2- صدق و راستگویی شوهر و در نتیجه سقوط حد قذف از وی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 3

3 - صد تازیانه ، حد زانی که با لعان (سوگند) همسران شان ، زناى آنان ثابت شده است .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات باللّٰه

مفهوم جمله «و یدروا عنها العذاب» عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود» این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می شود؛ ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

54- ناپسندی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 38 - 2

2- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

كلّ ذلک کان سیّئہ عند ربّک مکروہاً

55- نهی از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 11

11- « عن أبی جعفر (ع) قال : . . . بعث الله محمداً و . . . أنزل علیه فی سوره بنی اسرائیل بمکه . . . و أنزل نهياً عن أشياء حذر علیها و لم یغلظ فیها و لم یتواعد علیها و قال : . . . « و لا تقربوا الزنا إنه کان فاحشه و ساء سییلاً » . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. خداوند حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) را برانگیخت و ... بر او آیاتی از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود ... [که در آن آیات] از چیزهایی که پرهیز از آنها لازم است؛ ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر ارتکاب موارد نهی وعید عذاب نداده است و فرمود: ... «و لا تقربوا الزنا إنه کان فاحشه و ساء سییلاً»...».

56- واجبات حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- وجوب کفایه حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایه بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه «طائفه» - که به معنای گروه است - استفاده می شود؛ زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: «و لیشهد عذابهما المؤمنون».

ص: 271

57- وجوب گواهی در حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 13

13- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه «طائفه» - که به معنای گروه است - استفاده می شود؛ زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: «و ليشهد عذابهما المؤمنون».

زنازادگی

58- آثار زنازادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 9، 7

7- بی تباری و نداشتن ریشه خانوادگی، از ویژگی های منفی و ناپسند برای انسان

و لاتطع کلّ ... زنیم

9- بی تباری و بی اصل و ریشه بودن، منشأ رذایل اخلاقی و اوصاف ناپسند و زشت است.

بعد ذلک زنیم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «بعد ذلک» متعلق به «زنیم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 16 - 3

3- تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ، پستی، عیب جویی، سخن چینی، مانع خیر شدن، گناه پیشگی، درشت خوئی و بی تباری)، از زمینه های ابتلا به عذاب خفت بار الهی

فلاتطع المکذّبین ... کلّ حلاف مهین ... عتلّ بعد ذلک زنیم ... سنسمه علی الخرطوم

59- زنازادگی ولید بن مغیره

6 - « عن أبي عبد الله و أبي جعفر (عليهما السلام) أنّ الوحيدَ ولدُ الزّنا ;

از امام صادق و امام باقر(ع) روایت شده که مقصود از «وحدید»، زنازاده است (کسی که برای او پدری شناخته نشده)».

60- سرزنش زنزادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 8،12

8 - درشت خویی و بی تباری، صفتی بس زشت و بسیار ناپسند، در مقایسه با دیگر اوصاف زشت و ناخوشایند

و لاتطع کلّ حلاف مهین... عتلّ بعد ذلک زنیّم

بعدیت در این آیه (بعد ذلک) رتبی است و بیانگر این نکته است که اوصاف «عتلّ» و «زنیّم» از اوصاف پیشین (همچون حلاف، مهین، همّاز و...) زشت تر و ناپسندتر است. گفتنی است در برداشت بالا، عبارت «بعد ذلک» متعلق به «عتلّ» دانسته شده است.

12 - «عن علیّ (ع) : هو الذی لا أصل له ;

از علی(ع) روایت شده که او (زنیّم) کسی است که اصل و ریشه (نسب) ندارد».

61- زنزاده

اجتناب از الحاق زنزاده به شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 9

9 - پرهیز از نسبت دادن فرزند زنا به همسر، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لایأتین ببهتن یفترینه بین ایدیهنّ و أرجلهنّ

62- الحاق زنزاده به شوهر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 10

10 - شرک، سرقت، زنا، فرزندکشی، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی - اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

آن لایشرکن... لایسرقن... لایزنین... و لایقتلن اولدهنّ و لایأتین ببهتن

تصریح پیامبر(صلی الله علیه و آله) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

63- حرمت اطاعت از زنانزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 6

6 - اطاعت و اجابت خواسته های افرادی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ ... زنیم

ص: 273

64- دشمنی زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 5

5- برخی از عناصر زنزاده (ولیدبن مغیره)، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لاتطع کلّ... زنیم

65- رد خواسته های زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ... زنیم

«زنیم» به زنزاده و کسی که خود را به قومی می چسباند - ولی از آنان نیست - گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

66- ممنوعیت اطاعت از زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 6

6- اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل، ممنوع و حرام است.

و لاتطع کلّ... زنیم

زنزاده ها

67- حرمت اطاعت از زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 6

6- اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لا تطع کلّ . . . زنیّم

ص: 274

68- دشمنی زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 5

5- برخی از عناصر زنزاده (ولیدبن مغیره)، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لاتطع کلّ... زنیم

69- رد خواسته های زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ... زنیم

«زنیم» به زنزاده و کسی که خود را به قومی می چسباند - ولی از آنان نیست - گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

70- ممنوعیت اطاعت از زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 6

6- اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل، ممنوع و حرام است.

و لاتطع کلّ... زنیم

زنزاده ها

71- حرمت اطاعت از زنزاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 6

6- اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لا تطع کلّ . . . زنیم

72- دشمنی زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 5

ص: 275

5- برخی از عناصر زنازاده (ولیدبن مغیره) ، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لاتطع کلّ ... زنیّم

73- رد خواسته های زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ ... زنیّم

«زنیّم» به زنازاده و کسی که خود را به قومی می چسباند - ولی از آنان نیست - گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

74- ممنوعیت اطاعت از زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 6

6- اطاعت و اجابت خواسته های افراد بی تبار و بی ریشه و اصل ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ ... زنیّم

زناکار

75- آموزش زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 11

11 - خداوند ، آمرزنده گناه زناکار و لواط کننده ، به شرط توبه و اصلاح

و اللذان یأتیانها منکم ... فان تابا و اصلحا ... إنّ الله کان تواباً رحیماً

76- احکام زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 2

2 - آزار و تعزیر ، کیفر مرد و زن بی شوهری که مرتکب زنا شوند . *

وَالَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُوهُمَا

چون مراد از «والتی» در آیه قبل بنابر یک احتمال زنان شوهردار بودند، آیه مورد بحث می تواند درباره زنان بی شوهر باشد.

ص: 276

بنابراین مراد از «الذان»، مرد و زن بی شوهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 6

6- رأفت و ترحم بر زناکاران به هنگام اجرای کیفر الهی بر آنان، اکیداً ممنوع است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین الله

جمله «لاتأخذکم بهما رأفه. ..» می تواند به این معنا باشد که به هنگام اجرای کیفر، نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات شخصی قرار گیریم و در کیفر زناکاران تخفیف قائل شویم. هم چنین می تواند به این معنا باشد که نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات، از کیفر آنان صرف نظر کنیم؛ هرچند آن عواطف و احساسات، برخاسته از تعلقات و وابستگی های فرد، به شخص مجرم نباشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال اول است.

77- اذیت به زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 2,5

2- آزار و تعزیر، کیفر مرد و زن بی شوهری که مرتکب زنا شوند. *

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون مراد از «والتی» در آیه قبل بنا بر یک احتمال زنان شوهردار بودند، آیه مورد بحث می تواند درباره زنان بی شوهر باشد. بنابراین مراد از «الذان»، مرد و زن بی شوهر است.

5 - لزوم تداوم ایدای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله «فان تابا. .. فاعرضوا» عطف بر «فاذوهما» و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

78- ازدواج با زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 1,3,4,5

1 - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک ، حرام است .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

جمله «الزانی لا ینکح . . .» به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلک علی المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

3 - مردان زناکار ، شایستگی ازدواج جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

برداشت یاد شده، مبتنی براین احتمال است که مقصود از «الزانی لا ینکح . . .»، «لما یلیق به أن ینکح» باشد؛ یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

4 - حرمت ازدواج زنان زناکار ، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

ص: 277

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

5- حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

79- ازدواج با زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 13

13 - حرمت ازدواج با زنان غیر عقیف (زناکار و . . .)، چه مسلمان باشند و چه از اهل کتاب .

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 19

19 - ازدواج با کنیزان زناکار جایز نیست .

فانکحوهنّ . . . غیر مسافحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 4، 5، 6، 8

4 - حرمت ازدواج زنان زناکار، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

5 - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

6 - زنان زناکار، شایستگی ازدواج جز با مردان زناکار و یا مشرک را ندارند .

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

8 - ازدواج مؤمنان با زناکاران، حرام است .

و حرّم ذلك على المؤمنين

80- ازدواج زن زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 4,5,6

4 - حرمت ازدواج زنان زناکار ، جز با مردان زناکار و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

5 - حرمت ازدواج زنان معروف به زنا ، جز با مردان معروف به زنا و یا مردان مشرک

و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

6 - زنان زناکار ، شایستگی ازدواج جز با مردان زناکار و یا مشرک را ندارند .

ص: 278

و الزانية لا ينكحها إلاّ زان أو مشرك

81- ازدواج زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 1,2,3,7,9

1 - ازدواج مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک ، حرام است .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

جمله «الزانی لا ینکح . . .» به قرینه ذیل آیه (و حرّم ذلك علی المؤمنین)، در مقام نهی و اخبار در مقام انشا است.

2 - حرمت ازدواج مردان معروف به زنا ، جز با زنان مشهور به زنا و یا زنان مشرک

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

بسیاری از مفسران بر آنند که «الزانی» حالت وصفی دارد و به کسی «زانی» گفته می شود که عمل زنا را مکرراً انجام داده و به آن معروف شده باشد و شخصی که یک بار مرتکب زنا شده باشد، واژه «الزانی» (زناکار) بر آن شخص اطلاق نمی شود.

3 - مردان زناکار ، شایستگی ازدواج جز با زنان زناکار و یا مشرک را ندارند .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از «الزانی لا ینکح . . .»، «لما یلیق به أن ینکح» باشد؛ یعنی، آیه شریفه حاکی از بی لیاقتی مرد معروف به زنا، برای گزینش همسر از میان زنان مؤمن باشد.

7 - ممنوعیت ازدواج زناکاران با مؤمنان ، یکی دیگر از کیفر های الهی درباره آنان

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه فوق و آیه پیشین، در مقام بیان کیفر گناه زنا است و در واقع بیانگر این نکته است که گناه زنا، دارای دو کیفر دنیوی است: 1- صد ضربه شلاق، 2- محرومیت از ازدواج با مؤمنان.

9 - مردان و زنان زناکار ، مردمی بی ارزش و از نظر شایستگی و هم کفوی برای ازدواج ، در ردیف مشرکان اند .

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذلك

از آن جا که زنان و مردان زناکار، تنها با مردان و زنان زناکار و یا مشرک می توانند ازدواج کنند؛ نه با مردان و زنان عفیف و با ارزش (مؤمن)،

برداشت یاد شده به دست می آید.

82- ایمان زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 11

11 - « عن زراره قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه » قال : هنّ نساء مشهورات بالزنا ، و رجال مشهورون بالزنا ، شهروا به و عرفوا ، والناس الیوم بذالک المنزله فمن أقیم علیه حدّ الزنا أو متهم بالزنا لم ینبغ لأحد أن یناکحه حتی یرف منه التوبه ؛

زراره گوید: از امام صادق (ع) در باره سخن خدای - عزوجل - «الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه» سؤال کردم؟ حضرت در پاسخ فرمود: آنان زنان و مردانی اند که به زناکاری (در میان مردم) مشهور و معروف شده اند. این حکم برای مردم این زمان هم باقی است و برای احدی، سزاوار نیست با کسی ازدواج کند که حد زنا بر او جاری شده یا متهم به زنا شده است؛ مگر آن

ص: 279

که توبه او محرز شود».

83- بی ارزشی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 9

9- مردان و زنان زناکار، مردمی بی ارزش و از نظر شایستگی و هم کفوی برای ازدواج، در ردیف مشرکان اند.

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک و حرّم ذلک

از آن جا که زنان و مردان زناکار، تنها با مردان و زنان زناکار و یا مشرک می توانند ازدواج کنند؛ نه با مردان و زنان عقیف و با ارزش (مؤمن)، برداشت یاد شده به دست می آید.

84- تعزیر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 17

17 - حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

والّتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهنّ فی البیوت حتی یتوفیهنّ الموت او یج

امام صادق (ع) درباره «سبیل» در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 60؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 353، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 2

2- آزار و تعزیر، کیفر مرد و زن بی شوهری که مرتکب زنا شوند.*

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون مراد از «و الّتی» در آیه قبل بنابر یک احتمال زنان شوهردار بودند، آیه مورد بحث می تواند درباره زنان بی شوهر باشد. بنابراین مراد از «الذان»، مرد و زن بی شوهر است.

85- توبه زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 6

6- زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط)، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله «فان تابا . . .» عطف بر جمله ای محذوف باشد؛ یعنی «فاذوهما ان لم یتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا

ص: 280

عنهما».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 70 - 1,4,5

1 - کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، از عذاب و کیفر دوچندان و خوار کننده آن گناهان در امان خواهند بود.

و من يفعل ذلك ... يضعف له العذاب ... إلا من تاب وءامن و عمل عملاً صلحاً

جمله «إلا من تاب...» استثنا از عموم مستفاد از «من» در «من يفعل...» است.

4 - کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد.

و من يفعل ذلك ... يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبدل الله سيئ

در این که مقصود از تبدیل «سینات» به «حسنات» چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: 1- تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک؛ به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای «سینه»، «حسنة» نوشته شود. 2- تبدیل آثار و پیامدهای «سینات» - که عقاب است - به آثار و پیامدهای «حسنات» - که ثواب است - . گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

5 - کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها، آثار خوبی ها (ثواب) قرار می دهد.

و من يفعل ذلك ... يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبدل الله سيئ

86- حبس زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 17,18,11,7,2,1

1 - کیفر زن در صورت ارتکاب زنا، حبس ابد است.

و التي يأتين الفاحشه من نسائكم ... فامسكوهن في البيوت

«الفاحشه» به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

2 - کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . *

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهن فی البیوت

7 - حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفیهن الموت

چنانچه مراد از «کُم»، مردان مسلمان باشند ; ظاهراً مقصود از «نساء» همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

11 - کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

والتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم فان شهدوا

چون مخاطبان «منکم» مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به

ص: 281

کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

17 - حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ... فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجِ

امام صادق (ع) درباره «سبیل» در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 60؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 353، ح 2.

18 - حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسکوهنّ فی البیوت

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه .. كانت المرأه ... ادخلت بیتاً ولم تحدث و لم تکلم و لم تجالس و اوتیت فیہ بطعامها و شرابها حتی تموت ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 61؛ نورالثقلین، ج 1، ص 456، ح 124.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 14

14 - حبس، کیفر فحشای دوشیزگان

وَالَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُوهُمَا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا اتت الفاحشه التي اتتها هذه الثیب، و درباره «اذوهما» فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 61؛ نورالثقلین، ج 1، ص 456، ح 124.

87- حد زناکار مسیحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - « قُدِّمَ إِلَى الْمُتَوَكِّلِ رَجُلٌ نَصْرَانِيٌّ فَجَرَّ بِأَمْرِهِ مُسْلِمَةً فَأَرَادَ أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدَّ فَأَسْلَمَ . . . فَأَمَرَ الْمُتَوَكِّلُ بِالْكِتَابِ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ (ع) وَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ فَلَمَّا قَرَأَ الْكِتَابَ كَتَبَ : يُضَرُّ رَبُّ حَتَّى يَمُوتَ . . . فَكَتَبَ إِلَيْهِ : أَنْ فَقِهَاءَ الْمُسْلِمِينَ قَدْ أَنْكَرُوا هَذَا وَقَالُوا : لَمْ يَجِءْ بِهِ سَنَهُ وَلَمْ يَنْطِقْ بِهِ كِتَابٌ فَبَيَّنَ لَنَا . . . فَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « فَلَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَانَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كَتَبْنَا بِهِ مُشْرِكِينَ . فَلَمْ يَكْ يَنْفَعَهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بِأَسْنَانَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ » قَالَ : فَأَمَرَ بِهِ الْمُتَوَكِّلُ فَضْرَبَ حَتَّى مَاتَ ;

یک مرد مسیحی را - که با زنی مسلمان زنا کرده بود - به نزد متوکل عباسی آوردند. پس آن گاه که خواست بر او حد جاری کند، آن مرد مسلمان شد ... متوکل دستور داد نامه ای به امام هادی (ع) نوشته شود و از ایشان درباره حکم این مسأله پرسش گردد. و آن گاه که امام (ع) نامه را خواند در جواب نوشت: او را بزنند تا بمیرد. سپس متوکل برای امام (ع) نوشت: فقهای مسلمانان این حکم را انکار می کنند و می گویند: این حکم نه در سنت آمده و نه کتاب الهی از آن سخن گفته است، پس

بیان کن برای ما... آن گاه امام هادی(ع) [درباره منبع این حکم] نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين. فلم يك ينفعهم إيمانهم لما رأوا بأسنا سنت الله التي قد خلت في عباده وقد خسر هنالك الكافرون». پس متوکل دستور داد تا او را زدند تا مرد.».

88- ذلت اخروی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 7

7 - گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فيه مهاناً

89- ذلت زناکار مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 6

6 - کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در حال خواری و برای همیشه در عذاب الهی گرفتار خواهند شد

و یخلد فيه مهاناً

فوق مبتنی بر همین نظریه است. و چنان چه «ذلک» اشاره به یکایک گناهان یاد شده به صورت مستقل باشد، در این صورت چون اتفاق همه علما و مفسران بر آن است که زناکار به عذاب ابدی در قیامت گرفتار نمی شود، از این رو مقصود از «یخلد» طولانی بودن عذاب است نه جاودانگی آن.

90- رجم زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 19

19 - صد تازیانه و یک سال تبعید ، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم ، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او يجعل الله لهنَّ سبیلاً

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: قد جعل الله لهن السبیل البکر بالبکر جلد مأه و تغریب عام و الثیب بالثیب جلد مأه و الرجم.

مجمع البيان، ج 3، ص 34؛ نورالثقلين، ج 1، ص 456، ح 122.

ص: 283

91- زناکار باکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 16 - 14

14 - حبس ، کیفر فحشای دوشیزگان

و الذان یأتینها منکم فاذوهما

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا اتت الفاحشه التي اتتها هذه الثیب، و درباره «اذوهما» فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 227، ح 61؛ نورالثقلین، ج 1، ص 456، ح 124.

92- زناکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 68 - 10

10 - مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهاً .. و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثاماً

«ذلک» اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و «اثام» به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

93- سنگسار زناکار محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 43 - 12

12 - سنگسار کردن ، مجازات زناى محصنه در تورات

و عندهم التوریه فیها حکم الله

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زناى محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و از «ابن صوری»، که داناترین مردم به تورات بود، بر وجود این حکم در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 10

10 - « عن أبي جعفر (ع) . . . و أنزل بالمدينه « الزانى لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین » فلم یسم الله الزانى مؤمناً و لا الزانیه مؤمنه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که این آیه در مدینه نازل شده است: «الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک و حرّم ذالک علی المؤمنین». پس خدا مرد زناکار و زن زناکار را مؤمن ننماید است».

ص: 284

95- عبرت از کیفر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 15

15- پیشگیری از ارتکاب فحشا و عبرت آموزی ، فلسفه تشریح کیفر زنا و اجرای آن در ملأ عام

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

برداشت یاد شده، به خاطر این است که مشاهده کیفر زنا، بی تردید باعث عبرت گیری و موجب پیشگیری از ارتکاب به آن خواهد شد.

96- عذاب اخروی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 8

8 - کسانی که به گناه شرک ، آدم کشی و زنا دست بیالایند ، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد .

يضعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهاناً

97- عذاب جسمانی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 8

8 - کسانی که به گناه شرک ، آدم کشی و زنا دست بیالایند ، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد .

يضعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهاناً

98- عذاب روحی زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 8

8 - کسانی که به گناه شرک ، آدم کشی و زنا دست بیالایند ، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد .

يضعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهاناً

99- کیفر اخروی زناکار مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 69 - 2، 1

1 - کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

يضعف له العذاب يوم القيمة

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: 1- مقصود از «یضاعف..» دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند؛ زیرا شرک موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. 2- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

2- شرک، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی، زنا و...) در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

100- کیفر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 15 - 3، 1

1 - کیفر زن در صورت ارتکاب زنا، حبس ابد است .

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهن فی البیوت

«الفاحشه» به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

3 - زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد، به حبس ابد محکوم می شود .

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم

چنانچه «کُم» خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از «نساء» زنان مسلمان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- لزوم تداوم ایدای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله «فان تابا .. فاعرضوا» عطف بر «فاذوهما» و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 4، 1

1- صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

«جلد» (مصدر «اجلدوا») گاهی به معنای «زدن با تازیانه چرمی» و گاهی به معنای «بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن»

ص: 286

می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

2- صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر کدام از زن و مرد زناکار، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

4- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 3 - 7

7 - ممنوعیت ازدواج زناکاران با مؤمنان، یکی دیگر از کیفرهای الهی درباره آنان

الزانی لا ینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لا ینکحها إلاّ زان أو مشرک

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه فوق و آیه پیشین، در مقام بیان کیفر گناه زنا است و در واقع بیانگر این نکته است که گناه زنا، دارای دو کیفر دنیوی است: 1- صد ضربه شلاق، 2- محرومیت از ازدواج با مؤمنان.

101- ممنوعیت ترحم بر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 6

6- رأفت و ترحم بر زناکاران به هنگام اجرای کیفر الهی بر آنان، اکیداً ممنوع است.

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لا تأخذکم بهما رأفه فی دین الله

جمله «لا تأخذکم بهما رأفه..» می تواند به این معنا باشد که به هنگام اجرای کیفر، نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات شخصی قرار گیریم و در کیفر زناکاران تخفیف قائل شویم. هم چنین می تواند به این معنا باشد که نباید تحت تأثیر عواطف و احساسات، از کیفر آنان صرف نظر کنیم؛ هرچند آن عواطف و احساسات، برخاسته از تعلقات و وابستگی های فرد، به شخص مجرم نباشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال اول است.

4- زنان

1- زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 -

10،11،12،15،16،18

10 - مریم ، برگزیده الهی و سرآمد زنان جهان

یا مریم انّ الله .. و اصطفیک علی نساء العالمین

کلمه «اصطفاء» آنگاه که با «علی» متعدی شود به معنای مقدم بودن و سرآمد شدن است. و آنگاه که مطلق ذکر شود به معنای انتخاب است. بنابراین «اصطفیک» در جمله «انّ الله اصطفیک» به معنای انتخاب و گزینش مریم است و در «اصطفیک علی نساء العالمین»، به معنای مقدم داشتن او بر دیگران است.

11 - خلوص و پاکی مریم و برگزیدگی او ، زمینه سرآمد شدن او بر زنان جهان

انّ الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

به نظر می رسد تقدیم جمله «اصطفیک و طهرک» بر «اصطفیک علی نساء العالمین»، دلالت داشته باشد بر دخالت برگزیدگی و طهارت مریم برای سرآمد شدن او.

12 - مریم ، نمونه و الگویی برای تمامی زنان عالم

اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

15 - مریم ، برگزیده خداون از نسل انبیای الهی

یا مریم انّ الله اصطفیک

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: .. اصطفیک من ذریّه الانبیاء.

مجمع البیان، ج 2، ص 746، نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 130.

16 - مریم ، زنی که از میان زنان جهان ، برای زادن عیسی بدون پدر برگزیده شد .

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: .. اصفیك لولاده عیسی من غیر فحل.

مجمع البیان، ج 2، ص 746؛ نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 130.

18 - مریم برگزیده و سرآمد زنان عصر خویش

و اصفیك علی نساء العالمین

امام صادق (ع) فرمود: فرشتگان به حضرت فاطمه زهرا (س) گفتند: .. انّ مریم کانت سیّده نساء عالمها ...

علل الشرایع، ص 182، ح 1، باب 146. و ص 337، ح 131؛ نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 129.

ص: 288

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 12

12 - مریم ، مأمور نمازگزاردن همراه با نمازگزاران (نماز جماعت) *

و ارکعی مع الزاکعین

بنابراینکه مراد از رکوع، نماز باشد؛ از باب نامگذاری کل به نام جزء.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 44 - 7,8,9,10,12,13

7 - نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم ، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم . . . اذ یختصمون

8 - شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه ، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار «ما کنت لدیهم»، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

9 - شخصیت والای معنوی مریم ، مایه رقابت سران کنیسه در سرپرستی او *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم . . . اذ یختصمون

ظاهراً نزاع افراد برای به دست آوردن سرپرستی حضرت مریم بوده است و نه به عهده دیگری گذاشتن

10 - شناخته بودن شخصیت معنوی مریم (س) ، در عصر خویش *

ایهم یکفل مریم . . . اذ یختصمون

چون هر یک از سران کنیسه خواهان سرپرستی مریم بودند و در این باره با یکدیگر نزاع می کردند، معلوم می شود که عظمت شخصیت آن حضرت برای همگان روشن و آشکار بوده است.

12 - انجام قرعه کشی بین شش نفر ، برای تعیین سرپرست مریم (س)

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

امام باقر (ع): اول من سوهم عليه مريم بنت عمران و هو قول الله عزّ و جل «و ما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايهم يكفل مريم» و السهام
سته.

من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 51، ح 1، ب 38؛ خصال صدوق، ص 156، ح 198، باب الثلاثة.

13 - قرعه كشي برای تعیین سرپرست مريم، به هنگام درگذشت پدر وی

اذ يلقون اقلامهم ايهم يكفل مريم

امام باقر (ع): ... «اذ يلقون اقلامهم ايهم يكفل مريم» حين أيتمت من ايها.

تفسير عياشي، ج 1، ص 173، ح 47؛ بحار الانوار، ج 14، ص 192، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 45 - 15

15 - خداوند مريم را آگاه ساخت که فرزندی بدون پدر خواهد آورد .

انّ الله يبشرك بكلمه منه .. عيسى ابن مريم

چون معمولاً فرزند را به پدر نسبت می دهند، خداوند با نسبت دادن عيسى (ع) به مادر (عيسى ابن مريم)، به مريم تفهيم

ص: 289

کرد که فرزندش بدون پدر زاده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 46 - 2

2 - بشارت خدا به مریم ، در مورد زنده ماندن عیسی (ع) تا میانسالی

بیشترک ... و یکلم الناس ... و کهلا

«کهل» به معنای میانسالی است. (مجمع البیان)

2- آثار اجتماعی ازدیاد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 4 - 28 - 12،13

12 - افزایش نامتعادل تعداد زنان بر مردان در یک جامعه ، در پی دارنده ضعف و زبونی آن

یستضعف طائفه منهم ... و يستحیی نساءهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، زنده گذاشته شدن دختران بنی اسرائیل را، یکی دیگر از نمودهای زیون سازی فرعون به شمار آورده است.

13 - تفرقه میان مردم و افزایش بسیار و نامتعادل زنان بر مردان در یک جامعه ، از عوامل فساد و تباهی آن جامعه و مردم

جعل أهلها شیعیاً یستضعف طائفه منهم یدبّح أبناءهم و یستحیی نساءهم إنّه کان من المف

3- آثار اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 1،2،4،6،7

1 - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته المنفقون .. لنغریتنک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً. ملعونین

«ملعونین» حال برای ضمیر فاعلی «لایجاورون» است.

2 - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیمار دلان ، موجب سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغریبک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ

4 - منافقان آزار دهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون .. لنغریبک بهم ... اینما تقفوا أخذوا و قتلوا تقتیلاً

«تقف» (مصدر «تقفوا») به معنای «مهارت در درک و انجام دادن کار» است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای «به دست آوردن و دستیازی» استعمال شده است.

6 - بیمار دلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

ص: 290

لئن لم ينته .. و الذين فى قلوبهم مرض ... ملعونين أينما ثقفوا أخذوا وقتلوا

7- ادامه دهندگان به فساد در جامعه ، با آزار و اذیت زنان مؤمن ، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند .

لئن لم ينته المنفقون و .. لنعریک بهم ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا وقتلوا

«این» مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

4- آثار ازدیاد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

5- آثار ایمان زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 25 - 10

10 - خطر آفرین نبودن ایمان دختران بنی اسرائیل به آیین موسی ، برای حکومت و اقتدار فرعونیان

و استحيوا نساءهم

فرمان زنده نگه داشتن دختران مؤمنان به موسی(ع) - علی رغم فرمان عمومی کشتار فرزندان آنان - می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

6- آثار بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 18

18 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در دعا برای زنان بیعت کننده با آن حضرت و آمرزش خواهی برای آنان

و استغفر لهنّ الله

7- آثار عفت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5 - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

ص: 291

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

8- آثار مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 14

14- یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است.

إن ربی بکیدهہنّ علیم

9- آموزش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 19

19 - مردان و زنان صدقه پرداز، مورد مغفرت خداوندند.

و المتصدّقین و المتصدّقت .. أعدّ الله لهم مغفره

10- آموزش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 1,3

1 - مردان و زنانی که در برابر خداوند، سر تسلیم فرود می آورند، از آموزش خداوند برخوردارند.

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ الله لهم مغفره

بنابراین که «مسلمین» از ریشه لغوی آن (سلم) و به همان معنای لغوی اش باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

3 - مردان و زنان مسلمان، مشمول آموزش و غفران الهی اند.

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ الله لهم مغفره

بنابراین احتمال که مراد از «المسلمین» معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

11- آموزش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 16

ص: 292

16 - مردان و زنان فروتن ، از آمرزش خداوند ، برخوردار خواهند بود .

و الخشعين و الخشعت . .. أعدّ الله لهم مغفرة

12- آمرزش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 9

9- مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آمرزش خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت . .. أعدّ الله لهم مغفرة و أجرًا عظیمًا

«قانت» از مصدر «قنوت» است. «قنوت» در لغت، به معنای «اطاعت خاضعانه» است (مفردات راغب).

13- آمرزش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 27

27 - مردان و زنانی که زیاد به یاد خداوندند ، از آمرزش او ، بهره مند خواهند بود .

و الذکرین الله کثیرًا و الذکرت أعدّ الله لهم مغفرة

14- آمرزش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 21

21 - مردان و زنان روزه گیر ، مشمول آمرزش خداوندند .

و الصّٰمّین و الصّٰمّت . .. أعدّ الله لهم مغفرة

15- آمرزش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 14

14 - خداوند ، مردان و زنان شکیبایا را از آموزش خود ، برخوردار می کند .

و الصبرین و الصبرت . . . أعدّ الله لهم مغفره

ص: 293

16- آموزش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 11

11 - مردان و زنان صداقت پیشه ، از آموزش خداوند برخوردارند .

و الصدقین و الصدقت .. أعدّ الله لهم مغفرة

17- آموزش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 24

24 - مردان و زنان با عفت و پاکدامن ، مشمول آموزش خداوندند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت .. أعدّ الله لهم مغفرة

18- آموزش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 29

29 - مردان و زنانی که به فراوانی خداوند را برای دیگران یادآوری می کنند از آموزش خداوند بهره مند خواهند بود .

و الذکرین الله کثیراً و الذکرت أعدّ الله لهم مغفرة

«ذکر» (مصدر «ذاکر») به دو معنا آمده است: یکی، به خاطر سپردن، و دیگری، بر زبان آوردن (مفردات راغب). احتمال دارد که مراد از ذکر زبانی، یادآوری برای دیگران باشد.

19- آموزش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 3،5

3 - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آموزش و غفران الهی اند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

بنابراین احتمال که مراد از «المسلمین» معنای اصطلاحی آن یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

5- مردان و زنان مؤمن، مشمول آمرزش خداوندند.

إِنَّ .. وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

ص: 294

20- آموزش زنان مطیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 9

9- مردان و زنان مطیع و خاضع ، از آموزش خداوند برخوردارند .

و القننتین و القننت .. أعد الله لهم مغفرة وأجرًا عظيمًا

«قانت» از مصدر «قنوت» است. «قنوت» در لغت، به معنای «اطاعت خاضعانه» است (مفردات راغب).

21- اباحه غنیمت زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 10

10 - به غنیمت گرفتن زنان کافر ، در شرایطی خاص ، مباح است .

إنا أحللنا لك .. ما ملكت يمينك مما أفاء الله عليك

مراد از «ملک یمین» کنیزی بوده اند که از دشمن به اسارت درمی آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

22- احترام زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 9

9- حجاب و پوشش مناسب ، دژ مستحکمی برای حفظ زنان مؤمن است .

قل .. یدنین علیهنّ من جلبیهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

23- احکام زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 26

26 - احكام مربوط به زنان مهاجر و زنان كافر ، احكامى الهى و لازم الاجرا است .

ذلكم حكم الله يحكم بينكم

مشاراليه «ذلك»، مجموع احكام مطرح شده در آيه شريفه است كه مربوط به زنان مهاجر و كافر مى باشد.

24- احكام زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 295

26 - احكام مربوط به زنان مهاجر و زنان كافر ، احكامى الهى و لازم الاجرا است .

ذلكم حكم الله يحكم بينكم

مشاراليه «ذلك»، مجموع احكام مطرح شده در آيه شريفه است كه مربوط به زنان مهاجر و كافر مى باشد.

25- اذيت زنان گناهكار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 58 - 5

5 - آزار و اذيت مردان و زنان مؤمن ، در قبال گناه شان ، منعى ندارد .

و الذين يؤذون المؤمنين .. بغير ما اكتسبوا

قيد «بغير ما اكتسبوا» احترازي است و مفهوم اش اين است كه در صورت ارتكاب جرم و گناه، آزار و اذيت - با رعايت شرايط - جايز است.

26- اذيت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 58 - 10، 3

3 - آزار و اذيت مردان و زنان مؤمن بى گناه ، گناه بوده و بايد از آن اجتناب كرد .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنت .. فقد احتملوا ... إثمًا مبيّنًا

10 - آزاردهندگان مردان و زنان مؤمن ، مورد تهديد خداوندند .

و الذين يؤذون المؤمنين .. فقد احتملوا ... إثمًا مبيّنًا

گناه معرفى كردن آزار و اذيت مؤمنان، هشدار به افراد اذيت كننده است تا مواظب كار خود باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 60 - 1، 2، 3

1 - هشدار شدید خداوند ، به منافقان مدینه ، برای پرهیز از آزار و اذیت زنان مسلمان

لئن لم ینته المنفقون . . . لغرینک بهم

مفعول فعل «ینته» ذکر نشده و به قرینه آیه پیش می تواند آزار و اذیتی باشد که درباره زنان مسلمان روا داشته می شد. لازم به ذکر است که مصدر ثلاثی «نغرین» ، «غراء» است و «غری به» در لغت به معنای «الصاق و چسباندن» است (مفردات راغب). این واژه در آیه، کنایه از تسلط همه جانبه و سخت و گریزناپذیر است.

2 - منافقان ، در مدینه ، فعال بودند و زنان مسلمان را مورد تعرض و مزاحمت قرار می دادند .

لئن لم ینته المنفقون . . . لغرینک

3 - افرادی ضعیف الایمان و بیمار دل ، در مدینه بودند که متعرض زنان مؤمن می شدند .

لئن لم ینته . . . و الذین فی قلوبهم مرض ... لغرینک بهم

ص: 296

27- اذیت زنان مؤمن در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 11

11 - در عصر پیامبر افرادی بودند که مزاحم زنان مسلمان مدینه می شدند .

ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

28- اذیتهای منافقان به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 1،4

1 - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته المنفقون . . . لنغرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً . ملعونین

«ملعونین» حال برای ضمیر فاعلی «لایجاورون» است.

4 - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون . . . لنغرینک بهم ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

«ثقف» (مصدر «ثقفوا») به معنای «مهارت در درک و انجام دادن کار» است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای «به دست آوردن و دستیازی» استعمال شده است.

29- ارزش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 22

22 - ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات . . . أولئک سیر حمهم الله

30- ازدواج با زنان پلید

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف ، ممنوع است .

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لا ینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

31- ازدواج با زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5,6,2

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عفیف، ممنوع است.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لا ینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

5 - زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار)، تنها شایسته مردان نیک، و مردان نیک، تنها شایسته زنان نیک اند.

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

6 - زنان پاکدامن و منزله از فحشا، تنها با مردان پاکدامن، و مردان پاکدامن و منزله از فحشا، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا، ممنوع است.

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

32- ازدواج با زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 15,16,17,18

15 - ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دختر عموهای خود که مهاجرت کرده بودند، جایز و روا بود.

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ . . . وَبَنَاتِ عَمِّكَ ... الّ-تی هاجرن معک

قید «اللاتی هاجرن معک» قید احترازی است و غیر مهاجرها را از حکم بیرون می کند.

16 - ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دختر عمه هایش که مهاجرت کرده بودند روا بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ . . . وَبَنَاتِ عَمِّ-كَ

17 - ازدواج حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با دختر دایی هایش که مهاجرت کرده بودند ، روا بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ . . . وَبَنَاتِ خَالَكَ

18 - ازدواج حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با دختر خاله هایش که مهاجرت کرده بودند ، روا بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ . . . وَبَنَاتِ خَلِّ-تَكَ

ص: 298

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 18

18 - جواز همسری مؤمنان ، با زنان مؤمن مهاجر گریخته از همسران کافر خویش

و لاجنح علیکم آن تنکوهنّ

33- استعمار زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 49 - 8

8 - استعمار زنان بنی اسرائیل ، هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوء العذاب . . . و یستحیون نساءکم

استعمار زنان، توجیه دیگری است بر اینکه، چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 141 - 9

9 - استعمار زنان بنی اسرائیل هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوء العذاب . . . یستحیون نساءکم

استعمار زنان، توجیه و احتمال دیگری است بر اینکه چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است.

34- استحیای زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 49 - 4,5,8

4 - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناکم و یستحیون نساءکم

«ذبح» به معنای سربریدن است و «تذبیح» (مصدر یذبحون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. «استحیاء» (مصدر

یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

5- کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناکم و یستحیون نساءکم

جمله «یذبحون . . .» می تواند تفسیر جمله قبل باشد؛ یعنی، منظور از «سوءالعذاب» همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد؛ یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

8- استعمار زنان بنی اسرائیل، هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان*

یسومونکم سوءالعذاب . . . و یستحیون نساءکم

استعمار زنان، توجیه دیگری است بر اینکه، چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است؟

ص: 299

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 127 - 11

11 - فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتل أبناءهم و نستحي نساءهم

تقتیل (مصدر تقتل) به معنای کشتار وسیع است. «استحیاء» از ماده «حیات» به معنای زنده نگاه داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 141 - 6,7,9

6 - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را می کشتند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یقتلون أبناءکم و یستحيون نساءکم

«تقتیل» (مصدر یقتلون) به معنای کثرت کشتار است و «استحیاء» به معنای باقی گذاردن بر زندگانی است.

7 - کشتار گسترده پسران و زنده نگاه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحيون نساءکم

جمله «یقتلون أبناءکم و یستحيون نساءکم» می تواند تفسیر جمله قبل باشد ; یعنی منظور از «سوء العذاب» همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ; یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ; از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

9 - استعمار زنان بنی اسرائیل هدف فرعونیان از زنده نگاه داشتن ایشان *

یسومونکم سوء العذاب . . . یستحيون نساءکم

استعمار زنان، توجیه و احتمال دیگری است بر اینکه چرا زنده گذاشتن زنان به عنوان یک عذاب مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 13,14,17

13 - سر بریدن پسران و زنده نگاه داشتن زنان بنی اسرائیل ، بدترین نوع تحمیل شکنجه و آزار از سوی فرعونیان به آنان

یسومونکم سوء العذاب و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

آوردن «یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم» پس از «یسومونکم» می تواند جمله تفسیری برای آن باشد. در این صورت، این دو مورد، شرح شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه آل فرعون است.

14- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

17- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود.

إذ أنجکم من آل فرعون . . . و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

ص: 300

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه «ذلکم» نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 25 - 9

9 - زنده گذاشتن دختران مؤمنان - علی رغم کشتار پسران آنان - اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحووا نساءهم

35- استخوانهای پشت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 2

1 - محل پیدایش نطفه مرد (منی) ، بین تیره پشت و استخوان های قفسه سینه قرار دارد .

یخرج من بین الصلب و الترائب

«صلب»؛ استخوانی است که از قسمت بالای پشت، نزدیک گردن شروع شده و تا دنبالچه (که جای آن در انسان در جایگاه دم در حیوانات است) ادامه یافته است (قاموس). «تربیه» (مفرد «ترائب»); یعنی، بالاترین استخوان قفسه سینه که زیر چانه قرار گرفته است (نهایه ابن اثیر). تمام اهل لغت آن را جای گردن بند از قفسه سینه می دانند (لسان العرب). برخی آن را به تمام استخوان های قفسه سینه و گروهی به چهار استخوان از سمت راست و چهار استخوان از سمت چپ اطلاق می کنند (قاموس). خروج نطفه از آن محل، ممکن است به اعتبار تغذیه کیسه منی از آن جا باشد.

2- بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

چنانچه مراد از «ماء دافق» در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

36- استخوانهای سینه زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 7 - 2

2- بین استخوان های قفسه سینه و تیره پشت مردان و زنان ، جایگاه خروج عنصر تشکیل دهنده جسم انسان است . *

يخرج من بين الصلب و الترائب

چنانچه مراد از «ماء دافق» در آیه قبل، نطفه مرد و تخمک زن باشد، مفاد این آیه نیز مشترک خواهد بود.

37- استرداد زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 2

ص: 301

2- عدم شمول « عهدنامه حدیبیه » نسبت به بازگرداندن زنان مؤمن مهاجر ، به اهل مکه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ

از شأن نزول استفاده می شود که آیه شریفه، به مضمون پیمان حدیبیه نظر دارد. طبق این پیمان مؤمنان مدینه ملزم بودند تا کسانی که پس از آن تاریخ، از مکه به مدینه هجرت می کنند، به مکان عودت دهند.

38- استقامت زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 8

8- پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

39- افساد زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 11، 6

6- زنان در پیدایش روابط نامشروع جنسی و انحرافات اخلاقی ، نقشی عمده و بسزا دارند .

إِنَّهُنَّ مِنْ كَيْدِكُنَّ

برداشت فوق ، با توجه به این احتمال است که ضمیر در «إِنَّهُنَّ» به مراده وصال - که از «هی رودنتی . . .» به دست می آید - باز گردد.

11- حيله و مکر ، از ابزار های زنان برای ایجاد فساد و انحراف

إِنَّهُنَّ مِنْ كَيْدِكُنَّ

40- اقرار زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 19

19- اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه . . . وقلن حش لله ما هذا بشرًا

41- امتحان زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 1

ص: 302

1 - رهنمود الهی به مؤمنان عصر پیامبر ، در آزمودن ایمان زنان مهاجر ، قبل از پناه دادن به ایشان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجِرَاتٍ فَامْتَحِنوهُنَّ

شان نزول آیه شریفه، راجع به هجرت زنان از مکه به مدینه است.

42- انحرافات اخلاقی زنان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 10

10 - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی - اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أَن لَّيُشْرِكَنَّ... لَّيَسْرِقَنَّ... لَّا يَزْنِيَنَّ... وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ

تصریح پیامبر(صلی الله علیه و آله) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

43- انحرافات اعتقادی زنان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 10

10 - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی - اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أَن لَّيُشْرِكَنَّ... لَّيَسْرِقَنَّ... لَّا يَزْنِيَنَّ... وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ

تصریح پیامبر(صلی الله علیه و آله) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

44- بارداری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 9

9 - احاطه علمی خداوند بر باردار شدن زنان و نیز بر نوزادان آنها

وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا عَلْمَهُ

45- بازجویی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 303

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

3- بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه . . . قال ما خطبکتنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم انی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «یعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

46- بیعت زنان با محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در پذیرش بیعت زنان گرویده به ایمان و پایبند به لوازم آن

یاأیها النبیّ إذا جاءک . . . فبیعهنّ

27 - « عن أبی عبد الله (ع) قال : لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ مَكَّةَ بِأَيِّعِ الرَّجَالِ ثُمَّ جَاءَ النِّسَاءَ بِبَايَعْنَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِبَايَعْنِكَ . . . فَبَايَعْنَهُ » . . . فَقَالَتْ أُمُّ حَكِيمٍ : . . . يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَبَايَعُكَ ؟ قَالَ : إِنِّي لَا أَصَافِحُ النِّسَاءَ فَدَعَا بِقَدْحٍ مِنْ مَاءٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ ثُمَّ أَخْرَجَ هَا فَقَالَ أَدْخُلْنَ أُيْدِيكُمْ فِي هَذِهِ الْمَاءِ فَهِيَ الْبَيْعَةُ ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مکه را فتح کرد، مردان با آن حضرت بیعت کردند. سپس زنان آمدند تا بیعت کنند. خدای عزوجل این آیه را نازل فرمود (یا ایها النبی إذا جائک المؤمنات... فبایعهن...) ... زنی به نام ام حکیم گفت: ... ای رسول خدا! چگونه بیعت کنیم؟ حضرت فرمود: من با زنان مصافحه نمی کنم و قدحی از آب خواست و دست خود را در آب فرو برد و بیرون آورد و فرمود: دست های خود را در این آب فرو برید و همین بیعت است».

47- بینش زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 8

8- شیفته غلام زر خرید شدن و تقاضای کام روایی از او، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًا إنا لنریها فی ضلل مبین

ص: 304

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان «برده و جوانک زلیخا»، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زر خرید عشق میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 24، 23

23- زنان اشراف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلا ملك كريم

24- زنان ملامت کننده زلیخا ، با مشاهده یوسف (ع) ، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأينه أكبرنه .. إن هذا إلا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 7

7- یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

48- پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 5

5- پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحاً .. یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران - که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد - گویای حقیقت یاد شده است.

49- پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 8

8- برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

50- پاداش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 305

14 - احزاب - 33 - 35 - 20

20 - مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدقين و المتصدقات .. أعد الله لهم ... أجرًا عظيمًا

51- پاداش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 2

2 - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمين و المسلمات .. أعد الله لهم مغفرة و أجرًا عظيمًا

52- پاداش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 17

17 - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعين و الخشعات .. أعد الله لهم ... أجرًا عظيمًا

53- پاداش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 10

10 - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنيتين و القننت .. أعد الله لهم ... أجرًا عظيمًا

54- پاداش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 28

28 - مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّٰه لهنّ .. . أجرًا عظیمًا

ص: 306

55- پاداش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 22

22 - مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰمِیْن و الصّٰمِیْمَت .. اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ ... اَجْرًا عَظِیْمًا

56- پاداش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 15

15 - مردان و زنان شکيبا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصّٰبِرِیْن و الصّٰبِرٰت .. اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ ... اَجْرًا عَظِیْمًا

57- پاداش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 12

12 - مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰدِقِیْن و الصّٰدِقٰت .. اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ ... اَجْرًا عَظِیْمًا

58- پاداش زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 3

3 - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنّٰه

59- پاداش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 25

25 - مردان و زنان عقیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فوجهم و الحفظت .. أعدّ الله لهم... أجرًا عظیمًا

ص: 307

60- پاداش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 30

30 - مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّٰه لهنّ .. . أجرًا عظیمًا

61- پاداش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 4

4 - مردان و زنان مسلمان ، از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت .. . أعدّ اللّٰه لهنّ ... أجرًا عظیمًا

62- پاداش زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 6

6 - مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إنّ .. . و المؤمنین و المؤمنت .. . أعدّ اللّٰه لهنّ ... أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 3

3 - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 5

5 - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات

قرار گرفتن وصف «المؤمنات» در کنار «المؤمنین»، می‌رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

ص: 308

63- پاداش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 22

22 - ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

64- پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 1,2,4

1- پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبكنّ

2- پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

«خطب» به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبكنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبكنّ...» ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

65- پذیرایی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 6,7

6- زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا

7- زلیخا خود، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود.

وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مَتَكِنًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا

ضمیر در «أَعْتَدَتْ» و «أَتَتْ» به «امرات العزیز» برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أُعْتِدَ) و (أُوتِيتَ) آورده می شد.

ص: 309

66- تحقیر زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 4 - 7

7 - جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

67- تساوی زن و مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 58 - 4

4 - زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات .. فقد احتملوا بهتناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 124 - 3,4

3 - زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

4 - ایمان و عمل صالح ، معیار ارزش انسانهاست ؛ نه جنسیت ایشان .

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 3

3 - همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفة بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

22 - ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- زن و مرد، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی و فاقد کمترین تمایز در انسانیت

والله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

این برداشت به خاطر این است که همه انسانها - اعم از مرد و زن - مخاطب «أنفسکم» قرار گرفته اند و همه آنها دارای جان و روح واحدی شمرده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - تساوی شرایط، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یارد لعان

والخمسه أن لعنت الله علیه . . . والخمسه أن غضب الله علیها إن کان من الصدقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - زنان نیز همچون مردان، زمینه دار دستیابی به مقامات بالای معنوی

و أوحینا إلی أم موسی أن أرضعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 3، 2

2 - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

از قید «من أنفسکم» استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

3 - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أن خلقکم من تراب . . . خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 7

7 - جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آمرزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

ص: 311

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 6

6- زنان ، مستقل از مردان ، دارای مسؤولیت اند و به آنان نیز مانند مردان ، امانت الهی عرضه شده است .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ .. لِيَعْتَبَ اللَّهُ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 4

4- همانندی و یکسانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا وازوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن «ازواج» (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 153 - 2

2- فرزند پسر و دختر برابرند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند .

أصطفى البنات على البنين

همزه در «أصطفى» برای استفهام انکاری است و انکار برگزیدن دختر به جای پسر، انکار اصل برتری پسر بر دختر و دختر بر پسر نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 4

4- زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقكم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 8,9

8 - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغي

9 - برابری ارزش کارها و رفتار زنان و مردان

و من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 6

6 - همسانی مرد و زن در حقیقت انسانیت

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

ص: 312

ذکر «من أنفسکم» بیانگر آن است که زن و مرد از یک حقیقت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 7،9

7- دختر و پسر، هر دو هدیه الهی به انسان ها

یهب لمن یشاء إناثاً و یهب لمن یشاء الذکور

9- تمایز میان دختر و پسر، مخالف اندیشه دینی است.

یهب لمن یشاء إناثاً و یهب لمن یشاء الذکور

تقدیم «إناثاً» بر «الذکور» علاوه بر رعایت فاصله و سجع، می تواند به منظور نفی اندیشه جاهلیت در مورد دختران باشد (که پسران را بر دختران ترجیح می دادند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 12

12- ایمان، ملاک ارزش و ارجمندی انسان، بی هیچ تفاوت میان مردان و زنان

و استغفر... و للمؤمنین و المؤمنات

قرار گرفتن «مؤمنات» در کنار «مؤمنین» و یاد کردن از آن دو با وصف ایمان، می رساند که تمام ارزش و ارجمندی آنان، بر محور ایمان است و در این راستا هر دو مشمول دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 5

5- همسانی زنان و مردان مؤمن، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات

قرار گرفتن وصف «المؤمنات» در کنار «المؤمنین»، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- تساوی مردان و زنان ، در ابتلا به نتایج نفاق و شرک خویش

و يعذب المنفقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16- زنان و مردان مؤمن ، دارای ارج و حرمتی همانند

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. آن تطوهم

از این که خداوند، «مؤمنات» را در کنار «مؤمنون» یاد کرده و حفظ خون و حرمت آن دو را عامل بازداشتن مؤمنان از توسل به قهر برای ورود به مکه معرفی کرده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - ارزش ها و ضوابط اخلاقی ، عام و فراگیر نسبت به زنان و مردان

لایسخر قوم من قوم . . . و لا نساء من نساء

واژه «قوم»، نزد برخی اهل لغت تنها شامل مردان است و برخی دیگر آن را شامل مرد و زن می دانند. در دیدگاه دوم، مجزاً آمدن «و لا نساء»، در واقع تأکیدی است بر این که زنان نیز چون مردان، در ارزش ها و تکالیف اخلاقی سهیم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 8

8 - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّـت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 13 - 6

6 - تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 14

14 - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگوشدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 3

3 - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان . . . ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 9

9 - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت . . . فلهم عذاب جهنم

ص: 314

68- تعجب زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 9

9- عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد.

امرات العزیز ترود فتيها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست؛ یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 15، 17

15- زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند.

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

«إكبار» (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

17- زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند.

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» - که به معنای بریدن و جدا ساختن است - در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

69- تنزیه زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 11

11 - زنان و مردان نیک سرشت و نیک کردار، از نسبت های ناروای افراد خبیث و بدخواه در باره آنان، منزّه و پیراسته اند.

للخبیثین . . . للظالمین ... أولئك مبرءون مما يقولون

مشارالیه «أولئك» «ظالمین» (مردان و زنان نیک و پاکدامن) است و مرجع ضمیر «يقولون»، «خبیثین» (مردان و زنان خبیث) می باشد.

70- تهمت به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 58 - 2، 1

1 - کسانی که با مردان و زنان مؤمن بی گناه، نسبتی ناروا بدهند، زیر بار بهتان رفته اند .

و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتناً

ص: 315

2 - نسبت ناروا به مردان و زنان مؤمن بی گناه، آزار و اذیت آنان و گناه است .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا . . . إثمًا مبینًا

به قرینه «فقد احتملوا بهتانًا» مراد از آزار و اذیت مؤمنان، تهمت زدن و نسبت ناروا دادن به آنها است.

71- جبران مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 11 - 8

8 - « عن یونس عن أصحابه عن أبی جعفر (ع) و أبی عبد الله (ع) قال : قلت : . . . و قد قال الله عزوجل فی کتابه « و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلى الکفار فعاقبتهم . . . » ما معنی العقوبه هاهنا ؟ قال : إن الذی ذهبت إمرأه فعاقب علی إمرأه أخرى غیرها یعنی تزوجها [بعقب . . . فعلى الإمام أن يعطيه مهر إمرأه الذاهبه ;

از یونس از اصحابش از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده که گفت: به امام(ع) عرض کردم: . . . خداوند عزوجل فرموده است: «و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلى الکفار فعاقبتهم» مراد از این عقوبت در این جا چیست؟ امام فرمود: مردی که همسرش از دست او رفته [و به کفار ملحق شده] و در پی آن همسر دیگری اختیار کرده . . . برعهده امام است که مهر زنی را که رفته به آن مرد بپردازد [و معنای [«عاقبتهم» یعنی پس از رفتن آن زن، همسر دیگری گرفته باشد]].

72- حجاب زنان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 16

16 - استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریح حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

73- حجاب زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 12، 3

3 - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بیوشانند .

قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

تعبیر «علیهن» شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

12 - بر زنان مؤمن آزاده، لازم است با پوشش مناسب، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند.

يدنين عليهنّ من جليبيهنّ ذلک أدنى أن يعرفن فلا يؤذین

متعلق «يعرفن» می تواند «من الإماء» باشد و می تواند چیزی شبیه «إِنَّهِنَّ حرائر» باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

ص: 316

74- حفظ حرمت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 10

10 - خداوند ، برای پاسداری حریم زنان مؤمن از تعرض مزاحمان ، عنایت ویژه ای دارد .

قل لأزواجك وبناتك و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فل

75- خطر انحراف زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4 - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

یا ایها الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

76- خطر گناه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4 - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

یا ایها الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

77- خیانت زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 10

10- زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لا يهدي كيد الخائنين

مصدق مورد نظر برای «الخائنين» زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه 35.

ص: 317

78- دست بریدن زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 17

17- زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» - که به معنای بریدن و جدا ساختن است - در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

79- دعوت از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 29

29- «عن علی بن الحسین (ع): ... فأرسلت إلیهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ باترج و «آت کل واحد منهنّ سکیناً...»؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... پس همسر عزیز [پیکی] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد...».

80- دعوت زلیخا از زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 3,4

3- زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از «به سوی آنان فرستاد» - که مفاد «أرسلت إلیهنّ» است - به قرینه جمله «و أعتدت لهنّ متکناً و...» این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

4- زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إليهنّ و أعتدت لهنّ متكئًا

81- دعوتهای زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6- زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

ص: 318

«يدعون» در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند - آنان نیز به قرینه «أصب إليهن» - یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و - به دلیل مضارع بودن «يدعون» - بر آن اصرار میورزیدند.

82- دفع مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 11

11- خداوند، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أن الله لا يهدي كيد الخائنين

83- رد مهریه زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 13

13 - جامعه ایمانی، پس از پناه دادن به زنان مهاجر، موظف به پرداخت مهریه آنان به همسرشان

وأتوهم ما أنفقوا

آیه شریفه بیانگر این نکته است که پس از آزمون ایمان زنان مهاجر، باید به ایشان پناه داد؛ ولی از سوی دیگر خرج هایی را که مرد کافر پیش از این برای آن زن متحمل شده است (مهریه)، باید به وی بازگرداند.

84- رنج زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 141 - 8

8 - زنان بنی اسرائیل به سبب کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان، لذت حیات و زنده ماندن از آنان سلب شده بود.

يسومونكم سوء العذاب يقتلون أبناءكم ويستحيون نساءكم

«زنده گذاشتن زنان» به عنوان یک عذاب برای قوم بنی اسرائیل است که از جمله آن قوم، خود زنان هستند. و چون مجرد زنده گذاشتن عذاب تلقی نمی شود، با توجه به اینکه «يستحيون» پس از «يقتلون» آمده، می توان گفت کشتن فرزندان به گونه ای بوده که زنان، یعنی

مادران جامعه، از زنده ماندن خودشان و دیدن قتل فجیع فرزندانشان در رنج و عذاب بودند. آوردن «نساء» در مقابل «أبناء» می تواند این احتمال را تأیید کند.

85- روزی اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 319

4- زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صلحاً .. فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب

86- روش برخورد با زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 4 - 7

7- جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

87- زایمان زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 14

14- آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، کاری آسان برای خداوند

والله خلقكم من تراب ثم من نطفه .. و ما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره إلا

88- زلیخا و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 29، 11

11- زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند ، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند

وقالت اخرج عليهنّ

29- « عن علی بن الحسین (ع) : . . . فأرسلت إليهنّ و هیأت لهنّ طعاماً و مجلساً ثم أتتهنّ بآترج و « آتت کل واحد منهنّ سکیناً . . .

» ؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . پس همسر عزیز [پیکری] به سوی بانوان فرستاد و از آنان دعوت کرد و برایشان طعامی آماده کرد و

مجلسی آراست و آن گاه برای بانوان ترنج آورد و به هر یک کاردی داد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 1، 2

1- زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشرف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلک الذی لمتنی فیه

2- زلیخا، نزد زنان اشرف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

ص: 320

89- زلیخا و سرزنشهای زنان مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 3

1- زلیخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به یوسف (ع)، شنید و به آن آگاهی یافت.

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل «سمع» متعدی است و نیازی به حرف «باء» برای تعدیه ندارد. بنابراین در «سمعت بمکرهنّ» معنای «علمت» اشراب شده است. از این رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

3- زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد.

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از «به سوی آنان فرستاد» - که مفاد «أرسلت إلیهنّ» است - به قرینه جمله «و أعتدت لهنّ متکناً و ..» این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

90- زلیخا و گواهی زنان اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 13

13- زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست.

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

«حصحصه» (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

91- زلیخا و محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 10

10- زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع) تشکیل شده بود، حضور داشت.

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق

ص: 321

92- زمینه اذیت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. إذ أنجكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب

93- زمینه الگو بودن زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 14

14 - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگو شدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

94- زمینه انحراف زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 14

14 - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قیل ادخلا النار مع الذلین

95- زمینه بی احترامی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 17

17- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنت .. فتصیبکم منهم معرّه

96- زمینه تکامل زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 14

14 - زنان همانند مردان ، دارای استعداد و شایستگی های لازم برای الگوشدن و دستیابی به اوج قلّه کمال

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون

ص: 322

97- زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 14

14 - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قیل ادخلا النار مع الذلین

98- زمینه مشکلات اجتماعی زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 6 - 15

15- نظام اجتماعی ظالمانه ، همچون نظام استبدادی فرعون ، از ظلمتهاست .

أخرج قومک من الظلمت إلى النور .. إذ أنجکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

99- زنان اشراف مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 11

11- ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و

پاکدامنی یوسف (ع)

فسئله ما بال النسوه الّ-تی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت «الّ-تی قطعن أیدیهنّ» داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای

خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و

مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

100- زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 3

3- زلیخا و زنان اشراف، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر، علیه او منصرف شدند.

101- فصرف عنہ کیدھن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «فصرف عنہ کیدھن» دلالت می کند

ص: 323

که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراده شده باشد.

102- زنان اشراف مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 7,9

7- زنان اشراف، تقاضای کامجویی زلیخا از برده خویش را، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند.

وقال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

«فتا» به معنای برده و عبد، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای «فتا» در «تراود فتاها» لحاظ شده باشد.

9- عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد.

امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان «همسر عزیز مصر»، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست؛ یعنی، مراده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2,24

2- عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

24- زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأیته أكبرنه .. إن هذا إلاّ ملک کریم

103- زنان اشراف مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 -

14,15,16,17,19,22,23,24

14- زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند.

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

15- زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند.

فلما رأينه أكبرنه و قطنن أیدیهنّ

«إكبار» (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

ص: 324

16- زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

17- زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

استفاده از ماده «قطع» - که به معنای بریدن و جدا ساختن است - در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

19- اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. وقلن حش لله ما هذا بشرًا

22- جمال بی مانند یوسف (ع)، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

23- زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلاّ ملك كريم

24- زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند .

فلما رأينه أكبرنه .. إن هذا إلاّ ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 6

6- زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا)، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما يدعونني إليه

«یدعون» در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند - آنان نیز به قرینه «أصب إليهنّ» - یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و - به دلیل مضارع بودن «یدعون» - بر آن اصرار میورزیدند.

5- زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکرتّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

6- زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

7- یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

ص: 325

104- زنان اشراف مصر و کامجویی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 2,3

2- زنان اشراف ، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که «فی المدینه» متعلق به «قال» باشد. بر این مبنا «قال نسوه فی المدینه...» ؛ یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف(ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

3- عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی ، زبانزد زنان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

«فی المدینه» می تواند متعلق به «قال» باشد و نیز محتمل است صفت برای «نسوه» باشد. براساس احتمال دوم، مراد از «قال نسوه فی المدینه...» این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

105- زنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 23

23 - لزوم مراعات حقوق زنان اهل کتاب

و المحصنت من الذین اوتوا الکتب من قبلکم إذا اتیتوهن اجورهن

106- زنان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 20

20 - زنان بهشتی از حیض و حدث پاک هستند .

و ازواج مطهره

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: لا یحضن و لا یحدثن.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 164، ح 11؛ نورالثقلین، ج 1، ص 321، ح 57، 58.

107- زنان جادوگر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 4 - 1

1 - زنانی، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن ترشحات دهان بر گره ها، مردم را جادو می کردند.

النّفّ - ثت فی العقد

ص: 326

فعل «نَفَثَ»، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و «نَفَثَ» شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صباح). حرف «ال» در «النَّفَاثَات»، گرچه برای تعریف جنس است؛ ولی در مقایسه با «غاسق» و «حاسد» - که نکره آورده شده است - ممکن است به معروف بودن کسانی که «نَفَاثَه» (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

108- زنان در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 25 - 11

11 - زنان بنی اسرائیل ، فاقد هر گونه قدرت در جامعه فرعونى و نقش تأثیرگذار در سرنوشت سیاسى و اجتماعى

و استحیوا نساء هم

از این که فرعونیان دستور قتل دختران ایمان آورندگان به موسی (ع) را صادر نکردند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد؛ زیرا اگر زنان برای آنان خطر آفرین بودند و خود آنان و یا ایمان آوردنشان، نقشی در جامعه می داشت؛ قهراً در مجازات قتل با مردان شریک می شدند.

109- زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 5

5 - قداست و پاکدامنى حضرت مریم (ع)

و بکفرهم و قولهم على مریم بهتتاً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 15، 12، 11

11 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن و مؤمن

اليوم احل لكم . . . والمحصنت من المؤمنت

احصان (مصدر محصنه) به معنای عقیف بودن، آزاده بودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است. در آیه مورد بحث تنها معنای اول و دوم می تواند مراد باشد و برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

12 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب

اليوم احل لكم . . . والمحصنت من الذين اوتوا الكتب من قبلكم

بنابر اینکه مراد از «محصنات»، زنان پاکدامن باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هن العفائف.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 296، ح 39؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 449، ح 13.

15 - حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

اليوم احل لكم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از «لام انتفاع» در «لکم»، امتنان استفاده می شود.

ص: 327

25 - پاکدامنی و عفت مردان ، از شرایط حلیت ازدواج آنان با زنان عفیف و پاکدامن

محصلین غیر مسفحین و لا متخذی اخیان

«اخیان» جمع «اخیان» به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از رفاقت‌های جنسی نامشروع است و «مسفحین» از «سفاح» به معنای زناست. گفتمی است برداشت فوق بر این مبناست که «محصلین» حال برای «کم» در «لکم» و عامل آن «اخیان» باشد.

110- زنان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 4

4 - مردان و زنان مشرک ، در قبال امانت الهی ، به وظیفه خود عمل نمی کنند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ لِلَّهِ ... وَ الْمَشْرِكِينَ وَ الْمَشْرِكَةَ

111- زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 3

3 - مردان و زنان منافق ، در قبال امانت الهی ، به وظیفه خود عمل نمی کنند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ لِلَّهِ ... لِيَعْذِبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ

112- زنان منافق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 1

1 - خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْكُفَّارِ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

113- زنان منافق در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجود زنان منافق، در میان منافقان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

المنفقون و المنفقت

2 - همگونی زنان و مردان منافق صدر اسلام، در مواضع ضد اسلامی و برخورد با مسلمانان

ص: 328

المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض يأمرن بالمنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 5

5 - وجود زنان منافق در میان منافقان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وعد الله المنفقين و المنفقت

114- زنان منافق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 13 - 7

7 - زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . . . و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

115- زنان منافق صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 13 - 4

4 - وجود نیرومند جریان نفاق ، در میان زنان و مردان مسلمان ، در عصر نزول قرآن و بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

یوم يقول المنفقون و المنفقت . . انظرونا نقتبس من نورکم

تصریح قرآن به نام مردان و زنان منافق، نشان دهنده وجود آنان در میان مسلمانان صدر اسلام است. تعبیر «ألم نكن معكم» در آیه بعد، بیانگر نفوذ آنان در میان صفوف مسلمین به صورت یک جریان گسترده است.

116- زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 58 - 4

4 - زنان مؤمن ، دارای موقعیتی همسان مردان مؤمن اند .

و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات .. فقد احتملوا بهتناً

117- زنان مؤمن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 9

ص: 329

9- قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنات ... بشریکم الیوم جنّات

118- زنان مؤمن مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 8,9

8- وجود زنان و مردانی مؤمن - اما ناشناخته - در میان کافران مکه ، قبل از حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

9- بی اطلاعی مهاجران و انصار ، از وجود مردان و زنانی مؤمن در میان مکیان ؛ قبل از صلح حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهم

119- زندگی با زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 1

1 - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: 1- «خبیث» (ضد «طیب» و مفرد «خبیثات») و «خبیثون» (به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث؛ یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. «طیب» (مفرد «طیبات») و «طیبون» (به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب؛ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. 2- کلمات «الخبیثات»، «الخبیثین» و «الطیبات» و «الطیبون» اوصافی برای موصوف های محذوف مثل «النساء» و «الرجال» است؛ یعنی، «الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و...». 3- لام در «الخبیثین»، «الخبیثات» و «الطیبین» و «الطیبات» برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

120- زندگی با زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

ص: 330

121- سخن پسندیده زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 7

7- گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

122- سخن ناپسند زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 4

4- گفتار و سخن ناپسند و خبثت آلود ، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدسرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «الخبیثات» و «الطَّيِّبَاتِ» صفت برای موصوف محذوف «الكلم» باشد؛ یعنی، «الخبیثات من الكلم للخبیثین من الرجال و...». گفتمی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إِنَّ الذین یرمون المحصنات...) و نیز ذیل آیه (أولئک مبرءون ممّا یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

123- سوزاندن زنان مؤمن در دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 7

7- اصحاب اخدود ، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزاندند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

124- شخصیت زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 1،2،4،15

1 - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: 1- «خبیث» (ضد «طیب» و مفرد «خبیثات» و «خبیثون») به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث؛ یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. «طیب» (مفرد «طیبات» و «طیبون») به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب؛ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. 2- کلمات «الخبیثات»، «الخبیثین»، «الطیبات» و «الطیبون»

اوصافی برای موصوف های محذوف مثل «النساء» و «الرجال» است؛ یعنی، «الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و...». 3- لام در «للخبیثین»، «للخبیثات» «للطیبین» و «للطیبات» برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

2- زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف، ممنوع است.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لاینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

4- گفتار و سخن ناپسند و خباثت آلود، تنها شایسته مردان و زنان خبیث (بدرشت و بدکردار) است و از آنان سر می زند.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «الخبیثات» و «الطیبات» صفت برای موصوف محذوف «الکلم» باشد؛ یعنی، «الخبیثات من الکلم للخبیثین من الرجال و...». گفتنی است سه آیه اخیر که در باره تهمت زنا و فحشا به زنان پاکدامن است (إنّ الذین یرمون المحصنات...) و نیز ذیل آیه (أولئک مبرءون ممّا یقولون لهم) مؤید همین برداشت است.

15- «فی مجمع البیان قال: سبحانه «الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات» قیل فی معناه أقوال: . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطیبین من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . .»

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

125- شخصیت زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5,6,7,15

2- زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف، ممنوع است.

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لا ینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

ص: 332

6 - زنان پاکدامن و منزله از فحشا، تنها با مردان پاکدامن، و مردان پاکدامن و منزله از فحشا، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا، ممنوع است.

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

7 - گفتار و سخن پسندیده و نیک، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند.

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

15 - « فی مجمع البیان قال : سبحانه « الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات » قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطَّيِّبَاتُ من الرجال و الطَّيِّبُونَ من الرجال للطَّيِّبَاتِ من النساء . . . و هو المروی عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . . »

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

126- شخصیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 16

16 - زنان مؤمن، باید هویتی مستقل و شناخته داشته باشند.

ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

127- شرایط ازدواج با زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 19

19 - ازدواج با زنان مؤمن مهاجر، مشروط به قرار دادن مهریه برای ایشان

و لاجنّاح علیکم أن تنکحوهنّ إذا یتیموهنّ أجورهنّ

جمله «إذا یتیموهنّ أجورهنّ» در صدد بیان این نکته است که بازگرداندن مهریه زنان مهاجر به شوهران کافرشان، کافی برای ازدواج با آنان نیست؛ بلکه نیازمند مهر مجدد است.

128- شرایط اشتغال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 18

18 - اشتغال زنان به کار در بیرون از خانه جهت تأمین نیاز زندگی ، در صورت نبود مردی در خانواده ، کاری روا و پسندیده است .

قالتا لانسقی . . . و أبونا شیخ کبیر

ص: 333

129- شکنجه زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 49 - 6,7

6 - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

7 - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

زنده گذاشتن زنان، به عنوان یک عذاب برای بنی اسرائیل مطرح شده است؛ در حالی که مجرد نکشتن، عذاب و شکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله «یستحیون نساءکم» پس از «یذبحون ابناءکم» آمده، می توان گفت: همان کشتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندانشان، در رنج و عذاب باشند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

130- شکنجه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 9

9 - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات .. فلهم عذاب جهنم

131- شهادت طلبی زنان مؤمن دوران اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 8

8 - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

132- صفات پسندیده زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5 - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

ص: 334

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

133- صفات زنان شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 6

6 - تسلیم در برابر خداوند، ایمان به او، فرمانبری از او، توبه، عبادت و روزه داری، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبت سئحت

«قنوت» (مصدر «قانتات») به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). «سیاحت» (ماده «سائحات») به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان «سائح» می گویند (برگرفته از لسان العرب).

134- صفات زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 8

8 - هجرت در راه خداوند، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیرًا منکنّ . . . سئحت

مقصود از «سائحات» می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

135- ظلم به زنان مؤمن صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 11

11 - کافران صدر اسلام، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند.

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

136- عجز زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 335

8 - یوسف - 12 - 31 - 16

16- زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند.

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

137- عذاب زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 1

1 - عذاب و کیفر الهی، متوجّه مردان و زنان منافق و مشرک

و یعدّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

138- عزیز مصر و مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 9

9- شناخت عزیز مصر از روحیه زنان و آگاهی او به ترفندهایشان

إن کیدکنّ عظیم

139- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 11

11- شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود.

قالت امرأت العزیز

توصیف زلیخا با وصف «همسر عزیز» می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

140- عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت

ص: 336

141- فرجام زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 1

1 - حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین . . . تحتها الأنهر

142- فرعونیان و زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 49 - 6

6 - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یتحیون نساءکم

143- فضایل اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 5

5 - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحاً . . . یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران - که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد - گویای حقیقت یاد شده است.

144- فضایل زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 4

4 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل « فيهنّ خيرات حسان » قال : هنّ صوالح المؤمنات العارفات . . . »

از حلبی روایت شده که گفت: درباره قول خدای عزوجل «.. خیرات حسان» از امام صادق (ع) سؤال کردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنیا] هستند».

ص: 337

145- فضایل زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 13

13 - مردان و زنان نیک و پاکدامن ، از غفران خداوند و روزی نفیس و ارزشمند او بهره منداند .

و الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

واژه «کریم» در هر چیزی که در جنس و نوع خودش، شریف و ارزشمند باشد، به کار می رود. (مفردات راغب).

146- فضایل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 4

4 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزَّ وجلَّ « فيهنَّ خيرات حسان » قال : هنَّ صوالح المؤمنات العارفات . . . » ;

از حلبي روايت شده كه گفت: درباره قول خداي عزَّ وجلَّ « .. خيرات حسان » از امام صادق (ع) سؤال كردم، فرمود: آنان زنان صالحه و عارفه از زنان مؤمنه [دنيا] هستند».

147- فلسفه امان به زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 16

16 - پناه دادن مؤمنان مدینه به زنان مؤمن مهاجر ، صرفاً دارای اهداف دینی بود ؛ نه مادی . *

و ءاتوهم ما أنفقوا

فرمان «آتوهم ما أنفقوا. ..» ممکن است از آن جهت باشد که جامعه اسلامی برای پناه دادن به زنان مؤمن مهاجر، مورد کمترین اتهام قرار نگیرد و شائبه انگیزه های مادی در کار ایشان از بین برود.

148- کامجویی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 4,5

4- پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود.

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

«إذ» بدل اشمال برای «خطبکَنّ» است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین «ما خطبکَنّ...» ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

ص: 338

5- زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکرتّ إذ رودتتّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

149- کمال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5- عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

150- کیفر اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 60 - 15

15 - آزار و اذیت زنان مؤمنان ، کیفری سخت دارد .

لئن لم ينته المنافقون . . . لنغريتنك بهم

151- کیفر زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 3

3 - همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفة بأنهم كانوا مجرمين. المنافقون والمنفقت بعضهم من بعض

152- گرایش به زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین . . . و الطیبون للطیبیت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

ص: 339

153- گرایش به زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 9

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین . . . و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

154- گرایشهای زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 9

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین . . . و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

155- گرایشهای زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 9

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیث للخبیثین . . . و الطیبون للطیبت

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

156- گفتگوی زنان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 1 - 4

4 - آزادی زنان برای ملاقات با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نیز گفتگو و در میان گذاشتن مشکلات خویش با آن حضرت

قد سمع الله قول التي تجادلک فی زوجها

ص: 340

157- گفتگوی زنان با همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 55 - 4, 3, 2

2- زنان مؤمن، مجازند که با همسران پیامبر، به صورت رو در رو سخن بگویند.

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب . . . لا جناح علیهنّ فی ... و لانسائه

اضافه «نساء» به ضمیر «هنّ» - که مرجع آن، نساء النبیّ - است اشعار به این نکته دارد که زنان منسوب به آنان، یا اقوام شان اند و یا زنانی اند که نسبت دینی با آنها دارند. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

3- همسران پیامبر، مجاز نیستند که با زن های کافر، بدون پوشش و حجاب به گفتگو بپردازند.

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب . . . لا جناح علیهنّ فی ءابائهنّ ...

4- بر همسران پیامبر، روا و جایز است که با زنان خویشان خود، بدون داشتن حجاب روبه رو شوند.

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب . . . لا جناح علیهنّ فی ءابائهنّ ... و

بنابر این احتمال که مراد از «نسائهنّ» زنان خویشان همسران پیامبر باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

158- گواهی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 51 - 6

6- زنان اشراف در حضور پادشاه مصر، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند.

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زائیده نیز این معنا را تأکید می کند.

159- محدوده جلب رضایت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 1 - 7

7 - جلب رضایت زنان ، نباید منجر به محرومیت همسران از مباحات و حلال های الهی شود .

لِمَ تَحْرَمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ

160- مسؤولیت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 341

8 - امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف اجتماعی همگانی و مشترک میان زنان و مردان

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

161- مفاد بیعت زنان با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 6,8,9,13

6 - پرهیز از کمترین شرک به خداوند، نخستین موضوع بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

علی أن لا یشرکن بالله شیئاً

8 - پرهیز از دزدی، زنا و فرزندکشی (سقط جنین و...)، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لا یسرقن و لا یزنین و لا یقتلن أولدهنّ

9 - پرهیز از نسبت دادن فرزند زنا به همسر، از جمله مواد مورد بیعت زنان مؤمن با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لا یأتین ببهتن یفتیرینه بین ایدیهنّ و أرجلهنّ

13 - عدم مخالفت با رهنمود های ارزشی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از جمله مواد بیعت زنان با آن حضرت

و لا یعصینک فی معروف

162- مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 5,7,8,10,11

5- عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع)، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند.

إنه من کیدکنّ

7- عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکر های زنانه زلیخا شمرد.

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمیر در «إنه» به حقیقتی که از جمله «غَلَقَتِ الأبواب . . .» استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

8- عزیز مصر، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکر های زلیخا شمرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً . . . إنه من كيدك

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در «إنه . . .» به معنایی که از «قالت ما جزاء . . .» در آیه 25 استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

10- مکر و حيله زنان، مکر و حيله ای بزرگ است.

إن كيدك عظيم

هر چند جمله «إن كيدك عظيم» سخن عزیز مصر است، ولی مفسران برآنند که هرگاه خداوند سخنی را در قرآن نقل کرده و آن را رد نکند، معلوم می گردد که آن سخن حق است.

11- حيله و مکر، از ابزار های زنان برای ایجاد فساد و انحراف

ص: 342

163- مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 2

2- عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از «مکر» نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق «مکر» به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 23

23- «عن علی بن الحسین (ع) : . . . و خرجن النسوه من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتهآ تسأله الزیارة فأبی علیهنّ وقال : «إلاّ تصرف عتی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 15

15- تأکید یوسف (ع) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

164- ملاقات محمد (صلی الله علیه و آله) با زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 3

3 - ملاقات های مستقیم و بیواسطه زنان صدراسلام ، با شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذا جاءك المؤمنت یبایعنك

165- ملاک برتری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 8،11

ص: 343

8 - هجرت در راه خداوند، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیراً منکنّ . . . سئحت

مقصود از «سائحات» می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

11 - دوشیزگی در مقایسه با ارزش های والای زنان (همچون اسلام، ایمان، فرمانبری، توبه و روزه داری زنان) دارای نقش درجه دوم در زندگی مشترک میان زنان و مردان

ثیبت و أبکاراً

یادآوری دو وصف «دوشیزگی» و «بیوه بودن زنان»، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد؛ زیرا مفاد آیه شریفه این است که زنان بهتری با چنین اوصافی، جایگزین شما خواهند شد؛ چه بیوه باشند و چه دوشیزه.

166- ممنوعیت استرداد زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 11

11 - ممنوعیت بازگرداندن زن مؤمن، به همسر کافر وی

فلاترجعوهنّ إلى الکفار لا هنّ حلّ لهم ولا هم یحلّون لهنّ

167- موضعگیری زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 4

4 - مواضع و عملکرد سیاسی، اجتماعی و دینی زنان منافق، دارای اهمیتی همانند مواضع و عملکرد مردان منافق

المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر

مطرح شدن زنان منافق، در کنار مردان منافق و هم سطح شمرده شدن با آنان، بیانگر برداشت فوق است.

168- مهریه زنان کافر

7 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « وإن فاتكم شيء من أزواجكم . . . » فالحق بالكفار من أهل عهدكم فاسألوهم صداق ها وإن لحقن بكم من نسائهم شيء فأعطوهم صداقها ;

از امام باقر(ع) در توضیح قول خدا «وإن فاتكم شيء من أزواجكم. . .» روایت شده: هرگاه [برخی از] زنان شما به کفاری که با آنها معاهده دارید ملحق شدند، مهر او را از آنان مطالبه کنید و اگر زنانی از آن کفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازید».

169- مهریه زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 19

19 - ازدواج با زنان مؤمن مهاجر ، مشروط به قرار دادن مهریه برای ایشان

و لاجنح علیکم أن تنکحوهنّ إذا آتیتموهنّ أجورهنّ

جمله «إذا آتیتموهنّ أجورهنّ» در صدد بیان این نکته است که بازگرداندن مهریه زنان مهاجر به شوهران کافرشان، کافی برای ازدواج با آنان نیست؛ بلکه نیازمند مهر مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 11 - 7

7 - «عن أبي جعفر (ع) فی قوله: «وإن فاتکم شیء من أزواجکم . . .» فلیحق بالکفار من أهل عهدکم فاسألوهم صدق ها و إن لحقن بکم من نسائهم شیء فأعطوهم صدقها ;

از امام باقر(ع) در توضیح قول خدا «وإن فاتکم شیء من أزواجکم. . .» روایت شده: هرگاه [برخی از] زنان شما به کفاری که با آنها معاهده دارید ملحق شدند، مهر او را از آنان مطالبه کنید و اگر زنانی از آن کفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازید».

170- مهمانی از زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 5,8,10

5- زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود ، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

و أعتدت لهنّ متکناً

«اعتاد» (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. «متکناً» به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که «متکناً» به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله «آتت...» (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «متکناً» در آیه «طعام» است.

8- تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد ، بیش از ده نفر نبودند .

وقال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در «مکرهّن . . .» و «إلیهّن» به «نسوه» در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که «نسوه» از صیغه های جمع قلّه است ، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

10- زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

وقالت اخرج علیهنّ

کلمه «خروج» به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین «اخرج علیهنّ» می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد ؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در

ص: 345

اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

171- نجات از مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 13

13- رهایی از دام تمایلات جنسی و مکر زنان ، بدون امداد الهی حتی برای پیامبران و بندگان خالص خدا نیز میسر نیست .

وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

172- نجات از مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 2,6

2- امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهنّ

6- نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهنّ

173- نعمتهای اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 8

8 - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة یرزقون فیها بغی

174- نقش اجتماعی زنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 25 - 11

و استحيوا نساءهم

از این که فرعونیان دستور قتل دختران ایمان آورندگان به موسى(ع) را صادر نکردند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد؛ زیرا اگر زنان برای آنان خطر آفرین بودند و خود آنان و یا ایمان آوردنشان، نقشی در جامعه می داشت؛ قهراً در مجازات قتل با مردان شریک می شدند.

ص: 346

175- نماز جماعت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 20، 21، 13

13 - مطلوبیت شرکت زنان در عبادت دستجمعی (نماز جماعت)

و ارکعی مع الزاکعین

20 - جواز حضور زن در نماز جماعت همراه مردان

و ارکعی مع الزاکعین

در آیه فوق، به حضرت مریم امر نشده است که رکوع کن با زنان رکوع کننده؛ بلکه فرموده: رکوع کن با رکوع کنندگان. (اعم از زن و مرد).

21 - تشریح اجتماع مردان و زنان برای عبادت، در ادیان گذشته

و ارکعی مع الزاکعین

176- نورانیت اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 6، 2

2 - حضور مردان و زنان مؤمن، با چهره هایی تابان در عرصه قیامت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

6 - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد «تری» هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

177- نهی از استرداد زنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - نهی خداوند ، از بازگرداندن زنان مؤمن مهاجر ، به مکيان

فإن علمتموهنّ مؤمنات فلا ترجعهنّ إلى الكفار

با توجه به پیمان نامه صلح حدیبیه - که در آن بازگرداندن مهاجرانی که پس از آن تاریخ، مکه را ترک می کنند و به مدینه می آیند قید شده بود - آیه شریفه موضوع زنان را استثنا کرده و پیمان را شامل آنان ندانسته است.

ص: 347

178- وعده به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 7

7- خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

فیضعفه له و له اجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه «تری»، خطاب به خصوص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد.

179- هجرت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 4

4- اقدام برخی از زنان مؤمن ، به هجرت از مکه به سوی مدینه ، پس از پیمان حدیبیه

یاأیها الذین ءامنوا

آیه شریفه - بر اساس شأن نزول - پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

180- هوشیاری بر مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 12

12- ضرورت هوشیاری در برابر مکر ها و حيله های زنان

إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

181- یأس زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 3

3- زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه‌ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت «صرف عنہ کیدھنّ» دلالت می‌کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرادها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که «ثم» در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرادها شده باشد.

182- یوسف (ع) و مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 11، 7

7- یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حیله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

وإلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

11- یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . . . وإلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

«صبو» (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله «وإلاّ تصرف...» (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

ص: 349

5- زنبور عسل

1- آثار مطالعه زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 18

18- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل . . . إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

2- استعداد زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 3

3- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل

3- استفاده از زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 15

15- طبیعت (کوه و صحرا) و زنبور عسل ، در خدمت انسان قرار دارند .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً . . . ثمّ کلی من کلّ الثمرت ... ف

4- الهام به زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 1,2,3,6

1- سکنی گزینی زنبور های عسل در کوه ها ، درختان ، بنا ها و سایبان ها با الهام الهی است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

2- الهام خداوند به زنبور های عسل و هدایت آنها به ساختن خانه هایی مناسب برای خود ، به مقتضای ربوبیت اوست .

و أوحى ربك إلى النحل . . . و ممّا يعرشون

3- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل

6- « محمدبن یوسف عن أبیه قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله : « و أوحى ربك إلى النحل » قال : إلهام ;

محمدبن یوسف از پدرش نقل کرده است که گفت: از امام باقر(ع) درباره قول خدا «و أوحى ربك إلى النحل» سؤال کردم، حضرت فرمود: [وحی در این آیه] به معنای الهام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 5، 4، 1

1- خداوند ، پس از الهام به زنبور های عسل در امر خانه سازی ، آنها را به تغذیه از گل و غنچه های میوه ها ، درختان و محصولات کوهستانی راهنمایی کرده است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً . . . ثمّ کلی من کل الثمرت

4- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که «ذللاً» حال برای فاعل فعل «فاسلکی» - که ضمیر «أنت» است - باشد.

5- زنبور های عسل در برابر الهام های خداوند به آنها ، خاشع و منقاد بوده و در مسیر تعیین شده در طبیعت ، گام برمی دارند .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

5- انقیاد زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 5، 4

4- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که «ذللاً» حال برای فاعل فعل «فاسلکی» - که ضمیر «أنت» است - باشد.

5- زنبور های عسل در برابر الهام های خداوند به آنها ، خاشع و منقاد بوده و در مسیر تعیین شده در طبیعت ، گام برمی دارند .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

6- تغذیه زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 351

1- خداوند ، پس از الهام به زنبور های عسل در امر خانه سازی ، آنها را به تغذیه از گل و غنچه های میوه ها ، درختان و محصولات کوهستانی راهنمایی کرده است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتاً .. ثم كلي من كل الثمرات

2- زنبور عسل ، موجودی که از میوه ها و شکوفه های درختان و گیاهان تغذیه می کند .

ثم كلي من كل الثمرات

12- گوناگونی رنگ عسل ، نتیجه استفاده زنبور های عسل از گیاهان گوناگون است .

ثم كلي من كل الثمرات .. يخرج من بطونها شراب مختلف ألونه

ذکر گوناگونی عسل پس از بیان تغذیه زنبور های عسل از میوه ها و گیاهان مختلف، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

7- روش زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- خداوند برای زنبور های عسل ، راه های مناسب با زیست آنها را هموار ساخت .

فاسلکی سبیل ربك ذللاً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ذللاً» حال برای «سبیل» باشد.

6- راه زندگی زنبور های عسل در طبیعت ، متعدد و گوناگون است .

فاسلکی سبیل ربك ذللاً

برداشت فوق، از جمع آمدن «سبیل» استفاده می شود.

8- زمان استراحت زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- زنبور های عسل در شب هنگام در دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، به استراحت پرداخته و مأوای می گیرند . *

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

واژه «بیت» در اصل به معنای مأوای انسان در شب است (مفردات راغب). نام گذاری خانه زنبور عسل به «بیت»، می تواند مفید مطلب یاد شده باشد.

9- زنبور عسل در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 5

ص: 352

5- زنبور های عسل در شب هنگام در دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، به استراحت پرداخته و مأوای می گیرند . *

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

واژه «بیت» در اصل به معنای مأوای انسان در شب است (مفردات راغب). نام گذاری خانه زنبور عسل به «بیت»، می تواند مفید مطلب یاد شده باشد.

10- شعور زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 68 - 3

3- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل

11- فواید زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 69 - 22

22- « عن أمير المؤمنين (ع) قال : . . . لعق العسل شفاء من كلّ داء قال الله تبارك و تعالی : « يخرج من بطونها شراب مختلف ألوانه فيه شفاء للناس » و هو مع قراءة القرآن . . . ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: .. یک انگشت عسل، شفای همه دردهاست. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «یخرج من بطونها شراب مختلف ألوانه فيه شفاء للناس» و این در صورتی است که همراه با قراءت قرآن باشد...».

12- متفکران و زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 69 - 18

18- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل . . . إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

13- مکان زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 4

4- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

ص: 353

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

14- منشأ تغذیه زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 7

7- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

15- منشأ حرکت زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 4,7

4- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که «ذللاً» حال برای فاعل فعل «فاسلکی» - که ضمیر «أنت» است - باشد.

7- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

16- منشأ زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 7

7- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

17- منشأ لانه سازی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 1،2

ص: 354

1- سکنی گزینی زنبور های عسل در کوه ها ، درختان ، بنا ها و سایبان ها با الهام الهی است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

2- الهام خداوند به زنبور های عسل و هدایت آنها به ساختن خانه هایی مناسب برای خود ، به مقتضای ربوبیت اوست .

و أوحى ربك إلى النحل . . . و ممّا يعرشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 7

7- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبیل ربک ذللاً

18- ویژگیهای زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 3

3- وجود نوعی شعور و استعداد تلقی وحی و الهام الهی در زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 10

10- شکم زنبور های عسل ، محل تبدیل میوه ها و شهد گیاهان به عسل

ثمّ کلی من کلّ الثمرت . . . یخرج من بطونها شراب

ص: 355

6- زندان

1- ارزش نجات از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 10

10- ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات ، در بینش یوسف (ع)

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلى ربك فسنله ما بال النسوة

2- تاریخ زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 17، 18

17- وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

إلا أن يسجن

18- زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 7

7- وجود زندان در مصر باستان

ليسجنن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 29 - 7

7- وجود زندان و زندانیان بسیار سیاسی ، در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنك من المسجونين

برداشت فوق از این تعبیر «تورا از زندانیان گردانم» استفاده می شود.

ص: 356

3- تهدید به زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 29 - 6

6- موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به زندانی شدن ، در صورت پذیرش الوهیت غیر او

قال لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

4- درخواست زندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 11

11- « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين » فالآيات شهادة الصبي و القميص المخرق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّة بزوجهما حتى حبسه . . . »

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: «ثم بدا لهم...» روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد».

5- زندان بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 8 - 10

10- جهنّم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للكافرين حصيراً

«الحصر» در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

6- زندان در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 29 - 7

7- وجود زندان و زندانیان بسیار سیاسی ، در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنك من المسجونين

برداشت فوق از این تعبیر «تورا از زندانیان گردانم» استفاده می شود.

ص: 357

7- زندان در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 17

17- وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

إلا أن يسجن

8- زندان در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 17

17- وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

إلا أن يسجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 7

7- وجود زندان در مصر باستان

ليسجنن

9- سختیهای زندان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 29 - 8

8 - زندان فرعون ، زندانی سخت و مشقت بار

لأجعلنك من المسجونين

«ال» در «المسجونين» - به قرینه مقام - اشاره به زندانی دارد که شرایط سخت آن می تواند افراد را از مخالفت با فرعون باز دارد.

10- سنّ یوسف (ع) در زندان

12- « عن الصادق (ع) : انه قال : دخل يوسف السجن و هو ابن اثنتی عشر سنه و مكث فيه ثمان عشر سنه . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند . . .».

صفات زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 8

8- زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغیرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت «زندانی خواهد شد» (لیسجنن) است ؛ زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان - در آیه بعد - سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

11- فلسفه استمرار زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 15

15- « عن أبي عبد الله (ع) : . . . [فی قول الله] « قال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک » قال : و لم یفزع یوسف فی حاله إلی الله فیدعوه فلذالک قال الله « فأنساه الشیطان ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین » . . . ؛

از امام صادق(ع): . . . [در باره سخن خدا] «قال للذی... اذکرنی عند ربک» روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأنساه الشیطان ذکر ربه...».

12- فلسفه زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 14

14- یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

13- مدت زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 9,10,12

9- یوسف (ع)، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

لیسجنه حتی حین

10- محکومیت یوسف (ع) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجنه حتی حین

12- « عن الصادق (ع) : انه قال : دخل يوسف السجن و هو ابن إثنتی عشر سنه و مكث فیه ثمان عشر سنه . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند . . .».

ص: 359

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 13،16

13- یوسف (ع) پس از آزادی ساقی پادشاه، سالیانی دیگر، گرفتار زندان بود.

فلبث فی السجن بضع سنین

«بضع» به معنای «چند» و کنایه از عددی مبهم بین 3 تا 10 می باشد.

16- «عن أبی عبد الله (ع) فی قول الله تعالی: «فلبث فی السجن بضع سنین» قال: سبع سنین؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: «فلبث فی السجن بضع سنین» روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنین] هفت سال است».

14- نجات یوسف (ع) از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 12،14

12- خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

14- پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع)، او را از زندان آزاد می کرد.

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

«لبث» به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق، از تفریع جمله «لبث...» بر جمله قبل معلوم می شود؛ یعنی، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه، یوسف (ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 3،4،5

3- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد.

و قال الملك ائتونی به

4- پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

وقال الملك ائتونی به . . . قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

5- ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاء الرسول

«ال» در «الرسول» عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه 45 معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 11

ص: 360

11- خداوند ، خشی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش يوسف (ع) از زندان

أن الله لا يهدى كيد الخائنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 100 - 16

16- آزاد ساختن يوسف (ع) از زندان و کوچ دادن خاندان يعقوب از كنعان به مصر ، از جمله احسان های خداوند در حق يوسف (ع)

و قد أحسن بي إذ أخرجني من السجن و جاء بكم من البدو

15- ویژگیهای زندان يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 37 - 8

8- زندان يوسف (ع) و هم بندان او ، فاقد هرگونه برنامه غذایی از پیش تعیین شده

لا يأتیکما طعام ترزقانه

چنان چه برنامه غذایی زندان مشخص بود ، پیشگویی نوع و خصوصیات آن امری دشوار نبود و به عنوان یک ویژگی برای کسی که از آن خبر می داد ، محسوب نمی شد.

16- يوسف (ع) پس از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 54 - 3,4

3- يوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملك ائتونی به .. فلما كلمه

اتصال جمله «فلما كلمه» به «ائتونی به» و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به يوسف (ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با يوسف (ع) فاصله ای نبود.

4- يوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر يوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به

گفت و گو پرداختند .

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

ص: 361

17- یوسف (ع) در زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 23

23- « عن أبي عبدالله (ع) قال : لما أمر الملك بحبس يوسف في السجن ألهمه الله علم تأويل الرؤيا . . . » ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 2,3

2- یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبعت مله اباي ابراهيم و اسحق و يعقوب

3- یوسف (ع) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبعت مله اباي ابراهيم و اسحق و يعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 42 - 11

11- شیطان ، برای باقی ماندن یوسف (ع) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسبه الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 45 - 6

6- ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

تفریع جمله «أرسلون» به وسیله حرف «فاء» بر جمله «أنا أنبئكم بتأويله» می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف (ع) و زندانی بودن او

را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 1

1- یوسف (ع) در زندان مصر، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد.

قال ارجع إلی ربک . . . ذلک لیعلم

در اینکه جمله «ذلک لیعلم . . .» تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: 1- ظاهر این است که «أن الله . . .» عطف بر «أئی لم أخنه . . .» باشد؛ یعنی: «ذلک لیعلم . . . أن الله لایهدی . . .». این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. 2- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا - که در سلک مشرکان است - بر نمی آید.

ص: 362

18- زندانی

زندانی در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 29 - 7

7- وجود زندان و زندانیان بسیار سیاسی ، در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنك من المسجونين

برداشت فوق از این تعبیر «تورا از زندانیان گردانم» استفاده می شود.

19- زندانی در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 18

18- زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

20- زندانی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 18

18- زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

21- زندانی کردن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 16

16- زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 4،7

4- زندانی شدن یوسف (ع) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم يفعل ما أمره ليسجنن . . . ثم بدا لهم ... ليسجننه

تعبیر «ثم بدا لهم» (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف

ص: 363

منصرف کرد و داستان مراده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

7- حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع)، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 36 - 1

1- رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم ... لیسجنه حتی حین. و دخل معه السجن فتیان

22- فلسفه زندانی کردن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 2,3

2- تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع)، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم ... لیسجنه

3- گناهکار وانمود کردن یوسف (ع)، از اهداف زندانی ساختن او*

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجنه

زندانیان

23- اهمیت نجات زندانیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 13 - 7

7- پرداخت وجه مورد نیاز اسیران و زندانیان برای آزادسازی آنان، گامی بلند و انفاق سنگین است .

ما العقبه . فكّ رقبه

آزاد سازی بردگان، مصداق آشکار «فکّ رقبه» است؛ ولی تنها مصداق آن نیست. بنابراین رها سازی هر شخص در بندی، می تواند مراد آیه

باشد.

ص: 364

1- آثار پوچی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 44 - 70 - 4

4 - کفر و باطل گرایی و پوچی در زندگی ، موجب ذلت و خواری شدید در روز قیامت

فذرهم یخوضوا ویلعبوا... ترهقههم ذلّه ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون

2- آثار تکذیب زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 40 - 8

8 - نابوری و ناامیدی مشرکان به حیات اخروی ، عامل عبرت نگرفتن آنان از سرگذشت شوم اقوام پیشین چون قوم لوط

أفلم یكونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که «بل» برای اضطراب انتقالی است؛ یعنی، این طور نیست که آنان به خاطر ندیدن آثار به جا مانده از قوم هلاک شده قوم لوط، از آن عبرت نگرفته اند بلکه چون آنان اعتقاد و امیدی به روز رستاخیز ندارند از چنین حادثه ای عبرت نیاموخته اند.

3- آثار ذکر زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 40 - 9

9 - توجه و اعتقاد به حیات اخروی ، برانگیزاننده آدمی به عبرت گرفتن از سرگذشت هلاکت بار اقوام پیشین و تصحیح رفتار خویش

أفلم یكونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 85 - 10

10 - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت، زمینه ساز گرایش انسان به حق

و هو الذی فی السماء إله و... و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشدار به حق ستیزان است.

4- آثار زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 8 - 4

4- زندگی و مرگ، هر دو در جهت تکامل انسان و دارای روندی همسو و نه متعارض

ربّ السموت و... لا إله إلاّ هو یحیی و یمیت

از ارتباط «هو یحیی و یمیت» با «ربّ» - که قبل و بعد از آن یاد شده است - استفاده می شود که حیات و مرگ، هر دو در جهت تکامل انسان بوده و برخلاف تصور برخی مذاهب، مرگ امری شرّ نیست و خاستگاهی جز اراده خداوند حیات آفرین ندارد.

5- آثار زندگی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 23 - 12

12- حضور پدر و مادر نزد فرزند، در پی دارنده مسؤولیت فزون تر برای فرزند

إمّا یبلغنّ عندک الکبر

«عندک الکبر» ممکن است إشعار به این حقیقت داشته باشد که اگر پدر و مادر پیش فرزندان زندگی کنند، مسؤولیت نگه داری آنان بیشتر شده و از هرگونه حرمت شکنی - هر چند به گفتن «أفّ» - باید پرهیز شود.

6- آثار زندگی در جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 7

7- زندگی در جامعه آلوده و فاسد، مایه رنج و محنت مؤمنان و غیر قابل تحمل برای آنان است.

وَنَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَٰتِ

7- آثار زندگی دنیوی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 366

6 - چگونگی زندگی انسان در دنیا، تعیین کننده سرنوشت وی و سازنده حیات اخروی او است.

بل .. اَنتم قَدَّمتموه لنا

از تعبیر «قَدَّمتموه لنا» (شما آن عذاب را پیش فرستادید)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 17

17 - زندگی اخروی انسان ها، بازتاب شیوه زندگی آنان در دنیا

الذین ءامنوا .. جنّـت ... و الذین کفروا ... النار مثوی لهم

خداوند، برای مؤمنان و کافران دو نوع زندگی دنیوی ترسیم کرده و به تناسب هر یک، فرجامی در آخرت برای آنان، مشخص فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 8

8 - زندگی دنیوی، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت.

و إلیه النشور

یادآوری نشر و رستاخیز انسان ها - پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

8- آثار عقیده به زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 40 - 9

9 - توجه و اعتقاد به حیات اخروی، برانگیزاننده آدمی به عبرت گرفتن از سرگذشت هلاکت بار اقوام پیشین و تصحیح رفتار خویش

أفلم یکونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

9- آثار مشکلات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تنگنا های زندگی و لحظه های خطر آفرین که هیچ امیدی به رهایی از آنها نیست ، بیدارگر فطرت خداجویی در نهاد انسان

وإذا مسَّكم الضَّرُّ .. ضلَّ من تدعون إلاَّ إِيَّاه

ذکر گرفتاری در دریا در میان ابتلاهای فراوانی که ممکن است انسانها را گرفتار کند، به این جهت است که در تلاطم دریا امیدی برای نجات و رهایی نیست.

ص: 367

10- آثار مطالعه زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 18

18- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل . . . إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

11- آداب زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 35 - 12

12 - خداوند ، همواره باید محور حرکت ها و برنامه های مؤمنان باشد .

انقوا لله وابتغوا إليه الوسيله و جهدوا في سبيله

12- آفات زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 70 - 3

3- زندگی انسان ها بدون تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبر اسلام ، با خطر ها و آفت های گریزناپذیر رو به رو خواهد بود .

و ما علمنه الشعر . . . إن هو إلا ذكر و قرءان مبين . لينذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که انذار و اخطار مردم به وسیله قرآن و پیامبر اسلام ، حاکی از این حقیقت است که بر سر راه انسان ها خطر ها و آسیب های بسیار وجود دارد که به وسیله قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) شناخته می شود و اگر انسان ها به این امور توجه نکنند، با آنها رویه رو خواهند شد. گفتنی است معنای لغوی «انذار» (اعلام به امری خطرناک و شایسته بر حذر بودن) مؤید همین برداشت است.

13- احترام به آداب زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 52 - 2

2- احترام به آیین زندگی ترسیم شده از سوی خدا و پرهیز از ایجاد هر گونه تغییر و تبدیل در آن ، توصیه خداوند به یکایک پیامبران

يَا أَيُّهَا الرِّسَلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ . . . وَاِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

آیه فوق، ادامه آیه قبل و جزء توصیه ای است که خداوند به یکایک پیامبران فرموده بود. بنابراین، با توجه به تأکیدهای متعدد

ص: 368

که در آن است (حرف تأکید «ان»)، اسم اشاره نزدیک «هذه»، جمله اسمیه و قید «أُمَّه واحده») معنای آن چنین می شود: ما به پیامبران یادآوری کردیم که این روش، تنها روشی است که باید در زندگی رعایت کنند و هرگونه ایجاد تغییر در آن، یا اتخاذ روشی غیر از آن، اکیداً ممنوع است و عذاب سختی در پی خواهد داشت (فاتقون).

14- اختیار همسران محمد (صلی الله علیه و آله) در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 28 - 7، 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) طبق فرمان خداوند، همسران خود را مخیر کرد که یا دنیا و امکانات اش را انتخاب کنند و از پیامبر جدا شوند و یا آن حضرت را برگزینند و چنین خواسته هایی نداشته باشند.

قل لأزوجک إن كنتن تردن الحیوه الدنیا وزینتها فتعالین أمتعننّ وأسرحکنّ سراحاً

7 - صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) - با مخیر بودن آنان به انتخاب یکی از دو امر دنیا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) - برای طلاق کافی نبود، بلکه آن حضرت، باید درباره آنان تصمیمی هم اتخاذ می کرد.

قل لأزوجک إن كنتن تردن الحیوه الدنیا.. فتعالین أمتعننّ وأسرحکنّ سراحاً جمی

تصریح به «تسریح» نشان می دهد که صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر برای طلاق کافی نبوده است.

15- ارزش امنیت در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 104 - 3

3- دستیابی انسان ها به زندگی آرام و امن و به دور از سلطه جباران، امری بس مهم و ارزشمند

فأغرقنه و من معه .. اسکنوا الأرض

16- ارزش زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 4

4 - حیات اخروی، بهتر و پایدارتر از حیات دنیوی

و ما عند الله خير وأبقى

«ما» در «ما عند الله» - به قرینه «الحیاه الدنیا» - کنایه از حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 64 - 7,8

7 - مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

ولئن سألتهم من ... و ما هذه الحیوه الدنیا ... لو كانوا یعلمون

ص: 369

بنابراین که ضمیر فاعلی «یعلمون» - به قرینه سیاق - مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

8 - انسان ها، در صورت آگاهی و اطلاع از سرگرمی و بازی بودن دنیا و حیات واقعی بودن عالم آخرت، از دنیا دست می کشیدند و به آخرت روی می آوردند.

و ما هذه الحیوه الدنیا إلا لهو .. و إن الدار الآخرة لهی الحیوان لو كانوا یع

برداشت بالا بنابر محذوف بودن جواب «لو» است و آن، چیزی مانند این فراز است: «لرغبوا فی الآخرة و زهدوا فی الدنیا».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 39 - 1

1 - زندگی دنیایی و بهره های آن، در مقایسه با زندگی اخروی، اندک و زودگذر است.

یقوم إنما هذه الحیوه الدنیا متع و إن الآخرة هی دار القرار

«متاع» به چیزی گویند که از آن بهره کم برده می شود. گفتنی است چون دنیا در برابر آخرت قرار گرفته که دار قرار و پایدار است؛ زودگذر بودن آن فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 35 - 3

3 - حیات اخروی، در پیشگاه خداوند، امری بس ارزشمند و مخصوص تقوایبندگان است.

و الآخرة عند ربك للمتقين

17- ارزش زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 7

7 - ارزش حیات و زندگی دنیوی انسان ها، در گرو رسیدن آنان به تقوایبشگی است.

و لکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که «لعلکم ..» بیان غایت برای «حیاه» باشد؛ یعنی، قانون قصاص تشریح شد تا حیات جامعه را

تضمین کند و حیات و زندگی به خودی خود ارزشی ندارد مگر اینکه زمینه ای برای تحصیل تقوا باشد.

18- اصلاح زندگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 2 - 13

13- آموزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

«أصلح بالهم» یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

ص: 370

19- اصلاح زندگی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 2 - 13

13- آموزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

«أصلح بالهم» یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

20- اعتدال در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 66 - 19

19 - لزوم پیشه ساختن روش متعادل و بدور از افراط و تفریط در زندگی

منهم امه مقتصده

اگر چه مراد از اقتصاد عمل به احکام الهی است ولی انتخاب واژه «مقتصد» برای رساندن این معناست که اعتدال در امور، خود امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند است.

21- اقرار به کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 113 - 1

1 - اعتراف دوزخیان به کوتاه بودن مدت حیات دنیوی خویش در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا أو بعض یوم

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مراد از «فی الأرض» در آیه قبل، زندگی دنیوی باشد. در این صورت تعبیر «یوماً أو بعض یوم» بدان جهت است که دوزخیان زندگی چند دهه ای دنیا را، در مقایسه با حیات طولانی اخروی، بسیار ناچیز می بینند.

22- اهتمام به زندگی شخصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ترک حضور در محضر رهبری جامعه اسلامی برای حل و فصل امور مهم اجتماعی ، به منظور پرداختن به امور زندگی

ص: 371

شخصی، بدون اذن خواستن، حرام و ممنوع است.

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستذنوه... فإذا استذنوك لبعض شأن

23- اهمیت اجتناب از سختگیری در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 67 - 4، 1

1 - بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند.

و عباد الرحمن... و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه «انفاق» به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است «اسراف» (مصدر «یسرفوا») به معنای زیاده روی در مصرف اموال و «قتر» (مصدر «یقتروا») به معنای سخت گیری در مصرف است.

4 - تشویق خداوند به رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از اسراف و سخت گیری در مصرف اموال برای زندگی شخصی و یا بخشش به دیگران

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

24- اهمیت اعتدال در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 67 - 4

4 - تشویق خداوند به رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از اسراف و سخت گیری در مصرف اموال برای زندگی شخصی و یا بخشش به دیگران

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 27 - 2

2 - روابط اجتماعی سالم، در گرو زندگی معتدل و در حد نیاز است.

ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الأرض

از این که بغی و طغیان، متفرع بر بسط و گسترش رزق شده و نه اصل رزق، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 8 - 5

5 - توصیه به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه در زندگی ، برخوردار از جایگاهی ویژه در بین توصیه ها و آموزه های الهی و قرآنی

الآتطغوا في الميزان

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که سفارش به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه، نخستین توصیه الهی در این

ص: 372

سوره قرار گرفته است.

25- اهمیت امنیت در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 104 - 3

3- دستیابی انسان ها به زندگی آرام و امن و به دور از سلطه جباران ، امری بس مهم و ارزشمند

فأغرقته و من معه .. اسكنوا الأرض

26- اهمیت برنامه ریزی در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 18 - 3

3- اهمیت تقدیر و حساب گری در تنظیم بهینه حیات

و أنزلنا من السماء ماء بقدر

27- اهمیت تأمین نیازهای زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 107 - 6

6- ترجیح دنیا بر آخرت - و نه صرف تأمین نیاز های زندگی - امری نکوهیده است .

فعلیهم غضب من الله .. ذلك بأنهم استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره

28- اهمیت تحولات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 5

5- خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لا أقسم بالشفق . و الیل و ما وسق . و القمر إذا اتسق . لتركبن طبقاً عن طبق . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف «فاء»، این آیه را بر محتوای قسم و مقسم به (در آیات پیشین) تفریع کرده باشد.

ص: 373

29- اهمیت تدبیر در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 29 - 11

11- آینده نگری و تدبیر ، اصلی مهم در تنظیم صحیح خط مشی زندگی انسان

و لاتجعل یدک مغلوله .. و لاتبسطها ... فتقعد ملوماً محسوراً

خداوند بر اساس اصل آینده نگری - که از جمله «فتقعد ملوماً محسوراً» استفاده می شود - (چرا که «فاء» در «فتقعد» برای بیان نتیجه و پایان و آینده کار است) انسان را از افراط و تفریط در انفاق و .. منع کرده است.

30- اهمیت ذکر زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 10

10- لزوم توجه انسان به حیات اخروی و ذخیره سازی امکانات خود برای آن

أذهبتم طیبتکم .. و استمتعتم بها ... تجزون عذاب الهون

تذکر خداوند به فرجام کافران و سرّ بدفرجامی آنان، در حقیقت رهنمودی است به آنان که چگونه بیندیشند و چگونه زندگی کنند؛ تا به فرجام شوم کافران مبتلا نشوند.

31- اهمیت زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 5

5- زندگی دنیوی ، در پرتو وجود معاد و حیات اخروی ، ارزشمند و هدفدار می شود .

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثاً و أنّکم إلینا لاترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 6

6- حیات آخرت ، حیات اصلی و هدف نهایی برای بشر است .

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالصِهِ ذِكْرِي الدار

از ستایش شدن پیامبران به آخرت اندیشی و دنیاگریزی، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

32- اهمیت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 5

5- زندگی دنیوی، در پرتو وجود معاد و حیات اخروی، ارزشمند و هدفدار می شود.

ص: 374

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً و أنكم إلينا لا ترجعون

33- اهمیت قانونمندی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 8 - 3

3 - زندگی انسان ها ، چونان نظام طبیعت ، وابسته به رعایت موازین و معیارها

و وضع المیزان . ألا تطغوا فی المیزان

از ارتباط این آیه با آیات پیشین استفاده می شود: چنانچه وجود موازین در نظام جهان، عامل ثبات و پایداری آن است و بی حسابی و بی قانونی به انهدام آن منتهی می شود، زندگی انسان نیز متکی به رعایت معیارها است.

34- اهمیت هدفداری در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 14

14- سود جستن از امکانات زندگی ، بدون هدفی متعالی و احساس مسئولیت ، عملی حیوانی *

یتمتعون و یا کلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

35- ایمان در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 6

6- زندگی واقعی و ارزشمند ، حیات همراه با ایمان و عمل صالح است .

من عمل صالحاً . . . و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) بنابر اینکه «حیاه طیبه» زندگی دنیوی باشد. ب) زنده شدن انسان مؤمن و نیک کردار در زندگی دنیا، اشاره به این معنا دارد که زندگی بدون ایمان، در حقیقت زندگی شایسته و درخور شأن انسان نیست و حیات واقعی به ایمان و عمل

صالح است.

36- بازگشت به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 10 - 1

ص: 375

1 - معاد ، بازگشت دوباره انسان به زندگی است .

لمردودون فی الحافره

«حافره» به معنای خلقت نخستین است (لسان العرب). هم چنین در بیان حالت کسانی که به همان راهی بازگردانده شوند که از آن آمده اند، «مردودون فی الحافره» گویند (مفردات راغب). در این معنا، «حافره» به معنای «ذات حفر» یا «محفوره» و منطبق بر اثر پای رونده است.

37- باطن زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 4

4 - زندگی دنیوی دارای ظاهر و باطن است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

ظاهر، در برابر باطن است و دلالت می کند که دنیا، علاوه بر ظاهر، باطن هم دارد.

38- برتری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 18 - 1

1 - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

والآخره خیر و أبقى . إنّ هذا لفی الصحف الأولى

«الصحف»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 19 - 3

3 - برتری آخرت بر زندگانی دنیا و توقف رستگاری بر تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز ، از معارف یاد شده در کتاب های آسمانی ابراهیم و موسی (ع)

قد أفلح . . . بل توثرون ... صحف إبراهيم و موسى

39- برتری زندگی اخروی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 5

5- عطا های رضایت بخش خداوند در آخرت ، دلیل برتری زندگی اخروی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دنیای آن حضرت است .

و للأخـره خیر لك من الأولى . و لسوف یعطیک ربك فـترضی

ص: 376

40- بهترین برنامه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 14,16

14- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جنابک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا علیک الکتب تبییناً لكل شیء و هدی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه؛ یعنی، «و جنابک شهیداً...» با «و نزلنا علیک...» و نیز بنابر اینکه «شهیداً» را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

16- ارائه بهترین برنامه به انسان (قرآن) ، اتمام حجت خداوند بر آدمیان

و یوم نبعث فی کل أمة شهیداً... و نزلنا علیک الکتب تبییناً لكل شیء و هدی

41- بهترین زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 7

7- زندگی در بهشت جاودان ، بهترین و برترین زندگی و سرانجام برای انسان

قل أذلک خیر أم جنة الخلد... جزاء و مصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 2

2- زندگی در بهشت ، برترین زندگی است .

فی عیشه راضیه . فی جنة عالیه

42- بی ارزش زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 3,4,7

3 - لزوم برگزیدن ایمان و هدایت الهی؛ ولو به بهای از دست دادن زندگی دنیوی و متاع آن

وقالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا .. و ما أوتيتم من شیء فمتع الحیوه

4 - حیات اخروی، بهتر و پایدارتر از حیات دنیوی

و ما عند الله خیر و أبقى

«ما» در «ما عند الله» - به قرینه «الحیاه الدنیا» - کنایه از حیات اخروی است.

7 - برگزیدن زندگی دنیوی به بهای از دست دادن سعادت اخروی، عملی نابخردانه است.

و ما أوتيتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا. .. أفلاتعقلون

ص: 377

43- بی ارزشی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 5

5- ارزش مال و فرزند و زندگی ناپایدار دنیا، در قبال عمل صالح جاودان ارزشی فرومایه و محدود است.

المال و البنون زينه الحيوه الدنيا و البقيت الصلحت خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 64 - 8، 7، 3

3 - حیات دنیوی، حیاتی ناچیز و پست است.

و ما هذه الحيوه الدنيا

آوردن اسم اشاره «هذه» قبل از مشارالیه آن، با توجه به این که بدون اسم اشاره هم معنا کامل و رسا بود، برای تحقیر مشارالیه است.

7- مشرکان، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت، بی خبرند.

و لئن سألتهم من... و ما هذه الحيوه الدنيا... لو كانوا يعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی «یعلمون» - به قرینه سیاق - مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

8- انسان ها، در صورت آگاهی و اطلاع از سرگرمی و بازی بودن دنیا و حیات واقعی بودن عالم آخرت، از دنیا دست می کشیدند و به آخرت روی می آوردند.

و ما هذه الحيوه الدنيا إلا لهو... و إنَّ الدار الآخرة لهی الحیوان لو كانوا یع

برداشت بالا بنابر محذوف بودن جواب «لو» است و آن، چیزی مانند این فراز است: «لرغبوا فی الآخرة و زهدوا فی الدنيا».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 39 - 1

1- زندگی دنیایی و بهره های آن، در مقایسه با زندگی اخروی، اندک و زودگذر است.

يقوم إنّما هذه الحيوه الدنيا متع و إنّ الآخره هي دار القرار

«متاع» به چيزی گویند که از آن بهره کم برده می شود. گفتنی است چون دنیا در برابر آخرت قرار گرفته که دار قرار و پایدار است؛ زودگذر بودن آن فهمیده می شود.

44- بی منطقی زندگی مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 9 - 6

6- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

فی شکّ یلعبون

ص: 378

45- پایداری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 4

4 - حیات اخروی ، بهتر و پایدارتر از حیات دنیوی

و ما عند الله خیر و أبقى

«ما» در «ما عند الله» - به قرینه «الحیاه الدنیا» - کنایه از حیات اخروی است.

46- پرسش از مدت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 112 - 1

1 - پرسش خداوند از دوزخیان ، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در «قال» با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. «کم» برای استفهام از مقدار و «لبث» (مصدر «لبثم») به معنای درنگ کردن است.

47- پوچی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 106 - 2

2- واقعیت زندگی کافران ، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست .

ذلک

«ذلک» ممکن است که خبر مبتدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد؛ یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذلک و لا غیر) و می تواند مبتدا باشد و «جزاؤهم» خبر آن و «جهنم» عطف بیان برای مبتدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- پوچی و بی هدفی در زندگی ، از ویژگی های کافران

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

ص: 379

48- پوچی زندگی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 1

1- مشرکان ، مردمی غافل از مسائل جدی و اصلی زندگی و دل مشغول به امور واهی و بی ارزش

و هم یلعبون . لاهیة قلوبهم

«لَهُو» به معنای چیزی است که انسان را از کارهای مهم و سودمند باز دارد (مفردات راغب). توصیف مشرکان به این که قلبشان به لهو و امور غیر مهم مبتلا شده، بیانگر برداشت یاد شده است.

49- پوچی زندگی منکران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 98 - 5

5- زندگی و تلاش منکران رسالت ، سراسر بازیچه و بی ثمر در سعادت آنان است .

أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضَحَىٰ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ

می توان گفت مراد از «لَعَبٌ» در «یلعبون» اشتغال به امور دنیوی و تلاش برای رفع نیازهای مادی است که چون در مسیر حق و هدف تعیین شده برای انسان نمی باشد، از آن به «بازی کردن» تعبیر شده است.

50- تاریخ زندگی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 2

2- زندگی انسان ها از آغاز تاریخ ، زندگی اجتماعی بود .

و ما كان الناس إلا أمة واحدة

«امت» به هر جمعیتی گفته می شود که امر واحدی آنان را گرد هم آورده باشد.

51- تبیین حقیقت زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- ارائه تصویری درست از حقیقت زندگی در دنیا و آخرت ، از نخستین کار های هدایتی مؤمن آل فرعون

يقوم إنما هذه الحيوه الدنيا متع وإنَّ الأخره هي دار القرار

ص: 380

52- تبیین حقیقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 39 - 5

5- ارائه تصویری درست از حقیقت زندگی در دنیا و آخرت ، از نخستین کار های هدایتی مؤمن آل فرعون

يقوم إنما هذه الحيوة الدنيا متع وإن الآخرة هي دار القرار

53- تحولات زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 4

4- پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق ، تاریکی شب و نور ماه) ، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أفسم . . . لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

54- تحولات زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 3

3- مرگ ، سرآغاز تحولی عمیق در سیر حیات و فرایند زندگی بشر

حتى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

55- تحولات زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 53 - 6

6- زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از برخورداری از نعمت و محرومیت

و ما بكم من نعمه فمن الله ثم إذا مسكم الضرّ

56- تحولات زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 4

ص: 381

4 - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق، تاریکی شب و نور ماه)، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبن طبقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

57- تداوم زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 6 - 19

19 - پابرجایی زندگی انسانها در زمین، در عین انقراض امتهای متمدن کافر

فأهلكنهم بذنوبهم و أنشأنا من بعدهم قرناً اخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 20 - 3

3- پایان نیافتن زندگی انسان با «مرگ» و تداوم آن در قیامت با «نفخ صور»

و جاءت سكره الموت بالحقّ .. و نفخ فی الصور

تذکره به «نفخ در صور» و برپایی روز جزا - در پی تذکره به مرگ - پیامدار معنای یاد شده است.

58- تداوم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 9

9 - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لایلاف قریش

چنانچه سوره «قریش» سوره ای مستقل باشد و با سوره «فیل» یک سوره تلقی نگردد؛ حرف «لام» در «لایلاف» متعلق به «فلیعبدوا» در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند.

گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

59- تدبیر زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 37 - 2

2- مدیریت خداوند در تدبیر معیشت انسان ها ، امری روشن و قابل درک است .

أولم یروا أنّ الله یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر

ص: 382

60- تشبیه زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 11

11 - حیات دنیا ، همچون رستنی های کشتزار ، فریبا و ناپایدار است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا . . . کمثل غیث أعجب الکفار نباته ... ثمّ یكون حطماً

61- تعداد زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 2

2 - انسان ، از آغاز آفرینش خود تا روز قیامت ، برخوردار از دو مرگ و دو حیات

قالوا ربّنا أمّتنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

62- تعقل در امکانات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 10

10- لزوم اندیشیدن آدمیان ، در طبیعی ترین امکانات زندگی خویش و توجه یافتن به نقش خداوند در آنها

و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً . . . أثناً و متعاً

63- تفاخر در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

3 - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

أثّما الحیوه الدنیا . . . و تکاثر فی الأموال و الأولاد

واژه «أثّما» (به فتح همزه) نظیر «إثّما» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أثّما الحیوه الدنیا...» معادل «ما الحیاه الدنیا إلاّ لهو

و لعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

ص: 383

64- تفاوت زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 21 - 7

7- زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذین اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محیاه

65- تقدیر زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 2

2- تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بیده الملك و هو على كل شيء قدير . الذی خلق الموت و الحیوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «الذی خلق الموت ..»، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 9

9- « عن الرضا (ع) ليله القدر يقدر الله عزوجل فيها ما يكون من السنه إلى السنه من حياه أو موت أو خير أو شرّ أو رزق فما قدره فی تلك الليله فهو من المحتوم ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: خداوند در شب قدر، آنچه را که از این سال تا سال بعد پیش خواهد آمد مقدر می فرماید؛ از زندگی یا مرگ؛ از خوب یا بد، یا روزی. پس آنچه را خداوند در این شب مقدر فرمود، آن حتمی خواهد بود».

66- تکاثر در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

3- حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

واژه «أَتَمَّا» (به فتح همزه) نظیر «إَتَمَّا» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أَتَمَّا الحَيَوُه الدنیا...» معادل «ما الحیاة الدنیا إلا لهُو و لعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهُو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

67- تلاش برای زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 61 - 2

2 - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هرگونه سعی و تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فليعمل العملون

از تقدم جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فليعمل) - که مفید حصر است - برداشت یاد شده به دست می آید.

68- توسعه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 2

2 - رهایی از تنگناها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی ، ثمره ای برای هجرت در راه خدا

و من يهاجر في سبيل الله يجد في الارض مراغماً كثيراً وسعه

69- جاذبه های زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 2

2- مال و فرزند ، قوی ترین جاذبه های زندگی دنیایند . *

المال و البنون زينه الحيوه الدنيا

70- جاودانگی زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 58 - 3

3 - حیات آخرت ، حیاتی است جاودانه و به دور از مرگ و نیستی .

أفما نحن بميتين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 31 - 1

1 - برپا شدن قیامت پس از مرگ انسان و استمرار حیات بشر و جاودانگی او در عالم هستی

إنهم ميتون . ثم إنكم يوم القيمة عند ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 385

3 - پایداری و پایداری زندگی اخروی، دلیل برتری آن بر زندگی دنیایی است.

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه شریفه با مقایسه کردن زندگی دنیایی و حیات اخروی؛ درصدد بیان برتری زندگی در آخرت می باشد.

4 - دنیا، گذرگاه و مقدمه برای حیات جاودانه آخرت است.

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

واژه «متاع» در برخی از موارد به چیزی گفته می شود که بهره انسان از آن کم و ناپایدار باشد. بنابراین توصیف زندگی دنیایی به «متاع» و زندگی اخروی به «دار القرار» (سرای پایدار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 20

20 - زندگی در آخرت، جاودان و بی انت ها است.

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 18 - 1

1 - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است.

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى . إِنَّ هَذَا لَفِي الصَّحْفِ الْأُولَى

«الصحف»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

71- جایگاه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 4، 1

1 - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كفَاتًا . أحياءً و أمواتًا

تنوین «أحياءً و أمواتًا»، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

4 - « حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَنَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ : هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [هَذِهِ الْآيَةُ] « أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا » ;

حمادبن عیسی از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمادا! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً».

ص: 386

72- جایگاه زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 56 - 2

2 - خداوند زمین را بدون فساد آفرید و آن را برای زندگانی انسان ها جایگاهی شایسته قرار داد .

بعد إصلاحها

73- جذابیت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 15 - 9

9- جان و مال ، پرجاذبه ترین امور در زندگی انسان

و جهدوا بأموالهم و أنفسهم

خداوند، از میان جاذبه های زندگی، فقط به جان و مال اشاره کرده است و چشم پوشی از آن را نشانه ایمان استوار دانسته است.

74- جهل به کوناهای زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 114 - 3

3- دلبستگی انسان به دنیا ، معلول جهل او به ناچیز بودن عمرش

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

75- حرص به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 10

10 - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس .. و من الذين أشركوا

76- حرص مشرکان به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 10

10 - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

ص: 387

لتجدنهم أحرص الناس . . . و من الذين أشركوا

77- حرص يهود به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 13، 5، 4، 3، 2، 1

1 - يهود، حريص ترين مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

2 - يهود، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حريص و دل بسته اند.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

نکره آوردن «حياه» اشاره به این نکته دارد که: يهوديان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حريصند.

3 - روش و منش يهود، نمایانگر حرص شديد آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

«لتجدن» مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که يهود حريص ترين مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی يهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد يهود نمایانگر علاقه شديد آنان به حیات دنیاست.

4 - نمایان بودن علاقه يهود به زندگی دنیا، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جمله «لتجدنهم . . .» استشهادی است برای جمله «لن يتمنوه»؛ یعنی، این حقیقت که يهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود؛ به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

5 - اشتیاق يهود به زندگی دنیا، حتی از مشرکان فروتر است.

و لتجدنهم أحرص الناس . . . و من الذين أشركوا

«من الذين» عطف بر «الناس» می باشد؛ یعنی: «و لتجدنهم أحرص من الذين أشركوا؛ می یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دلبسته ترند».

13 - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

78- حقیقت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 3،7

3- هواپرستان ، معتقد به منحصر بودن زندگی انسان در دنیا و پایان یافتن آن با مرگ *

من اتخذ إلهه هویه . . . وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا

برداشت بالا بدان احتمال است که فاعل «قالوا» هواپرستان باشد که در آیه قبل مطرح بود.

7- زندگی و مرگ در نگاه مشرکان ، پدیده ای طبیعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

ص: 388

و ما يهلكنا إلا الدهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 7

7- مرگ، همانند حیات، مرحله ای از تحوّل و شدن انسان به سوی خداوند است.

إنا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

از این که خداوند پس از «نمیت»، سخن از حرکت و شدن انسان به سوی خویش به میان آورده؛ استفاده می شود که مرگ فنا و پایان کار نیست؛ بلکه مرحله ای از مراحل حرکت هستی، به سوی اهداف الهی است.

79- حقیقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 7

7- تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است.

سیغلبون... یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

نکته یاد شده بر این اساس است که «ال» در «الناس» عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

3- حقیقت حیات دنیوی، پنج چیز بیش نیست: بازی، لهو و سرگرمی، زینت و آرایش، تفاخر و فخرفروشی، و فزون طلبی.

أئما الحیوه الدنیا... و تکاثر فی الأموال و الأولاد

واژه «أئما» (به فتح همزه) نظیر «إئما» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أئما الحیوه الدنیا...» معادل «ما الحیاه الدنیا إلا لهو و لعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

80- حیات زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 64 - 5

5 - آخرت ، سراسر حیات و زندگی است و مرگ و نیستی ، در آن راه ندارد .

وإنّ الدار الآخرة لهی الحيوان

تعبیر «الحيوان» (عین حیات) نشان می دهد که آخرت، حیات محض است.

ص: 389

81- خالق زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 6

6 - معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

82- خلقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 45 - 14

14- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا . . . و كان الله على كل شيء مقتدرًا

83- درخواست زندگی پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 1

1 - تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اكتب لنا في هذه الدنيا حسنة وفي الآخرة

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از «نا» در «لنا»، موسی(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدر کردن است.

84- درخواست زندگی جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 120 - 8

8 - انسان ، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است .

هل اذلك على شجرة الخلد و ملك لايلي

شیطان برای کارگر ساختن وسوسه خویش در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

ص: 390

85- دلایل برتری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 39 - 3

3 - پایداری و پایداری زندگی اخروی ، دلیل برتری آن بر زندگی دنیایی است .

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه شریفه با مقایسه کردن زندگی دنیایی و حیات اخروی؛ درصدد بیان برتری زندگی در آخرت می باشد.

86- ذکر فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 26 - 3

3 - توجه به ناپایداری زندگی دنیایی ، هشدار به انسان ها در فریفته نشدن به آن

كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَاَن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 28 - 3

3 - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَاَن . وَبِئْسَىٰ وَجْهٌ رَّبِّكَ ... فَبِأَىِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

87- ذکر کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 114 - 5

5 - توجه انسان در دنیا به ناپایداری عمر خویش ، دارای نقشی اساسی در گرایش او به دین الهی

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

تعبیر «لو أنکم کنتم تعلمون» می‌رساند که اگر انسان در زندگی دنیوی، به ناپایداری آن توجه داشته باشد، راهی را انتخاب خواهد کرد که به دوزخ و پشیمانی منتهی نشود. آن راه، همان گردن نهادن به شریعت و آیین الهی است.

88- ذکر ناپایداری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 45 - 8

ص: 391

8- توجه به سرعت زوال زندگی دنیا، مایه هشدار و عبرت رفاه مندان و دنیاطلبان است.

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کما انزلنه .. تذروه الریح

با توجه به ارتباط آیه با آیات قبل که در زمینه نشان دادن اندیشه های رفاه مندان مغرور و فرجام آنان بود، نکته بالا فهمیده می شود.

89- رضایت بخشی زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 2

2 - زندگی در بهشت، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشه راضیه

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیه) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

90- رفاه در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 8, 6

6 - دشواریهای زندگی و رفاه و گشایش در آن، در اختیار خداوند است.

فأخذنهم بالبأساء والضراء .. فتحنا علیهم أبوب کل شیء

چون گشایش در زندگی و معیشت (فتحنا) و سختی و تنگنا (فأخذناهم)، هر دو با ضمیر «نا» به خداوند نسبت داده شده است، معلوم می شود که هر دو حالت با اراده خداوند صورت می پذیرد.

8 - فراوانی و رفاه و آسایش همواره نشانه لطف و عنایت الهی نیست.

فلما نسوا ما ذکرنا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا

91- رفاه در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 12

12 - زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ .. ثُمَّ إِذَا أذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ .. فَمَتَّعُوا

92- روش زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 392

13 - استفاده از نعمت های الهی ، سپاس گزاری از خدا و انجام اعمال شایسته ، رسم و راه زندگی ترسیم شده از سوی خدا برای یکایک پیامبران و همه مؤمنان

يَا أَيُّهَا الرِّسَلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 27 - 6,7

6 - راه و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تنها راه و روش صحیح برای بشر و جز آن ، بیراهه خواهد بود .

يقول يلبتني اتَّخَذت مع الرسول سبيلاً

ندامت و تأسف شدید ظالمان از نپیمودن راه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، حکایت می کند که تنها راه پیامبر (صلی الله علیه و آله) راهی است صحیح که در آن پشیمانی و تأسف نیست و همه راه ها جز راه او ، بیراهه است .

7 - پیامبران ، ارائه دهنده راه و روش زندگی سعادت‌مندان

يلبتي اتَّخَذت مع الرسول سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 22 - 10

10 - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستار نمایاندن راه درست زندگی به آنان

واهدنا إلى سواء الصراط

«سواء» در اصل به معنای وسط و میانه است. مقصود از آن در آیه شریفه، راه درست و میانه و به دور از افراط و تفریط در زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 8 - 7

7 - دین داری ، در عین زندگی خواهی و معنویت توأم با توسعه زندگی مادی ، از توصیه های قرآن

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا . واذكر اسم ربك وتبتل إليه تبتلاً

93- روش زندگی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 52 - 3

3- راه و رسم زندگی تعیین شده از سوی خدا برای پیامبران ، راه و رسمی روشن و به دور از هر گونه ، ابهام

وإن هذه أُمَّتكم أُمَّةً وَاحِدَةً

به کارگیری اسم اشاره نزدیک (هذه)، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

ص: 393

94- روش زندگی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 67 - 2، 1

1 - بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند.

و عباد الرحمن .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه «انفاق» به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است «اسراف» (مصدر «یسرفوا») به معنای زیاده روی در مصرف اموال و «قترا» (مصدر «یقتروا») به معنای سخت گیری در مصرف است.

2 - رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

«ذلک» اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و افتار) و «قوام» به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 9

9 - زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مروا باللغو مروا کرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

95- روش زندگی پیروان ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 4 - 2

2 - آشنایی مسلمانان، با ارزش های زندگی ابراهیم (ع) و همگامانش *

قد کانت لکم أسوه حسنه .. والذین معه

تعبیر «کانت لکم أسوه»، می تواند نظر به آشنایی مسلمانان با برنامه های ارزشی ابراهیم(ع) داشته باشد.

96- روش زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 3,6

3- خداوند برای زنبور های عسل ، راه های مناسب با زیست آنها را هموار ساخت .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ذللاً» حال برای «سبیل» باشد.

6- راه زندگی زنبور های عسل در طبیعت ، متعدد و گوناگون است .

ص: 394

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

برداشت فوق، از جمع آمدن «سبیل» استفاده می شود.

97- روش زندگی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 13 - 4

4- غوطه‌وری در زندگی مادی و خوش گذرانی ، شیوه زندگی در جوامع ستمگر

قریه کانت ظالمه .. وارجعوا إلی ما أترفتم فیه

98- روش زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 4

4- لذت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طیبّتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

99- روش زندگی مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 34 - 4

4 - تعالیم پیامبران ، ناسازگار با ایده و زندگی مترفان و خوشگذرانان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها إنا بما أرسلتم به کفرون

ایستادگی همواره مترفان در مقابل تعالیم پیامبران و نپذیرفتن آنها، نشان می دهد که آن تعالیم، با ایده و رفتار آنان سازگار نبوده است.

100- زمان زندگی برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 45 - 4,5

4- مردم در قیامت، زمان درنگ خود در برزخ را بسیار کوتاه احساس می کنند.

و یوم یحشرهم كأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به «لم یلبثوا»، زمان پس از مرگ باشد.

5- مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیا و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند.

ص: 395

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به «لم یلبثوا»، دنیا و زمان پس از مرگ باشد؛ یعنی: «کأن لم یلبثوا فی الدنیا و بعد الموت».

101- زمان زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 45 - 3,5

3 - مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دنیا را بسیار کوتاه و به اندازه لحظاتی که چند تن همدیگر را ببینند و بشناسند، احساس می کنند

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار یتعارفون بینهم

«ساعه» در لغت به معنای جزیی از اجزای زمان، است (کوتاه باشد یا بلند). برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به «لم یلبثوا»، دنیا باشد؛ یعنی: «کأن لم یلبثوا فی الدنیا...».

5 - مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیا و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند .

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به «لم یلبثوا»، دنیا و زمان پس از مرگ باشد؛ یعنی: «کأن لم یلبثوا فی الدنیا و بعد الموت».

102- زمینه پوچی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 42 - 5

5 - زندگی من های دین و ایمان به خدا و قیامت، پوچ و بی هدف و سرگرمی صرف است .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

103- زمینه زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- دنیا، گذرگاه و مقدمه برای حیات جاودانه آخرت است .

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

واژه «متاع» در برخی از موارد به چیزی گفته می شود که بهره انسان از آن کم و ناپایدار باشد. بنابراین توصیف زندگی دنیایی به «متاع» و زندگی اخروی به «دارالقرار» (سرای پایدار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 396

9- دنیا برای انسان، گذرگاه و مقدمه برای زندگی دیگر (حیات اخروی) است؛ نه مقصد و مقصود او.

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم اَیکم أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- زندگی دنیوی، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت.

وإلیه النشور

یادآوری نشر و رستاخیز انسان ها - پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

104- زمینه زندگی پاکیزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- دستیابی انسان به زندگی پاکیزه و خوشایند، در گرو عمل صالح ناشی از ایمان است.

من عمل صلحاً .. و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

105- زمینه زندگی صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- یافتن راه درست زندگی، در گرو درک صحیح از حقیقت زندگی و آخرت

یقوم اتبعون اهدکم سبیل الرشاد .. إنّما هذه الحیوه الدنیا متع و إنّ الآخره

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن آل فرعون در نخستین برنامه هدایتی خود (نشان دادن راه درست زندگی)، به مسأله حقیقت زندگی دنیایی و اخروی پرداخته است.

106- زمینه علم به زندگی دنیوی

1 - ژرف نگری درباره عالم آفرینش ، زمینه توجّه انسان به آخرت و نگرش واقع بینانه به زندگی دنیا است .

يعلمون ظهراً .. أولم يتفكروا في أنفسهم ما خلق الله السموت والأرض و ما ب

«فی أنفسهم» ظرف برای «أولم يتفكروا» است؛ یعنی: «تعجب است که با خود نمی اندیشند.» گفتنی است، از آن جایی که جایگاهی برای اندیشیدن، جز نفس آدمی نیست، قید «فی أنفسهم» اشاره به تفکر عمیق و ژرف دارد. همزه، برای تعجب

است و دلالت می کند بر این که «غافلان از عالم آخرت و سطحی نگران به دنیا چرا چنین هستند؟» اگر آنان، درباره عالم آخرت، به اندیشه بنشینند، حقانیت آن را درخواهند یافت و با دریافت حقانیت آن به عالم آخرت توجه پیدا خواهند کرد.

107- زمینه هدفداری زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 5

5- عنصر ایمان و تقوا، تغییر دهنده ماهیت پوچ زندگی دنیایی به ماهیتی ارزشی و با فرجام

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِن تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ

از ارتباط «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا..» با «إِن تَوَمَّنُوا و...»، استفاده می شود که همین زندگی لعب و لهو، اگر به عنصر ایمان و تقوا آمیخته شد؛ در نزد خدا ارزش می یابد و دارای پاداش خواهد بود.

108- زندگی اجتماعی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 17 - 6

6- دوران پس از نوح (ع)، سرآغاز فصل جدید زندگی اجتماعی و گروهی بشر

من القرون من بعد نوح

خداوند در آیه قبل فرمود: «بسیاری از جوامع بشری را به خاطر فسق و فساد مترفان هلاک کردیم» و در این آیه سخن از هلاکت اقوام پس از نوح به میان آورده است. از مجموع این دو آیه استفاده می شود که وضعیت اجتماعی پیش از نوح(ع) به گونه ای نبود که طبقه مترف وجود و یا نفوذ داشته باشد و گرنه دچار عذاب می شدند. پس عذاب شدن اقوام پس از نوح(ع) نشان می دهد که زندگی اجتماعی آنان به گونه ای دیگر - که دچار عذاب شدند - بود و فصل جدیدی را آغاز کرد.

109- زندگی اجتماعی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 2

2 - زندگی انسان ها از آغاز تاریخ، زندگی اجتماعی بود.

و ما كان الناس إلا أمة وحده

«امت» به هر جمعیتی گفته می شود که امر واحدی آنان را گرد هم آورده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 53 - 5

5 - مؤمنان و کافران ، دارای روحیات و عملکرد متمایز و جدا از یکدیگر علی رغم زندگی مشترک آنان در یک جامعه

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج . . . و حجراً محجوراً

ص: 398

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که تشبیه و تمثیل به کار رفته در آیه شریفه، ناظر به افراد یک جامعه باشد که برخی مؤمن اند و برخی دیگر کافر؛ ولی در عین حال این دو گروه، از نظر روحیات و رفتار، از هم جدا و متمایزاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 14

14 - نیاز متقابل و ارتباط ناگسستی انسان ها با یکدیگر در زندگی اجتماعی

و رفعنا بعضهم فوق بعض درجت لیّتخذ بعضهم بعضاً سخریّاً

110- زندگی اجتماعی انسان های نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 1

1 - انسان ها در جامعه نخستین به صورت امت واحد می زیستند .

و ما كان الناس إلا أمة وحده

111- زندگی اجتماعی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 5

5 - زندگانی قبیله ای ، شیوه زندگی بنی اسرائیل در عصر موسی

وقطّعتهم اثنتی عشره أسباطاً أمما

112- زندگی اجتماعی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 13

13 - جنیان نیز همانند آدمیان ، دارای زندگی اجتماعی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 7

7- جنیان ، موجوداتی دارای زندگی اجتماعی و گروهی

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 399

8- جنیان ، دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نفرًا من الجنّ . . . ولّوا إلى قومهم منذرين

تعبیر «قومهم» بیانگر مطلب بالا است.

113- زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 48 - 3

3- شرایط زندگی و حیات انسان در قیامت متفاوت با دنیاست .

يوم تبدّل الأرض غير الأرض و السموت

روشن است که با تبدیل و دگرگونی نظام جهان زندگی انسان هم متناسب با آن تغییر می یابد؛ چون بین زندگی انسان و نظام موجود جهان، پیوندی ناگسستی است.

114- زندگی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 27 - 10

10- ستم پیشگان ، بی بهره از ثبات آرامش و فاقد اصول ثابت و سخن استوار در زندگی دنیا و آخرتند .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضَلُّ اللَّهُ ا

از مقایسه صدر و ذیل آیه و مقابله ظالمان با مؤمنان مطلب فوق استفاده می شود.

115- زندگی اخروی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 59 - 2

2- مجرمان ، در روز رستاخیز از یکدیگر جدا شده و به درد فراق مبتلا خواهند بود .

و امتزوا اليوم أيها المجرمون

برداشت یاد شده بر این اساس قرار دارد که مقصود از جدایی مجرمان، جدایی آنان از یکدیگر و ابتلا به درد فراق باشد که این خود عذاب و درد بزرگ روحی و روانی برای آنان خواهد بود.

116- زندگی اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 400

6- زندگی هدایت یافتگان در جهان آخرت، زندگی در جوار لطف و رحمت بیکران خداوند است.

و ما عند الله خیر و أبقى

با توجه به قید «عندالله» (نزد خدا) - که می تواند کنایه از لطف و رحمت واسعه او باشد - برداشت یاد شده به دست می آید.

117- زندگی ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 6

6- زندگی واقعی و ارزشمند، حیات همراه با ایمان و عمل صالح است.

من عمل صالحًا . . . و هو مؤمن فلنحييته حيوة طيبة

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) بنابر اینکه «حیاه طیبه» زندگی دنیوی باشد. ب) زنده شدن انسان مؤمن و نیک کردار در زندگی دنیا، اشاره به این معنا دارد که زندگی بدون ایمان، در حقیقت زندگی شایسته و درخور شأن انسان نیست و حیات واقعی به ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 16 - 7

7- زندگی مشقت بار همراه با ایمان و توحید، بر زندگی آسوده شرک آلود ترجیح دارد.

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلا الله فأووا إلى الكهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 2 - 8

8- زندگی بدون ایمان به وحی و معاد، بازیچه و بی هدف است.

ما يأتهم من ذكر . . . و هم يلعبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «يلعبون» ناظر به زندگی طبیعی و روز مره مشرکان باشد؛ یعنی، آنان به وقت نزول وحی به همان زندگی بی هدف و بازیچه مشغولند. بنابراین کسانی که مبدأ و معاد را انکار کنند (مانند مشرکان) به لعب و بازیچه در زندگی گرفتار

118- زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 6

6 - سراسر زندگی انسان از آغاز تا فرجام ، تحت تدبیر خدای یگانه

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ وَ مِنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

واژه «بیداً» اشاره به آغاز و «یعیده» اشاره به فرجام و «یرزقکم» یادآوری به نیاز مداوم انسان در طول زندگی به الطاف و

ص: 401

حمایت های الهی است.

119- زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 12 - 12

12 - تنظیم معیشت انسان ها ، در پرتو علم و آگاهی خداوند به مصالح نظام هستی

بیسط الرزق .. . إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

120- زندگی انسان ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 5

5 - پراکندگی انسان ها و سکنا گزیدن آنها در مناطق مختلف زمین ، از آیات الهی است .

و من ءایته .. . ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

121- زندگی با ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 14 - 18

18 - مسیحیان بر اثر نقض پیمان الهی و اختلافات داخلی ، زندگی فلاکت باری را برای خویش خواهند ساخت .

فاغرینا .. . و سوف ینبئهم الله بما کانوا یصنعون

بر اساس این احتمال که «سوف ینبئهم»، بیان کیفر دنیوی مسیحیان باشد. بر این مبنا، «ما کانوا یصنعون»، اشاره به گرفتاریهایی است که آنان به خاطر کینه و دشمنی با یکدیگر برای خویش به وجود می آورند.

122- زندگی با زنان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 1

1 - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: 1- «خبیث» (ضد «طیب» و مفرد «خبیثات» و «خبیثون») به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث؛ یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. «طیب» (مفرد

ص: 402

«طیبات» و «طیبون» به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب؛ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک است. 2- کلمات «الخبیثات»، «الخبیثین» «الطیبات» و «الطیبون» اوصافی برای موصوف های محذوف مثل «النساء» و «الرجال» است؛ یعنی، «الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و...». 3- لام در «للخبیثین»، «للخبیثات» «للطیبین» و «للطیبات» برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

123- زندگی با زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطیبت للطیبین و الطیبون للطیبت

124- زندگی با فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 25 - 8

8 - زندگی با فاسقان ، دشوار و ناخوشایند بر بندگان شایسته خداوند

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

125- زندگی با مردان پلید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 1

1 - زنان خبیث (بد سرشت و بد کردار) ، شایسته زندگی با مردان خبیث و مردان خبیث ، شایسته زندگی با زنان خبیث اند .

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

برداشت یاد شده، بر مبنای سه نکته است: 1- «خبیث» (ضد «طیب» و مفرد «خبیثات» و «خبیثون») به معنای شیء پست و ناپسند است و انسان خبیث؛ یعنی، کسی که دارای اوصاف و رفتار پست و ناپسند است می باشد. «طیب» (مفرد «طیبات» و «طیبون») به معنای شیء پسندیده و دل پذیر است و انسان طیب؛ یعنی، کسی که به اوصاف و رفتار خوب و پسندیده آراسته و از هر زشتی و پلیدی منزّه و پاک

است. 2- کلمات «الخبیثات»، «الخبیثین» «الطیبات» و «الطیبون» اوصافی برای موصوف های محذوف مثل «النساء» و «الرجال» است؛ یعنی، «الخبیثات من النساء و الخبیثون من الرجال و...». 3- لام در «للخبیثین»، «للخبیثات» «للطیبین» و «للطیبات» برای اختصاص است. با توجه به نکات یاد شده می توان گفت که آیه شریفه در صدد بیان شایستگی ها و ملاک های لازم برای ازدواج می باشد.

126- زندگی با مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

127- زندگی با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 1

1- ابراهیم (ع) ، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او ، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله

128- زندگی برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 26 - 7

7- وجود زندگی بهشتی در عالم برزخ

قیل ادخل الجنّة

129- زندگی برزخی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 26 - 8

8- شهیدان ، برخوردار از زندگی بهشتی در عالم برزخ

قیل ادخل الجنّة

130- زندگی بنی اسرائیل بعد از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 2

ص: 404

2- بنی اسرائیل ، پس از نابودی فرعون ، در سرزمینی با اراضی حاصل خیز که در آن ، از انواع نعمت ها و روزی های پاکیزه و مناسب طبع برخوردار بودند ، روزگار خوشی می گذراندند .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعوثاً صدق و رزقنهم من الطیبیت

131- زندگی بنی اسرائیل در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 93 - 3

3- وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعوثاً صدق و رزقنهم من الطیبیت

132- زندگی بنی اسرائیل دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 160 - 5

5- زندگانی قبیله ای ، شیوه زندگی بنی اسرائیل در عصر موسی

و قَطَّعْنَهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا

133- زندگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 43 - 2

2- زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 58 - 1,2

1 - شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

استفهام در «أفما..» از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

2 - بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

ص: 405

134- زندگی بی ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 9

9- زندگی بدون علم و آگاهی ، پست و بی ارزش است .

من یردّ إلى أرذل العمر لكي لا يعلم بعد علم شيئاً

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که خداوند مرحله ای را که انسان چیزی نمی داند و فاقد آگاهی است، پست ترین مرحله دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 16 - 7

7- زندگی مشقت بار همراه با ایمان و توحید ، بر زندگی آسوده شرک آلود ترجیح دارد .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

135- زندگی پاکیزه زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 2

2- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

136- زندگی پاکیزه مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 2

2- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

137- زندگی پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 7

ص: 406

138- زندگی پسندیده اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 2,4

2 - پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیننده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره

4 - موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست.

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جمله «اِنا هدنا إلیک» تعلیل برای «و اکتب لنا ..» است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار - که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم - گزاف نیست.

139- زندگی پسندیده اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 1

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود.

فأما من أوتی کتبه بيمينه .. فهو فی عیشه راضیه

140- زندگی تلخ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 53 - 4

4 - جامعه اسلامی، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تسمیل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

141- زندگی تلخ مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 53 - 4

ص: 407

4- جامعه اسلامی، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر، گرفتار ناکامی‌ها و تلخی‌ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تئمیل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

142- زندگی جمعی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 38 - 1

1- تمامی جنبندگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می‌کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 19 - 1

1- پرندگان با زندگی دسته جمعی خود، مسخر و رام خدا هستند.

إنا سخرنا الجبال... و الطیر محشوره

«و الطیر» عطف بر «الجبال» و عامل آن فعل «سخرنا» است. «محشوره» نیز به معنای «مجمعه» (دسته جمعی) و حال برای «طیر» است.

143- زندگی جمعی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 38 - 1

1- تمامی جنبندگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می‌کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

144- زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند .

لاتدعوا اليوم ثبورا وحداً و ادعوا ثبوراً كثيراً

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: «درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند» یا به خاطر این است

ص: 408

که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

145- زندگی خانوادگی زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 7

7- زکریا (ع)، به رغم ناامیدی از داشتن فرزند از همسر نازایش، سالیانی دراز به زندگی مشترک خود با وی ادامه داد.

و کانت امرأتی عاقراً

146- زندگی دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 16

16 - اهتمام اسلام، به ازدواج زنان و سامان بخشیدن به زندگی دختران یتیم

التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

«ما كتب لهن»، شامل حق ازدواج هم می شود. در عین حال، به نکاح نیز مستقلاً اشاره شده که بیانگر اهمیت ویژه آن است.

147- زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5

5 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف عليكم و لا اتمتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 7

7 - زندگی در بهشت جاودان، بهترین و برترین زندگی و سرانجام برای انسان

قل أذلک خیر أم جنّہ الخلد . . . جزاء و مصیراً

148- زندگی در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 409

8 - ناروایی زندگی در محیط ظلم

يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها

ظاهر جمله «الظالم اهلها» می رساند که علت اصلی خواست مستضعفان برای خروج از قریه، ستمگر بودن اهل آن است؛ نه اینکه علت این باشد که آنان مورد ستم هستند؛ اگر چه از مجموع آیه به دست می آید که آنان نیز مورد ستم واقع می شدند.

149- زندگی در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 1

1 - روز، زمان زندگی و حیاتی مجدد برای انسان، پس از فرو نشستن آثار حیات او در خواب

و جعلنا النهار معاشًا

«معاش» مصدر میمی و به معنای حیات و زندگی است (لسان العرب). اطلاق حیات بر روز، به این اعتبار است که انسان از خواب شب - که به قرینه تقارن این آیه با دو آیه قبل به مرگ تشبیه شده است - برمی خیزد و حیاتی دوباره آغاز می کند. کسانی که این کلمه را اسم زمان و به معنای زمان عیش (زمان زندگی) دانسته اند، همین مفاد را در نظر گرفته اند.

150- زندگی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 17

17 - زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لكم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

«متاع» به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 3

3 - شرایط روی زمین، در آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است.*

الذی جعل لکم الأرض مهذاً

ممکن است «جعل» به معنای «صیّر» باشد که حاوی معنای تحول و دگرگونی است. در این صورت باید گفت: زمین از آغاز برای زندگی انسان مناسب نبوده است؛ ولی خداوند آن را متحوّل ساخته تا این که شرایط ویژه برای حیات بشر بر روی آن فراهم آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 6

6 - نظام زمین و تناسب آن برای حیات و تغذیه انسان ها و دام های آنان ، حاوی نشانه های فراوانی بر ربوبیت الهی است .

ص: 410

جعل لكم الأرض . . . كلوا ... في ذلك لأيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 64 - 5, 3, 2

2 - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرآراً

3 - زمین ، در آغاز پیدایش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرآراً

«جعل» در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

5 - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّٰه ربّکم . . . اللّٰه الذی جعل لكم الأرض قرآراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - ذاریات - 51 - 48 - 4

4 - مهیا گشتن سطح زمین برای زندگی ، پس از شکل گیری بنای آسمان (نظام کرات) *

و السّماء بنینها . . . و الأرض فرشنها

ترتیب لفظی «و الأرض . . .» بر «و السّماء . . .»، می تواند بیانگر ترتیب حقیقی و تقدّم بنیان آسمان بر سامان زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 4, 3, 1

1 - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

کفآتآ . أحيآء و أموتآ

تنوین «أحيآء و أموتآ»، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

3- آفرینش زمین، برای حیات و مرگ انسان ها، جلوه قدرت و عظمت الهی است.

ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً

4- « حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَّادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَ نَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ : هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [هَذِهِ الْآيَةُ] « أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتاً . أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتاً » ;

حمّادبن عیسی از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است.

و الأرض بعد ذلك دحيها

ص: 411

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

151- زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 8

8 - مطلوبیت زندگی در سرزمین های خوش آب و هوا

و ءاوينهما إلى ربوه ذات قرار و معين

152- زندگی در سرزمین های کوهستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 6

6 - مناطق مرتفع زمین ، دارای ارزش برتر برای زیست

و ءاوينهما إلى ربوه

برداشت فوق، بدان احتمال است که «ربوه» به ارزش مناطق مرتفع اشاره داشته باشد، نه صرف یک گزارش تاریخی.

153- زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 48 - 3

3- شرایط زندگی و حیات انسان در قیامت متفاوت با دنیا است .

يوم تبدل الأرض غير الأرض و السموت

روشن است که با تبدیل و دگرگونی نظام جهان زندگی انسان هم متناسب با آن تغییر می یابد؛ چون بین زندگی انسان و نظام موجود جهان، پیوندی ناگسستگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 15، 18

15 - هشدار الهی به اینکه زندگی دنیا، جز بهره ای فریبنده نیست .

و ما الحیوه الدنیا آلا متاع الغرور

«الغرور»، یا مصدر است و به معنای فریب دادن و گول زدن؛ و یا اسم فاعل است و جمع «غارّ» به معنای فریب دهنده.

18 - لزوم هشیاری در قبال زندگانی دنیا

و ما الحیوه الدنیا آلا متاع الغرور

خداوند حیات دنیا را به فریبنده‌گی توصیف کرد تا به انسانها بفهماند که مبادا ظاهر فریبنده حیات دنیا، شما را از بهشت که

ص: 412

فوز و سعادت است، غافل سازد.

154- زندگی دنیوی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 37 - 11

11 - تلاش برای تأمین توشه و سعادت اخروی ، همراه با تأمین زندگی دنیایی ، از ویژگی مردان الهی است .

رجال لاتلهیهم تجره ولا یبع عن ذکر الله . . یخافون یوماً تتقلب فیہ القلوب و ا

155- زندگی دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 113 - 2

2 - ناتوانی دوزخیان از برآورد دقیق مدت زندگی دنیوی خود ، در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم فسئل العادین

«عَدَّ و تعداد» (مصدر «عادین») به معنای حساب نمودن و شماره کردن است.

156- زندگی دنیوی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 1

1- مؤمنان به خدای یکتا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن که دارای عمل صالح باشند ، از بهترین و پاک ترین زندگی های دنیوی بهره مندند .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم

متعلق «ءامنوا» به قرینه آیات گذشته توحید ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن است. «طوبی» اسم تفضیل مؤنث اظیب و به معنای بهترین و پاک ترین می باشد و مراد از آن به قرینه مقابله آن با «متاب» حیات و زندگانی برتر و پاک تر دنیوی است.

157- زندگی دنیوی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- ستم پیشگان ، بی بهره از ثبات آرامش و فاقد اصول ثابت و سخن استوار در زندگی دنیا و آخرتند .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ

از مقایسه صدر و ذیل آیه و مقابله ظالمان با مؤمنان مطلب فوق استفاده می شود.

ص: 413

158- زندگی دنیوی محسانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 57 - 2

2- نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد.

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الآخرة خیر

159- زندگی دنیوی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 5 - 3

3 - سرگردانی و تحیر در زندگی دنیایی، عذابی جانکاه ورنجی طاقت فرسا برای منکران آخرت

فهم یعمهون. أولئك الذین لهم سوء العذاب

جمله «أولئك الذین..» می تواند تفسیر برای «عَمَهُ» در «فهم یعمهون» باشد.

160- زندگی دنیوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 7

7- زندگانی مؤمنان نیک کردار در دنیا، همراه با ایجاد ناامنی از سوی مستکبران و اندوهبار از سرزنش آنان *

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم الله برحمه ادخلوا الجنة لا خوف علیکم

مطرح ساختن تحقیر مؤمنان از سوی کافران و سپس بیان دو موهبت از میان تمامی مواهب بهشتی اشاره به این دارد که اولاً زندگانی مؤمنان در دنیا آمیخته به ناامنی و حزن است و ثانیاً این حزن عمدتاً از سوی کافران مستکبر ایجاد می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 1

1- مؤمنان به خدای یکتا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن که دارای عمل صالح باشند، از بهترین و پاک ترین زندگی های دنیوی بهره مندند.

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم

متعلق «ءامنوا» به قرینه آیات گذشته توحید ، پیامبر(صلی الله علیه و آله) و قرآن است. «طوبی» اسم تفضیل مؤنث اظیب و به معنای بهترین و پاک ترین می باشد و مراد از آن به قرینه مقابله آن با «مئاب» حیات و زندگانی برتر و پاک تر دنیوی است.

ص: 414

161- زندگی دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 14

14 - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست.

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

«أن يعمر» بدل برای «هو» و یا فاعل برای «مزحزح» است. مآل هر دو به یک معناست؛ معنای جمله «ما هو...» چنین است: یهودیان [بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند] آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

162- زندگی رنج آور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 11

11- زندگانی عالمان در میان نادانان رنج آور و مشکل است.

إني لأجد ريح يوسف لولا أن تقنّدون

163- زندگی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 5

5 - پیدایش همزیستی مسالمت آمیز میان زن و مرد، پس از ازدواج و برانگیخته شدن عواطف ظریف دوستانه میان آنان، از آیات الهی است.

خلق لكم من أنفسكم أزواجًا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودة و رحمه

برداشت بالا بنابراین است که عبارت «و جعل بینکم...» ارائه کلام سابق باشد. در این صورت «و جعل بینکم...» درصدد بیان این مهم است که زن و مرد ناآشنا، چگونه پس از ازدواج، الفت و انس و زندگی محبت آمیزی پیدا می کنند.

164- زندگی سخت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند برای یهودیان متمرّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

«تأذن» یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). «بعث» (مصدر «لیبعثن») به معنای فرستادن است و چون به «علی» متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. «سَوم» (مصدر «یسومون») به معنای تحمیل کردن است.

2 - خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران ، به همگان اعلام

ص: 415

کرد .

و إذ تأذن ربك ليعيثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

6 - مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیعیثن علیهم .. . إن ربك لسريع العقاب

165- زندگی شخصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 10

10 - مسلمانان ، تنها برای مسائل مهم زندگی شخصی ، می توانند محضر رهبری را در حل و فصل امور اجتماعی ترک کنند .

فإذا استئذنونك لبعض شأنهم فأذن

از این که خداوند اذن خواستن را مقید و محدود کرد که برای کارهای مهم باشد، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

166- زندگی شیرین مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 53 - 4

4 - جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تمایل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

167- زندگی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 21 - 7

7 - زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مَحْيَاهُ

168- زندگی مادی اخروی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 416

7 - حیات انسان در آخرت ، حیات مادی و جسمانی است ؛ و نه صرفاً معنوی و روحانی .

و یدخلکم جنّات تجری . . . و مسکن طیّبه

بهره گیری از لذت های مادی (چون باغ های پوشیده از درختان و خانه های دلپذیر در سرای آخرت) مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

169- زندگی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 15

15 - زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مانند دیگر انسان ها ، آمیخته با رنج و سختی بود .

و ما مسنی السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 28 - 9

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) با وجود داشتن شخصیتی مطرح و صاحب نفوذ در مدینه ، زندگی ساده و بی پیرایه داشته است .

قل لأزوجهک إن كنتن تردن الحیوه الدنیا و زینتها فتعالین أمتّعنّ و أسرّحکنّ سراحّ

170- زندگی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 5

5 - پیدایش همزیستی مسالمت آمیز میان زن و مرد ، پس از ازدواج و بر انگیخته شدن عواطف ظریف دوستانه میان آنان ، از آیات الهی است .

خلق لکم من أنفسکم أزوجهآ لتسکنوا إليها و جعل بینکم مودّه و رحمه

برداشت بالا بنابراین است که عبارت «و جعل بینکم . . .» ارائه کلام سابق باشد. در این صورت «و جعل بینکم...» درصدد بیان این مهم است که زن و مرد ناآشنا، چگونه پس از ازدواج، الفت و انس و زندگی محبت آمیزی پیدا می کنند.

171- زندگی مسالمت آمیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 3

3 - مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند . *

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

ص: 417

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

172- زندگی مسالمت آمیز با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 15 - 32

32 - تلاش پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در راه ایجاد زندگی مسالمت آمیز میان مسلمانان و اهل کتاب *

قل ءامنت ... لا حجه بیننا و بینکم

بنابراین که مخاطب پیامبر (صلی الله علیه و آله) اهل کتاب بوده و «لا حجه بیننا و بینکم» کنایه از نفی خصومت و دشمنی باشد، مطلب بالا قابل برداشت است.

173- زندگی مسالمت آمیز با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 10

10 - بندگان خالص خداوند، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند.

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «سلاماً» مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد؛ یعنی، «نتسلم منکم تسلیماً». در این صورت «سلام» به جای «تسلیم» نشسته است.

174- زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 8 - 6

6 - اسلام، طرفدار روابط مسالمت آمیز و عادلانه میان امت اسلام و سایر ملّت ها

لاینبهیکم الله عن الذین لم یقتلوکم

175- زندگی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 11

11 - برابر نبودن زندگی و سرنوشت مشرکان با مؤمنان ، امری روشن در عقل و فطرت آدمی

ص: 418

ضرب الله مثلاً رجلاً .. ورجلاً سلماً لرجل هل يستويان مثلاً

از آمدن «هل» استفهامیه - که برای طلب تصدیق وضع شده و بیشتر در مواردی به کار می رود که مورد تصدیق مخاطب قرار دارد - برداشت یاد شده به دست می آید.

176- زندگی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 13

13 - تمامی جنبندگان زمین و چگونگی زندگی آنها، آیات قدرت خداوند است.

إن الله قادر على أن ينزل .. و ما من دابة في الأرض

177- زندگی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 11

11 - برابر نبودن زندگی و سرنوشت مشرکان با مؤمنان ، امری روشن در عقل و فطرت آدمی

ضرب الله مثلاً رجلاً .. ورجلاً سلماً لرجل هل يستويان مثلاً

از آمدن «هل» استفهامیه - که برای طلب تصدیق وضع شده و بیشتر در مواردی به کار می رود که مورد تصدیق مخاطب قرار دارد - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 21 - 7

7 - زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذين اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محياة

178- زندگی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 98 - 6

6- زندگانی دنیا بدون پایگذاری آن بر مبنای ایمان و تقوا، بازیچه ای بیش نیست .

أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضَحَىٰ وَهُمْ يَلْعَبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 3 - 7

7- زندگی بدون تن دادن به تعالیم دین ، سرگرمی و تباهی عمر است .

ص: 419

ذره‌م . . . و یلههم الأمل

«لهو» در لغت به معنای چیزی است که انسان را مشغول می‌کند و از مراد و مقصودش باز می‌دارد. بنابراین کسی که از هدفش باز بماند، عمر خود را تباه کرده است.

179- زندگی و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 6

6 - حیات بشر، غیر قابل انفکاک از معاد است.

بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

در آیه شریفه، بصیر بودن خداوند به انسان، دلیل معاد گرفته شده است؛ یعنی، هر کس با ویژگی‌های این مخلوق آشنا باشد، معاد را برای او ضروری خواهد دید.

180- زندگی همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 29 - 3

3 - برای همسران پیامبر، دنیاطلبی و در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودن، قابل جمع نبود.

قل لأزواجك إن كنتن تردن الحیوه الدنیا وزینتها فتعالین . . . إن كنتن تردن الله

181- زیبایی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 14

14- ثروت، مکنّت، خوش‌نمایی و آراستگی زندگی کافران، استدراج است.

هم أحسن أثراً و رعياً . . . فلیمدد له الرحمن مدّاً حتّی إذا رآوا ما یوعدون

«استدراج»؛ یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان‌العرب) در این آیه «مدّاً» - که مفعول مطلق است - بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه «حتّی إذا..»، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

182- زینت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

ص: 420

3 - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

أثما الحيوه الدنيا .. و تكاثر في الأموال و الأولد

واژه «أثما» (به فتح همزه) نظیر «إثما» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أثما الحيوه الدنيا...» معادل «ما الحياه الدنيا إلا لهو ولعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

183- زینتهای زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 1

1- مال و فرزند ، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیايند .

المال و البنون زينه الحيوه الدنيا

«بنون» گرچه جمع «ابن» است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در «بنی آدم» و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

184- سختی در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 12

12 - زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

إذا مسّ الناس ضرّاً .. ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه ... فتمتّعوا

185- سختی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 11

11 - زندگانی پر دردسر در دنیا و محسور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، از جلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هداى فلا يضلّ و لا يشقى . و من أعرض عن ذكرى فإنّ له معيشه ضنكاً و نحسره ي

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

186- سختی زندگی آدم (ع) در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 421

6- خداوند، زندگی آدم (ع) را در بیرون بهشت، زندگی سخت و رنج آوری توصیف کرد و او را از ابتلای به آن برحذر داشت.

فلا یخرجنکما من الجنة فتشقی

«شقاوه» به معنای سختی و عسر است (قاموس). در آیات بعد، تلویحاً نمونه هایی از آن سختی ها، بازگو شده است.

187- سختی زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها، تخت ها، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلاً أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

188- سختی زندگی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 1

1 - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت ، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنگاً و نحشر یوم القیمه أعمی . . . و کذلک نجزی من أسرف

اسراف؛ یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه «من اتبع هدای» تجاوز از رهنمودهای الهی است. «ذلک» در «کذلک» اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

189- سطح زندگی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 3

3 - سطح زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان، با کافران مکه، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً منهم

ص: 422

190- سطح زندگی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 3

3 - سطح زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان، با کافران مکه، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت.

و لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجًا منهم

191- سطح زندگی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 3

3 - سطح زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان، با کافران مکه، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت.

و لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجًا منهم

192- سطحی نگری به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 9

9 - محدود شدن آگاهی، به ظاهر زندگی دنیا، همپایه جهل و نادانی است.

أكثر الناس لا يعلمون . يعلمون ظهراً من الحيوة الدنيا

توصیف کسانی که در آیه سابق، جاهل و نادان قلمداد شدند، به کسانی که اطلاعاتی از ظواهر حیات دنیوی دارند، دلیل برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 4

4 - نگرش سطحی به حیات دنیا، عامل بیهوده پنداری آن است.

يعلمون ظهراً من الحيوة الدنيا . . . أولم يتفكروا ... ما خلق الله السموت و ا

در آیه قبل، سخن از سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که «چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقیقت آفرینش آن پی ببرند؟»، چنین توبیخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

193- سهولت تصرف در زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 7

7- دخالت در شؤون زندگی همه انسان ها ، به رغم وسعت و گستردگی آن ، برای خداوند بسی سهل و آسان است .

ما أصاب من مصيبة . . . إنَّ ذلک علی اللّٰه یسیر

ص: 423

194- سهولت زندگی در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 5

5 - توجه به آسان سازی امور زندگانی انسان با آفرینش روز و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

195- شرایط زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 64 - 2

2 - تغایر اصول و شرایط زیستی میان زندگی دنیوی و حیات اخروی *

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

رویش درخت زقوم در قعر آتش جهنم، گویای این نکته است که شرایط و اصول زیست محیطی زندگی انسان ها در آخرت، با دنیا تفاوت و تغایر اساسی خواهد داشت؛ زیرا چنین پدیده ای در دنیا - به جز از راه معجزه - ممکن نیست.

196- شرایط زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 64 - 2

2 - تغایر اصول و شرایط زیستی میان زندگی دنیوی و حیات اخروی *

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

رویش درخت زقوم در قعر آتش جهنم، گویای این نکته است که شرایط و اصول زیست محیطی زندگی انسان ها در آخرت، با دنیا تفاوت و تغایر اساسی خواهد داشت؛ زیرا چنین پدیده ای در دنیا - به جز از راه معجزه - ممکن نیست.

197- ظاهر زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 4

4 - زندگی دنیوی دارای ظاهر و باطن است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

ظاهر، در برابر باطن است و دلالت می کند که دنیا، علاوه بر ظاهر، باطن هم دارد.

ص: 424

198- عبرت از زندگی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 35 - 1

1- زندگی حضرت ابراهیم (ع) و کیفیت و نوع دعایش، درس آموز و شایسته یادآوری است.

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد آمناً

«و إذ قال» متعلق به «اذکر» و یا «اذکروا» در تقدیر است. روشن است که تذکر به یادآوری داستان حضرت ابراهیم(ع) نشانگر اهمیت و درس آموزی آن است.

199- عبرت از زندگی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 39 - 5

5- کسانی که نتوانند از جنبندگان و شکل زندگی آنها به توانمندی خداوند پی ببرند، مانند کر و لالهایی فرورفته در تاریکی هستند.

و ما من دابه فی الأرض . . . إلی ربهم یحشرون. و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظ

مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث با آیه قبل می تواند این مضمون باشد که همین آیات موجود در طبیعت برای هدایت کافی است و کسانی که نتوانند از همین آیات توانمندی خداوند را (إن اللّٰه قادر علی ان ینزل) دریابند، کر و لالهایی ظلمت زده هستند.

200- عدالت در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 135 - 3

3- اسلام، خواهان اجرای عدالت در تمام ابعاد زندگی است.

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط

حذف متعلق قسط، دلالت بر تعمیم و شمول دارد، یعنی باید در تمامی صحنه ها عدالت رعایت شود.

201- عطر زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- فضای زندگی مقربان (پشتازان) در آخرت ، معطر به وسیله انواع گیاهان خوشبو

ص: 425

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ... وَرِيحَانٍ

«ریحان» اسم جنس و دربرگیرنده انواع گیاهان خوشبو و معطر است.

202- عطر زندگی اخروی مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 89 - 3

3- فضای زندگی مقربان (پشتازان) در آخرت، معطر به وسیله انواع گیاهان خوشبو

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ... وَرِيحَانٍ

«ریحان» اسم جنس و دربرگیرنده انواع گیاهان خوشبو و معطر است.

203- علم به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 10

10 - «و سئل أبو عبد الله (ع) عن قوله: «يعلمون ظاهراً من الحياة الدنيا»؟ فقال: منه الزجر والنجوم؛

در مجمع البیان آمده است که از امام صادق (ع) درباره معنای این سخن خداوند «يعلمون ظاهراً من الحياة الدنيا» سؤال شد. فرمود: از جمله آنها (یعنی از جمله دانش های ظاهری حیات دنیا) نوعی کهنات و استفاده از علم نجوم است.».

204- علم به کوناهای زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 114 - 4

4- پی بردن دوزخیان در قیامت به ناچیزی زندگی دنیوی، امری بی ثمر به حال آنان

إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

«لو» در عبارت «لو أنكم كنتم تعلمون» برای تمنی است؛ یعنی، ای کاش! این حقیقت را از پیش می دانستید تا کارتان به دوزخ نمی کشید؛ اما اکنون که در دوزخ هستید، این اعتراف ثمری برای شما ندارد.

205- عمل صالح در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 6

6- زندگی واقعی و ارزشمند ، حیات همراه با ایمان و عمل صالح است .

من عمل صالحًا . . و هو مؤمن فلنحييّه حيوه طيبه

ص: 426

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) بنابر اینکه «حیاه طیبه» زندگی دنیوی باشد. ب) زنده شدن انسان مؤمن و نیک کردار در زندگی دنیا، اشاره به این معنا دارد که زندگی بدون ایمان، در حقیقت زندگی شایسته و درخور شأن انسان نیست و حیات واقعی به ایمان و عمل صالح است.

206- عوامل آسانی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 9

9 - خداترسی و تقوایبشگی، موجب گشایش مشکلات و آسان شدن زندگی

من یتق الله يجعل له من أمره يسرا

207- عوامل بهبود زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 6

6 - کوه ها، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر، نقش دارند.

و ألقى في الأرض روصي أن تميد بكم

«مید» در لغت، «اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ» را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که «أن تمید»، «أن لاتمید» و یا «کراهیه تمید بکم» است.

208- عوامل پوچی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 2 - 8

8- زندگی بدون ایمان به وحی و معاد، بازیچه و بی هدف است.

ما یأتیهم من ذکر . . . و هم یلعبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «یلعبون» ناظر به زندگی طبیعی و روز مره مشرکان باشد؛ یعنی، آنان به وقت نزول وحی به همان زندگی بی هدف و بازیچه مشغولند. بنابراین کسانی که مبدأ و معاد را انکار کنند (مانند مشرکان) به لعب و بازیچه در زندگی گرفتار می شوند.

3- زندگی بدون ایمان و تقوا، دارای انگیزه‌هایی غیر منطقی و یا فاقد انگیزه

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ إِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا

«لعب» به معنای کارهایی است که با انگیزه‌های واهی صورت می‌گیرد و «لهو» اعمالی است که انگیزه‌ای را دنبال نمی‌کند

کند؛ بلکه انسان را از اهداف ارزشی باز می‌دارد. از این که خداوند زندگی بدون ایمان و تقوا را «لعب و لهو» بر شمرده، مطلب بالا استفاده می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 10

10 - اشتغال به دنیا (بازی، لهو و سرگرمی و...)، ره آوردی جز پوچی و بی حاصلی ندارد.

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. کمثل غیث ... ثمّ یکون حطماً

ویژگی‌های پنجگانه‌ای که در آیه شریفه برای دنیا بیان شده، تماماً مصداق کاری است که هیچ ثمره‌ای بر آن مترتب نمی‌شود.

209- عوامل تسهیل زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 2

2 - پیروی از هدایت‌های الهی و به یاد خدا بودن، موجب تسهیل زندگی و برطرف شدن تنگناهای آن است.

من اتبع هدای .. لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنگاً

210- عوامل سختی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 10، 3، 1

1 - روی گردانی از هدایت‌های الهی و یاد او، موجب گرفتاری انسان به زندگی سخت و پر از تنگناها

من اتبع هدای .. و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنگاً

«معیشه» یا مصدر میمی است و یا به معنای «ما یعاش به» است؛ یعنی، آنچه که گذران زندگی با آن صورت می‌گیرد. «ضنگ» به معنای تنگی و سختی است (لسان العرب).

3 - زندگی دنیوی، بدون در نظر داشتن هدایت‌های الهی و بینش‌های آن، معیشتی تنگ و محدود است.

و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنگاً

همان‌طور که در آیات دیگر، خداوند زندگی دنیا را «متاع قلیل» دانسته، ممکن است در این آیه نیز زندگی بدون هدایت را «معیشت تنگ»

معرفی کرده باشد؛ یعنی، دنیا در هر حد و اندازه و به هر مقدار، اگر خالی از هدایت باشد، چیزی جز «معیشت تنگ» نخواهد بود؛ چرا که زندگی بی هدف و بدون اعتقاد به آخرت تکراری، خسته کننده و زحمتی به هدر رفته است.

10 - زندگانی دشوار، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت، مجازات و کیفر الهی آن است.

فإنَّ له معيشه ضنكاً و نحسره يوم القيمة أعمى

تفاوت در تعبیر «فإنَّ له..» و «نحسره...» - که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده - ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

ص: 428

211- عوامل سلامت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 5

5- تأثیر ایمان و عمل ، در سلامت و دلپذیری زندگی دنیوی انسان

من عمل صلحاً . . . و هو مؤمن فلنحييّه حيوه طيبه

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «حياه طيبه» همین زندگی دنیوی باشد.

212- عوامل قوام زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 97 - 1,4

1 - کعبه دارای نقشی مهم در قیام و قوام زندگی انسانها

جعل الله الكعبه البيت الحرام قيماً للناس

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در مورد آیه فوق فرمودند: جعلها الله لدينهم و معيشتهم.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 346، ح 211؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 505، ح 1.

4 - مرکزیت کعبه برای قوام مردمان ، لطف الهی به ایشان

جعل الله الكعبه البيت الحرام قيماً للناس

لحن آیه حکایت از امتنان خداوند بر بندگان دارد.

213- عوامل محرومیت از زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 9

9 - محرومیت از توشه های اخروی ، مایه ناکامی از زندگی حقیقی ؛ حتی در آخرت

لام در «لحياتي» براي تحليل است و «حياه» ممكن است مصدر و به معنای «زنده شدن» باشد. بنابر این مفاد آيه شريفه اين مي شود كه: اي كاش! براي زنده شدن خود، از پيش توشه اي تهيه ديده بوم. اين گفته نشان مي دهد كه در آخرت، خطاكاران آرزوي زنده شدن داشته و خود را از حيات واقعي محروم مي بينند.

214- عوامل مؤثر در زندگي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 429

9- امور معنوی و حالات درونی ، دارای تأثیر در زندگی انسان ها و تحولات تاریخی

لنهلكنّ الظلمين . و لنسكننكم الأرض ... ذلك لمن خاف مقامي و خاف وعيد

«ذلک» تعلیل برای اسکان انبیا به جای اقوام ستمگر پس از هلاکت آنان است که در آن تحول مهم، ترس از حسابرسی و وعید خداوند دارای نقش معرفی شده که امری معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 14

14 - باران و گیاه ، دارای نقشی بسزا در زندگی انسان ها

و أنزل من السماء ما فأخرجنا به أزوجًا من كلّ نبات

مخاطب قرار گرفتن انسان ها در صدر آیه، نشان می دهد که نعمت های یاد شده در آیه، در جهت منافع آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 71 - 6

6 - نقش تعیین کننده روشنایی روز در زندگی بشر

من إله غير الله يأتيكم بضياء

از اهداف مورد نظر در این آیه، بیان اهمیت روشنایی روز و وابستگی زندگی بشر به آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 8

8 - حاکمیت اراده خدا در زندگی روزمره مردم

الله يسطر الرزق لمن يشاء من عباده و يقدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 17

17 - رضا و خشنودی الهی ، دارای بازتاب های عینی و مهم در زندگی انسان

لقد رضی الله . . . فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

«فأنزل السکینه. . .» نتیجه «رضی الله» به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 1

1- گستردگی زمین و آمادگی آن برای زندگی انسان ، به تدبیر و اراده الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 2

2- نقش مهم باد ها و جابه جا شدن ذرات ، در نظام حیات و زندگی

ص: 430

سوگند الهی به پدیده پراکنش و جا به جایی ذرات به وسیله بادها، نشان از اهمیت آن در نظام طبیعت و حیات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 2

2- وجود کوه های استوار و بلند ، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فیها روسی شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

215- عوامل مؤثر در زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 6

6 - چگونگی زندگی انسان در دنیا ، تعیین کننده سرنوشت وی و سازنده حیات اخروی او است .

بل . . . أنتم قدّمتموه لنا

از تعبیر «قدّمتموه لنا» (شما آن عذاب را پیش فرستادید)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 17

17- زندگی اخروی انسان ها ، بازتاب شیوه زندگی آنان در دنیا

الذین ءامنوا . . . جنّـت . . . والذین کفروا . . . النار مثوٰی لهم

خداوند، برای مؤمنان و کافران دو نوع زندگی دنیوی ترسیم کرده و به تناسب هر یک، فرجامی در آخرت برای آنان، مشخص فرموده است.

216- عوامل مؤثر در زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 3 - 8

8- نقش مهم دعا و التجا به درگاه خدا ، در تحولات زندگی انسان و تأمین نیاز های وی

ذکر رحمت ربّك عبده زكريّا . إذ نادى ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 3 - 7

7 - آسمان و زمین ، از منابع ارتزاق انسان ها و تأثیر گذارد در حیات آنان

يرزقكم من السماء و الأرض

ص: 431

217- عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 10

10 - نقش مثبت و سازنده اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أن يبذلہ أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمات .. سئحت

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

218- عوامل مؤثر در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 21 - 10

10 - بازتاب ایمان و عمل صالح ، در زندگی و مرگ انسان

أن نجعلهم كالذین ءامنوا .. محیاهم و مماتهم

219- عوامل هدفمندی زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 5 - 10

10 - عبادت خداوند ، عقاید توحیدی ، ادای نماز و پرداخت زکات ، سامان دهنده امور انسان ها است .

لیعبدوا اللّٰه مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یؤتوا الزکوه و ذلک دین الق

220- غفلت از فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 28 - 4

4 - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

كَلِّ مِنْ عَلَيْهَا فَانَ . وَيَقِي وَجْهَ رَبِّكَ ... فَبَأَيِّ ءَالَاءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

خداوند متعال، نخست فناپذیری زندگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دلپستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

ص: 432

221- فرجام زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 13

13- زندگی دنیا، دارای فرجام و هدفی است که در آخرت، تحقق می پذیرد. است.

بل زعمتم آلن نجعل لکم موعداً

222- فضیلت زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 4

4 - جهان آخرت، زندگی حقیقی انسان است و دنیا در مقایسه با آن، فاقد ویژگی های زندگانی است.

لحياتی

تعبیر «حیاتی»، بیانگر آن است که گوینده آن، حیات را به آخرت اختصاص داده، آن گونه که گویا حیات او در دنیا، حیات نبوده است.

223- فطرت زندگی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 13 - 8

8- گرایش انسان به جمع و اجتماع، امری فطری و تکوینی است. *

و جعلنکم شعوباً و قبائل

تعبیر «جعلنا»، بیانگر قانون تکوینی است و چون در مورد انسان و قرار گرفتن او در میان قوم و قبیله است، فطری بودن گرایش به جمع را می توان استفاده کرد.

224- فلسفه زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 13، 4

4- تقدیر مرگ و حیات ، برای آزمودن انسان ها است .

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم

13- آگاهی بشر از فلسفه و هدف زندگی خویش ، امری مهم و برخوردار از جایگاهی ویژه در جهان بینی الهی - اسلامی

لیبلوکم ائیکم أحسن عملاً

یادکرد فلسفه و هدف خلقت انسان در آغاز سوره و قرار گرفتن آن در سلسله مباحث مربوط به خدا و جهان، بیانگر اهمیت و

ص: 433

جایگاه ویژه این موضوع در میان موضوعات قرآنی و دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 6

6 - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یتروک سدی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان - پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

225- فلسفه زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 46 - 2

2 - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتعوا قليلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

226- فلسفه زندگی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 46 - 2

2 - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتعوا قليلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

227- فلسفه فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- پایان پذیری عمر زندگی دنیا، در راستای ربوبیت الهی برای خلق است؛ نه زوال همیشگی آنان.

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ .. فَبُئِيَءَ الْآءِ رَبِّكُمْ تَكذِّبَان

با توجه به این که «انشقاق آسمان» زمینه ساز برپایی قیامت است، خداوند با تذکر ربوبیت خویش به خلق، یادآور شده است که این فروپاشی به معنای نابودی ابدی نیست؛ بلکه کاری در راستای ربوبیت همیشگی خدا نسبت به آنان است.

ص: 434

228- فناپذیری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 26 - 2

2 - گذرا بودن فرصت های زندگی ، تذکری به انسان در استفاده صحیح و بهینه از آن

کلّ من علیها فان

تذکر خداوند به فنای زمینیان، هشدارى به آنها است که از فرصت حیات بیشترین بهره بردارى کنند و امکانات خویش را در مسیر فانی دنیا هدر ندهند.

229- کمی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 13

13- مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

كأنّهم يوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ ساعة من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است؛ «لم یلبثوا» می تواند ناظر به هر دو باشد.

230- کوتاهی زندگی برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤنون - 23 - 113 - 5

5 - حیات برزخی ، دورانی بسیار کوتاه و گذرا در نظر انسان در پی سپری شدن آن

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم

برداشت فوق، بدان احتمال که پرسش در آیه قبل، مربوط به حیات برزخی باشد، به دست می آید.

231- کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - زندگی دنیوی انسان ، به حق کوتاه و گذرا است .

قل إن لبثتم إلا قليلاً

ضمیر فاعل در «قال» به خداوند بازمی گردد.

2 - انسان ، غافل از کوتاهی و ناپایداری زندگی دنیوی

ص: 435

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

232- کیفیت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 21 - 4

4 - چگونگی مرگ و زندگی انسان ، در گرو چگونگی اعمال او است .

اجتروا السيئات أن نجعلهم كالذين آمنوا و عملوا الصلحت سواء محياهم و مماتهم

233- لعب در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

3 - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخر فروشی ، و فزون طلبی .

أتما الحيوه الدنيا .. و تكاثر فى الأموال و الأولد

واژه «أتما» (به فتح همزه) نظیر «إتما» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أتما الحيوه الدنيا...» معادل «ما الحياه الدنيا إلا لهو و لعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

234- لهویت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

3 - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخر فروشی ، و فزون طلبی .

أتما الحيوه الدنيا .. و تكاثر فى الأموال و الأولد

واژه «أتما» (به فتح همزه) نظیر «إتما» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أتما الحيوه الدنيا...» معادل «ما الحياه الدنيا إلا لهو و لعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

235- متفکران و زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- در زندگی زنبور های عسل ، نشانه ای مهم بر خداشناسی برای اهل تفکر و اندیشه وجود دارد .

و أوحى ربك إلى النحل . . . إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون

236- مثل زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 1

1 - زندگی دنیوی مانند کشتزار سرسبزی است که در معرض انواع رخداد ها و آفت های بنیان کن می باشد .

إنما مثل الحيوه الدنيا كماء . . . حتى إذا أخذت الأرض زخرفها وازينت ... أتيتها أمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 45 - 6,9,1

1- پیامبر ، وظیفه دار استفاده از تمثیل برای بیان حقیقت زندگی دنیا و ناپایداری آن است .

و اضرب لهم مثل الحيوه الدنيا

6- زندگانی دنیا ، مانند بارانی است که موجب رویش انبوه گیاهان زمین شده ، ولی به زودی خُرد و خاشاک گشته و با هر نسیم ، پراکنده می گردد .

واضرب لهم مثل الحيوه الدنيا كماء أنزلنه من السماء . . . هشيماً تذروه الرياح

«هشیم» یعنی، گیاه خشکی که خرد شده است و «ذروه» مصدر «تذروه» یعنی، پراکنده و متفرق ساختن، همراه با برانگیختن. «تذروه» یعنی، بادهای، آن را پراکنده و متفرق می سازند. جمله «فاختلط به نبات الأرض» - در صورتی که «باء» برای استعانت باشد - یعنی، به سبب باران، گیاهان، درهم فرو رفته و انبوهی از ریشه ها و ساقه ها و شاخه های تودر تورا تشکیل می دهند.

9- حیات دنیا و مادیات زندگی ، مانند خاشاکی در مسیر باد است .

مثل الحيوه الدنيا . . . فأصبح هشيماً تذروه الرياح

237- محدوده زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- محدود شمردن زندگی به مجال دنیا، نمودی از ناشنوایی، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضلّه الله علی علم و ختم علی سمعه . . . و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا

238- محدودہ زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 437

12 - مؤمنون - 23 - 79 - 5

5- زندگی بشر ، محدود به توقف ناپایدار وی در دنیا نیست .

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 4

4- هدف آفرینش انسان ، محدود به زندگی دنیوی وی نیست .

یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

اعاده حیات می رساند که هدف از آفرینش، در همین زندگی زودگذر دنیایی تکمیل نمی شود و گرنه نیازی به اعاده آن نبوده است.

239- محدودیت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 9

9- زندگی انسان در دنیا ، دارای مدتی محدود و معین

یمتعکم متعًا حسنًا إلی أجل مسمّی

«مسمّی» به معنای معین و مشخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 57 - 3

3- تنگنای حیات دنیا و گنجایش محدود آن ، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد .

و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الآخره خیر للذین ... و كانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 12

12- زندگی انسان در دنیا ، محدود و بهره‌وری او از نعمت های دنیوی ، اندک و تا زمان معین است .

أثناً و متعاً إلى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 19 - 8

8- مجال زندگی دنیا ، ناکافی برای برخورداری انسان از نتایج کامل همه اعمال خویش و نفی هرگونه ظلم

و لیوفیهم أعمالهم و هم لایظلمون

از این که خداوند، استیفای همه اعمال و نفی هرگونه ظلم را به مجال آخرت محوّل ساخته است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 438

240- محرومان از لذت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 13 - 3

3- اهل دوزخ، هرگز لذت زندگی را نخواهند چشید.

و لایحیی

مراد از نفی حیات - به قرینه «لایموت» - نفی حیات مطلوب است.

241- محرومیت در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 53 - 6

6- زندگی دنیوی انسان ها، آمیزه ای از برخورداری از نعمت و محرومیت

و ما بکم من نعمه فمن الله ثم إذا مسکم الضرّ

242- مدت زندگی دنیوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 112 - 4

4 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إن الله إذا أدخل أهل الجنة النار قال لأهل الجنة: « كم لبثتم في الأرض عدد سنين؟ قالوا: لبثنا يوماً أو بعض يوم قال لنعم ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم رحمتي ورضواني و جنتي أسكنوا في ها خالدین مخلصین ثم يقول: يا أهل النار « كم لبثتم في الأرض عدد سنين قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم » فيقول: بئس ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم ناري و سخطی أمکتوا فیها خالدین؛

رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا يوماً أو بعض يوم». خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا يوماً أو بعض يوم». پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید».

243- مدت زندگی دنیوی جهنمیان

4 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إنَّ الله إذا أدخل أهل الجنَّة الجنَّة وأهل النار النار قال لأهل الجنة : « كم لبثتم في الأرض عدد سنين ؟ قالوا : لبثنا يوماً أو بعض يوم قال لنعم ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم رحمتى ورضوانى و جنتى أسكنوا فى ها

خالدین مخلصین ثم یقول : یا اهل النار « کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم » فیکول : بس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی أمکتوا فیها خالدین ؛

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا یوماً أو بعض یوم». خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا یوماً أو بعض یوم». پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 113 - 3

3 - دوزخیان تعیین دقیق مدت درنگ در دنیا را، به فرشتگان حسابگر ارجاع خواهند داد .

قالوا لبثنا .. فسئل العادین

244- مراد از اعتدال در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 67 - 5

5 - « محمدبن سنان عن أبی الحسن (ع) فی قول الله عزّوجلّ « و کان بین ذلک قواماً » قال القوام هو المعروف « علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف حقاً علی المحسنین » علی قدر عیاله و مؤنّتهم التی هی صلاح له و لهم . . . ؛

محمدبن سنان از امام رضا(ع) در باره قول خدای - عزّوجلّ - «و کان بین ذلک قواماً» روایت نموده است که فرمود: «قوام» همان «معروف» است که در این آیه آمده است: «علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف . . .» [یعنی، خرج کردن] باید به میزان عائله و مخارج آنها باشد، که در جهت صلاح خرج کننده و عائله او است».

245- مراد از زندگی سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 12

12 - « عن أميرالمؤمنین (ع) : و إنّ المعشیه الضنک التی حذر الله منها عدوّه عذاب القبر انّه یسلط علی الکافر فی قبره تسعه و تسعین تیناً فینهشّن لحمه و یکسرن عظمه و یترددن علیه کذلک إلی یوم یبعث ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: همانا «معیشت ضنک» - که خداوند دشمنان خود را از آن برحذر داشته - عذاب قبر است. خدا بر کافر در قبرش 99 مار بزرگ مسلط می کند که گوشت او را می گزند و استخوان وی را می شکنند و همین طور بر روی او رفت و آمد می کنند تا روزی که برانگیخته شود».

ص: 440

246- مشرکان و زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 7

7- زندگی و مرگ در نگاه مشرکان، پدیده ای طبیعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و ما یهلکنا إلا الدهر

247- مشرکان و زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 5

5- اشتیاق یهود به زندگی دنیا، حتی از مشرکان فزوتتر است.

و لتجدنهم أحرص الناس . . . و من الذین أشركوا

«من الذین» عطف بر «الناس» می باشد؛ یعنی: «و لتجدنهم أحرص من الذین اشركوا؛ می یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دلپسته ترند».

248- مشکلات زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 6

6- دشواریهای زندگی و رفاه و گشایش در آن، در اختیار خداوند است.

فأخذنهم بالبأساء والضراء . . . فتحنا علیهم أبواب کل شیء

چون گشایش در زندگی و معیشت (فتحنا) و سختی و تنگنا (فأخذناهم)، هر دو با ضمیر «نا» به خداوند نسبت داده شده است، معلوم می شود که هر دو حالت با اراده خداوند صورت می پذیرد.

249- مشکلات زندگی سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 13

13- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان، از توجیه آیات جهاد، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سورة محكمة و... ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط «سوره محكمه» با «ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت»، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف - که به گونه ای قابل توجیه است - با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

ص: 441

250- مشکلات زندگی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 13

13- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محكمه و... ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط «سوره محكمه» با «ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت»، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف - که به گونه ای قابل توجیه است - با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

251- معرضان از زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 10 - 17

17- اصحاب كهف ، از جلوه های ناپایدار زندگی گریختند و در میدان آزمون الهی پیروز شدند .

إنّا جعلنا ما على الأرض زينه لها .. إذ أوى الفتيه إلى الكهف فقالوا ... و هبّی ء

از نکاتی که می توان درباره ارتباط این آیه با آیات قبل مطرح کرد، سرفرازی اصحاب كهف در امتحان به وسیله زینت های دنیا (زینة لها) و حرکت آنان برای تحقّق دادن عمل نیکو (أحسن عملاً) است.

252- مکان زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 25 - 1

1 - زمین عرصه حیات و مرگ آدمیان

قال فيها تحبون و فيها تموتون

253- مکان زندگی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- فرزندان یعقوب در کنار پدر و پیرامون او زندگی می کردند .

ولما فتحوا متعهم .. قالوا یاأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا

ص: 442

254- مکان زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 4

4- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

255- مکان زندگی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 25 - 2

2 - زمین، عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

قال فیها تحيون و فیها تموتون و منها تخرجون

تکرار کلمه «قال» (قال اهبطوا... قال فیها تحيون) می تواند اشاره به تغییر مخاطب در دو جمله «اهبطوا...» و «فیها تحيون» داشته باشد. در آیه قبل انسانها و نیز شیطان مورد خطاب بودند و در این آیه تنها انسانها مخاطب هستند. و شیاطین مورد خطاب نیستند. بنابراین می توان گفت زمین عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

256- ملاک ارزش زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 1

1- زندگی دنیایی ، بدون ایمان و تقوا ، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست .

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِن تَوَمَّنُوا وَ تَتَّقُوا

از این که خداوند، پس از توصیف زندگی دنیوی، سخن از ارزش ایمان و تقوا به میان آورده؛ استفاده می شود که اوصاف یاد شده برای حیات دنیا، در صورتی است که ایمان و تقوا در آن مطرح نباشد.

257- منشأ زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - « زندگی و مرگ » و « خواب و بیداری » انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا .. وَيُرْسِلُ الْأَخْرَى إِلَى أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 8 - 3

3- زندگی و مرگ ، تنها در قلمرو اراده خداوند یکتا است .

ص: 443

1 - حیات و مرگ آدمیان ، تنها به دست خداوند است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ

2 - عوامل و وسایط الهی ، دارای نقش در شکل گیری مرگ و حیات موجودات *

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ

برداشت بالا بدان احتمال است که ضمیر جمع در «إِنَّا»، از جهت تعظیم نباشد؛ بلکه از آن جهت باشد که نقش عوامل و اسباب را در تحقق اراده الهی بنمایاند.

3 - قدرت و مشیت خداوند ، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثر در مرگ و حیات موجودات

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت عوامل متعدد طبیعی در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

4 - مرگ و حیات ، در اختیار خداوند بوده و او است که می میراند و زنده می گرداند .

6 - در دست داشتن حیات و مرگ موجودات ، جلوه فرمانروایی انحصاری خداوند بر عالم است .

یحیی و یمیت و هو علی کلّ شیءٍ قدیر

«احیاء» و «إماتة»، از مظاهر فرمانروایی مطلق خداوند است. اختصاص به ذکر یافتن آن به خدا، می تواند برای بیان دو مصداق و جلوه از فرمانروایی او باشد.

1 - خداوند ، تقدیرکننده مرگ و حیات انسان ها

الذی خلق الموت و الحیوه

«خلق» در اصل به معنای «تقدیر» است (قاموس المحيط و مفردات راغب) و در آیه 60 سوره «واقع» به همین معنا به کار رفته است «نحن قدرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین».

258- منشأ زندگی در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 5

5 - آمادگی کره خاکی به اراده خداوند برای زندگی انسان ها دلیل شایستگی یگانه او برای پرستش

ص: 444

جعل الأرض قرارًا و جعل خللها أنهرًا .. أعله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 10 - 4

4- قدرت و دانایی آفریدگار هستی ، پشتوانه پیدایش شرایط زیست در کره زمین

العزیز العلیم . الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً لعلکم تهتدون

259- منشأ زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 44 - 2

2- رحمت خدا و تقدیر زندگی محدود و موقت دنیا ، فلسفه استمرار حیات بشر و نجات او از عوامل مرگ و نابودی است .

و لا هم ینقذون . إلاّ رحمه متّاً و متّعاً إلى حین

260- منشأ زندگی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 69 - 7

7- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربّک ذللاً

261- ناپایداری زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 45 - 7،8،12،15

7- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحویه الدنیا کما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشیمًا تذروه الری

8- توجه به سرعت زوال زندگی دنیا، مایه هشدار و عبرت رفاه مندان و دنیاطلبان است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنه .. تذروه الريح

با توجه به ارتباط آیه با آیات قبل که در زمینه نشان دادن اندیشه های رفاه مندان مغرور و فرجام آنان بود، نکته بالا فهمیده می شود.

12- زندگی دنیا، غیرقابل اتکا و همواره در معرض حوادث است .

کما أنزلنه من السماء .. فأصبح هشيمًا تذروه الريح

15- تحولات هستی و زوال حیات دنیا، جلوه ای از قدرت مطلقه خداوند است .

ص: 445

مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنه . . تدروه الریح و کان اللّٰه علی کلّ شیء مقتدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 1

1- مال و فرزند ، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیایند .

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا

«بنون» گرچه جمع «ابن» است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در «بنی آدم» و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 34 - 1

1- خداوند ، حیات جاویدان در دنیا را ، برای هیچ انسانی مقرر نکرده است .

و ما جعلنا لبشر من قبلک الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 15 - 2

2 - زندگی دنیوی ، موقت و ناپایدار است .

ثمّ إنکم بعد ذلک لمیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 28

28 - زندگی دنیایی ، بی ثبات و ناپایدار است .

عرض الحیوه الدنیا

«عرض» به هر شیء ناپایدار و بی ثبات، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - هشدار صالح (ع) به ثمودیان، درباره پایدار نبودن زندگی دنیوی و نعمت‌ها و آسایش آن

أترکون فی ما ههنا ءامنین

استفهام در آیه بالا، انکاری و مفاد آن نفی است؛ یعنی، «اُترکون فی ما ههنا ءامنین؛ شما در نعمتهای این جا آسوده رها نخواهید شد». مقصود این است که این برخورداری‌ها شما را نفریبید و از مرگ غافل‌نکنند؛ زیرا روزی پنجه‌های مرگ‌گریبان تان را خواهد گرفت و شما را از آنها جدا خواهد کرد. همچنین بر فرض که مرگ در نرسد، خود رفاه و امنیت این جا، پایدار نیست و ممکن است ناگهان اوضاع دگرگون شود و همه آنچه که از آن برخوردار هستید، از دستتان برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 4

4 - حیات اخروی، بهتر و پایدارتر از حیات دنیوی

ص: 446

و ما عند الله خير وأبقى

«ما» در «ما عند الله» - به قرینه «الحیاه الدنيا» - کنایه از حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 44 - 3

3 - زندگی انسان و بهره‌وری او از دنیا ، موقت و ناپایدار است .

و متعاً إلى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 2

2 - زندگی دنیایی ، انسان ناپایدار است .

و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 5

5 - زندگی دنیایی ، ناپایدار است .

الذی خلق الموت و الحیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 8

8 - زندگی دنیوی ، گذرگاهی است برای عبور به عالم آخرت .

و إليه النشور

یادآوری نشر و رستاخیز انسان ها - پس از بیان آفرینش زمین و تأمین نیازمندی های بشر در آن - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

262- ناپایداری زندگی دنیوی هدایت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- بهره مندی انسان های هدایت ناپذیر از متاع دنیا، هم چون خود زندگی دنیوی ناپایدار و فانی است.

کمن متّعنه متع الحیوه الدنیا

263- ناپسندی زندگی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 86 - 5

ص: 447

5- زندگی در جوار کفران ، امری نامطلوب و هجرت از بلاد کفر ، امری پسندیده است .

و نَجْنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

264- ناپسندی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 3

3- زندگی دنیایی ، توأم با ناخوشایندی و ناپسندی است .

فی عیشه راضیه

این که در آیه شریفه، زندگی اخروی با رضایت مندی توصیف شده است؛ می تواند اشاره به عیب و کاستی زندگی دنیوی داشته باشد.

265- نارضایتی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 3

3- زندگی دنیایی ، توأم با ناخوشایندی و ناپسندی است .

فی عیشه راضیه

این که در آیه شریفه، زندگی اخروی با رضایت مندی توصیف شده است؛ می تواند اشاره به عیب و کاستی زندگی دنیوی داشته باشد.

266- ناملایمات در زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 66 - 6

6- زندگانی انسان ها در دنیا ، آمیزه ای از ناملایمات و برخورداری از نعمت ها است .

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَکِ دَعَا اللَّهُ... فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ إِلَى الْبَرِّ... لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَى

267- نجات از زندگی ذلت بار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفت بار به اراده الهی

و لقد نجّينا بنی إسرئیل من العذاب المہین

ص: 448

268- نجات از زندگی سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 30 - 1

1- نجات بنی اسرائیل از زندگی سخت و خفت بار به اراده الهی

و لقد نجینا بنی اسرائیل من العذاب المہین

269- نظم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 2

2 - قریش ، به برنامه ای منظم در اداره زندگانی خود خو گرفته بودند .

لایلف قریش

برای «ایلاف» معانی گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله: الفت یافتن، الفت دادن (قاموس)؛ مهیا و مجهز ساختن (تاج العروس)؛ عهد بستن و امان گرفتن (نهایه ابن کثیر). برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست (الفت یافتن) است. چیزی که قریش با آن الفت یافته بودند - به قرینه آیه بعد - کوچ تابستانی و زمستانی بوده است. این برداشت، با معنای «الفت دادن» نیز سازگار است. در آن صورت «اللہ» (فاعل «ایلاف») در کلام ذکر نشده است و «قریش» و «رحله» مفعول اول و دوم می باشد.

270- نعمت در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 53 - 6

6- زندگی دنیوی انسان ها ، آمیزه ای از برخورداری از نعمت و محرومیت

و ما بکم من نعمه فمن اللہ ثم إذا مسکم الضرّ

271- نعمت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 11

11 - آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بواکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

ص: 449

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 4

4 - برخورداری مؤمنان از مسکن مناسب و کیفیت خوب زندگی ، در دیدگاه ادیان الهی ، امری پسندیده و نعمت خدادادی است .

و لقد بؤأنا بنی اسرائیل مَبْوَأَ صَدَقٍ وَ رِزْقَنَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

272- نعمت زندگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 20

20- زندگی خویشاوندان و بستگان در کنار یکدیگر بدون کدورت و تباهی ، از نعمت های خداوند است .

قَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ . . . جَاءَ بَكُم مِّنَ الْبَدْوِ

چنان چه منظور یوسف (ع) در «جاء بکم من البدو» تنها رها شدن خاندانش از صحرائشینی بود و به حضور آنان در کنار خویش نظر نداشت، فعل «جاء بکم» را به کار نمی برد؛ بلکه مثلاً می گفت: «إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنَ الْبَدْوِ» قید «من بعد أن نزغ . . .» گویای این است که حسن زندگانی جمعی بستگان منوط به نبود فساد و تباهی در میان آنان است.

273- نعمت زندگی با فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 13 - 4

4 - حضور فرزندان نزد پدر و مادر و زندگی در جوار آنان ، از نعمت های الهی است .

و بنین شهودًا

«شهود» به معنای حضور است. این قید می رساند که حضور فرزندان در نزد پدر و مادر، نعمتی افزون بر وجود آنان برای والدین است.

274- نعمتها در زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 6

6 - زندگانی انسان ها در دنیا ، آمیزه ای از ناملايمات و برخورداري از نعمت ها است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله... فلما نجّيهم إلى البر... ليكفروا بما أتى

ص: 450

275- نقش زندگی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 16 - 12

12 - زندگی و سیر و سلوک فردی و اجتماعی پیشین افراد ، وسیله ای برای شناخت شخصیت آنان

فقد لبثت فيكم عمراً من قبله أفلا تعقلون

276- نقش زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 100 - 5

5 - زندگی دنیوی ، تنها فرصت عمل و کسب ارزش ها

قال ربّ ارجعون . لعلّی اعمل صالحاً فیما ترکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 27 - 8

8 - رستگاری اخروی مردمان ، وامدار چگونگی سیر و سلوک آنها در دنیا

یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 40 - 13

13 - زندگی دنیوی ، مجال عمل و انتخاب است ؛ اما همراه با مسؤولیت و دریافت نتایج .

اعملوا ما شئتم

از تقابل «یلقی فی النار» و «اعملوا ما شئتم» استفاده می شود که تحریف گران آیات الهی ، تنها در مجال دنیا حق انتخاب دارند و در آخرت مجبور به ورود در آتش اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- زندگانی محدود دنیا، تنها فرصت انسان برای هدایت و اجابت دعوت الهی است.

استجیبوا لربکم من قبل أن یأتی یوم لا مردّ له من اللّٰه

277- نقش زندگی فردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 16 - 12

12 - زندگی و سیر و سلوک فردی و اجتماعی پیشین افراد، وسیله ای برای شناخت شخصیت آنان

فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

ص: 451

278- ویژگیهای زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 58 - 3

3 - حیات آخرت ، حیاتی است جاودانه و به دور از مرگ و نیستی .

أفما نحن بمیتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 7

7 - حیات انسان در آخرت ، حیات مادی و جسمانی است ؛ و نه صرفاً معنوی و روحانی .

و یدخلکم جنّات تجری . . . و مسکن طیّبه

بهره گیری از لذّت های مادی (چون باغ های پوشیده از درختان و خانه های دلپذیر در سرای آخرت) مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 4

4 - جهان آخرت ، زندگی حقیقی انسان است و دنیا در مقایسه با آن ، فاقد ویژگی های زندگانی است .

لحیاتی

تعبیر «حیاتی»، بیانگر آن است که گوینده آن، حیات را به آخرت اختصاص داده، آن گونه که گویا حیات او در دنیا، حیات نبوده است.

279- ویژگیهای زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 15 - 2

2 - زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهرنشان در قصرهای پشستان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

280- ویژگیهای زندگی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 2

2- فرعون و اطرافیانش ، از زندگی اشرافی و زینت های خیره کننده و امکانات اقتصادی عظیمی برخوردار بودند .

ص: 452

نكره بودن «زینه و أموالا» دلالت بر «تفخیم» و «تعظیم» می كند و چون فخامت و بزرگی در هر چیزی متناسب با آن چیز می باشد؛ در تفخیم زینت، خیره كندگی و در تفخیم اموال، فراوانی و عظمت آورده شده است.

281- ویژگیهای زندگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 7

7- در زندگی بهشتیان، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد.

لهم رزقهم فیها بكرة و عشیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها، تخت ها، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلاً أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

282- ویژگیهای زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 2

2- زندگی در بهشت، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشه راضیه

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیه) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- زندگی در بهشت ، برترین زندگی است .

فی عیشه راضیه . فی جتّه عالیہ

283- ویژگیهای زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 453

15- درگیری و اختلاف مستمر آدمیان ، در زندگی دنیوی

و لیبیننّ لکم یوم القیمه ما کنتم فیه تختلفون

آمدن فعل «کنتم» و نظایر آن بر سر فعل دیگر، بیانگر استمرار مضمون آن فعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 45 - 7

7- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحيوه الدنيا كما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشيمًا تذروه الی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 40 - 13

13 - زندگی دنیوی ، مجال عمل و انتخاب است ؛ اما همراه با مسؤولیت و دریافت نتایج .

اعملوا ما شئتم

از تقابل «یلقى فی النار» و «اعملوا ما شئتم» استفاده می شود که تحریف گران آیات الهی، تنها در مجال دنیا حق انتخاب دارند و در آخرت مجبور به ورود در آتش اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 3

3 - زندگی دنیایی ، توأم با ناخوشایندی و ناپسندی است .

فی عیشه راضیه

این که در آیه شریفه، زندگی اخروی با رضایت مندی توصیف شده است؛ می تواند اشاره به عیب و کاستی زندگی دنیوی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 4

4 - جهان آخرت، زندگی حقیقی انسان است و دنیا در مقایسه با آن، فاقد ویژگی های زندگانی است.

لحياتي

تعبير «حياتي»، بيانگر آن است كه گوینده آن، حیات را به آخرت اختصاص داده، آن گونه كه گویا حیات او در دنیا، حیات نبوده است.

284- هدافداری زندگی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 45 - 4

4 - هدفمند و جدی بودن زندگی آدمی

ص: 454

و کُنَّا نَحْوُضُ مَعَ الْخَائِضِينَ

285- هدفداری زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 10

10 - زندگی انسان ها ، هدفمند و دارای غایت و مقصد نهایی است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که هر راهی، مقصود و غایتی دارد و نشان دادن راه، بدون نشان دادن غایت و مقصود نهایی ممکن نیست.

286- هدفداری زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 14

14- زندگی اخروی ، به دور از بیهودگی و پوچی *

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ

مقید شدن «الحیاه» به وصف «الدنیا» - در صورتی که احترازی به شمار آید - می رساند که «لعب و لهو» مخصوص زندگی دنیایی است و در جهان آخرت راه ندارد.

287- هدفداری زندگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 36 - 3,4,5

3 - زندگی انسان ، دارای فلسفه و هدفمند است .

أَيُّحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى

4 - ترغیب خداوند ، به مطالعه درباره آفرینش انسان و هدف و فلسفه زندگی او

أَيُّحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى

5 - آفرینش انسان و هدفمندی زندگی او، نشانه برپایی قیامت

و تذرون الآخره . وجوه یومئذ ناضره ... أیحسب الإنسان أن یترک سدی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره معاد و اثبات برپایی قیامت برای کیفر و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 3

ص: 455

3 - هدف داری آفرینش و زندگی انسان ، دلیل وجود قیامت

أحسب الإنسان أن يترك سدى . . . أليس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

یادآوری توانایی خداوند بر احیای مردگان - پس از طرح مسأله بی هدف نبودن زندگی انسان - می تواند بیانگر این حقیقت باشد که هدفدار بودن آفرینش و زندگی بشر، اقتضا دارد که انسان ها دوباره زنده شوند و به کردار آنان رسیدگی شود؛ زیرا جز این، آفرینش و زندگی بشر، پوچ و بی هدف خواهد بود.

زندگان

288- زندگان واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 36 - 4

4 - اجابت کنندگان دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به او، زندگانند.

إنما یرستجیب الذین یسمعون و الموتی یرعثنهم اللّٰه

ص: 456

1- اخراج زنده از مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 10،11

10 - پیدایش مستمر و بیوقفه موجودات جاندار از پدیده های بی جان و موجودات بی جان از پدیده های جاندار ، از نشانه های ربوبیت خدا

و من ینخرج الحی من المیت و ینخرج المیت من الحی . . . فسیقولون اللّٰه

11 - خداست که پیوسته موجود زنده را از جسم مرده و مرده را از جسم زنده پدید می آورد .

و من ینخرج الحی من المیت و ینخرج المیت من الحی . . . فسیقولون اللّٰه

به کارگیری فعل مضارع در «ینخرج الحی» و «ینخرج المیت» بیانگر استمرار پیدایش مرگ و حیات است.

2- اخراج مرده از زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 10،11

10 - پیدایش مستمر و بیوقفه موجودات جاندار از پدیده های بی جان و موجودات بی جان از پدیده های جاندار ، از نشانه های ربوبیت خدا

و من ینخرج الحی من المیت و ینخرج المیت من الحی . . . فسیقولون اللّٰه

11 - خداست که پیوسته موجود زنده را از جسم مرده و مرده را از جسم زنده پدید می آورد .

و من ینخرج الحی من المیت و ینخرج المیت من الحی . . . فسیقولون اللّٰه

به کارگیری فعل مضارع در «ینخرج الحی» و «ینخرج المیت» بیانگر استمرار پیدایش مرگ و حیات است.

3- پیدایش زنده از مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 1،2،6،10

1 - پدید آورنده موجود زنده از مرده و میراننده موجود زنده ، خداوند است .

ص: 457

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

2 - پدید آمدن موجود زنده از موجود بی جان و موجود مرده از زنده، مستمر و همیشگی است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

جمله های فعلی «يُخْرِجُ الْحَيَّ ... وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ ...» با فعل مضارع آمده است و می تواند بر استمرار و دوام دلالت کند.

6 - حیات بخشی به زمین های موات و مرده، نمودی از پدید آوردن جان داران از دل طبیعت مرده و بی جان است.

و يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ ... وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

«و يُحْيِي الْأَرْضَ» می تواند به منزله ذکر خاص بعد از عام، و در نتیجه «و يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ» نمودی از آن باشد.

10 - پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان و موجود بی جان از جان دار، نشانه قدرت مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ ... وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 9، 4

4 - پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان به دست خداوند است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ ... وَ مِنْ أَيْتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ

6 - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است.

و كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ . وَ مِنْ أَيْتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با «و كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

9 - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است.

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«إِذَا»ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

4- پیدایش مرده از زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 10، 2، 1

1 - پدید آورنده موجود زنده از مرده و میراننده موجود زنده، خداوند است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

2 - پدید آمدن موجود زنده از موجود بی جان و موجود مرده از زنده، مستمر و همیشگی است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

جمله های فعلی «يُخْرِجُ الْحَيَّ . . . وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ ...» با فعل مضارع آمده است و می تواند بر استمرار و دوام دلالت کند.

10 - پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان و موجود بی جان از جان دار، نشانه قدرت مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است.

ص: 458

يخرج الحي من الميت .. و كذلك تخرجون

5- تاریخ پیدایش موجودات زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 5

5- جهان طبیعت ، دارای مراحل و دوره هایی در آفرینش

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا

6- جامعه زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 36 - 5

5 - جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

7- حقیقت زنده بگوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 9 - 4

4 - زنده به گور کردن ، فجیع ترین نوع قتل کودکان

و إذا الموءودة سئلت . بأى ذنب قتلت

فعل «قتلت»، بیانگر این است که مؤاخذه به جهت قتل است. بنابراین کلمه «موءوده» - که نوع خاصی از قتل را مطرح کرده - حاکی از منفورتر بودن آن است.

8- زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 4

4- دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أيمسكه علي هون أم يدسه في التراب

مرجع ضمير در «يمسكه»، مبشّره است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و «علي هون» حال برای ضمير مفعولی «يمسكه» است. «هون» به معنای خواری و ذلت است و «يدس» (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

ص: 459

9- زنده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 8 - 2

2 - زنده به گور کردن دختران ، از رفتار های ناپسند برخی از اعراب جاهلی

و إذا الموءودة سئلت

ظاهر آیه شریفه این است که بین مردم دوران بعثت، نمونه هایی از دفن دختران زنده پدیدار شده بود و این آیه در صدد بازداشتن مردم از ارتکاب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 9 - 1

1 - برخی از اعراب جاهلی ، دختران خود را بی هیچ گناه و جرمی زنده به گور می کردند .

بأیّ ذنب قتلت

استفهام تقریری در آیه شریفه، متوجه مقتول شده است؛ با آن که مراد از آن مؤاخذه قاتل است. این گونه بیان، تأکید بر نبود عذر و بهانه برای قاتل است.

10- قوای ادراکی موجودات زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 4 - 3

3 - اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده ، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما . . . آیت لقوم یوقنون

طرح خلقت انسان و جنبندگان، به عنوان زمینه ره یابی به یقین، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد؛ چه این که پیدایش این امور، در متن نظام مادی طبیعت، آیتی بزرگ است.

11- قیاس زنده به مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - زندگان با مردگان برابر نیستند .

وما یستوی الأحياء ولا الأموات

ص: 460

12- موجودات زنده آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 4,5

4 - آسمان ها ، دربردارنده موجودات زنده و جاندار

و ما بئ فیهما من دابّه

برداشت یاد شده با توجه به معنای «دابّه» است که به موجود زنده و دارای حرکت، اطلاق می شود.

5 - جانداران موجود در آسمان ها ، فراوان و گسترده اند ؛ نه اندک و استثنایی

و ما بئ فیهما من دابّه

با توجه به واژه «بئ» - که به معنای پراکندگی است - فراوانی موجودات زنده در آسمان هارا می توان استفاده کرد؛ زیرا با توجه به فراخنای آسمان ها، اگر موجودات زنده اندک باشند، تعبیر «بئ» مناسب نمی باشد.

13- مؤاخذه اخروی زنده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 8 - 1

1 - در قیامت ، کسانی که دختران را زنده به گور کرده اند ، مؤاخذه خواهند شد .

و إذا الموءوده سنلت

«موءوده»؛ یعنی، دختری که زنده به گور شود. (لسان العرب) مسؤول بودن دختر - با آن که باید قاتل او مسؤول باشد - یا به خاطر زمینه سازی است، تا او از خداوند درخواست انتقام کند و یا مجاز عقلی است؛ یعنی، از قاتل، درباره او مؤاخذه خواهد شد.

14- مؤاخذه اخروی زنده بگوری فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 9 - 3

3 - قیامت روز مؤاخذه و محکومیت کسانی که فرزندان خود را کشته اند .

بأی ذنب قتلت

فعل «قتلت»، گویای این است که کشتن فرزند - گرچه دختر نباشد و یا او را زنده به گور نکرده باشند - مؤاخذه اخروی را در پی دارد.

15- ناپسندی زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 11

11- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

ص: 461

ایمسکه علی هون أم یدسه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

زنده بگوری

16- حقیقت زنده بگوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 9 - 4

4 - زنده به گور کردن ، فجیع ترین نوع قتل کودکان

و إذا الموءوده سئلت . بأیّ ذنب قتلت

فعل «قتلت»، بیانگر این است که مؤاخذه به جهت قتل است. بنابراین کلمه «موءوده» - که نوع خاصی از قتل را مطرح کرده - حاکی از منفورتر بودن آن است.

17- زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 4

4- دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

ایمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

مرجع ضمیر در «ایمسکه»، مبشّر به است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و «علی هون» حال برای ضمیر مفعولی «ایمسکه» است. «هون» به معنای خواری و ذلت است و «یدس» (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

18- زنده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 8 - 2

2 - زنده به گور کردن دختران ، از رفتار های ناپسند برخی از اعراب جاهلی

و إذا الموءوده سئلت

ظاهر آیه شریفه این است که بین مردم دوران بعثت، نمونه هایی از دفن دختران زنده پدیدار شده بود و این آیه در صدد بازداشتن مردم از

ارتکاب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 9 - 1

1 - برخی از اعراب جاهلی ، دختران خود را بی هیچ گناه و جرمی زنده به گور می کردند .

بأی ذنب قتلت

استفهام تقریری در آیه شریفه، متوجه مقتول شده است؛ با آن که مراد از آن مؤاخذه قاتل است. این گونه بیان، تأکید بر نبود

ص: 462

عذر و بهانه برای قاتل است.

19- مؤاخذه اخروی زنده بگوری دختران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 8 - 1

1 - در قیامت ، کسانی که دختران را زنده به گور کرده اند ، مؤاخذه خواهند شد .

و إذا الموءودة سنلت

«موءوده»؛ یعنی، دختری که زنده به گور شود. (لسان العرب) مسؤول بودن دختر - با آن که باید قاتل او مسؤول باشد - یا به خاطر زمینه سازی است، تا او از خداوند درخواست انتقام کند و یا مجاز عقلی است؛ یعنی، از قاتل، درباره او مؤاخذه خواهد شد.

20- مؤاخذه اخروی زنده بگوری فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 9 - 3

3 - قیامت روز مؤاخذه و محکومیت کسانی که فرزندان خود را کشته اند .

بأی ذنب قتلت

فعل «قتلت»، گویای این است که کشتن فرزند - گرچه دختر نباشد و یا او را زنده به گور نکرده باشند - مؤاخذه اخروی را در پی دارد.

21- ناپسندی زنده بگوری دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 11

11- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

أیمسکه علی هون أم یدسه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

ص: 463

9- زوجیت

1- آثار زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 5

5 - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

2- الوهیت و زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 14

14 - مقام الوهیت ، مبرّا و پیراسته از زوجیت و داشتن همانند

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا .. لیس کمثله شیء

ذکر «لیس کمثله شیء» پس از طرح مسأله زوجیت برخی موجودات، می تواند اشعار به نفی همسر داشتن خدا داشته باشد.

3- اهمیت نظام زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 49 - 4

4 - اهمیت نظام زوجیت ، در جهان

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

از این که خداوند، مسأله زوجیت را به رخ بشر کشیده است، اهمیت آن استفاده می شود؛ زیرا چه بسا اصولاً زاینده گی و حیات متوالی بر پهنه زمین، معلول نظام زوجیت باشد.

4- حاکمیت نظام زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 49 - 2

2- زوجیت ، قانونی حاکم بر نظام جهان و همه مظاهر آن

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

5- زوجیت از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 8

8- نوع حیات و حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) ، از آیات خداوند و از نشانه های قدرت او است .

وآیه لهم الأرض .. سبحن الذی خلق الأزواج کلّها... و ممّا لایعلمون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، در ضمن سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت خداوند است.

6- زوجیت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 2

2- پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

وأنّه خلق الزوجین الذکر و الأنثی . من نطفه

«نطفه» در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

7- زوجیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 166 - 5

5- همسری و زوجیت مرد با زن ، به تدبیر الهی و جلوه ای از ربوبیت او است .

خلق لكم ربكم من أزواجكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 6،14،15

6 - خداوند ، انسان ها را زوج زوج (زن و مرد) آفرید .

ص: 465

ثم جعلكم أزواجًا

14 - آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، کاری آسان برای خداوند

والله خلقكم من تراب ثم من نطفه .. و ما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره إلاّ

15 - آفرینش انسان در قالب زن و مرد و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مجدد انسان ها

والله خلقكم من تراب ثم من نطفه .. إنّ ذلك على الله يسير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت مطلق خدا و نیز توانایی او بر احیای مردگان می باشد؛ مانند آیه «و الله الذی أرسل الرياح .. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 7

7 - زوجیت و همسری ، امری الهی و در راستای منافع انسان

جعل لكم من أنفسکم أزواجًا

8- زوجیت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 1

1 - خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمّ نیه ازوج من الضأن اثنین

«ثمانیه ازواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشا» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه ازواج».

9- زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 4,7

4- حاکمیت قانونِ زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجوداتِ دارای حیات (گیاهان، حیوانات و ...)

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

7- جهان، دارای پدیده های جان داری است که چگونگی حاکمیت قانون زوجیت بر آنها، برای بشر ناشناخته است.

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

متعلق علم در «لایعلمون» ذکر نشده است؛ ولی به تناسب این که آیه شریفه درصدد بیان حاکمیتِ قانونِ زوجیت بر پدیده های جان دار جهان است، می تواند حاکمیت همین قانون باشد.

ص: 466

10- زوجیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 9

9- آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها، در خدمت منافع آدمی

جعل لکم . . . و من الأنعم أزواجًا

11- زوجیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 7

7- نوح (ع)، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه «کل» کلمه ای همانند «حیوان» است؛ یعنی: من کل حیوان . . . کلمه «اثنین» تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 4

4- حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجودات دارای حیات (گیاهان، حیوانات و . . .)

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . . . و ممّا لایعلمون

12- زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 27 - 11، 9

9- نوح (ع)، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند .

فأسلک فیها من کلّ زوجین اثنین

11 - کشتی نوح، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت.

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده - و نه بیشتر - را در کشتی جای دهند (من کل زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

13- زوجیت در گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 12

ص: 467

12 - حاکمیت قانون زوجیت در گیاهان

فأخرجنا به أزوجًا من نبات شتى

14- زوجیت درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 22 - 3

3- درختان و گیاهان محصول دهنده ، مشمول قانون زوجیت هستند و نر و ماده دارند . *

و أرسلنا الريح لوقح

15- زوجیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 1

1 - خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنين

«ثمانیه أزواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشا» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج».

16- زوجیت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 1

1 - خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنين

«ثمانیه أزواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشا» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج».

17- زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 1

1 - خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

ص: 468

«ثمانیه أزواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشاً» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج».

18- زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 4,6

4- گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

«زوج» در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تای از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم است. بنابراین «زوجین»؛ یعنی، دو چیز که هر یک زوج و همتای دیگری است و «اثنین» تأکید برای زوجین است.

6- زمین و گسترش آن، کوه های ثابت و استوار، رودخانه ها، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است.

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 22 - 3

3- درختان و گیاهان محصول دهنده، مشمول قانون زوجیت هستند و نر و ماده دارند.*

و أرسلنا الریح لوقح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 4

4- قانون زوجیت، حاکم بر نظام نباتات

من کل زوج کریم

از معانی «زوج»، جفت است. برخی از مفسران واژه «زوج» را در آیه یاد شده به همین معنا گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 18

18 - وجود قانون زوجیت ، در گیاهان

فأثبتنا فيها من كل زوج كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 4

4 - حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجودات دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و ...)

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها .. و ممّا لایعلمون

ص: 469

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 5

5- وجود زوجیت ، در نباتات و گیاهان

و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

19- زوجیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 15

15 - آفرینش جهان و ایجاد نظام زوجیت ، تجلی ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّٰه ربّی . . . جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 49 - 1

1 - خداوند ، اشیا را جفت (نر و ماده) آفریده است .

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 45 - 2

2 - نظام « زوجیت » در حیات بشر ، نمودی از ربوبیت یگانه خداوند

و أنّ إلى ربّک المنتهی . . . و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأنثی

از ارتباط بین این آیه و آیه «و أنّ إلى ربّک . . .»، مطلب بالا استفاده می شود.

20- زوجیت میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 4

4- گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

«زوج» در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تایی از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم است. بنابراین «زوجین»؛ یعنی، دو چیز که هر یک زوج و همتای دیگری است و «اثنین» تأکید برای زوجین است.

21- عبرت از زوجیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 470

3 - حاکمیت قانون زوجیت بر موجودات جهان ، به تدبیر الهی و شایان تأمل و درس آموزی

و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون

22- فواید زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 15

15 - خداوند ، از هر گیاهی ، زوج سودمند و دارای فایده آفریده است .

فأنبتنا فیها من کلّ زوج کریم

صفت «کریم»، درباره اشیا و مفاهیم به معنای «سودمندی و دارای نفع بودن» است (مفردات راغب).

23- منشأ زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 7

7- زوجیت و همسری ، امری الهی و در راستای منافع انسان

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

24- منشأ زوجیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 12 - 1

1 - خداوند ، تمامی جهان هستی را زوج و دارای جفت آفریده است .

والذی خلق الأزواج کلّها

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از «أزواج»، تمامی مخلوقات الهی باشد. ذکر «أزواج» اشاره به این است که پدیده های

جهان، دارای جفت می باشند.

25- منشأ زوجیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 2

2 - خداوند تمامی رویدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است .

ص: 471

سبحن الذی خلق الأزواج کلها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

«زوج» (مفرد «أزواج») برای دو معنا به کار می رود: 1- مقابل طاق و مرادف جفت; 2- به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 2

2- پیدایش دو جنس مرد و زن در نوع انسان، کار خداوند و نشان قدرت او است.

أزواجًا

«أزواجًا» حال برای ضمیر «کم» در «خلقناکم» است. در این صورت مفاد آیه چنین می شود: خداوند شما را با حالت زوجیت و دو جنس بودن آفرید.

26- منشأ زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 2

2- خداوند تمامی رویدنی های زمین، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است.

سبحن الذی خلق الأزواج کلها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

«زوج» (مفرد «أزواج») برای دو معنا به کار می رود: 1- مقابل طاق و مرادف جفت; 2- به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

27- منشأ زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 2

2- خداوند تمامی رویدنی های زمین، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است.

سبحن الذی خلق الأزواج کلها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

«زوج» (مفرد «أزواج») برای دو معنا به کار می رود: 1- مقابل طاق و مرادف جفت; 2- به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد

شده مبتنی بر معنای نخست است.

28- منشأ زوجیت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 49 - 3

ص: 472

3 - حاکمیت قانون زوجیت بر موجودات جهان ، به تدبیر الهی و شایان تأمل و درس آموزی

و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 45 - 1

1 - قانون « زوجیت » در نظام طبیعت ، پدید آمده به اراده یگانه خداوند

و أنّه خلق الزوجین

29- نعمت زوجیت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 2

2- زوجیت در نظام زندگی انسان ها ، نعمتی است در جهت منافع و مصالح آنان .

و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

برداشت فوق با استفاده از «لام» در «لکم» است که برای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 12

12 - بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسررداری ، نشانه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها .. یخلقکم فی بطون أمهتکم خلقًا من بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 3

3 - وجود دو جنس مرد و زن در نوع انسان ، از نعمت های خداوند به او است .

و خلقنکم أزواجًا

30- نعمت زوجیت بز

7- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

«أنعام» در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. «أزواج» به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

ص: 473

31- نعمت زوجیت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 7

7 - آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

«أنعام» در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. «أزواج» به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

32- نعمت زوجیت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 7

7 - آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

«أنعام» در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. «أزواج» به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

33- نعمت زوجیت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 7

7 - آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

«أنعام» در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. «أزواج» به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

34- نعمت زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 7

ص: 474

7- آفرینش انعام (شتر، گاو، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

«أنعام» در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. «أزواج» به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

35- نقش زوجیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 45 - 3

3- زوجیت (مردی و زنی) در میان بشر، دارای اهمیت و زمینه ساز پی بردن به خالقیت یگانه خداوند

وأنه خلق الزوجین الذکر والأُنثی

از این که خداوند، مسأله زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق را در این زمینه یادآوری نموده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 475

10- زهد

1- آثار زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 16 - 2

2- سعادت اخروی ، در گرو دل نبستن به دنیا و جاذبه های آن است .

من كان يريد الحيوة الدنيا .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 8

8 - آخرت اندیشی و دنیاگریزی ، موجب قدرت و توانایی و کمال بصیرت و روشن بینی است .

أولى الأيدي والأبصر . إنا أخلصنهم بخالصة ذكري الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله «إنا أخلصناهم ..» تعلیل برای اوصافی باشد که برای پیامبران ذکر شده است (أولى الأیدی و الأبصار).

2- آثار زهد بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 52 - 8

8 - رهبانیت و زهدورزی های بی جا ، ارتکاب اعمال ناشایست و شرک ورزی در عبادت ، انحراف از طریقه پیامبران

يَأَيُّهَا الرِّسْلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ .. وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

3- ارزش زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 5

5 - آخرت اندیشی و دوری از دنیاطلبی ، از ارزش های بس والا و مهم

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالصِهِ ذِكْرِي الدار

ص: 476

4- اهمیت زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 25

25 - وابسته نبودن به مظاهر دنیا و دوری از کسب مال از راه های نامشروع ، نشانه تقوایبستگی است .

يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا... لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفْلا تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 20

20 - از امام صادق (ع) روایت شده است : « إياك أن تطمح نفسك إلى من فوقك و كفى بما قال الله عز و جل لرسوله (صلى الله عليه و آله) « فلا تعجبك أموالهم و لا أولادهم » ... »

مبادا دل‌باخته کسانی شوی که از نظر دنیایی برتر از تو هستند و مال و منال آنان را آرزو کنی! در این مورد سخن خدای عز و جل کافی است که به رسول خود می فرماید: مبادا اموال و اولاد آنان تو را مجذوب کند . . . » .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 88 - 7

7- چشم ندوختن به اموال و مکنت های افراد ثروتمند و مرفه ، از وظایف رهبران اسلامی

لَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 8

8 - لزوم بسنده کردن انسان به سهم خویش از امکانات دنیوی و خرج کردن ما زاد آن در راه خدا

و لا تنس نصيبك من الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 13, 15

13 - دل نبستن به دنیا، آخرت خواهی، ترک رفتار زشت و نیک کرداری، بخشی از اهداف ادیان الهی

إنّما هذه الحيوة الدنيا متع .. من عمل سيئه ... و من عمل صالحًا ... يرزقون ف

15 - رهایی از وابستگی به دنیا، آخرت خواهی، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح، از نشانه های دستیابی به راه درست در زندگی

اتّبعون أهدكم سبيل الرشاد .. إنّما هذه الحيوة الدنيا متع ... من عمل سيئه ..

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که یادشدن مسأله زندگانی دنیا و آخرت، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح - پس از طرح مسأله هدایت به راه درست زندگی - می تواند به عنوان مصداق و مظهر این هدایت باشد.

ص: 477

5- تشویق به زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 23 - 8

8- تشویق به دل نبستن به امکانات دنیوی ، در عین خلق شدن آنها برای انسانها

و أرسلنا الريح لوقح فأنزلنا من السماء ماء فأسقيناكموه و ما أنتم له بخزنین . و

ذکر «نحن الوارثون»، پس از آیاتی که در آنها امکانات خدادادی برای انسان مطرح شده است، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 12

12 - مؤمن آل فرعون ، مردم را به دل نبستن به دنیا ، آخرت خواهی ، ترک رفتار زشت و انجام عمل صالح توأم با ایمان ، ترغیب می کرد .

يقوم إنما هذه الحيوه الدنيا متع . . من عمل سيئه . . و من عمل صلحا . . ير

گفته های مؤمن آل فرعون با مردم و فرعونیان، در مقام دعوت و تبلیغ بود؛ چنان که آیه بعد (مالی أذعوكم إلى النجاه . .) تأییدکننده همین مطلب است.

6- ذکر زهد ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 7

7 - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا . . إنا أخلصناهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله «إنا أخلصناهم . .» تعلیل برای «أذکر . .» باشد؛ یعنی، سرگذشت ابراهیم (ع) و . . را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

7- ذکر زهد اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 7

7 - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا .. . إنا أخلصناهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله «إنا أخلصناهم ..» تعلیل برای «أذکر...» باشد؛ یعنی، سرگذشت ابراهیم(ع) و... را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

ص: 478

8- ذکر زهد یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 7

7- صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا .. إنا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله «إنا أخلصناهم ..» تعلیل برای «أذکر...» باشد؛ یعنی، سرگذشت ابراهیم(ع) و... را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

9- زمینه زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 7 - 4

4- ایمان به روز رستاخیز و امید دیدار با خدا ، مایه پیراستگی از دلخوش بودن به مظاهر فریبنده دنیا و آرامش یافتن به آن

إن الذین لا یرجون لقاءنا ورضوا بالحویة الدنیا واطمأنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 107 - 3

3- لازمه پابندی به ایمان ، عدم دل بستگی به دنیا و منافع مادی است .

ذلک بأنهم استحبوا الحویة الدنیا علی الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 4

4- تقوا، عامل رهایی انسان ها از دل بستگی به مادیات (همچون اموال ، اولاد و ...) است .

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

توصیه به رعایت تقوای الهی - پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد - می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 22

22 - تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علی (ع)، ابوذر، ابوبکر، سلمان، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و...) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

ص: 479

11- زهد امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 22

22 - تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علی (ع)، ابوذر، ابوبکر، سلمان، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و...) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

12- زهد انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 51 - 8

8 - گرایش باطنی پیامبران به ترک دنیا و پرهیز از لذت های آن

یا ایها الرسل کلوا من الطیبیت

این که خدا، به پیامبران توصیه می کند که از غذاهای لذیذ استفاده کنید، نشان می دهد که در بین آن بزرگواران، نوعی گرایش به ترک دنیا و اجتناب از لذات آن وجود داشته است؛ که ممکن بود در صورت نبود این توصیه الهی، به نوعی رهبانیت کشیده شوند.

13- زهد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 73 - 12

12 - ساحران در پاسخ فرعون، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند.

إتّما تقضی هذه الحیوه الدنیا . . . والله خیر و أبقى

14- زهد حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - محروم نمودن خویش و یا دیگران از حلال های الهی به نام دین و دینداری ، حرام و ناپسند است .

ما جعل الله من بحيره . . . و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

ص: 480

15- زهد رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 88 - 7

7- چشم ندوختن به اموال و مکنت های افراد ثروتمند و مرفّه ، از وظایف رهبران اسلامی

لاتمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم ولاتحزن علیهم واخفض جناحک للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 6

6 - لزوم پرهیز رهبران الهی ، از دنیاطلبی و توجه به دنیاگرایان

لاتمدنّ عینیک إلی ما متّعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 127 - 2

2- تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 145 - 2

2- تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی است .

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 164 - 2

2- تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی است .

و ما أسئلكم علیه من أجر .. إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 180 - 2

2 - تلاش رهبران الهی برای هدایت خلق ، تنها برای خدا و به دور از مطامع مادی

و ما أسئلكم عليه من أجر . . . إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 4

4 - آخرت اندیشی و دوری از دنیا طلبی ، از خصوصیات رهبران الهی

إتّأ أخلصنهم بخالصه ذكری الدار

ص: 481

16- زهد سلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 22

22 - تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علی (ع) ، ابوذر ، ابوبکر ، سلمان ، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و . . .) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

17- زهد سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 12، 9

9 - افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما ءاتین الله خیر ممّا ءاتیکم

مراد از «ما آتان الله» حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سبأ نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای «خیر» باید می فرمود «ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم».

12 - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال . . . بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

18- زهد عثمان بن مظعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 22

22 - تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علی (ع) ، ابوذر ، ابوبکر ، سلمان ، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و . . .) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درالمنثور آمده است.

19- زهد علمای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 80 - 4،7

4- بی اعتنائی فرزندگان بنی اسرائیل به کوبه قارون و جلوه نداشتن ثروت افسانه ای وی در چشم و دل ایشان

فخرج علی قومه فی زینته . . . و قال الذین أُوتوا العلم و یلکم ثواب اللّٰه خیر

7- ثروت افسانه ای قارون ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزندگان بنی اسرائیل

ص: 482

وقال الذين أوتوا العلم ويلكم ثواب الله خير

20- زهد علمای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 5

5 - وارثان کتاب های آسمانی باید از دل بستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنی

21- زهد علمای ربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 31

31 - احبار و ربانیون ، عالمانی خداترس ، بی طمع و دل بریده از دنیا

الربنیون و الاحبار .. فلا تخشوا الناس و اخشون

22- زهد علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 31

31 - احبار و ربانیون ، عالمانی خداترس ، بی طمع و دل بریده از دنیا

الربنیون و الاحبار .. فلا تخشوا الناس و اخشون

23- زهد مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 6

6- چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و يقوم لا أسئلكم عليه مالا إن أجرى إلا على الله

ص: 483

24- زهد مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 3

3 - آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا ، ویژگی مجاهدان در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل اللّٰه الذّٰین یشرون الحیوه الدّٰنیا بالآخره

25- زهد مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 6

6- چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و یقوم لا أسئلكم علیه مالاّ إن أجرى إلاّ علی الله

26- زهد معقل بن مقرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 22

22 - تصمیم و عزم برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علی (ع) ، ابوذر ، ابوبکر ، سلمان ، معقل بن مقرن و عثمان بن مظعون و . . .) برای دوری جستن از برخی مواهب دنیوی

یاایها الذّٰین ءامنوا لاتحرموا طیبّٰت ما احلّ الله لکم

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که در برخی تفاسیر همانند مجمع البیان و درّالمنثور آمده است.

27- زهد منفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 8

8 - تحریم خودسرانه روزیهای الهی (زهد نامشروع) حرام و افترا به خداوند است.

قد خسر الذين . . . و حرموا ما رزقهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 6

6 - امساک بی بدیل از خوردن گوشت چهارپایان (زهد بیجا) پیروی از راه شیطان است.

و من الأنعم . . . کلوا . . . و لا تتبعوا خطوت الشیطن

ص: 484

28- زهد ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 7

7 - انسان ها نباید خویشتن را به بهانه های واهی از قبیل: زهدگرایی، آداب و رسوم قومی و... از امکانات و نعمت های زمین محروم سازند.

كلوا مما فى الأرض حللاً طيباً

هر چند مقصود از امر (كلوا) - چنانچه مفسران برآند - بیان اباحه است نه وجوب؛ ولی آوردن صیغه امر برای بیان اباحه می تواند اشاره به این نکته باشد که: متکلم در صدد ترغیب است و خودداری از آن مباح را شایسته نمی شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 13

13 - زهد گرایی با تحریم طبیات و مواهب الهی بر خویش، امری نابجا و ناشایست.

يأيتها الذين ءامنوا كلوا من طيبات .. إن كنتم إياه تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 11

11 - اعراض از تشکیل خانواده، فرزندداری، تعاون اجتماعی و بهره‌وری از روزی های حلال الهی، شیوه ای باطل و نادرست است.*

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجاً .. أفالبطل يؤمنون

بدان احتمال که "و الله جعل لكم.." در مقام بیان ارزش دادن به موضوع همسری و... باشد و در پایان بیان اعتراض آمیز "أفالبطل يؤمنون" در ردّ کسانی باشد که از پذیرش این ارزشها روی گردانند، این برداشت به دست می آید.

29- زهد یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 13

13 - حضرت یحیی، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان، به جهت پاکدامنی و عفت، و پیامبری از تبار صالحان

انّ الله يشرك بيحيى . . . و سیداً و حصورا و نبياً من الصالحين

«حصور» به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: «وسيداً و حصوراً» و الحصور الذی یأبى النساء . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 172، ح 45؛ مجمع البیان، ج 2، ص 742.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 16

16- «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): . . . قال الله تعالى: «و آتيناہ الحکم صبیاً» یعنی الزهد فی الدنيا . . . ;

ص: 485

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده: .. خدای تعالی فرموده است: «و آتیناه الحکم صبیّاً»؛ یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم)....».

30- سرزنش زهد بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 11

11- روزی های پاکیزه ، برای بهره برداری انسان آفریده شده است نه زهدورزی های بی مورد

ورزقنهم من الطیبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 51 - 3

3 - رهبانیت (ترک دنیا و زهدورزی های بی جا) ، انحراف از سیره پیامبران الهی است .

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

با توجه به این که جمله «كلوا من الطيبات» بعد از یاد عیسی و مادرش، مطرح شده است، می تواند به اندیشه نادرست رهبانیت در مسیحیت، اشاره داشته باشد.

31- گرایش به زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 51 - 8

8 - گرایش باطنی پیامبران به ترک دنیا و پرهیز از لذت های آن

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

این که خدا، به پیامبران توصیه می کند که از غذاهای لذیذ استفاده کنید، نشان می دهد که در بین آن بزرگواران، نوعی گرایش به ترک دنیا و اجتناب از لذات آن وجود داشته است؛ که ممکن بود در صورت نبود این توصیه الهی، به نوعی رهبانیت کشیده شوند.

32- محدوده زهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- « حفص بن غیاث عن أبي عبد الله (ع) قال : قلت : جعلت فداك فما حدّ الزهد في الدنيا ؟ قال : فقال : قد حدّ الله في كتابه فقال عزوجلّ : « لكيلا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم » ;

حفص بن غیاث می گوید: به امام صادق(ع) گفتم: فدای شما گردم، حدّ زهد در دنیا کدام است؟ امام(ع) فرمود: خداوند حدّ آن را در قرآن بیان نموده و فرموده: لكيلا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم».

ص: 486

33- ناپسندی زهد افراطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 7

7- تحریم نعمت ها و موهبت های الهی بر خویش ، عملی ناروا و پرهیزی نابه جا است .

كلوا من طيبات ما رزقناكم

توصیه به استفاده کردن از طیبات، برتری این کار را در برابر ریاضت های افراطی نشان می دهد.

ص: 487

11- زیاده طلبی

1- زیاده طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 2

2 - انسان ، موجودی بی نهایت طلب و افزون خواه ، در به چنگ آوردن ثروت و قدرت

ثمّ یطمع أن أزید

2- زیاده طلبی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 30 - 1,2,3,6

1 - جهنم ، در برگیرنده انبوه مجرمان و دارای اشتهاهی سیری ناپذیر

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

2 - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

3 - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ ، تهدیدی برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است؛ استفاده می شود که نباید کافران، کثرت و انبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند؛ بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

6 - طبع دوزخ ، همچون طبع دنیا طلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول . . . و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم «ناسوت» تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیا داران دوزخی باشد.

3- زیاده طلبی دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 488

6 - طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول . . . و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم «ناسوت» تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

4- زیاده طلبی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 4

4 - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از قشر مرفّه ، قدرتمند و افزون خواه بودند .

و جعلت له مالاً ممدوداً . و بنین شهوداً . و مهّدت له تمهیداً . ثمّ یطمع أن أزیّد

5- زیاده طلبی مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 4

4 - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از قشر مرفّه ، قدرتمند و افزون خواه بودند .

و جعلت له مالاً ممدوداً . و بنین شهوداً . و مهّدت له تمهیداً . ثمّ یطمع أن أزیّد

6- زیاده طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً . . . ثمّ یطمع أن أزیّد

7- منشأ زیاده طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 3 - 5

5 - جهالت ، ریشه برترنمایی و مسابقه رقیبان در کسب مال و مقام

کلاً سوف تعلمون

مفعول محذوف «تعلمون» - چه عام (پوچی افتخارات مادی) باشد و چه خاص (پوچی افتخار به عدد افراد قبیله) - بی ارزشی تکاثر را شامل می شود.

ص: 489

12- زید بن حارثه

1- آمیزش زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 17

17 - زیدبن حارثه ، پس از کام گیری از همسرش ، او را طلاق داد و از وی جدا شد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

«وطر» در لغت «نیاز مهم» را گویند (مفردات راغب). در آیه، «قضی... وطراً» کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی آن دو است.

2- احسان به زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 3

3 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به زیدبن حارثه ، انعام و احسان کرده بود .

و إذ تقول للذی . . . و أنعمت علیه

3- اسلام زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 5

5 - اسلام آوردن زیدبن حارثه ، نعمتی اعطایی از جانب خداوند برای وی بود .

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه

در این که «مراد از «أنعم الله» چه چیزی است؟»، اختلاف است. مفسران، از مصداق های بارز آن، اسلام آوردن زید را شمرده اند.

4- بردگی زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 4

4- زید بن حارثه، برده آزاد شده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

و إذ تقول للذی . . . و أنعمت علیه

این که «مراد از «أنعمت علیه» چیست؟»، نوع مفسران بر آن اند که مراد، آزاد شدن زید از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

5- توصیه به زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 32، 8، 9، 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زید بن حارثه، برای ادامه زندگی با همسرش و طلاق ندادن وی، سفارش کرد.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه . . . أمسک علیک زوجک

طبق شأن نزول، این آیه درباره زید بن حارثه و تصمیم اش برای طلاق همسر خود، زینب است. لازم به ذکر است که تعدیه فعل «أمسک» با «علی» متضمن معنای حبس و نگهداری است.

8 - دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از زید بن حارثه، برای رعایت تقوای الهی درباره همسرش زینب

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه . . . و اتق الله

9 - سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زید، برای نگهداری همسرش و نیز رعایت تقوای الهی، امری شایسته یاد و یادآوری است.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه . . . و اتق الله

«إذ» متعلق به «أذکر» مقدر است و در نتیجه، نکته یاد شده، از آن فهمیده می شود.

32 - «عن أبي جعفر (ع) . . . ان رسول الله خطب علی زید بن حارثه، زینب بنت جحش . . . فزوجها إياه فمكثت عند زید ماشاء الله، ثم إنهما تشاجرا فی شیء إلی رسول الله . . . فقال زید: یا رسول الله! تأذن لی فی طلاقها فإن فیها کبراً و إنَّها لتؤذینی بلسانها، فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله): اتق الله و أمسک علیک زوجک . . .»

از امام باقر (ع) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، زینب دختر جحش را برای زید خواستگاری کرد . . . و او را به عقد وی در

آورد. سپس مدتی را که خدا مقدر کرده بود، زینب، پیش زید بود. آن گاه میان زید و زینب، مشاجره ای رخ داد و هر دو پیش رسول خدا، شکوه بردند. زید گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می دهی او را طلاق بدهم. به خاطر این که او متکبر است و با زبانش مرا اذیت می کند؟ رسول خدا فرمود: از خدا بترس و همسرت را نگه دار...».

6- زید بن حارثه و زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 8,9

8 - دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از زید بن حارثه، برای رعایت تقوای الهی درباره همسرش زینب

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه . . . و اتق الله

9 - سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زید، برای نگهداری همسرش و نیز رعایت تقوای الهی، امری شایسته یاد و یادآوری است.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه . . . و اتق الله

ص: 491

«إذ» متعلق به «أذكر» مقدر است و در نتیجه، نکته یاد شده، از آن فهمیده می شود.

7- طلاق همسر زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 6

6 - همسر زیدبن حارثه، با وی ناسازگار بود و زید، تصمیم گرفت از او جدا شود.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. أمسک علیک زوجک

در شأن نزول آیه آورده اند که زینب، همسر زید، به خاطر این که زید، برده ای آزاد شده است، با او ناسازگاری می کرد و این، بر زید ناگوار بود و از این رو تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. امر «أمسک»، به این مطلب اشاره دارد و نیز فرمانی است به زید از عملی ساختن تصمیم اش.

8- عتق زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 4

4 - زیدبن حارثه، برده آزاد شده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

و إذ تقول للذی .. و أنعمت علیه

این که «مراد از «أنعمت علیه» چیست؟»، نوع مفسران بر آن اند که مراد، آزاد شدن زید از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

9- فرزند خواندگی زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 24

24 - زیدبن حارثه، پسر خوانده پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أذعیانهم

10- ناسازگاری همسر زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- همسر زیدبن حارثه، با وی ناسازگار بود و زید، تصمیم گرفت از او جدا شود.

وإذ تقول للذي أنعم الله عليه .. أمسك عليك زوجك

در شأن نزول آیه آورده اند که زینب، همسر زید، به خاطر این که زید، برده ای آزاد شده است، با او ناسازگاری می کرد و این،

ص: 492

بر زید ناگوار بود و از این رو تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. امر «أمسک»، به این مطلب اشاره دارد و نیز فرمانی است به زید از عملی ساختن تصمیم اش.

11- نعمتهای زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 5، 2

2 - زیدبن حارثه ، از نعمت های الهی برخوردار بود .

وإذ تقول للذي أنعم الله عليه

5 - اسلام آوردن زیدبن حارثه ، نعمتی اعطایی از جانب خداوند برای وی بود .

وإذ تقول للذي أنعم الله عليه

در این که «مراد از «أنعم الله» چه چیزی است؟»، اختلاف است. مفسران، از مصداق های بارز آن، اسلام آوردن زید را شمرده اند.

12- همسر زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 17، 18، 19

17 - زیدبن حارثه ، پس از کام گیری از همسرش ، او را طلاق داد و از وی جدا شد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

«و طراً» در لغت «نیاز مهم» را گویند (مفردات راغب). در آیه، «قضی ... وطراً» کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی آن دو است.

18 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زینب ، مطلقه زید ، پس از جدا شدن او از زید ازدواج کرد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

19 - ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زینب ، مطلقه زید به امر خداوند بود .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

